عمدة الكلام

في أحاديث الأحكام

جلد دوم

تاليف مصباح

عمدة الكلام

في أحاديث الأحكام

عنوان کتاب: عمده الکلام فی أحادیث الأحکام

تألیف: مصباح

موضوع: بیان احکام بر مبنای روایات

جلد: دوم

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: ۲۷ رمضان ۱۴۴۲ قمری

Presented by: https://jafrilibrary.org

فهرست مطالب

« احکام روزه »

آیات:

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** »

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما (بودند) واجب شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.[۱]

« **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ** » ماه رمضان (همان ماهی) است که قرآن در آن نازل شده است (کتابی که) راهنمای مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل است، پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد.[۲]

روایات:

۱۱۶۴). هشام بن حکم می گوید: از حضرت امام صادق علیه‌السلام راجع به علّت روزه سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: علّت تشریع روزه و وجوب آن این است که به واسطه آن فقیر و غنی با هم مساوی می گردند، برای اینکه غنی هیچ گاه درد و الم گرسنگی را حسّ نمی کند تا به فقیر ترحّم نماید چه آنکه وی هر گاه هر چیزی را که اراده کند بر آن دست می یابد لذا حق تعالی خواست

[۱] سوره بقره،آیه ۱۸۳.

[۲] سوره بقره،آیه ۱۸۵.

بین مخلوقات، اغنیاء و فقراء آنها تساوی بر قرار نموده و همان طوری که فقراء گرسنگی را لمس می کند اغنیاء نیز درد جوع و گرسنگی را بیابند تا بر ضعفاء رقّت و ترحّم نمایند از این رو روزه را واجب فرمود.[۱]

۱۱۶۵). همچنین آن حضرت فرمودند: برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن روزه است.[۲]

۱۱۶۶). حضرت رضا ؑ فرمودند: روزه به منظور اسرار و عللی بر بندگان واجب شده از جمله بدین وسیله انسان به درد و الم گرسنگی و تشنگی آگاه شده در نتیجه خاضع و آرام و مأجور و شکیبا گردیده و بدین ترتیب به شدائد و سختی های آخرت پی خواهد بود. و نیز روزه سبب می شود که شخص شهوتش شکسته و ضعیف گردد. روزه واعظی است در دنیا که انسان را بر مقدار نیاز و احتیاج بندگان در دنیا و آخرت آگاه می نماید.[۳]

۱۱۶۷). حمزه بن محمد گوید: « **کتبت إلى أبي محمد** ؑ: **لم فرض الله الصوم؟ فورد الجواب ليجد الغني مضض الجوع فيحن على الفقير** » خدمت امام عسکری نامه نوشته و عرض کردم: برای چه خداوند روزه را واجب نموده است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: تا اینکه بی نیاز، سختی گرستنگی را دریافته و به فقیر عطوفت و دلسوزی نماید.[٤]

۱۱۶۸). امام باقر ؑ فرمودند: « **بنی الاسلام علی خمسة اشياء: علی الصلاة والزکاة والصوم والحج والولاية وقال رسول الله** ﷺ **الصوم جنة من النار** » اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و رسول خدا ﷺ فرمود: روزه سپر آتش دوزخ است.[٥]

۱۱۶۹). امام صادق ؑ به علی بن عبدالعزیز فرمودند: « **ألا أخبرك بأصل الاسلام وفرعه**

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۴۸،ح۱۷۶۶.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۴۱۷،ح۵۹۰۴.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۴۹،ح۱۱۶۷.

[٤] کافی،ج۴،ص۱۱۰،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۴۹،ح۱۱۶۸.

[٥] کافی،ج۴،ص۴۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۰۳،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۰،ح۱۱۷۰.

وذروته وسنامه؟ قال: بلى، قال: أصله الصلاة، وفرعه الزكاة، وذروته وسنامه الجهاد في سبيل الله عزوجل، ألا أخبرك بابواب الخير؟ الصوم جنة من النار » آیا تو را از اصل اسلام، و فرع آن و قلّه و مرتفع ترين نقطه آن خبر ندهم؟ گفت: بله. فرمودند: اصل آن نماز، و فرع آن زکات و قله و مرتفع ترين مکان آن جهاد در راه خدای عزوجل است. آيا تو را از درهای خير و خوبی خبر ندهم؟ روزه (که آن) سپری از آتش دوزخ است.[1]

نیت

باید برای روزه واجب و همچنین قضای آن قبل از اذان صبح نیت کرد، و کسی که نیت نکرده است در قضای روزه واجب تا ظهر فرصت دارد که تجدید نیت کند.

اگر کسی آنچه روزه را باطل می کند انجام نداده است در هر وقت روز تا نزدیک غروب می تواند نیت روزه مستحبی نماید.

روزی را که انسان شک دارد که آخر شعبان است یا اول رمضان مستحب است که روزه بگیرد اگر از شعبان باشد روزه مستحبی محسوب می شود و اگر از رمضان باشد پس به روزه آن روز موفق شده است، و آنچه که در منع روزه گرفتن در یوم الشک وارد شده است برای کسی که به نیت روزه واجب آن روز را روزه می گیرد، چرا که روزه رمضان نیست مگر با رویت هلال.

۱۱۷۰). ابی حمزه می گوید: امام سجاد عليه‌السلام فرمودند: « **لا عمل إلا بنية** » هیچ عملی (صحیح و مورد قبول) نیست مگر با نیت.[2]

۱۱۷۱). امام رضا عليه‌السلام فرمودند: « **لا قول إلا بعمل ولا عمل إلا بنية ولا نية إلا باصابة السنة** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد، و هیچ عملی جز با نیت ارزش نـــدارد و هیچ نیتی جز با

---

[1] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۵۰،ح۱۱۷۵. کافی،ج۴،ص۴۱،ح۳. تهذيب الاحکام،ج۴،ص۲۰۴،ح۲.

[2] کافی،ج۲،ص۶۹،ح۱.

موافقت با سنت ارزش ندارد.[1]

۱۱۷۲). رسول الله ﷺ فرمودند: « **لا قول إلا بعمل، ولا قول ولا عمل إلا بنية ..** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد و هیچ گفتار و عملی جز با نیت ارزش ندارد.[2]

۱۱۷۳). همچنین فرمودند: « **انما الاعمال بالنیات** » بدرستی که اعمال وابسته به نیت ها است.[3]

۱۱۷۴). و در حدیثی دیگر فرمودند: « **انما الاعمال بالنیات ولکل امری، ما نوی** » همانا که اعمال به نیت ها وابستگی دارند، و با هرکس طبق نیتش رفتار خواهد شد.[4]

۱۱۷۵). حلبی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر کسی بخواهد در وسط روز نیت روزه کند، آیا می تواند روزه بگیرد؟ فرمودند: بله.[5]

۱۱۷۶). عبد الرحمان بن حجاج گوید: امام کاظم علیه السلام در مورد کسی که بعد از صبح و بالا آمدن خورشید می خواهد روزه قضای ماه رمضان را انجام دهد با آنکه از شب نیت نکرده است. فرمودند: آری آن روز را روزه بدارد و قضای ماه رمضان بشمار آورد مادامی که از مبطلات روزه را انجام نداده است.[6]

۱۱۷۷). همچنین گوید: از آن حضرت در مورد کسی پرسیدم که قضای روزه ماه رمضان را بجا می آورد و بعد از اینکه صبح شده و قبل از زوال خورشید (ظهر) می تواند افطار کند؟

حضرت فرمودند: اگر از شب نیت نموده است و روزه آن روز قضای روزه ماه رمضان است

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۳.

[2] کافی، ج۱، ص۴۱، ح۹.

[3] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۱.

[4] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۲.

[5] کافی،ج۴،ص۷۳،ح۱.

[6] کافی،ج۴،ص۷۳،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۰،ح۵۰۱.

باید افطار نکند و روزه اش را تمام نماید.[۱]

۱۱۷۸). عمار ساباطی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در مورد کسی که بر او چند روز از قضای روزه ماه رمضان است و او می خواهد قضای آنها را بجا آورد، باید چه هنگامی نیت قضای روزه کند؟ فرمودند: تا زوال خورشید (یعنی ظهر) اختیار دارد (که نیت روزه بکند یا آنکه نکند) اما بعد از زوال خورشید اگر نیت روزه نمود باید روزه خود را تمام کند، و اگر نیت روزه نکرد افطار نماید.

و از حضرت سؤال شد: اگر نیت افطار کند، آیا درست است که بعد از ظهر نیت روزه نماید؟ فرمودند: خیر.[۲]

۱۱۷۹). ابوبصیر می گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الصائم المتطوع تعرض له الحاجة؟ قال: هو بالخيار ما بينه وبين العصر وإن مكث حتى العصر ثم بدا له أن يصوم فإن لم يكن نوى ذلك فله أن يصوم ذلك اليوم إن شاء** » از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی می خواهد روزه مستحبی بگیرید کاری برای او پیش می آید (در شب نیت نمی کند)؟ حضرت فرمودند : تا عصر (نزدیک غروب) اختیار دارد و اگر تا عصر نیت نکرد و سپس تصمیم روزه گرفت اگر خواسته باشد می تواند آنروز را روزه بگیرد.[۳]

۱۱۸۰). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **كان أميرالمؤمنين علیه السلام يدخل إلى اهله ويقول: عندكم شئ؟ وإلا صمت فان كان عندهم شئ أتوه به وإلا صام** » همواره امیرالمؤمنین علیه السلام چنین بودند که بر اهل خویش وارد می شدند و می فرمودند: آیا نزد شما چیزی است ؟ اگر نیست روزه بگیرم پس اگر نزد آنان چیزی می بود بر ایشان می آوردند و الا روزه (مستحبی) می گرفتند.[٤]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۰،ح۵۰۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۵۱،ح۴۳۰.

[۳] کافی،ج۴،ص۷۳،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶۰،ح۱۸۱۹. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۹،ح۱۰۴.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۲،ح۱۱۴.

۱۱۸۱). کاهلی می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد روزی که مورد شک قرار می گیرید که از شعبان است پرسیدم؟

حضرت فرمودند: اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم در نزد من بهتر است از اینکه روزی از رمضان را افطار کنم.[۱]

۱۱۸۲). سعید اعرج گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: من در روزی که شک داشتم (که آیا آخر شعبان است یا اول رمضان) روزه گرفتم، و (بعد دانستم که آن) روز از ماه رمضان است، آیا قضای آن را بجا آورم؟

فرمودند: « **لاهو يوم وفقت له** » نه، به روزه آن روز موفق شده ای.[۲]

۱۱۸۳). بشیر نبال گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد روزه روز یوم الشک پرسیدم؟

فرمودند: آن روز را روزه بدار که اگر از شعبان باشد روزه مستحبی محسوب می شود و اگر از رمضان باشد پس روزی از که به روزه آن موفق شده ای.[۳]

۱۱۸۴). معاویه بن وهب گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: انسان در روزی که شک دارد از ماه رمضان است روزه می گیرد و همی نطور می شود؟

حضرت فرمودند: « **هو شئ وفق له** » آن روزی است که موفق به روزه آن شده است.[٤]

۱۱۸۵). سماعه می گوید: « **سألته عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان لا يدري أهو من شعبان أومن رمضان فصامه فكان من شهر رمضان قال: هو يوم وفق له ولا قضاء عليه** » از امام (صادق یا امام کاظم عليهما السلام) پرسیدم در مورد روزی که مورد شک قرار می گیرد که از ماه شعبان است یا از ماه رمضان، پس کسی آن روز را روزه می گیرد و بعد معلوم می شود

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۴،ح۸۸. الاستبصار،ص۳۱۸،ح۴.

[۲] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۴،ح۸۹. الاستبصار،ص۳۱۹،ح۵.

[۳] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۴،ح۸۷. الاستبصار،ص۳۱۸،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۳.

[٤] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۳.

که از ماه رمضان بوده است؟ حضرت فرمودند: آن روزی است که به روزه آن موفق شده است وقضا ندارد.[1]

۱۱۸۶). « **سئل أمير المؤمنين** ﷺ **عن اليوم المشكوك فيه، فقال: لئن أصوم يوما من شعبان أحب إلي من أن أفطر يوما من شهر رمضان** » از اميرالمومنين ﷺ در مورد روزه يوم الشك پرسيده شد. حضرت فرمودند: اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم برای من خوشایندتر از آن است که روزی از ماه رمضان را افطار کنم.[2]

چیزهای که روزه را باطل می کند

نه چیز روزه را باطل می کند:

(اول) خوردن و آشامیدن.

(دوم) جماع.

(سوم) استمناء.

(چهارم) دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه اطهار ﷺ.

(پنجم) رساندن غبار غلیظ به حلق.

(ششم) فرو بردن تمام سر در آب.

(هفتم) باقی ماندن بر جنابت، حیض و یا نفاس تا اذان صبح.

(هشتم) اماله کردن.

(نهم) عمدا قی کردن.

[1] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۳،ح۸۶. الاستبصار،ص۳۱۸،ح۲.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۳،ح۱۹۲۲.

۱ـ خوردن و آشامیدن

آیات:

« **كُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى الَّليْلِ** » بخورید و بیاشامید تا هنگامی که سپیده صبح، از سیاهی شب نمایان و ممتاز گردد، سپس روزه را تا (فرا رسیدن) شب به اتمام رسانید.[1]

روایات:

۱۱۸۷). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لا يضر الصائم ما صنع إذا اجتنب اربع خصال: الطعام والشراب والنساء والارتماس في الماء** » روزه دار هرکاری بکند زیانی به او نمی رساند مادامی که از چهار چیز اجتناب می کند: خوردن، آشامیدن، جماع با زنان و فرو رفتن در آب.[2]

بیان: یعنی این چهار چیز عمده در بطلان روزه است، نه آنکه مبطلات روزه تنها در اینها منحصر باشد.

۱۱۸۸). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **إن الصيام ليس من الطعام والشراب وحده** ...» روزه تنها خوداری از خوردن و آشامیدن نیست...[3]

۱۱۸۹). ابوبصیر می گوید: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ليس الصيام من الطعام والشراب، والانسان ينبغي له ان يحفظ لسانه من اللغو الباطل في رمضان وغيره** » روزه تنها خوداری از خوردن و آشامیدن نیست، برای انسان شایسته است که زبانش را از سخن لغو و باطل در رمضان و غیر آن حفظ نماید.[4]

---

[1] سوره بقره، آیه۱۸۷.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۷۲، ح۱۸۵۳. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۹۸، ح۵۵۴.

[3] کافی، ج۴، ص۵۴، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۵۸، ح۱۳۶. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۷۲، ح۱۸۵۸.

[4] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۵۲، ح۱۱۷.

۱۱۹۰). ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کی به روزه دار خوردن و نوشیدن حرام می شود، و نماز صبح جایز می گردد؟

فرمودند: آنگاه که سفیدی صبح گسترش یابد و به صورت کتانی سفید در آید که آن موقع غذا بر روزه دار حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد.[۱]

۱۱۹۱). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی در ماه رمضان از روی فراموشی غذا خورده و آب آشامیده است، بعد متوجه شده است چه حکمی دارد؟

فرمودند: « **لا يفطر إنما هو شئ رزقه الله عزوجل فليتم صومه** » روزه اش را افطار نکند، آن چیزی بوده که خداوند عزوجل به او روزی کرده است، روزه اش را تمام کند (و چیزی بر عهده او نیست).[۲]

۱۱۹۲). سماعه گوید: از امام علیه السلام در مورد کسی پرسیدم که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا می خورد و آب می آشامد؟

فرمودند: روزه را به پایان می رساند و قضای روزه ای بر عهده او نیست.[۳]

۱۱۹۳). داود بن سرحان می گوید: حضرت امام صادق علیه السلام در مورد کسی که از روی فراموشی در ماه رمضان غذا می خورد فرمودند: روزه اش را تمام کند که آن روزی بوده که خداوند عزوجل به او ارزانی داشته است.[٤]

۱۱۹۴). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام می فرمودند: « **من صام فنسي وأكل وشرب فلا يفطر من أجل انه نسي، فانما هو رزق رزقه الله فليتم صيامه** » کسی که روزه است و از روی فراموشی غذا می خورد و آب می آشامد، روزه اش را افطار نکند زیرا که او

---

[۱] کافی،ج۴،ص۶۱،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۴،ح۱۹۳۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۵،ح۵۱۴.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۲،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۹،ح۱۸۹۳.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۲،ح۲.

[٤] کافی،ج۴،ص۶۲،ح۳.

فراموش کرده بوده است، آن روزی بوده که خداوند به او ارزانی نموده روزه اش را تمام کند.[۱]

۱۱۹۵). از امام صادق علیه السلام در مورد روزه داری که مضمضه و استنشاق می کند پرسیده شد. فرمودند: آری (اشکالی ندارد) ولی زیاد روی نکند.[۲]

۱۱۹۶). همچنین آن حضرت در مورد روزه داری که مضمضه می کند فرمودند: باید آب دهان خود را فرو نبرد تا اینکه سه مرتبه آن را بیرون بیندازد.[۳]

۱۱۹۷). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام در مورد روزه دار پرسیدم که آیا برای او جایز است که دارو در گوش خود بریزد؟

فرمودند: اگر به حلق او نمی رسد اشکالی ندارد.[٤]

۱۱۹۸). حماد بن عثمان می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: گوش روزه داری درد می کند و در آن دوا ریخته می شود (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اشکالی ندارد.[٥]

۱۱۹۹). محمد بن مسلم گوید: « **سئل أبوجعفر علیه السلام عن القلس یفطر الصائم؟ قال، لا** » از امام باقر علیه السلام سوال شد چیزی که از معده بالا می آید روزه را باطل می کند؟ فرمودند: نه.[٦]

۱۲۰۰). سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: کسی در حال نماز است در این حال به هنگام آروغ زدن (چیزی) از معده او بالا می آید بی آنکه او قی کند چه حکمی دارد؟

فرمودند: « **لا ینقض ذلك وضوء ه ولا یقطع صلاته ولا یفطر صیامه** » این عمل نه وضوی او

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۳۹،ح۳۹۲.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۳.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۲.

[٤] وسائل الشیعه،ج۱۰،ص۷۳،ح۵. مسائل علی بن جعفر،ص۱۱۰.

[٥] کافی،ج۴،ص۶۷،ح۱.

[٦] کافی،ج۴،ص۶۶،ح۵.

را باطل می کند، نه نمازش را و نه روزه اش را.[1]

۱۲۰۱). حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیده شد از زن روزه داری که غذا می پزد و آب آبگوشت را می چشد (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: ایرادی ندار.

همچنین حلبی گوید: و از آن حضرت پرسیده شد از زن روزه داری که بچه دارد و نان را می جود و به او می خوراند؟

فرمود: ایرادی ندارد و اگر پرنده ای هم داشته باشد (و غذای آن به بجود) اشکال ندارد.[2]

۱۲۰۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **لا بأس للطباخ والطباخة أن يذوق المرق وهو صائم** » برای مرد و زن آشپز روزه دار اشکالی ندارد که مزه آبگوشت را بچشد.[3]

۱۲۰۳). همچنین امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **إن فاطمة صلوات الله عليها كانت تمضغ للحسن ثم للحسين صلوات الله عليهما وهي صائمة في شهر رمضان** » همانا حضرت فاطمه عليهاالسلام در ماه رمضان درحالی که روزه دار بود، غذای امام حسن و امام حسین عليهماالسلام را می جوید.[4]

۱۲۰۴). همچنین فرمودند: ایرادی ندارد که روزه دار خلط خود را فرو برد.[5]

۲ــ جماع

آیات:

« **أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ**

---

[1] کافی،ج۴،ص۶۶،ح۶.

[2] کافی،ج۴،ص۶۹،ح۱.

[3] کافی،ج۴،ص۶۹،ح۲.

[4] کافی،ج۴،ص۶۹،ح۳.

[5] کافی،ج۴،ص۶۹،ح۱.

كُنتُمْ تَخْتانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ » در شبهای ماه روزه همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون (در شبهای ماه رمضان می‌توانید) با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید.[۱]

روایات:

۱۲۰۵). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **خمسة أشياء تفطر الصائم : الاكل ، والشرب ، والجماع ، والارتماس في الماء ، والكذب على الله وعلى رسوله وعلى الائمة** علیهم‌السلام » پنج چیز روزه را باطل می کند: خوردن، آشامیدن، جماع، فرو بردن (سر) در آب و دروغ بستن به خدا و رسول خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام .[۲]

۱۲۰۶). حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: « **لا يضر الصائم ما صنع إذا اجتنب اربع خصال: الطعام والشراب والنساء والارتماس في الماء** » روزه دار هرکاری بکند زیانی به او نمی رساند مادامی که از چهار چیز اجتناب می کند: خوردن، آشامیدن، جماع با زنان و فرو بردن (سر) در آب.[۳]

۱۲۰۷). عمار ساباطی از حضرت صادق علیه‌السلام در مورد مردی پرسید که فراموش می کند روزه است و با همسر خود جماع می کند؟ فرمودند: غسل کند و چیزی بر عهده او نیست.[٤]

۳ـ استمناء

۱۲۰۸). عبدالرحمن بن حجاج می گوید: « **سألت أبا عبدالله** علیه‌السلام **عن الرجل يعبث بأهله**

---

[۱] سوره بقره،آیه۱۸۷.

[۲] خصال،ص۲۸۶،ح۳۹.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۹۸،ح۵۵۴.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۹،ح۱۸۹۴.

في شهر رمضان حتى يمني قال: عليه من الكفارة مثل ما على الذي يجامع » از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم در مورد مردی که در ماه رمضان با همسر خود ملاهبه می کند به حدی که منی بیرون می آید؛ (چه حکمی دارد)؟ فرمودند: کفاره او همانند مردی است که با همسر خود جماع کرده است.[1]

۱۲۰۹). همچنین از امام صادق عليه‌السلام پرسیده شد در مورد مردی که قضای روزه ماه رمضان گرفته است و با همسرش یا کنزش ملاهبه می کند و منی خارج می شود (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: او بسان کسی است که در ماه رمضان با همسر خود نزدیکی می کند، باید کفاره بدهد.[2]

۱۲۱۰). عبد الرحمان بن حجاج گوید: از حضرت صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی محرم است و با همسر خود ملاهبه می کند، تا اینکه منی خارج می شود بدون آنکه جماع کند ، یا چنین میکند درحالی که ماه رمضان است؟

حضرت فرمودند: برای هر دو کفاره است، همانند کسی که جماع می کند.[3]

۱۲۱۱). سماعه گوید: « **سألته** عليه‌السلام **عن رجل لزق بأهله فأنزل قال: عليه اطعام ستين مسكينا مد لكل مسكين** » از امام عليه‌السلام پرسیدم: شخصی به همسر خود می چسبد، (تا اینکه) منی از او خارج می شود؟ فرمودند: باید شصت مسکین را اطعام کند که برای هر مسکین یک مُد طعام باشد.[4]

۱۲۱۲). ابوبصیر می گوید: « **سألت ابا عبدالله** عليه‌السلام **عن رجل وضع يده على شئ من جسد امرأته فادفق فقال: كفارته ان يصوم شهرين متتابعين أو يطعم ستين مسكينا أو يعتق رقبة** »

---

[1] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۷۱،ح۱۸۰. الاستبصار،ص۳۲۰،ح۴.

[2] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۷.

[3] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۳۲۷،ح۱۱۲۴.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۰۱،ح۵۶۳.

از امام صادق ﷷ پرسیدم: مردی دست خودش را بر جایی از بدن همسرش می گذارد و منی از او خارج می شود ؟ حضرت فرمودند: (باید کفاره بدهد) و کفار آن این است که دوماه پشت سر هم روزه بگیرد، یا اینکه شصت مسکین را طعام بدهد و یا یک برده را آزاد کند.[١]

١٢١٣). ابن بکیر گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷷ عن الرجل يحتلم بالنهار في شهر رمضان يتم صومه كما هو؟ فقال: لا بأس** » از امام صادق ﷷ پرسیدم: مردی در ماه رمضان در روز محتلم می شود و روزه اش را همچنان ادامه می داد؟ فرمودند: ایرادی ندارد.[٢]

١٢١٤). عیص بن قاسم می گوید: از امام صادق ﷷ در مورد مردی پرسیدم که در ماه رمضان می خوابد و محتلم می شود و آنگاه بیدار می گردد، و بار دیگر پیش از آنکه غسل کند می خوابد. فرمودند: باکی نیست.[٣]

١٢١٥). عمربن یزید گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷷ لاي علة لا يفطر الاحتلام الصائم، والنكاح بفطر الصائم قال: لان النكاح فعله والاحتلام مفعول به** » خدمت امام صادق ﷷ عرض کردم: چرا احتلام روزه را باطل نمی کند، اما جماع آن را باطل می کند؟ فرمودند: زیرا نزدیکی کار روزه دار است، اما احتلام کار غیر اختیاری است.[٤]

۴ــ دروغ بستن به خدا و پیامبر

١٢١٦). امام صادق ﷷ فرمودند: « **إن الكذب على الله وعلى الائمة ﷹ يفطر الصائم** » دروغ بستن به خدا و ائمه ﷹ روزه را باطل می کند.[٥]

---

[١] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۰۱،ح۵۶۴.

[٢] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۳.

[٣] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۰،ح۱۹۰۰.

[٤] علل الشرایع،۳۷۹،ح۱.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۴.

۱۲۱۷). همچنین آن حضرت فرمودند:« **خمسة أشياء تفطر الصائم : الاكل ، والشرب ، والجماع ، والارتماس في الماء ، والكذب على الله وعلى رسوله وعلى الائمة** » پنج چیز روزه را باطل می کند: خوردن، آشامیدن، جماع، فرو بردن (سر) در آب و دروغ بستن به خدا و رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام.[1]

۱۲۱۸). سماعه گوید: امام علیه السلام فرمودند: کسی در ماه رمضان بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ ببندد، روزه اش باطل شده و باید قضای آن روز را بجای آورد.[2]

۱۲۱۹). ابوبصیر می گوید: « **سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول: الكذبة تفطر الصائم. قال : فقلت له : هلكنا ، قال : لا ، إنما أعني الكذب على الله عزوجل وعلى رسوله وعلى الأئمه علیهم السلام** » از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: دروغ روزه را باطل می کند. گوید: برای امام گفتم: پس ما هلاک شدیم. حضرت فرمودند: نه، منظور من دروغ بستن به خدای عزوجل و بر پیامبر و ائمه علیهم السلام است.[3]

۵ ـ رساندن غبار به حلق

۱۲۲۰). سلیمان بن حفص مروزی می گوید: « **سمعته يقول: إذا تمضمض الصائم في شهر رمضان أو استنشق متعمدا أو شم رائحة غليظة أو كنس بيتا فدخل في أنفه أو حلقه غبار فعليه صوم شهرين متتابعين فان ذلك له فطر مثل الاكل والشرب والنكاح** » از امام علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هرگاه روزه دار در ماه رمضان از روی عمد مضمضه یا استنشاق کند (به نوعی که آب به حلق او برسد) یا رائحه غلیظی ببوبد، یا خانه ای را پاک کند و در بینی و یا حلق

[1] خصال،ص۲۸۶،ح۳۹.
[2] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۵۳،ح۱۱۹.
[3] معانی الاخبار،ص۱۶۵ح۱.

او غبار (غلیظ) داخل شود، پس بر وی لازم می آید روزه دو ماه پشت سرهم، زیرا که اینکار سبب بطلان روزه است مانند کسی که غذا خورده یا آب نوشیده و جماع کرده است.[١]

۶ ـ فرو بردن تمام سر در آب

١٢٢١). حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **الصائم يستنقع في الماء ولا يرتمس رأسه** » روزه دار می تواند در آب فرو رود، اما نمی تواند سرش را در آب فرو برد.[٢]

١٢٢٢). حزیر گوید: حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا يرتمس الصائم ولا المحرم رأسه في الماء** » روزه دار و محرم نباید سر خود را در آب فرو برند.[٣]

١٢٢٣). حسن صیقل گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه‌السلام عن الصائم يرتمس في الماء قال: لا ولا المحرم** » از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: روزه داری که در آب فرو می رود (چه حکمی دارد؟) فرمودند: نه چنین نکند، محرم نیز چنین نکند.[٤]

١٢٢۴). حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **الصائم يستنقع في الماء ويصب على رأسه و يتبرد بالثوب وينضح بالمروحة وينضح البوريا تحته ولا يغمس رأسه في الماء** » روزه دار می تواند در آب فرو می رود، و بر سر خود آب می ریزد، با لباس (تر) خنک می شود، به وسیله بادبزن آب پاشی می شود، برای زیر انداز او حصیر آب پاشی می شود، اما نباید سرش را در آب فرو برد.[٥]

١٢٢۵). حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند: « **لا يضر الصائم ما صنع إذا اجتنب اربع خصال: الطعام والشراب والنساء والارتماس في الماء** » روزه دار هرکاری بکند زیانی به او نمی رساند مادامی

---

[١] تهذیب الاحکام،ج۴ص ۲۸۰،ح۲۰۴. الاستبصار،ص۳۲۸،ح۳.

[٢] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۱. الاستبصار،ص۳۲۲،ح۱.

[٣] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۸،ح۱۷۱. الاستبصار،ص۳۲۲،ح۲.

[٤] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۶.

[٥] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۹،ح۱۷۳. الاستبصار،ص۳۲۲،ح۳.

که از چهار چیز اجتناب می کند: خوردن، آشامیدن، جماع با زنان و فرو بردن (سر) در آب.[۱]

۷ ـ باقی ماندن بر جنابت، حیض و یا نفاس تا اذان صبح

اگر جنب عمدا در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکند، باید روزه آن روز را تمام کند و قضای و کفاره هر دو بر او واجب است، کسی که می خواهد قضای روزه ماه رمضان را بگیرد هرگاه تا اذان صبح جنب بماند و غسل نکند نمی تواند آن روز را روزه بگیرید، و اگر کسی در ماه رمضان جنب است و غسل را فراموش می کند و یک روز یا چندین روز می گذرد و بعد یادش می آید، باید آن روز ها را قضای نماید، و اگر کسی در شب ماه رمضان جنب می شود و عذری برایش پیش می آید و یا آنکه وقت تنگ است و نمی تواند غسل کند چیزی بر عهده او نیست، و اگر کسی در شب ماه رمضان جنب است و می خوابد و تصمیم دارد که قبل از اذان برای غسل بیدار شود اگر تا اذان صبح بیدار نشود و به خواب بماند روزه اش صحیح است، و اگر بیدار شود و دوباره بخوابد و به خواب بماند باید آن روز را قضا کند، و اگر زنی که از حیض یا نفاس پاک شده است عمدا تا اذان صبح غسل نکند، باید قضای آن روز را بجا آورد.

۱۲۲۶). حلبی گوید: حضرت امام صادق ﷺ درباره مردی که در ماه رمضان در آغاز شب محتلم شود یا با همسرش همبستر گردد، سپس از روی عمد بخوابد تا صبح فرا رسد، فرمودند: «**یتم صومه ذلك ثم یقضیه إذا أفطر [من] شهر رمضان ویستغفر ربه**» آن روز را با روزه به پایان می رساند، سپس هرگاه ماه رمضان تمام شد، قضای آن را بجا می آورد و از پروردگار خود (اگر توان کفاره دادن ندارد) طلب آمرزش می کند.[۲]

۱۲۲۷). همچنین امام صادق ﷺ در مورد کسی که در شب ماه رمضان جنب می شود و عمدا

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۹۸،ح۵۵۴.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۱.

تا اذان صبح غسل نمی کند فرمودند: (باید قضای آن روز را بجا آورد و همچنین کفاره بدهد و کفاره آن این است که) یک بنده را آزاد کند، یا دو ماه پشت سرهم روزه بگیرید، و یا شصت فقیر را طعام دهد.[۱]

۱۲۲۸). سلیمان بن حفص مروزی می گوید: امام عليه السلام فرمودند: « **إذا اجنب الرجل في شهر رمضان بليل ولا يغتسل حتى يصبح فعليه صوم شهرين متتابعين مع صوم ذلك اليوم ولا يدرك فضل يومه** » هرگاه کسی در شب ماه رمضان جنب شود و تا اذان صبح (عمدا) غسل نکند، باید دوماه پشت سرهم روزه بگیرد و همچنین روزه آن روز را قضا کند، با این حال فضیلت آن روز را درک نمی کند.[۲]

۱۲۲۹). و در حدیث دیگر آمده است که: « **من اجنب في شهر رمضان فنام حتى يصبح فعليه عتق رقبة أو اطعام ستين مسكينا وقضاء ذلك اليوم ويتم صيامه ولن يدركه ابدا** » کسی که در شب ماه رمضان جنب می شود و عمدا می خوابد تا آنکه صبح شود، باید یک بنده را آزاد کند، یا شصت مسکین را طعام دهد و آن روز را پس از تمام شدن ماه رمضان قضا کند، و روزه آن روز را تمام کند، با این حال هرگز فضیلت آن روز را درک نمی کند.[۳]

۱۲۳۰). عبد الله بن سنان می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی میخواهد قضای روزه ماه رمضان را بجا آورد، در اول شب جنب می شود و تا آخر شب غسل نمی کند تا اینکه می بیند فجر طلوع کرده است؟ فرمودند: آن روز را روزه نمی دارد، و روز دیگری را روزه می گیرد.[٤]

۱۲۳۱). همچنین عبدالله بن سنان می گوید: پدرم که مشغول قضای ماه رمضان بود، طی نامه ای به امام صادق عليه السلام نوشت: من در حال غسل صبح نمودم و جنب بودم و غسل نکرده بودم که

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۸،ح۱۹۹. الاستبصار،ص۳۲۳،ح۹.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۹،ح۲۰۰. الاستبصار،ص۳۲۴،ح۱۰.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۹،ح۲۰۱. الاستبصار،ص۳۲۴،ح۱۱.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۰،ح۱۸۹۹. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۴۸،ح۴۲۰.

فجر طلوع کرد؟ حضرت در پاسخ نوشت: آن روز را روزه نگیر و فردا را روزه بگیر.[1]

۱۲۳۲). ابراهیم بن میمون گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷤ عن الرجل يجنب بالليل في شهر رمضان فنسي أن يغتسل حتى يمضي بذلك جمعة أو يخرج شهر رمضان، قال: عليه قضاء الصلاة والصوم** » از حضرت صادق ﷤ پرسیدم: شخصی در شب ماه رمضان جنب می شود و فراموش می کند که غسل نماید و یک هفته بدین سان می گذرد یا ماه رمضان پایان می پذیرید (چه حکمی دارد؟) فرمودند: باید نماز و روزه (آن روز ها) را قضا نماید.[2]

۱۲۳۳). حلبی می گوید: « **سئل أبوعبدالله ﷤ عن رجل أجنب في شهر رمضان فنسي أن يغتسل حتى خرج شهر رمضان قال: عليه أن يقضي الصلاة والصيام** » از امام صادق ﷤ پرسیده شد: کسی در ماه رمضان جنب می شود و فراموش می کند که غسل کند تا اینکه ماه رمضان تمام می شود؟ فرمودند: باید نماز و روزه (آن روز ها) را قضا کند.[3]

۱۲۳۴). محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر یا امام صادق ﷤ پرسیدم: مردی در ماه رمضان با کنیز خود همبستر می شود، آنگاه پیش از غسل می خوابد؟

فرمودند: قضای آن روز را بجا می آورد مگر آنکه پیش از طلوع فجر بیدار شود، در این صورت اگر در انتظار گرم شدن آب و یا درحال کشیدن آب از چاه باشد و فجر طلوع کند، قضای آن روز لازم نیست.[4]

۱۲۳۵). معاویه بن عمار می گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷤ الرجل يجنب من أول الليل ثم ينام حتى يصبح في شهر رمضان قال: ليس عليه شئ، قلت: فانه استيقظ ثم نام حتى اصبح؟ قال: فليقض ذلك اليوم عقوبة** » خدمت امام صادق ﷤ عرض کردم: شخصی در ماه

[1] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۴.
[2] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۹،ح۱۸۹۵.
[3] تهذیب الاحکام،ج۴ص۴۰۳،ح۵۷۳.
[4] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۲. الاستبصار،ص۳۲۳،ح۷.

رمضان در اول شب جنب می شود، سپس می خوابد (و تصمیم دارد که قبل اذان برای غسل بیدار شود، ولی بخواب می ماند) تا اینکه صبح می شود؟ حضرت فرمودند: چیزی بر عهده او نیست. روای گوید: گفتم: اگر از خواب بیدار شود و دوباره بخوابد (و بخواب بماند) تا صبح شود؟ فرمودند: باید آن روز را عقوبة قضا نماید.[۱]

۱۲۳۶). ابن ابی یعفور می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی در (شب) ماه رمضان جنب می شود، سپس (بعد از آنکه دوباره خوابیده بود)بیدار می شود، و (بدون آنکه غسل کند) میخوابد تا اینکه صبح می شود، (چه حکمی دارد؟) فرمودند: روزه آن روز را تمام می کند و یک روز دیگر به عنوان قضا نیز روزه بجا می آورد، ولی اگر در همان بار اول بیدار نشد تا اینکه صبح دمید، روزه اش را بپایان می رساند، و این روزه او را کفایت می کند.[۲]

۱۲۳۷). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن طهرت بليل من حيضتها ثم توانت ان تغتسل في رمضان حتى اصبحت عليها قضاء ذلك اليوم** » اگر زنی در شب ماه رمضان از حیض پاک شود، سپس غسل را (عمدا) به تاخیر اندازد تا اینکه صبح شود، باید قضای آن روز را بجا آورد.[۳]

۸ــ اماله کردن

اماله کردن با چیز روان روزه را باطل می کند.

۱۲۳۸). احمد بن محمد بن نصر از حضرت رضا علیه السلام پرسید: شخصی که مبتلا به بیماری است و در ماه رمضان اماله کند (چه حکمی دارد؟)

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۸،ح۱۹۸. الاستبصار،ص۳۲۳،ح۸.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۹،ح۱۸۹۸. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۷،ح۱۹۵. الاستبصار،ص۳۲۳،ح۶.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۹۳،ح۱۲۱۳.

فرمودند: « **الصائم لا يجوز له أن يحتقن** » برای روزه دار جایز نیست که اماله کند.[۱]

۱۲۳۹). حسین گوید: طی نامه ای به امام ابی الحسن عليه‌السلام نوشتم: نظر شما در مورد روزه داری که دارو شیاف می کند چیست؟

حضرت در پاسخ نوشتند: « **لا بأس بالجامد** » اگر جامد باشد و روان نباشد، اشکالی ندارد.[۲]

۹ ـ عمدا قی کردن

۱۲۴۰). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **اذا تقيأ الصائم فقد أفطر وإن ذرعه من غير أن يتقيأ فليتم صومه** » هرگاه روزه دار (عمدا) قی کند، روزه اش باطل می شود و اگر بدون قی چیزی از معده او بیرون آید، باید روزه اش را به پایان رساند.[۳]

۱۲۴۱). همچنین فرمودند: هرگاه روزه دار (عمدا) قی کند، باید قضای آن روز را بگیرد و اگر بدون قی چیزی از معده او بیرون آید، روزه اش را به پایان رساند.[٤]

۱۲۴۲). همچنین امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هرکسی از روی عمد درحالی که روزه دار است قی کند، باید روزه آن روز را قضا نماید.[٥]

۱۲۴۳). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **من تقيأ متعمدا وهو صائم فقد أفطر وعليه الاعادة فان شاء الله عذبه وان شاء غفر له** » هرگاه روزه دار از روی عمد قی کند، روزه اش باطل می شود و باید آن روز را قضا نماید، و خداوند برای این کار اگر خواسته باشد او را عذاب می کند و یا آنکه بر او می بخشد.[٦]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۶۷،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۴،ح۱۸۶۹. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۸،ح۱۷۲.
[۲] کافی،ج۴،ص۶۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۹،ح۱۷۳.
[۳] کافی،ج۴،ص۶۶،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۴،ح۳۷۴.
[٤] کافی،ج۴،ص۶۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۴،ح۳۷۳.
[٥] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۵،ح۳۷۶.
[٦] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۵،ح۳۷۵.

۱۲۴۴). و آن حضرت فرمودند: « **من تقيأ وهو صائم فعليه القضاء** » هرگاه کسی که روزه دار است (عمدا) قی کند، باید روزه آن روز را قضا نماید.[۱]

۱۲۴۵). امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **وأما صوم الاباحة فمن أكل أو شرب ناسيا أو تقيأ من غير تعمد فقد أباح الله عزوجل ذلك له وأجزأ عنه صومه** » و اما روزه اباحه پس کسی که از روی فراموشی چیزی بخورد یا بیاشامد، یا بدون تعمد قی کند، خدای عزوجل آن را برای او مباح ساخته و آن را بجای روزه اش پذیرفته، و مجزای و کافی قرار داده است.[۲]

آنچه برای روزه دار مکروه است

۱۲۴۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا تلزق ثوبك إلى جسدك وهو رطب وأنت صائم حتى تعصره** » درحال روزه لباس خیس خود را بر بدنت نچسبان تا آن را فشار دهی.[۳]

۱۲۴۷). حنان بن سدیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روزه داری که در آب فرو می رود پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد ولی (سرش) را در آب فرو نبرد، و زن روزه دار نباید در آب فرو رود، زیرا که آب را با فرج خود بر می دارد.[٤]

۱۲۴۸). حسن بن صیقل می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا روزه دار می تواند لباس خیس بپوشد؟ فرمودند: نه، و همچنین ریحان را نبوید.[٥]

۱۲۴۹). از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: روزه داری که حجامت می کند و در گوش او روغن ریخته می شود، (چه حکمی دارد؟)

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۵،ح۳۷۵.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۲،ح۱۷۸۴. کافی،ج۴،ص۵۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۶۷،ح۴۸۷.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۴.

[٤] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۷،ح۱۸۸۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۴،ح۳۷۲.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۸،ح۳۸۹. الاستبصار،ص۳۲۷،ح۴.

فرمودند: ایرادی ندارد، مگر اینکه دارو به بینی او ریخته شود که این عمل مکروه است.[1]

۱۲۵۰). امام صادق ﷺ به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند: امیرالمومنین ﷺ دارو ریختن در بینی روزه دار را مکروه می دانست.[2]

۱۲۵۱). « **كان أمير المؤمنين ﷺ يكره أن يحتجم الصائم خشية أن يغشى عليه فيفطر** » امیرالمومنین ﷺ مکروه می دانستند که شخص روزه دار حجامت کند، از بیم اینکه مبادا حالت غشوه به او دست دهد و افطار کند.[3]

۱۲۵۲). سعید اعرج گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: آیا روزه دار حجامت انجام می دهد؟ فرمودند: اشکالی ندارد، مگر اینکه از ضعف بر بدن خود بترسد.[4]

۱۲۵۳). حسین بن ابی العلاء گوید: « **سألت ابا عبدالله ﷺ عن الحجامة للصائم فقال: نعم إذا لم يخف ضعفا** » از امام صادق علیه السلام درباره حجامت کردن شخص روزه دار پرسیدم. فرمودند: بلی (اشکالی ندارد) اگر از ضعف بر خود نمی ترسد.[5]

۱۲۵۴). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر ﷺ سوال شد که انسان می تواند در حال روزه وارد حمام شود؟ فرمودند: ایرادی ندارد مادامی که از ناتوانی وضعف بیم نداشته باشد.[6]

۱۲۵۵). ابوبصیر می گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: انسان روزه دار می تواند وارد حمام شود؟ فرمودند: آری.[7]

۱۲۵۶). حضرت صادق ﷺ فرمودند: « **لا يستاك الصائم بعود رطب** » روزه دار با چوب تر

---

[1] کافی،ج۴،ص۶۷،ح۴.
[2] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۱،ح۲۰۶.
[3] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۴،ح۱۸۶۵.
[4] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۰،ح۳۵۷.
[5] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۰،ح۳۵۶.
[6] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۱،ح۳۶۲.
[7] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۱،ح۳۶۱.

مسواک نکند.[۱]

۱۲۵۷). همچنین فرمودند: « **یستاك الصائم أي النهار شاء ولا یستاك بعود رطب** » روزه دار هر زمان از روز که بخواهد می تواند مسواک کند، اما با چوب تر مسواک ننماید.[۲]

۱۲۵۸). عمار بن موسی می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا روزه دار می تواند دندان خود را بکشد؟

فرمودند: نه، هم چنین نباید دهان خود را خود آلود کند، و با مسواک تر مسواک ننماید.[۳]

۱۲۵۹). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **ان علیا علیه السلام کره المسك أن یتطیب به الصائم** » امیرالمومنین علیه السلام مکروه می داشت که روزه دار با مشک خود را معطر سازد.[٤]

۱۲۶۰). حسین بن راشد می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا روزه دار می تواند گل ببوید؟

فرمودند: نه، زیرا که این کار لذت است و مکروه است روزه دار لذت بجوید.[٥]

۱۲۶۱). « **كان الصادق علیه السلام إذا صام لا یشم الریحان، فسئل عن ذلك فقال: أكره أن أخلط صومي بلذة** » امام صادق علیه السلام هرگاه روزه بود گل نمی بوئید، چون از حکمت این کار از حضرت پرسیدند فرمودند: خوش نمی دارم که روزه ام را با لذت در آمیزم.[٦]

۱۲۶۲). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام سوال شد: مردی که به همسرش دست می زند آیا روزه اش را باطل یا نقص می کند؟

فرمودند:این کار برای جواب مکروه است، چرا که بیم آن می رود که از او منی بیرون آید.[۷]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۳،ح۳۶۹.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۲،ح۳۶۸.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۸،ح۴.

[٤] کافی،ج۴،ص۶۸،ح۱.

[٥] کافی،ج۴،ص۶۹؛ح۵.

[٦] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۶،ح۱۸۸۰.

[۷] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۱.

۱۲۶۳). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **لا تنقض القبلة الصوم** » بوسیدن (همسر) روزه را باطل نمی کند.[۱]

۱۲۶۴). منصور بن حازم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما در مورد روزه داری که کنیز یا همسر خود را می بوسد، چیست؟

فرمودند: این کار برای پیر مردی که همانند من و توست اشکالی ندارد، ولی برای جوان با شهوت جایز نمی باشد، چرا که به او اطمینان نیست و بوسه یکی از دو شهوت است.[۲]

۱۲۶۵). « **سئل النبي صلى الله عليه وآله عن الرجل يقبل امرأته وهو صائم؟ قال: هل هي إلا ريحانة يشمها** » از رسول الله صلى الله عليه وآله درباره مردی که در حال روزه داشتن همسرش را می بوسد، پرسیده شد؟ فرمودند: آیا زن جز شاخه گلی است که همسر او را می بوید؟.[۳]

۱۲۶۶). سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مردی که در ماه رمضان به همسر خود می چسبد، پرسیدم: فرمودند: اگر از وقوع انزال و جماع بر خود نمی ترسد، اشکالی ندارد.[٤]

۱۲۶۷). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا مرد روزه دار می تواند زبان همسرش را بمکد، یا همسرش چنین کند؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[٥]

۱۲۶۸). ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا روزه دار می تواند (همسرش را) ببوسد؟ فرمودند: آری، و همچنین می تواند زبانش را به همسر بدهد تا بمکد.[٦]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۲.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۴،ح۳.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۵،ح۱۸۷۴.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۶،ح۱۸۷۷.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴ص۴۰۰،ح۵۶۱.

[٦] تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۹۹،ح۵۵۷.

آنچه برای روزه دار مستحب است

۱۲۶۹). حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرکه روزه خود را پنهان دارد، خداوند به فرشتگان خود می فرماید: بنده ام از عذابم به من پناه آورده است، پس او را پناه دهید. و فرشتگان را برای دعای روزه داران می گمارد، و آنها برای هرکه دعا کنند دعایشان را در باره او قبول می کند.[۱]

۱۲۷۰). امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: « **قيلوا فإن الله يطعم الصائم ويسقيه في منامه** » خواب قیلوله (پیش از ظهر) کنید، زیرا خداوند به روزه دار هنگام خوابش غذا و آب می خوراند.[۲]

۱۲۷۱). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **نوم الصائم عبادة ونفسه تسبيح** » خواب روزه دار عبادت و تنفس او تسبیح است.[۳]

۱۲۷۲). همچنین فرمودند: « **نوم الصائم عبادة، وصمته تسبيح، وعمله متقبل ودعاؤه مستجاب** » خواب روزه دار عبادت و خاموشی اش تسبیح است، و عملش مورد قبول خداوند عزوجل و دعایش مستجاب است.[٤]

۱۲۷۳). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: « **الصائم في عبادة وإن كان على فراشه مالم يغتب مسلما** » روزه دار در حال عبادت است، گرچه در بستر خود باشد، مادامی که از مسلمانی غیبت نکند.[٥]

۱۲۷۴). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ضمن خطبه ای فرمودند: هر کس در ماه رمضان به مومن روزه داری افطاری دهد، پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته اش را به پاداش این عمل دریافت می کند.

---

[۱] کافی، ج۴، ص۴۲، ح۱۰. تهذیب الاحکام، ج۴ص۲۵۴، ح۱۲۲.

[۲] کافی، ج۴، ص۴۲، ح۱۴. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۱، ح۱۷۸۲.

[۳] کافی، ج۴، ص۴۲، ح۱۲. تهذیب الاحکام، ج۴ص۲۵۴، ح۱۲۳.

[٤] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۱، ح۱۷۸۳.

[٥] کافی، ج۴، ص۴۲، ح۹. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۰، ح۱۷۷۲. تهذیب الاحکام، ج۴ص۲۵۳، ح۱۲۱.

گفتند: ای رسول خدا ﷺ همه ماه توان افطاری روزه داری را نداریم.

حضرت فرمودند: خداوند کریم است و به کسی از شما که قادر نباشد جز با جرعه شیری آمیخته به آب، یا شربتی از آب گوارا، یا دانه ای چند از خرما، روزه داری را به افطاری فرا خواند و امکان بیش از این نداشته باشد، همین پاداش را عطا می کند.[۱]

۱۲۷۵). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من فطر صائما فله مثل أجره** » هر کسی روزه داری را افطاری دهد، برای او پاداشی برابر روزه دار خواهد بود.[۲]

۱۲۷۶). حضرت امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **فطرك أخاك الصائم أفضل من صيامك** » افطاری دادن تو به برادر روزه دارت، از روزه داشتند بهتر است.[۳]

۱۲۷۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: سدیر در ماه رمضان حضور پدرم علیه السلام شرفیاب شد، پدرم فرمودند: ای سدیر آیا می دانی این شب ها چه شب هایی است؟

گفت: آری فدایت شوم، شب های ماه رمضان است نظر شما چیست؟

فرمودند: آیا می توانی در این شب ها هر شب ده بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟

سدیر گفت: پدرم و مادرم به فدایت، من این قدر توان ندارم.

پدرم هر بار از شمار آن بندگان می کاست تا به یک بنده رسید، سدیر در هر بار می گفت توانایی آن را ندارم.

حضرت فرمودند: می توانی در هر شب یک مرد مسلمان را افطاری دهی؟

گفت: چرا، ده نفر را می توانم افطاری دهم.

آنگاه پدرم به او فرمودند: منظور من همین بود ای سدیر زیرا افطاری دادن تو به برادر مسلمانت

---

[۱] کافی،ج۴،ص۴۳،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶۳،ح۱۸۳۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۰۵،ح۶.

[۲] کافی،ج۴،ص۴۴،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۹،ح۱۹۵۲. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۵،ح۱۶۲.

[۳] کافی،ج۴،ص۴۴،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۹،ح۱۹۵۴. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۵،ح۱۶۳.

با آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل علیه‌السلام برابر است.[1]

۱۲۷۸). حمزه بن حمران گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرگاه ماه رمضان فرا می رسید، امام سجاد علیه‌السلام امر می فرمود که گوسفندی را ذبح می کردند، و اعضایش را خُرد می نمودند و آن را می پختند. شامگاهان آن را بر دیگ ها می پختند تا درحال روزه بوی آن را بیابد و آنگاه می فرمود: کاسه ها را بیاورید، برای خانواده فلان و خانواده فلان غذا بکشید.

سپس حضرت نان و خرمایی می آوردند و همان شام ایشان بود. صلی الله علیه وعلی آبائه.[2]

۱۲۷۹). ابوبصیر گوید: از حضرت صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا سحری برای کسی که می خواهد روزه بگیرید واجب است؟

فرمودند: اشکالی ندارد که بدون سحری روزه بگیرید، ولی در ماه رمضان بهتر آن است که سحری بخورد. من دوست دارم که سحری خوردن در ماه رمضان ترک نشود.[3]

۱۲۸۰). سماعه گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره سحری برای کسی که می خواهد روزه بگیرد، سوال کردم؟

فرمودند: در ماه رمضان بهتر است که سحری خورده شود، گرچه به خوردن جرعه آبی باشد، ولی در روزه مستحبی هرکسی دوست دارد سحری بخورد و هر که سحری نخورد، اشکالی ندارد.[4]

۱۲۸۱). رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: « **السحور برکة** » سحری برکت است.[5]

۱۲۸۲). همچنین آن حضرت فرمودند: « **لا تدع امتي السحور ولو علی حشفة** » امت من

---

[1] کافی،ج۴،ص۴۴،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۹،ح۱۹۵۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۶،ح۱۶۴.

[2] کافی،ج۴،ص۴۴،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۰،ح۱۹۵۵.

[3] کافی،ج۴،ص۵۸،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۰،ح۱۹۵۹.

[4] کافی،ج۴،ص۵۸،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۰،ح۱۹۵۸. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۲،ح۱۴۸.

[5] کافی،ج۴،ص۵۸،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۳،ح۱۵۱.

نباید سحری را ترک کنند، ولو با خرمای خشکیده و پلاسیده ای باشد.[۱]

۱۲۸۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **يستجاب دعاء الصائم عند الافطار** » دعای روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود.[۲]

۱۲۸۴). امام باقر عليه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان عليهم السلام فرمودند: هنگامی که رسول الله صلى الله عليه وآله افطار می نمود (این دعا را) می فرمود: « **اللهم لك صمنا وعلى رزقك أفطرنا فتقبله منا ذهب الظماء وابتلت العروق وبقي الاجر** » پروردگارا برای تو روزه گرفتیم و به رزق تو افطار نمودیم، پس آن را از ما بپذیر. تشنگی رفت و رگها خیس شد ولی اجر و پاداش ماند.[۳]

۱۲۸۵). ابوبصیر گوید: حضرت صادق عليه السلام فرمودند: در هر شب ماه رمضان از موقع افطار تا آخر آن می گویی: « **الحمد لله الذي أعاننا فصمنا ورزقنا فأفطرنا، اللهم تقبل منا وأعنا عليه وسلمنا فيه و تسلمه منا في يسر وعافية، الحمدلله الذي قضى عنا يوما من شهر رمضان** » سپاس خداوندی راست که ما را یاری نمود، روزه گرفتیم و روزی داد پس افطار نمودیم، خداوندا از ما بپذیر و ما را یاری کن و ما را در آن سلامت بدار و آن را نیز از جانب ما سالم بگردان، در آسانی و سلامتی سپاس خدا را که ما را به روزه یک روزه از ماه رمضان موفق داشت.[٤]

۱۲۸۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: برای روزه دار مستحب است که اگر توان دارد اول نماز بخواند بعد افطار کند.[٥]

۱۲۸۷). زراره و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام فرمودند: در ماه رمضان نماز بخوان آنگاه افطار کن، مگر آنکه با گروهی باشی که منتظرند تا افطار کنند در این صورت با آنها مخالفت نکرده و

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۸،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۳،ح۱۵۱.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۲.

[۳] کافی،ج۴،ص۵۸،ح۱.من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۱،ح۱۸۵۰.

[٤] کافی،ج۴،ص۵۹،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۱.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۴،ح۱۵۸.

با ایشان افطار کن سپس نماز بخوان وگرنه با نماز آغاز کن.

راوی گوید: گفتم: برای چه؟

حضرت فرمودند: برای اینکه دو واجب بر تو وارد شده است، پس با فضیلت ترین آنها آغاز کن و با فضیلت ترین آنها نماز است.[١]

١٢٨٨). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « **ما من صائم يحضر قوما يطعمون الا سبحت اعضاوه و كانت صلاه الملائكه عليه و كانت صلاتهم استغفارا** » روزه داری نیست که در میان عده ای که غذا می خورند حاضر شود، مگر این که اعضا او تسبیح می گویند و فرشتگان بر او درود می فرستند و درود آنها استغفار است .[٢]

١٢٨٩). امام صادق عليه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان عليه السلام فرمودند: امیرالمومنین عليه السلام می فرمود: مستحب است که روزه دار با شیر افطار کند.[٣]

١٢٩٠). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الافطار على الماء يغسل ذنوب القلب** » افطار نمودن با آب گناهان قلب را می شوید.[٤]

١٢٩١). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **لو أن الناس تسحروا ثم لم يفطروا إلا على الماء لقدروا على أن يصوموا الدهر** » اگر مردم سحری می خوردند سپس جز با آب افطار نمی کردند، هر آینه می توانستند أبد الدّهر روزه بگیرند.[٥]

١٢٩٢). امام صادق عليه السلام به نقل حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: هرگاه رسول الله صلی الله علیه و آله روزه می گرفتند (با حلوا افطار می نمودند) اگر حلوا نمی بود با آب افطار می کردند.[٦]

---

[١] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۳،ح۱۵۳.

[٢] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۷،ح۱۸۰۵.

[٣] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۴،ح۱۵۷.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۴،ح۱۵۵. کافی،ج۴،ص۹۲،ح۳.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۱،ح۱۹۶۳.

[٦] کافی،ج۴،ص۹۲،ح۱.

۱۲۹۳). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه کسی با آب ولرم افطار نماید، کبدش را پاک می کند، گناهان قلب او را می شوید و چشم و حدقه او را نیرومند می سازد.[۱]

۱۲۹۴). همچنین فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله در فصل خرما با خرما و در فصل رطب با رطب افطار می نمود.[۲]

۱۲۹۵). جابر می گوید:« **سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يفطر على الاسودين، قلت: رحمك الله وما الاسودان؟ قال: التمر والماء، والزبيب والماء ويتسحر بهما** » از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله همواره با دو سیاه افطار می نمود. گفتم: رحمت خدا بر شما باد، دو سیاه چیست؟ فرمودند: خرما و آب، کشمش و آب و سحری حضرت رسول صلى الله عليه وآله نیز این دو بود.[۳]

۱۲۹۶). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: روزه تنها خودارای از خوردن و آشامیدن نیست، سپس فرمودند: مریم عليها السلام گفت: « **إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا** »من برای (خدای) رحمان روزه نذر کرده‌ام.[٤] یعنی روزه سکوت، پس هنگامی که روزه دارید زبان هایتان را حفظ کنید، چشم هایتان را فرو پوشید، با یک دیگر به ستیر و نزاع نپردازید و به یک دیگر حسد نورزید.

آنگاه فرمودند: روزی رسول الله صلى الله عليه وآله شنید که زن روزه داری به کنیزش دشنام می دهد، حضرتش غذا خواست و به او فرمود: بخور.

گفت: من روزه دارم.

حضرت فرمود: چگونه روزه دار هستی که کنیزت را دشنام می دادی؟ روزه تنها خوداری از خوردن و نوشیدن نیست.

---

[۱] کافی،ج۴،ص۹۲،ح۲.

[۲] کافی،ج۴،ص۹۲،ح۴.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۶۳،ح۱۵۲.

[٤] سوره مریم،آیه۲۶.

امام صادق علیه السلام فرمودند: آنگاه که روزه گرفتی باید چشم و گوش تو از حرام و زشتی روزه بدارد، و از کشمکش و ناسزاگویی و آزار خدمتکار بپرهیز و همواره سنگین و با وقار روزه بدار و روزِ روزه داشتنت را همانند روزه افطارت قرار مده.[۱]

۱۲۹۷). ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: روزه تنها خوداری از خوردن و آشامیدن نیست، زیرا مریم علیها السلام گفت: « **إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا** »من برای (خدای) رحمان روزه نذر کرده‌ام.[۲] یعنی روزه سکوتی، پس زبان هایتان را نگهدارید، دیدگانتان را فرو بندید، به یکدیگر حسد نورزید و با هم نزاع مکنید، چرا که حسد ایمان را می خورد همان گونه که آتش هیزم را می خورد.[۳]

۱۲۹۸). همچنین ابوبصیر می گوید: آن حضرت علیه السلام فرمودند: « **ليس الصيام من الطعام والشراب، والانسان ينبغي له ان يحفظ لسانه من اللغو الباطل في رمضان وغيره** » روزه تنها خوداری از خوردن و آشامیدن نیست، برای انسان شایسته است که زبانش را از سخن لغو و باطل در رمضان و غیر آن حفظ نماید.[٤]

۱۲۹۹). همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا صمت فليصم سمعك وبصرك وشعرك وجلدك وعدد أشياء غير هذا وقال: لا يكون يوم صومك كيوم فطرك**» هرگاه روزه گرفتی باید گوش، چشم، مو و پوستت نیز روزه بدارد، و حضرتش مواد دیگری را شمرده و فرمودند: روزِ روزه داری تو نباید همانند روزه افطار تو باشد.[٥]

۱۳۰۰). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « **ما من عبد صالح يشتم يقول: إني صائم سلام عليك**

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۴،ح۳.

[۲] سوره مریم،آیه۲۶.

[۳] کافی،ج۴،ص۵۵،ح۹.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۲،ح۱۱۷.

[٥] کافی،ج۴،ص۵۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵۸،ح۱۳۷. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۲،ح۱۸۵۵.

لا أشتمك كما شتمتني إلا قال الرب تبارك وتعالى: استجار عبدي بالصوم من شر عبدي قد أجرته من النار » هيچ بنده روزه داری نیست که او را دشنام بگویند، و او بگوید: من روزه دارم سلام بر تو، من همانند تو که دشنام می گوئی تو را دشنام نمی گویم، مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی می گوید: بنده من از شر بنده من به روزه پناه برد، از این رو من او را از دوزخ پناه دادم.[۱]

۱۳۰۱). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: « **عليكم في شهر رمضان بكثرة الاستغفار والدعاء فأما الدعاء فيدفع به عنكم البلاء وأما الاستغفار فيمحى ذنوبكم** » بر شما باد در ماه رمضان به کثرت دعا و استغفار، زیرا که دعا از شما بلا را برطرف می کند و استغفار گناهانتان را محو می نماید.[۲]

۱۳۰۲). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **كان علي بن الحسين عليهما السلام إذا كان شهر رمضان لم يتكلم إلا بالدعاء والتسبيح والاستغفار والتكبير** » امام سجاد عليه السلام همواره چنین بود که هرگاه که ماه رمضان فرا می رسید، سخنی جز دعا، تسبیح، استغفار و تکبیر نمی گفت.[۳]

جایی که قضا و کفاره واجب است

اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرید، یا روزه ماه رمضان را از روی عمد با خوردن و آشامیدن یا نزدیکی یا استمناء یا رساندن غبار غلیظ به حلق و یا باقی ماندن بر جنابت باطل کند، اضافه بر قضا کفاره هم بر او واجب می شود، و بنابر احتیاط اگر کسی روزه را با غیر آنچه ذکر شد باطل می کند، اضافه بر قضا کفاره هم بدهد.

۱۳۰۳). عبد الله بن سنان گوید: حضرت امام صادق عليه السلام در مورد مردی که یک روز از ماه رمضان از روی عمد و بدون عذر روزه اش را افطار نماید، فرمودند: باید بنده ای آزاد کند، یا

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۴،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۳،ح۱۸۶۰.

[۲] کافی،ج۴،ص۵۴،ح۷.

[۳] کافی،ج۴،ص۵۵،ح۸.

دوماه پشت سر هم روزه بدارد، یا شصت مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست آن قدر که می تواند صدقه بدهد.[1]

۱۳۰۴). عبدالرحمن بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در مورد مردی که در ماه رمضان با همسر خود ملاهبه می کند به حدی که منی بیرون می آید؛ (چه حکمی دارد)؟ فرمودند: کفاره او همانند مردی است که با همسر خود جماع کرده است.[2]

۱۳۰۵). عبد الرحمان بن حجاج گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: مردی محرم است و با همسر خود ملاهبه می کند، تا اینکه منی خارج می شود بدون آنکه جماع کند ، یا چنین میکند درحالی که ماه رمضان است؟

حضرت فرمودند: برای هر دو کفاره است، همانند کسی که جماع می کند.[3]

۱۳۰۶). ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی دست خودش را بر جایی از بدن همسرش می گذارد و منی از او خارج می شود ؟ حضرت فرمودند: (باید کفاره بدهد) و کفار آن این است که دوماه پشت سر هم روزه بگیرد، یا اینکه شصت مسکین را طعام بدهد و یا یک برده را آزاد کند.[4]

۱۳۰۷). سلیمان بن حفص مروزی می گوید: از امام علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هرگاه روزه دار در ماه رمضان از روی عمد مضمضه یا استنشاق کند (به نوعی که آب به حلق او برسد) یا رائحه غلیظی ببوبد، یا خانه ای را پاک کند و در بینی و یا حلق او غبار (غلیظ) داخل شود، پس بر وی لازم می آید روزه دو ماه پشت سرهم، زیرا که اینکار سبب بطلان روزه است مانند

---

[1] کافی،ج۴،ص۶۲،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۷،ح۱۸۸۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۷۰،ح۱۷۷.

[2] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۷۱،ح۱۸۰. الاستبصار،ص۳۲۰،ح۴.

[3] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۳۲۷،ح۱۱۲۴.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۰۱،ح۵۶۴.

کسی که غذا خورده یا آب نوشیده و جماع کرده است.[1]

۱۳۰۸). سلیمان بن حفص مروزی می گوید: امام علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی در شب ماه رمضان جنب شود و تا اذان صبح (عمدا) غسل نکند، باید دوماه پشت سرهم روزه بگیرد و همچنین روزه آن روز را قضا کند، با این حال فضیلت آن روز را درک نمی کند.[2]

۱۳۰۹). و در حدیث دیگر آمده است که: کسی که در شب ماه رمضان جنب می شود و عمدا می خوابد تا آنکه صبح شود، باید یک بنده را آزاد کند، یا شصت مسکین را طعام دهد و آن روز را پس از تمام شدن ماه رمضان قضا کند، و روزه آن روز را تمام کند، با این حال هرگز فضیلت آن روز را درک نمی کند.[3]

کفّارۀ روزه

کفاره روزه ماه رمضان این است که یک بنده آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرید، یا شصت مسکین را اطعام کند، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد هر اندازه که می تواند صدقه بدهد و اگر این نیز ممکن نیست استغفار نماید. اما اگر کسی با چیز حرام روزه خود را باطل کرده است کفاره جمع بر او واجب می شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند، دوماه پشت سر هم روزه بگیرید و شصت مسکین را اطعام نماید. اگر روزه داری در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند برای هر دفعه یک کفاره بر او واجب است، و اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود جماع کند، چنانچه زن را بر جماع اکراه کرده باشد، کفاره روزه خودش و کفاره روزه زن را باید بدهد و اگر زن به جماع راضی بوده بر هر کدام یک کفاره واجب می شود.

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۰،ح۲۰۴. الاستبصار،ص۳۲۸،ح۳.

[2] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۹،ح۲۰۰. الاستبصار،ص۳۲۴،ح۱۰.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۹،ح۲۰۱. الاستبصار،ص۳۲۴،ح۱۱.

۱۳۱۰). عبد الله بن سنان گوید: حضرت امام صادق علیه السلام در مورد مردی که یک روز از ماه رمضان از روی عمد و بدون عذر روزه اش را افطار نماید، فرمودند: « **يعتق نسمة أو يصوم شهرين متتابعين أو يطعم ستين مسكينا فان لم يقدر تصدق بما يطيق** » باید بنده ای آزاد کند، یا دوماه پشت سر هم روزه بدارد، یا شصت مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست آن قدر که می تواند صدقه بدهد.[1]

۱۳۱۱). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام در باره مردی که در ماه رمضان با همسر خود نزدیکی کند و چیزی هم ندارد تا شصت مسکین را با آن اطعام کند، فرمودند: « **يتصدق بقدر ما يطيق** » به اندازه توانش صدقه بدهد.[2]

۱۳۱۲). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **أن رجلا أتى النبي صلى الله عليه وآله فقال: هلكت وأهلكت فقال: وما أهلكك؟ قال: أتيت امرأتي في شهر رمضان وأنا صائم، فقال النبي صلى الله عليه وآله: أعتق رقبة، قال: لا أجد، قال: فصم شهرين متتابعين، قال: لا أطيق، قال: تصدق على ستين مسكينا، قال: لا أجد فأتي النبي صلى الله عليه وآله بعذق في مكتل فيه خمسة عشرا صاعا من تمر، فقال النبي صلى الله عليه وآله: خذها فتصدق بها، فقال: والذي بعثك بالحق نبيا ما بين لابتيها أهل بيت أحوج إليه منا، فقال: خذه فكله أنت وأهلك فإنه كفارة لك** » مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد و گفت: هلاک شدم و هلاک کردم. پس پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: کدام چیز تو را هلاک ساخته است؟ مرد گفت: من در ماه رمضان و در حال روزه با همسر خود نزدیکی کردم. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: بنده ای را آزاد کن. گفت: توانائی آن را ندارم. فرمود: پس دو ماه پشت سر هم روزه بدار. گفت: طاقت نمی آورم. فرمود: شصت مسکین را اطعام کن. گفت: سرمایه آن را ندارم. پس در این هنگام خوشه خرمائی در سبدی برای پیامبر صلى الله عليه وآله هدیه آوردند، که پانزده صاع خرما بود، پس پیامبر صلى الله عليه وآله به آن مرد فرمود: آن را بردار و صدقه کن. مرد گفت: قسم به آن خدایی که تو را بحق مبعوث نمود در میان دو

---

[1] کافی،ج۴،ص۶۲،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۷،ح۱۸۸۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۷۰،ح۱۷۷.

[2] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۳. الاستبصار،ص۳۲۰،ح۳.

سنگستانی که مدینه را در بردارد، خانواده ای محتاج تر از ما وجود ندارد. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آن را بردار و با خانواده ات بخور، که آن کفاره توست.[۱]

۱۳۱۳). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی در ماه رمضان در حال روزه با همسر خود نزدیکی کرده است، چه چیزی بر او واجب است؟ فرمودند: بر اوست قضای آن روز و آزاد کردن بنده ای، اگر نبود باید دو ماه پشت سر هم روزه بگیرید، اگر توان آن را نداشت شصت مسکین را اطعام نماید، و اگر توانائی هیچ یک از اینها را نداشت، از خداوند طلب استغفار کند.[۲]

بیان: ترتیب در این روایت محمول بر استحباب و افضلیت است نه وجوب.

۱۳۱۴). عبد السلام بن صالح هروی گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا از پدران بزرگوارتان علیهم السلام برای ما روایت شده است که اگر کسی در ماه رمضان درحال روزه جماع کند یا افطار نماید، سه کفاره بر او واجب است، و همچنین از ایشان روایت شده است که باید یک کفاره بدهد، به کدام یک از این دو حدیث عمل کنیم؟

حضرت فرمودند: به هر دو حدیث عمل کنید، هرگاه کسی در ماه رمضان با حرام (یعنی زنا) جماع کند، یا با چیز حرام افطار نماید، پس بر او سه کفاره واجب است: آزاد کردن بنده ای، روزه گرفتن دوماه پشت سرهم و اطعام شصت مسکین و باید روزه آن روز را قضا کند. و اما اگر با حلال خود جماع کرده (یعنی همسر) یا با چیز حلال افطار نموده است بر او یک کفاره واجب است و باید قضای آن روز را بگیرید، و چنانچه از روی فراموشی بوده چیزی بر عهده او نیست.[۳]

۱۳۱۵). از حضرت حجت علیه السلام وارد شده است که: اگر کسی در ماه رمضان با جماع حرام

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۷،ح۱۸۸۵.

[۲] مسائل علی بن جعفر،ص۱۱۱۶. وسائل الشیعه،ج۱۰،ص۴۸،ح۹.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۴۵،ح۴۳۳۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۷۴،ح۱۸۸. الاستبصار،ص۲۳۹،ح۷.

یا طعام حرام افطار نماید، بر او سه کفاره واجب است.[1]

۱۳۱۶). فتح بن یزید جرجانی خدمت حضرت رضا عليه‌السلام نامه نوشت و از حضرت سوال نمود در موردی مردی که در ماه رمضان با زنی در یک روز، ده مرتبه جماع کند، چه آن زن بر او حلال یا حرام باشد، (چه حکمی دارد)؟ حضرت در جواب فرمودند: باید ده کفاره بدهد، برای هر مرتبه جماع یک کفاره، و اگر چیزی خورده باشد و یا آشامیده باشد،کفاره یک روزه کافیست.[2]

۱۳۱۷). مفضل بن عمر گوید: امام صادق عليه‌السلام در مورد مردی که با زن خود جماع نموده درحالی که هر دو روزه دار بودند، فرمودند: « **إن كان استكرهها فعليه كفارتان وإن كانت طاوعته فعليه كفارة وعليها كفارة** » اگر مرد همسرش را مجبور ساخته دو کفاره بر عهده مرد است، و اگر زن مایل و راضی بوده یک کفاره بر عهده مرد و کفاره دیگر بر عهده زن است.[3]

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

در چند مورد فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست:

(اول) آنکه کسی که در شب ماه رمضان جنب است بخوابد و بیدار شود، سپس برای بار دوم بخوابد به قصد آنکه قبل از اذان برای غسل بیدار می شود، ولی بخواب بماند.

۱۳۱۸). ابن ابی یعفور می گوید: خدمت امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: شخصی در (شب) ماه رمضان جنب می شود، سپس (بعد از آنکه دوباره خوابیده بود)بیدار می شود، و (بدون آنکه غسل کند) میخوابد تا اینکه صبح می شود، (چه حکمی دارد؟) فرمودند: روزه آن روز را تمام

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۸.

[2] عیون الاخبارالرضا،ج۱،ص۲۵۴،ح۳. خصال،ص۴۵۰،ح۵۴.

[3] کافی،ج۴،ص۶۳،ح۹. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۸،ح۱۸۸۹. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۸۲،ح۲۰۸.

می کند و یک روز دیگر به عنوان قضا نیز روزه بجا می آورد، ولی اگر در همان بار اول بیدار نشد تا اینکه صبح دمید، روزه اش را بپایان می رساند، و این روزه او را کفایت می کند.[۱]

۱۳۱۹). معاویه بن عمار می گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه السلام الرجل يجنب من أول الليل ثم ينام حتى يصبح في شهر رمضان قال: ليس عليه شئ، قلت: فانه استيقظ ثم نام حتى اصبح؟ قال: فليقض ذلك اليوم عقوبة** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی در ماه رمضان در اول شب جنب می شود، سپس می خوابد (و تصمیم دارد که قبل اذان برای غسل بیدار شود، ولی بخواب می ماند) تا اینکه صبح می شود؟ حضرت فرمودند: چیزی بر عهده او نیست. روای گوید: گفتم: اگر از خواب بیدار شود و دوباره بخوابد (و بخواب بماند) تا صبح شود؟ فرمودند: باید آن روز را عقوبة قضا نماید.[۲]

(دوم) آنکه در ماه رمضان جنب است و غسل را فراموش می کند و یک روز یا چندین روز می گذرد و بعد یادش می آید.

۱۳۲۰). ابراهیم بن میمون گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الرجل يجنب بالليل في شهر رمضان فنسي أن يغتسل حتى يمضي بذلك جمعة أو يخرج شهر رمضان، قال: عليه قضاء الصلاة والصوم** » از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در شب ماه رمضان جنب می شود و فراموش می کند که غسل نماید و یک هفته بدین سان می گذرد یا ماه رمضان پایان می پذیرید (چه حکمی دارد؟) فرمودند: باید نماز و روزه (آن روز ها) را قضا نماید.[۳]

۱۳۲۱). حلبی می گوید: « **سئل أبوعبدالله عليه السلام عن رجل أجنب في شهر رمضان فنسي أن يغتسل حتى خرج شهر رمضان قال: عليه أن يقضي الصلاة والصيام** » از امام صادق عليه السلام پرسیده شد: کسی در ماه رمضان جنب می شود و فراموش می کند که غسل کند تا اینکه ماه

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۷۹، ح۱۸۹۸. تهذیب الاحکام، ج۴ص۲۷۷، ح۱۹۵. الاستبصار، ص۳۲۳، ح۶.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۴ص۲۷۸، ح۱۹۸. الاستبصار، ص۳۲۳، ح۸.

[۳] کافی، ج۴، ص۶۴، ح۵. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۷۹، ح۱۸۹۵.

رمضان تمام می شود؟ فرمودند: باید نماز و روزه (آن روز ها) را قضا کند.[۱]

(سوم) آنکه در ماه رمضان، بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می کند، مثلا آب بخورد و بعدا معلوم شود صبح بوده است.

۱۳۲۲). حلبی گوید: « **سئل أبوعبدالله** عليه السلام **عن رجل تسحر ثم خرج من بيته وقد طلع الفجر وتبين قال: يتم صومه ذلك ثم ليقضه** » از امام صادق عليه السلام سوال شد در مورد کسی که سحری می کند سپس از منزل خود خارج می شود و می بیند که فجر محقق گشته بوده است؟ فرمودند: باید روزه آن روز را به تمام کند، سپس قضای آن را هم بجا آورد.[۲]

۱۳۲۳). سماعه بن مهران گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی در ماه رمضان بعد از طلوع فجر خورد و آشامید (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اگر برخیزید و نگاه کند و فجر را نبیند و بخورد پس از آن بار دیگر نگاه کند و فجر را ببیند، بایستی روزه اش را کامل کند و اعاده آن بر او لازم نیست، ولی اگر از (خواب) برخیزید و بدون تحقیق بخورد و بیاشامد و بعد از آن به فجر بنگرد و ببیند که طلوع کرده است باید روزه اش را به پایان برساند و روز دیگری قضای آن را بجا آورد، زیرا او پیش از نگریستن و تحقیق خورده است، پس بر اوست که روزه را اعاده کند.[۳]

(چهارم) آنکه کسی بگوید صبح نشده و روزه دار با اعتماد به گفته او، کاری کند که روزه را باطل می کند، و بعدا معلوم شود که صبح بوده است.

۱۳۲۴). معاویه بن عمار می گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام **آمر الجارية أن تنظر طلع الفجر أم لا، فتقول: لم يطلع فآكل ثم أنظره فأجده قد طلع حين نظرت؟ قال: تتم يومك ثم تقضيه أما إنك لو كنت أنت الذى نظرت ما كان عليك قضاؤه** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم:

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴ص۴۰۳،ح۵۷۳.

[۲] کافی،ج۴،ص۵۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۴۰،ح۳۹۵. الاستبصار،ص۳۴۰،ح۲.

[۳] کافی،ج۴،ص۵۹،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۷. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۹،ح۳۹۴. الاستبصار،ص۳۴۰،ح۲.

به کنیز خود دستور می دهم که به فجر بنگرد که آیا طلوع کرده است یا نه، می گوید: طلوع نکرده است. پس من مشغول خوردن غذا می شوم، سپس نگاه می کنم و می بینم که هنگام نگریستن او فجر طلوع کرده بوده است، (وظیفه من چیست)؟ فرمودند: روزه آن روز را به پایان می رسانی و سپس قضای آن را بجا می آوری، ولی در صورتی که خودت نگاه کرده بودی، قضای آن روز به عهده تو نبود.[۱]

(پنجم) آنکه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند، یا خیال کند شوخی میکند، و خودش هم تحقیق نکند و کاری که روزه را باطل میکند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

۱۳۲۵). عیص بن قاسم گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل خرج في شهر رمضان وأصحابه يتسحرون في بيت فنظر إلى الفجر وناداهم فكف بعضهم وظن بعضهم أنه يسخر فأكل فقال: يتم صومه ويقضي** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در ماه رمضان از خانه بیرون می رود، و دوستانش در خانه مشغول خوردن سحری هستند، چشمش به فجر افتاد و فریاد زد که فجر طلوع کرده است. عده از غذا دست کشیدند و عده ای گمان کردند که شوخی می کند، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند: کسی که غذا بخورد باید روزه خود را به پایان برساند و قضای آن را بجا آورد.[۲]

(ششم) آنکه از جهت تشنگی مضمضه کند، یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر برای وضوی نماز واجب مضمضه کند و بی اختیار آب فرو رود، قضا ندارد.

۱۳۲۶). « **سأل سماعة بن مهران أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل عبث بالماء يتمضمض به من عطش فدخل حلقه، قال: عليه قضاؤه، فإن كان في وضوء فلا بأس به** » سماعه بن مهران از

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۴۰،ح۳۹۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۷،ح۱۹۴۰.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۴۰،ح۳۹۷. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۷،ح۱۹۳۹.

امام صادق عليه السلام در مورد کسی سوال کرد که در بازی با آب به قصد فرونشاندن تشنگی مضمضه کند و (بی اختیار) آب به حلق اش داخل شود؟ حضرت فرمودند: بر او قضای آن روز واجب است، اما اگر مضمضه او برای وضوی (نماز واجب) بوده اشکالی ندارد.[۱]

۱۳۲۷). حماد می گوید: حضرت صادق عليه السلام در مورد روزه داری که برای نماز وضو می گیرد، (و مضمضه می کند) و آب به حلق او داخل می شود، فرمودند: « **إن كان وضوؤه لصلاة فريضة فليس عليه شئ وإن كان وضوؤه لصلاة نافلة فعليه القضاء** » اگر وضوی او برای نماز واجب است چیزی بر عهده او نیست، و اگر وضوی او برای نماز مستحبی است باید روزه اش را قضا نماید.[۲]

۱۳۲۸). یونس گوید: (امام عليه السلام فرمودند): روزه دار در ماه رمضان هر وقت خواست می تواند مسواک زند، و اگر در وقت نماز واجب مضمضه بکند (و سهوا) آب به حلق او داخل شود، چیزی به عهده او نیست و روزه اش تمام است. و اگر در غیر وقت نماز واجب مضمضه کند و آب وارد حلق اش شود باید روزه را دوباره بگیرد، و روزه دار بهتر است مضمضه نکند.[۳]

(هفتم) آنکه از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیه افطار کند.

۱۳۲۹). یکی از اصحاب می گوید: حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: در زمان حکومت ابوعباس سفاح که او در حیره بود نزدش رفتم. مردم در مورد آن روز به شک افتاده بودند، بخدا سوگند آن روز، از ماه رمضان بود. به او سلام کردم. سفاح به من گفت: ای اباعبدالله آیا امروز روزه گرفته ای؟ گفتم: نه. سفره غذا گسترده بود، به من گفت: نزدیک شو و غذا بخور. من نزدیک شدم و غذا خوردم و گفتم: روزه و افطار با توست. مردی به امام صادق عليه السلام عرضه

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۴،ح۱۸۶۸. تهذیب الاحکام،ج۴ص۴۰۳،ح۵۷۴.

[۲] کافی،ج۴،ص۶۵،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۴۰۵،ح۵۸۲.

[۳] کافی،ج۴،ص۶۶،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۷۰،ح۱۷۶.

داشت: یک روز از ماه رمضان را افطار کردی؟ حضرت فرمودند: آری. بخدا سوگند اگر یک روز از ماه رمضان را افطار کنم برای من بهتر از این است که گردنم زده بشود.[۱]

۱۳۳۰). همچنین آن حضرت فرمودند: در حیره نزد ابوعباس سفاح رفتم به من گفت: ای ابوعبدالله در مورد روزه امروز چه می گویی؟ گفتم: آن مربوط به امام است، اگر روزه بداری روزه می داریم و اگر افطار کنی افطار می کنیم. گفت: ای غلام، سفره را بیارو. سفره گسترده شد و من با او نیز غذا خوردم، با آنکه به خدا سوگند می دانستم که آن روز از ماه رمضان است. از این رو یک روز افطار روزه و قضای آن بر من آسانتر است از اینکه گردنم زده شود، و (در اثر کشته شدن حجت خدا) خداوند عبادت نشود.[۲]

(هشتم) روزه هایی که به سبب سفر، باطل شده است.

۱۳۳۱). امام صادق عليه‌السلام ضمن حدیثی فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى قد رخص للمسافر في الافطار والتقصير، وأوجب عليه قضاء الصيام ولم يوجب عليه قضاء تمام الصلاة** » خداوند تبارک و تعالی به مسافر رخصت در افطار روزه و تقصیر در نماز را داده است، و قضای روزه را بر او واجب ساخته است ولی قضای اتمام نماز را پس از رخصت از سفر بر او واجب نکرده است.[۳]

۱۳۳۲). همچنین امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **إن خرج من قبل أن ينتصف النهار فليفطر وليقض ذلك اليوم** » اگر مسافر پیش از ظهر (از منزل) خود خارج شود، باید افطار نماید و آن روز را قضا کند.[٤]

(نهم) روزهای ایام حیض و نفاس بانوان، اما مستحاضه باید روزه بگیرد.

---

[۱] کافی،ج۴،ص۵۲،ح۹.

[۲] کافی،ج۴،ص۵۱،ح۷.

[۳] کافی،ج۴،ص۸۲؛ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۷،ح۱۹۸۶. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۱۱،ح۲۸۸.

[٤] کافی،ج۴،ص۸۰،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۶،ح۱۹۸۲. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۷،ح۲۵۴.

۱۳۳۳). حسن بن راشد می گوید: « **قلت لابي عبدالله** ﷺ **الحائض تقضي الصوم؟ قال: نعم، قلت: تقضي الصلاة؟ قال: لا، قلت: من أين جاء هذا؟ قال: أول من قاس إبليس** » خدمت امام صادق ﷺ عرض کردم: زن حائض روزه را قضا می کند؟ فرمودند: آری. گفتم: نماز را قضا می کند؟ فرمودند: نه. گفتم: این حکم از کجا آمده است؟ فرمودند: نخسین کسی که قیاس نمود ابلیس بود.[1]

۱۳۳۴). حلبی می گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: زنی روزه بود چون روز بالا آمد، یا نزدیک غروب شد حائض گشت آیا افطار کند؟

فرمودند: آری، و اگر نزدیک مغرب باشد باید افطار کند.

راوی گوید: پرسیدم: زنی در ماه رمضان در آغاز روز پاک شد، آنگاه غسل نمود و چیزی هم نخورد وظیفه او در آن روز چیست؟

فرمودند: آن روز را افطار کند، زیرا آن روز با خون حیض شکسته شده است.[2]

۱۳۳۵). عیص بن قیص می گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: زنی که در ماه رمضان پیش از غروب آفتاب حائض می شود، (وظیفه اش چیست)؟

فرمودند: آنگاه که حیض شد، افطار می کند.[3]

۱۳۳۶). عبدالرحمان بن حجاج می گوید: خدمت امام کاظم ﷺ عرض نمودم: زنی که بعد از عصر وضع حمل می کند، آیا روزه آن روز را به پایان برساند، یا افطار کند؟

فرمودند: « **تفطر ثم تقضي ذلك اليوم** » افطار کند، سپس قضای آن را بجا آورد.[4]

۱۳۳۷). سماعه بن مهران می گوید: « **سألت أبا عبدالله** ﷺ **عن المستحاضة قال: فقال:**

---

[1] کافی،ج۴،ص۸۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۳۸،ح۳۹۰. الاستبصار،ص۳۲۷،ح۶.

[2] کافی،ج۴،ص۸۲،ح۲.

[3] کافی،ج۴،ص۸۲،ح۳.

[4] کافی،ج۴،ص۸۳،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۸،ح۱۹۹۱.

تصوم شهر رمضان إلا الايام التي كانت تحيض فيهن ثم تقضيها بعده » از امام صادق ؑ درباره زن مستحاضه پرسیدم؟ فرمودند: ماه رمضان را روزه می دارد، بجز روز هائی که در آنها حیض می شد، و پس از ماه رمضان قضای آن روزها را بجا می آورد.[۱]

(دهم) آنکه به سبب بیماری روزه نگیرد، و بیماریش پس از ماه رمضان بر طرف شود.

۱۳۳۸). امام سجاد ؑ در حدیثی فرمودند: اما روزه مسافر و شخص بیمار، بدرستی که مخالفین در آن اختلاف کرده اند. گروهی گویند: روزه می گیرد. گروهی دیگر گویند: روزه نمی گیرد و گروه سومی گویند: اگر بخواهد روزه می گیرد و اگر بخواهد افطار می کند. ولی ما (اهل بیت ؑ) می گوئیم: در هر دو حال نباید روزه بگیرد، و اگر در سفر یا حالت بیماری روزه بگیرد (او را کفایت نمی کند و) باید قضای آن روز ها را بجا آورد، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: « **وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ** » پس هر کسی بیمار شود و یا در سفر باشد، باید (به همان شماره) چند روز از روزهای دیگر را قضا بگیرد.[۲].[۳]

۱۳۳۹). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **إن الله عزوجل تصدق على مرضي أمتي ومسافريها بالافطار في شهر رمضان أيعجب أحدكم لو تصدق بصدقة أن يرد عليه** » خداوند عزوجل افطار در ماه رمضان را به بیماران و مسافران امت من صدقه کرده است، آیا کسی از شما خوشش می آید که چون صدقه ای را داد او را رد کنند؟[٤]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۸۳،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۸،ح۱۹۹۰.

[۲] سوره بقره، آیه۱۸۵.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۲،ح۱۷۸۴. کافی،ج۴،ص۵۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۶۷،ح۴۸۷.

[٤] کافی،ج۴،ص۷۷،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۴،ح۱۹۷۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۴،ح۲۱۳.

احکام روزه قضا

اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه های وقتی را که کافر بوده قضا نماید، و چون کسی بمیرد و قضای روزه ماه رمضان بر ذمه داشته باشد بر فرزند بزرگ او واجب است که قضای روزه ماه رمضان پدر را که توان قضای آن را داشته و قضا ننموده بجا آورد، و اگر میت مالی دارد می تواند بجای هر روز از آن یک مد طعام به فقیر بدهد، گرچه هریک از اعضای خانواده متوفی که بخواهد می تواند قضای آنها را از جانب او بجا آورد.

اگر کسی در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد، و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا ماه رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، و همچنین است اگر کسی به واسطه مَرَضی روزه ماه رمضان را نگیرد و بعد از ماه رمضان بهبود یابد، و اما اگر مَرَض او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مُد طعام فقیر بدهد، گرچه مستحب است قضای آنها را هم بجا آورد.

و اگر کسی قضای روزه ماه رمضان بر عهده دارد بر او جایز نیست که روزه مستحبی بگیرد، تا آنکه اول آنها را قضا نماید.

۱۳۴۰). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام سوال شد: کسی که در نیمه ماه رمضان مسلمان شده است، وظیفه او در مورد روزه چیست (آیا باید روزه روزهای که در آنها مسلمان نبوده قضا کند)؟

حضرت فرمودند: فقط در روز های که مسلمان شده مکلف به روزه است.[1]

۱۳۴۱). امیرالمومومنین علیه السلام در مورد شخصی که در نیمه ماه رمضان اسلام آورده باشد،

---

[1] کافی،ج۴،ص۷۵،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۵،ح۱۹۳۰. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱۵. الاستبصار،ص۳۳۴.

فرمودند: فقط در روزهای آینده روزه بر ذمه اوست.[1]

۱۳۴۲). عیص بن قاسم گوید: از حضرت امام صادق عليه السلام پرسیدم: گروهی که در ماه رمضان پس از گذشت چند روز از آن اسلام آورده اند، آیا بر آنهاست که قضای روزهای گذشته را بجا آورند و یا روزه روزی که مسلمان شده اند، بجا آورند؟

فرمودند: قضایی به ذمه آنها نیست و نه آن روز وردشان به اسلام، مگر آنکه پیش از طلوع فجر اسلام آورده باشند.[2]

۱۳۴۳). همچنین آن حضرت فرمودند: « **إذا مات الرجل وعليه صوم شهر رمضان فليقض عنه من شاء من أهله** » چون کسی بمیرد و قضای روزه ماه رمضان بر ذمه داشته باشد، پس هریک از اعضای خانوده اش بخواهد قضای آن را از جانب او بجا آورد.[3]

۱۳۴۴). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر یا امام صادق عليهما السلام پرسیدم: کسی که ماه رمضان را در حال بیماری درک کرد و پیش از بهبودی وفات نمود (وظیفه اش چیست)؟

فرمودند: بر ذمه او چیزی (از قضای روزه) نیست، ولی اگر کسی که پیش از وفات بهبودی یافته است و قضای آن را بجا نیاورده است و از دنیا رفته بایستی قضای روزها بجا آورده شود.[4]

۱۳۴۵). مرحوم محمد بن حسن صفار گوید: خدمت امام عسکری عليه السلام طی نامه ای نوشتم: مردی از دنیا رفته است و قضای ده روزه از ماه رمضان را بر عهده دارد، و او دو ولی دارد آیا جایز است که هر یک از آنها قضای پنج روز آن را بجا آورند؟ حضرت در جواب نوشت: از جانب او ولی بزرگتر از لحاظ ولایت ده روزه می گیرد، ان شاء الله.[5]

---

[1] کافی،ج۴،ص۷۶،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱۵،ح۳۱۲. الاستبصار،ص۳۳۵،ح۳.

[2] کافی،ج۴،ص۷۶،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱۸،ح۳۱۱. الاستبصار،ص۳۳۴،ح۲.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۰۲،ح۲۰۰۹.

[4] کافی،ج۴،ص۷۴،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱۸،ح۳۲۱. الاستبصار،ص۳۳۶،ح۸.

[5] کافی،ج۴،ص۷۵،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۰۲،ح۲۰۱۰. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱۶،ح۳۱۵.

۱۳۴۶). راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که می میرد و بر ذمه او قضای روزه ماه رمضان پرسیدم که چی کسی آن را قضا کند؟

حضرت فرمودند: از جانب او نزدیک ترین فرد از نظر میراث قضا می کند.

گفتم: اگر نزدیک ترین فرد زن باشد، چطور؟

فرمودند: نه، فقط باید مرد باشد.[۱]

۱۳۴۷). همچنین آن حضرت فرمودند: « **إذا صام الرجل شيئا من شهر رمضان لم يزل مريضا حتى مات فليس عليه شئ وإن صح ثم مرض ثم مات وكان له مال تصدق عنه مكان كل يوم بمد وإن لم يكن له مال صام عنه وليه** » هرگاه کسی بخشی از ماه رمضان را روزه گرفت، سپس پیوسته بیمار شد تا وفات یافت بر ذمه او چیزی نیست، و چنانچه بهبودی یافت سپس بیمار شد و بعد وفات نمود و مالی داشت بجای او برای هر روز یک مد طعام صدقه داده می شود و اگر مالی نداشت، ولی او از جانبش روزه می گیرد.[۲]

۱۳۴۸). ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی در ماه رمضان مسافرت می کند و قبل از آنکه قضای آن روزهای را که در مسافرت بوده بجا آورد می میرد؟

حضرت فرمودند: بهترین خانواده اش قضای آنها را بجا می آورد.[۳]

۱۳۴۹). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام پرسیدم: کسی در ماه رمضان بیمار شد و بعد از آن قضای روزه را نگرفت تا ماه رمضان دیگر فرا رسید، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اگر بهبود یافت و پیش از فرا رسیدن ماه رمضان از گرفتن قضای آن سستی نمود، باید روزه رمضانی که رسیده است را بگیرد و در ازای هر روز، یک مد طعام به مسکین بدهد و قضای آن هم بر ذمه او می باشد، و اگر بیماری او تا رمضان دیگر ادامه داشت، آن ماه رمضان را

---

[۱] کافی، ج۴، ص۷۵، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۱۶، ح۳۱۴. الاستبصار، ص۳۳۵، ح۳.

[۲] کافی، ج۴، ص۷۴، ح۳. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۰۱، ح۲۰۰۸. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۱۷، ح۳۱۸.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۴۰۶، ح۵۹۰.

روزه بگیرد و در ازای ماه رمضان اول برای هر روز یک مد طعام به مسکین بدهد و قضایی بر عهده او نیست.[1]

۱۳۵۰). زراره گوید: امام باقر ﷺ درباره کسی که بیمار می شود و ماه رمضان فرا می رسد و تمام می شود و او همچنان بیمار است و تا ماه رمضان دیگر بهبود نمی یابد، فرمودند: جهت روزه های ماه رمضان اول صدقه می دهد و ماه رمضان دوم را روزه می گیرد، و اگر مابین آن دو بهبود یابد و روزه نگیرد تا ماه رمضان دیگر فرا رسد، هر دو ماه را باید روزه بدارد و جهت ماه رمضان اول صدقه هم بدهد.[2]

۱۳۵۱). ابو صباح کنانی گوید: از حضرت امام صادق ﷺ پرسیدم: کسی چند روز از ماه رمضان را روزه نگرفته اینک ماه رمضان دیگر فرا می رسد، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: بر ذمه اوست که روزه بگیرد و از جهت هر روز به مسکینی (یک مد) طعام بدهد، و اگر در فاصله رمضان پیشین و آینده بیمار بود بر ذمه او فقط (قضای)روزه است... و اگر بیماری او ادامه داشت و بهبود نیافت پس بر ذمه اوست که در ازای هر روزی، مسکینی را اطعام نماید.[3]

۱۳۵۲). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق ﷺ فرمودند: کسی که بواسطه عذری چند روز از ماه رمضان را افطار می کند و ماه رمضان دیگر فرا می رسد و او همچنان مریض است، باید برای هر روز یک مد طعام (به فقیر) بدهد (و قضای روزه بر او واجب نیست) اما من (در چنین موردی) هم روزه می گیرم و هم صدقه (به فقیر) می دهم.[4]

۱۳۵۳). ابوصباح کنانی گوید: « **سألت أبا عبدالله ﷺ عن رجل عليه من شهر رمضان أيام أيتطوع؟ فقال: لا حتى يقضي ما عليه من شهر رمضان** » از امام صادق ﷺ پرسیدم: کسی

---

[1] كافى،ج۴،ص۷۲،ح۱. تهذيب الاحكام،ج۴،ص۳۲۰،ح۳۲۶. الاستبصار،ص۳۳۶،ح۱.

[2] كافى،ج۴،ص۷۲،ح۲. تهذيب الاحكام،ج۴،ص۳۲۱،ح۳۲۷. الاستبصار،ص۳۳۷،ح۲.

[3] كافى،ج۴،ص۷۲،ح۳. تهذيب الاحكام،ج۴،ص۳۲۱،ح۳۲۸. الاستبصار،ص۳۳۷،ح۳.

[4] تهذيب الاحكام،ج۴،ص۳۲۲ ،ح۳۳۱. الاستبصار،ص۳۳۸،ح۷.

قضای روزه ماه رمضان بر عهده دارد، آیا می تواند روزه مستحبی بگیرد؟ فرمودند: نه، تا آنکه قضای ما رمضان را بجا آورد.[۱]

۱۳۵۴). حلبی گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی چند روز قضای روزه ماه رمضان بر عهده دارد، آیا می تواند روزه مستحبی نیز بگیرد؟ فرمودند: نه، تا آنکه قضای ما رمضان را بجا آورد.[۲]

احکام روزه مسافر

آیات:

« **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ...فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ** » ماه رمضان (همان ماه) است که قرآن در آن نازل شده است... پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و هر کسی بیمار شود و یا در سفر باشد، باید (به همان شماره) چند روز از روزهای دیگر را قضا بگیرد، خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.[۳]

روایات:

۱۳۵۵). امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمودند: اما روزه مسافر و شخص بیمار، بدرستی که مخالفین در آن اختلاف کرده اند. گروهی گویند: روزه می گیرد. گروهی دیگر گویند: روزه نمی گیرد و گروه سومی گویند: اگر بخواهد روزه می گیرد و اگر بخواهد افطار می کند. ولی ما (اهل بیت علیهم السلام) می گوئیم: در هر دو حال نباید روزه بگیرد، و اگر در سفر یا حالت بیماری

---

[۱] کافی،ج۴،ص۷۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۴۷،ح۴۱۹.

[۲] کافی،ج۴،ص۷۴،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۴۷،ح۴۱۸.

[۳] سوره بقره، آیه۱۸۵.

روزه بگیرد (او را کفایت نمی کند و) باید قضای آن روز ها را بجا آورد، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: « **وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ** » پس هر کسی بیمار شود و یا در سفر باشد، باید (به همان شماره) چند روز از روزهای دیگر را قضا بگیرد.[۱].[۲]

۱۳۵۶). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **إن الله عزوجل تصدق على مرضي أمتي ومسافريها بالافطار في شهر رمضان أيعجب أحدكم لو تصدق بصدقة أن يرد عليه** » خداوند عزوجل افطار در ماه رمضان را به بیماران و مسافران امت من صدقه کرده است، آیا کسی از شما خوشش می آید که چون صدقه ای را داد او را رد کنند؟[۳]

۱۳۵۷). همچنین آن حضرت ﷺ فرمودند: « **خيار أمتي الذين إذا سافروا أفطروا وقصروا وإذا أحسنوا استبشروا وإذا أساؤوا استغفروا، وشرار أمتي الذين ولدوا في النعم وغذوا به يأكلون طيب الطعام ويلبسون لين الثياب وإذا تكلموا لم يصدقوا** » بهترین امت من کسانی هستند که به هنگام سفر، روزه را افطار و نماز را شکسته می خوانند، آنگاه که مورد احسان و نیکی قرار گیرند شاد می شوند و آنگاه که بدی کنند (از خداوند عزوجل) آمرزش می طلبند. و بدترین امت من کسانی هستند که در ناز و نعمت متولد شده اند و با آن تغذیه شده اند غذاهای خوب می خوردند و لباس های نرم می پوشند و هنگامی که سخن گویند راست نمی گویند.[٤]

۱۳۵۸). محمد بن حکیم گوید: « **سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: لو أن رجلا مات صائما في السفر ما صليت عليه** » از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند: اگر کسی در سفر درحال روز بمیرد بر او نماز نخواهم خواند.[٥]

---

[۱] سوره بقره، آیه۱۸۵.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۲،ح۱۷۸۴. کافی،ج۴،ص۵۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۶۷،ح۴۸۷.

[۳] کافی،ج۴،ص۷۷،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۴،ح۱۹۷۳. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۴،ح۲۱۳.

[٤] کافی،ج۴،ص۷۷،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۵،ح۱۹۷۸.

[٥] کافی،ج۴،ص۷۸،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۵،ح۱۹۷۵.

۱۳۵۹). امام صادق عليه السلام ضمن حديثی فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى قد رخص للمسافر في الافطار والتقصير، وأوجب عليه قضاء الصيام ولم يوجب عليه قضاء تمام الصلاة** » خداوند تبارک و تعالی به مسافر رخصت در افطار روزه و تقصیر در نماز را داده است، و قضای روزه را بر او واجب ساخته است ولی قضای اتمام نماز را پس از رخصت از سفر بر او واجب نکرده است.[1]

۱۳۶۰). همچنین امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إن خرج من قبل أن ينتصف النهار فليفطر وليقض ذلك اليوم** » اگر مسافر پیش از ظهر (از منزل) خود خارج شود، باید افطار نماید و آن روز را قضا کند.[2]

۱۳۶۱). معاویه بن عمار گوید: از امام عليه السلام شنیدم که فرمودند: اگر کسی روزه ماه رمضان را در سفر بگیرید او را کفایت نمی کند و باید آن روز را قضا کند.[3]

۱۳۶۲). حلبی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی در سفر روزه گرفته است،(چه حکمی دارد)؟

حضرت فرمودند: اگر می دانسته که رسول خدا صلى الله عليه وآله از گرفتن روزه در سفر نهی نموده اند، باید قضای آن را بجا آورد، ولی اگر نمی دانسته چیزی بر عهده او نیست.[4]

۱۳۶۳). و از حضرت صادق عليه السلام پرسیده شد: شخصی در ماه رمضان در سفر روزه گرفته است، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: اگر نمی دانسته که پیامبر صلى الله عليه وآله از این کار نهی نموده اند، بر او قضا لازم نیست و

---

[1] کافی،ج۴،ص۸۲؛ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۷،ح۱۹۸۶. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۱۱،ح۲۸۸.

[2] کافی،ج۴،ص۸۰،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۶،ح۱۹۸۲. تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۷،ح۲۵۴.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴ص۲۸۸،ح۲۲۸.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۸۷،ح۲۲۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۷،ح۱۹۸۷. کافی،ج۴،ص۸۷،ح۱.

روزه آن روز او را کفایت می کند.[١]

١٣٦٤). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هر که ندانسته در سفر روزه بگیرد، آن روز را قضا نمی کند.[٢]

١٣٦٥). و نیز فرمودند: هرکسی در ماه رمضان سفر کند، باید افطار نماید و اگر نداسته روزه گرفت آن را قضا نمی کند.[٣]

١٣٦٦). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه‌السلام در مورد کسی سوال شد که وطن خود مقیم است و در ماه رمضان سفر برای او رخ می دهد، و این درحالی است که چند روز از ماه رمضان گذشته است؟

حضرت فرمودند: « **لا بأس بأن يسافر ويفطر ولا يصوم** » اشکالی ندارد که سفر کند و افطار نماید و روزه نگیرد.[٤]

١٣٦٧). و همانند این حدیث را ابان بن عثمان از امام صادق عليه‌السلام روایت کرده است.[٥]

١٣٦٨). حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی که به هنگام فرا رسیده ماه رمضان مقم بوده و قصد سفر نداشته آنگاه با فرا رسیدن ماه رمضان به فکر مسافرت افتاده است، (چگونه است)؟

پس حضرت سکوت نمود، تا من چندین بار مسأله را پرسیدم.

فرمودند: اقامتش بهتر است مگر آنکه کاری داشته باشد که ناگزیر از سفر است، یا آنکه از تلف شدن مالش بترسد.[٦]

---

[١] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۸۸،ح۲۲۹.

[٢] کافی،ج۴،ص۷۸،ح۲.

[٣] کافی،ج۴،ص۷۸،ح۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۴،ح۱۹۷۰.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۴.

[٦] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹۳،ح۱۹۶۹.

۱۳۶۹). حلبی می گوید: از امام صادق ؈ پرسیدم: کسی در ماه رمضان از خانه خود به قصد سفر بیرون می رود و روزه است، (چه وظیفه ای دارد)؟

فرمودند: « **إن خرج من قبل أن ينتصف النهار فليفطر وليقض ذلك اليوم وإن خرج بعد الزوال فليتم يومه** » اگر پیش از ظهر خارج شود، باید افطار نماید و آن روزه را قضا کند، و اگر بعد از ظهر حرکت کند، باید روزه آن روز را به پایان برساند.[1]

۱۳۷۰). زراره گوید: حضرت صادق فرمودند: « **إذا خرج الرجل في شهر رمضان بعد الزوال أتم الصيام فإذا خرج قبل الزوال أفطر** » هر کسی در ماه رمضان بعد از ظهر از وطنش بیرون رود، باید روزه را به پایان برساند، ولی اگر پیش از ظهر از وطنش بیرون رفت، افطار می کند.[2]

۱۳۷۱). علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم ؈ پرسیدم: کسی که ماه رمضان را در سفر درک می کند و چند روز در مکانی می ماند آیا می تواند روزه بگیرد؟

فرمودند: نه تا در آن مکان ده روزه بماند و هرگاه ده روز اقامت کرد روزه میگیرد و نماز را تمام می خواند.

گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی چند روز قضای ماه رمضان بر عهده دارد، آیا می تواند در مسافرت آنگاه که در یک جا اقامت نمود، قضا نماید؟

فرمودند: نه مگر آنکه ده روز در یک جا اقامت کند.[3]

---

[1] کافی،ج۴،ص۸۰،ح۱. من لایحضره الفقيه،ج۲،ص۹۶،ح۱۹۸۲. تهذيب الاحكام،ج۴،ص۲۹۷،ح۲۵۴.

[2] کافی،ج۴،ص۸۰،ح۲.

[3] کافی،ج۴،ص۸۱،ح۲.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

۱۳۷۲). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر ؈ شنیدم که می فرمودند: پیرمرد بزرگسال و کسی که مبتلا به تشنگی است، اشکالی ندارد که در ماه رمضان روزه خود را بخورند و در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهند، و قضای روزه بر آنان نیست و اگر توان پرداخت (فدیه) را نداشته باشند، چیزی بر عهده آنان نیست.[۱]

۱۳۷۳). امام صادق ؈ در مورد کلام خداوند عزوجل: « **وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ** » و کسانی که از روزه گرفتن ناتوانند، باید مسکینی را اطعام کنند.[۲] فرمودند: منظور کسانی بودند که توان روزه گرفتن را داشتند، آنگاه پیری یا بیماری تشنگی یا مانند آن بر آنان غلبه کرد، در ازای هر روز یک مد طعام بر عهده آنهاست.[۳]

۱۳۷۴). عبد الله بن سنان گوید: از امام کاظم پرسیدم: پیر مردی که توان روزه ماه رمضان را ندارد، (چه وظیفه ای دارد)؟

فرمودند: در ازای هر روز به اندازه ای که برای غذا مسکین کافی باشد، صدقه می دهد.[٤]

۱۳۷۵). عبدالملک بن عتبه می گوید: از حضرت امام کاظم ؈ پرسیدم: پیرمرد و پیرزنی نمی توانند در ماه رمضان روزه بگیرند، چه وظیفه دارند؟

فرمودند: در ازای هر روز یک مد گندم صدقه می دهند.[٥]

۱۳۷۶). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر ؈ در مورد فرموده خداوند عزوجل: « **وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ** » و کسانی که از روزه گرفتن ناتوانند، باید مسکینی را اطعام

---

[۱] کافی، ج۴، ص۷۰، ح۴. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۸۸، ح۱۹۴۷.

[۲] سوره بقره، آیه۱۸۴.

[۳] کافی، ج۴، ص۷۰، ح۵. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۸۸، ح۱۹۴۹.

[٤] کافی، ج۴، ص۷۰، ح۳.

[٥] کافی، ج۴، ص۷۰، ح۲. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۸۹، ح۱۹۵۱.

کنند.[۱] پرسیدم؟

فرمودند: منظور پیرمرد و کسی است که (زیاد) تشنه می شود.[۲]

۱۳۷۷). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: اشکال ندار که زن باردار در شُرُف وضع حمل و زن شیر دهی که کم شیر است درماه رمضان روزه خود را بخوردند، زیرا آنها طاقت روزه را ندارند و بر ذمه آنهاست که برای هر روزی که خورده اند یک مد طعام صدقه بدهند، همچنین باید قضای آن را بجا آوردند.[۳]

راه ثابت شدن اوّل ماه

آیات:

« **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الأهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ** » از تو در مورد (حکمت) هلالها (ی ماه) می پرسند بگو آنها وسیله تعیین اوقات مردم و (تعیین موسوم) حج است.[٤]

روایات:

۱۳۷۸). حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد هلال ماه ها سوال شد؟ فرمودند: « **هي أهلة الشهور فإذا رأيت الهلال فصم وإذا رأيته فأفطر** » منظور هلال ماه هاست، هرگاه هلال (ماه رمضان) را دیدی روزه بدار، و آنگاه که هلال (ماه شوال) را دیدی افطار کن.[٥]

۱۳۷۹). محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند:« **إذا رأيتم الهلال فصوموا وإذا رأيتموه فأفطروا وليس بالرأي ولا بالتظني وليس الرؤية أن يقوم عشرة نفر فيقول واحد:**

---

[۱] سوره بقره،آیه۱۸۴.

[۲] کافی،ج۴،ص۷۰.ح۱.

[۳] کافی،ج۴،ص۷۱،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۹،ح۱۹۵۰. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۰۹،ح۲۸۴.

[٤] سوره بقره؛آیه۱۸۹.

[٥] کافی،ج۴،ص۴۸،ح۱.

هو ذا وينظر تسعة فلا يرونه، لكن إذا رآه واحد رآه ألف » هنگامی که هلال (ماه رمضان) را رویت کردید روزه بدارید، و چون هلال (ماه شوال) را رویت نمایید، افطار کنید، و رویت ماه به رأی و گمان ثابت نمی شود و رویت این نیست که ده نفر به (نظاره) بایستند پس یکی از ایشان میگوید هلال این است و نه نفر نگاه کنند، اما آن را نبینند، بلکه وقتی یک نفر آن را دید در واقع هزار نفر آن را دیده است.[١]

١٣٨٠). سماعه گوید: (امام صادق عليه السلام فرمودند): « **صيام شهر رمضان بالرؤية وليس بالظن** » روزه ماه رمضان با رویت هلال است و با ظن و گمان نیست.[٢]

١٣٨١). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: بر اهل قبله تکلیفی جز رویت (هلال) نیست، و بر مسلمانان تکلیفی جز رویت نیست.[٣]

١٣٨٢). علی بن محمد قاسانی گوید: خدمت امام (جواد یا امام هادی عليهما السلام) نامه نوشتم در حالی که در مدینه بودم و از حضرتش پرسیدم در مورد روزی که در آن بشک افتادم که از ماه رمضان است (یا آخر شعبان) آیا آن روز را (به نیت رمضان) روزه بدارم یا نه؟

حضرت در جواب نوشتند: یقین با شک شکسته نمی شود، با رویت هلال روزه بگیر و با رویت هلال افطار کن.[٤]

١٣٨٣). امام صادق عليه السلام در مورد کلام خداوند عزوجل: « **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الأهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ** » از تو در مورد (حکمت) هلالها (ی ماه) می پرسند بگو آنها وسیله تعیین اوقات مردم و (تعیین موسوم) حج است.[٥] فرمودند: یعنی برای تعیین روزه آنها و افطار آنان و حج

---

[١] کافی،ج۴،ص۴۹،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۱،ح۱۹۰۸.

[٢] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۰۱،ح۱۵.

[٣] کافی،ج۴،ص۴۹،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۱،ح۱۹۰۹. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۳،ح۲۵.الاستبصار،ص۳۱۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱۴،ح۲۸.الاستبصار،ص۳۱۱،ح۱۲.

[٥] سوره بقره؛آیه۱۸۹.

ایشان.[۱]

۱۳۸۴). همچنین آن حضرت فرمودند: امیرالمومنین علیه السلام می فرمود: برای رویت هلال جز شهادت دو مرد عادل را تنفیذ نمی کنم.[۲]

۱۳۸۵). و نیز امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **لا تجوز شهادة النساء في الهلال و لا تجوز إلا شهادة رجلين عدلين** » گواهی زنان در رویت هلال جایز نیست (یعنی قبول نمی شود)، و فقط گواهی دو مرد عادل جایز است.[۳]

بعضی از روزه های مستحب

۱۳۸۶). رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: کسی که یک روز روزه مستحبی بدارد، خداوند عزوجل او را به بهشت داخل نماید.[٤]

۱۳۸۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی که بخاطر خدا یک روزه را روزه مستحبی بدارد، خداوند به سبب آن او را وارد بهشت می گرداند.[٥]

۱۳۸۸). حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: کسی که یک روز در راه خدا روزه بگیرد، مانند این است که یک سال روزه گرفته است.[٦]

۱۳۸۹). همچنین فرمودند: ای گروه جوانان بر شما باد ازدواج پس اگر نتوانستید بر شما باد روزه، زیرا که روزه شهوت را کنترل می کند.[۷]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۲۳،ح۵۵.

[۲] کافی،ج۴،ص۴۹،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۱،ح۱۹۱۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۲،ح۸۲.

[۳] کافی،ج۴،ص۴۹،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۸۱،ح۱۹۱۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴۲،ح۸۱.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۵،ح۱۸۰۱.

[٥] کافی،ج۴،ص۴۱،ح۵.

[٦] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۷۵،ح۱۸۰۳.

[۷] کافی،ج۴،ص۱۰۹،ح۲.

۱۳۹۰). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله روزه می گرفت تا جایی که می گفتند هیچ گاه روزه را ترک نخواهد کرد و آن قدر روزه نمی گرفت که می گفتند دیگر روزه (مستحبی) نخواهد گرفت . پس از مدتی روش خود را تغییر داد و در هر ماه سه روز روزه می گرفت . و در حالی که وفات یافت که سه روز در هر ماه روزه می گرفت و می فرمود: برابر با روزه روزگار است و وسوسه سینه را از بین می برد.

راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم ! این سه روز چه روزهایی هستند؟

فرمودند: اولین پنج شنبه ماه و اولین چهارشنبه پس از ده روز و آخرین پنج شنبه آن.

عرض کردم : چرا این روزها؟

فرمودند: زیرا عذابی که بر امتهای پیشین نازل می شد، در این روزها بود. و رسول خدا صلى الله عليه وآله این روزها را روزه می گرفت . چون روزهای ترسناکی هستند.[1]

۱۳۹۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: از رسول خدا صلى الله عليه وآله درباره مناسبت روزه دو پنج شنبه که چهارشنبه بین آنها باشد پرسیدند؟

آن حضرت صلى الله عليه وآله در جواب فرمودند: باین جهت که پنج شنبه در آن اعمال عرضه می شود و اما چهارشنبه در این روز جهنم آفریده شد و اما روزه سپری در برابر آتش است .[2]

۱۳۹۲). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: روش رسول خدا صلى الله عليه وآله این بود که آنقدر روزه می گرفت که می گفتند هیچ گاه روزه اش را ترک نخواهد کرد. و آنقد روزه نمی گرفت که می گفتند دیگر روزه (مستحبی) نخواهد گرفت . پس از مدتی روش خود را تغییر داد و دوشنبه و پنج شنبه (هر هفته) را روز ه می گرفت . پس از مدتی باز هم روش خود را تغییر داد و سه روز را در ماه روزه می گرفت . پنج شنبه اول ماه ، چهارشنبه وسط ماه ، و پنج شنبه آخر ماه و می فرمودند:

---

[1] کافی،ج۴،ص۵۵،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۵،ح۱۷۸۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۷۸،ح۴۹۶.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۵،ح۱۷۹۰.

این، روزه روزگار است.[1]

۱۳۹۳). زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم سنت در روزه چگونه است ؟ فرمودند: سه روز در هر ماه : پنج شنبه در ده اول ، چهارشنبه در دهه دوم . و پنج شنبه در دهه آخر. عرض کردم : این تمام سنت در مورد روزه است ؟ فرمودند: بله .[2]

۱۳۹۴). عنبسه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله درحالی از دنیا رحلت فرمود که ماه شعبان، ماه رمضان و سه روز در هر ماه را روزه می گرفت، پنج شنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه، و پنج شنبه آخر ماه و امام صادق و امام باقر علیهما السلام همواره اینگونه روزه می گرفتند.[3]

۱۳۹۵). امیر المومنین علیه السلام فرمودند: روزه ماه صبر (ماه رمضان) و سه روز در هر ماه وسوسه سینه ها را از بین می برد و روزه سه روز در هر ماه روزه روزگار است . زیرا همانا خدای عزوجل می فرمایند: « **مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا** » کسی که حسنه ای انجام دهد، پاداشی ده برابر آن خواهد داشت.[4][5]

۱۳۹۶). ابوهریره گفت: هر کس که روزه هیجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را برای وی می نویسد. این روز روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه وآله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: ای مردم آیا من بر مومنان نسبت به خودشان اولی نیستم؟ گفتند: چرا، ای رسول خدا. گفت: هرکس که من مولای او هستم علی مولای اوست. عمر به او گفت: مبارک باد، مبارک باد ای فرزند ابوطالب مولای من و مولای هر مسلمانی شدی. خداوند نیز این

---

[1] کافی،ج۴،ص۵۵،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۴،ح۱۷۸۵.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۶،ح۱۷۹۶.

[3] کافی،ج۴،ص۵۶،ح۷.

[4] سوره انعام،آیه۱۶۰.

[5] کافی،ج۴،ص۵۷،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۵،ح۱۷۸۹.

آیه را فرو فرستاد: « **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ** » امروز، برای شما دینتان را کامل کردم.[۱][۲]

۱۳۹۷). حسن بن راشد می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : فدای تو گردم ، آیا مسلمان عیدی غیر از دو عید (فطر و قربان) دارند؟

فرمودند: بله . ای حسن ! که بزرگتر و شریفتر از آن دو است .

عرض کردم این عید در چه روزی است ؟

فرمودند: روز برگزیده شدن امیرالمؤ منین علیه السلام برای پیشوایی مردم .

عرض کردم قربانت گردم ، در چه روزی برای پیشوایی مردم برانگیخته شدند؟

فرمودند: همانا روزها می چرخند و آن روز، روز هیجدهم ذی الحجه است .

عرض کردم : فدایت گردم ! چه کاری خوب است در آن انجام دهیم ؟

فرمودند: ای حسن ! در آن روز، روزه بگیر و بر محمد و اهل بیت او زیاد صلوات بفرست و از کسانی که به آنها ستم کردند و حق آنها را انکار کردند، بسوی خداوند بیزاری بجوی . زیرا همانا همه پیامبران به اوصیای خود دستور می دادند روزی را که در آن وصی معین شده است ، عید بگیرند.

عرض کردم : اگر کسی از ما آن را روزه بگیرد، چه ثوابی خواهد داشت ؟

فرمودند: (ثواب) روزه شصت ماه . روزه روز بیست و هفتم رجب را نیز ترك نکن، زیرا همانا این روز همان روزی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به پیامبری برگزیده شده و ثواب این روز برای شما مانند ثواب شصت ماه روزه است .[۳]

۱۳۹۸). امام کاظم علیه السلام (یا امام رضا علیه السلام) فرمودند: خداوند عزوجل در روز بیست و هفتم

---

[۱] سوره مائده، آیه۳.

[۲] امالی شیخ صدوق، ص۴، ح۲، م۱.

[۳] کافی، ج۴، ص۹۰، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۶۰، ح۱۸۱۶. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۸۰، ح۵۰۴.

رجب حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمت و مهر مبعوث نمود، پس هرکس آن را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را بر او می نویسد.

و در روز بیست و پنجم ذی القعده کعبه بنا شد و آن نخستین نعمتی است که در روی زمین نهاده شد، و خداوند آن را جایگاه پاداش و مجتمع و ایمنی برای مردم قرار داد، پس هرکس آن را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را بر او می نویسد.

و در نخستین روز از ماه ذی الحجه ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام متولد شد، پس هرکس آن را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را بر او می نویسد.[۱]

۱۳۹۹). حسن بن علی وشاء گوید: در نوجوانی شبی با پدرم در شب بیست و پنجم ذی قعده نزد امام رضا علیه السلام شام خوردیم . آن حضرت فرمودند: شب بیست و پنجم ذی القعده، ابراهیم و عیسی بن مریم علیه السلام در آن متولد شده اند در این شب زمین از زیر کعبه گسترده گردیده است کسی که این روز را روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.[۲]

بیان: در حدیث قبلی ذکر شد که ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام در اول ذی الحجه است و بعید نیست که مراد از ابراهیم در این روایت فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

۱۴۰۰). امام کاظم علیه السلام فرمودند: کسی که اولین روز از ده روز ذی الحجه را روزه بگیرد، خداوند برای او روزه هشتاد ماه را خواهد نوشت و اگر نه روز را روزه بگیرد (یعنی از اول تا نهم ذی الحجه را روزه بگیرد) خداوند برای او روزه یک روزگار را خواهد نوشت.[۳]

۱۴۰۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **صوم یوم الترویه کفاره سنه و یوم عرفه کفاره سنتین** »

روزه روز ترویه کفاره (گناهان) یک سال و روزه روز عرفه کفاره (گناهان) دو سال است .[٤]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۹۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۸۰،ح۵۰۲.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۹،ح۱۸۱۴.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۸،ح۱۸۰۶.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۸،ح۱۸۰۷.

۱۴۰۲). و روایت شده است که: « **أن في أول يوم من ذي الحجة ولد إبراهيم خليل الرحمن** عليه السلام **فمن صام ذلك اليوم كان كفارة ستين سنة، وفي تسع من ذي الحجة انزلت توبة داود** عليه السلام **فمن صام ذلك اليوم كان كفارة تسعين سنة** » در نخستین روزه ذی الحجه حضرت ابراهیم خلیل متولد عليه السلام شد، پس هرکس آن را روزه بدارد، روزه اش کفاره (گناهان) شصت سال است، و در روزه نهم ذی الحجه (یعنی عرفه) توبه داود عليه السلام نازل گشته است، پس هر کس آن را روزه بدارد، روزه اش کفاره (گناهان) نود سال است.[1]

۱۴۰۳). امام هادی عليه السلام در حدیثی فرمودند: روز های که در آنها (سزاوار است که) روزه گرفته شود، چهار روز است: اولین روز، بیست و هفتم رجب است که خداوند متعال پیامبر صلی الله علیه وآله را به عنوان رحمت برای عالمیان مبعوث نمود، روز دوم روز ولادت آن حضرت صلی الله علیه وآله است که آن هفدهم ربیع الاول می باشد، روز سوم روزه بیست و پنجم ذی القعده است که زمین از زیر کعبه گسترده شد و روز چهارم روز (عید) غدیر است، که رسول خدا صلی الله علیه وآله برادرش امیرالمومنین عليه السلام را به عنوان امام و پیشوا بعد از خود برای مردم منصوب نمود.[2]

۱۴۰۴). (از حضرت رضا عليه السلام روایت شده است که فرمودند): در نخستین روز محرم حضرت زکریا عليه السلام (روزه گرفت و) پروردگار خود را ندا داد و دعا کرد، پس هرکس این روز را روزه بدارد، خداوند عزوجل دعای او را مستجاب می کند همچنان که دعای زکریا عليه السلام را مستجاب نمود.[3]

۱۴۰۵). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **إن نوحا** عليه السلام **ركب السفينة أول يوم من رجب فأمر من معه أن يصوموا ذلك اليوم، وقال: من صام ذلك اليوم تباعدت عنه النار مسيرة سنة، ومن صام سبعة أيام أغلقت عنه أبواب النيران السبعة، ومن صام ثمانية أيام فتحت له أبواب الجنان الثمانية، ومن صام خمسة عشر يوما أعطي مسألته، ومن زاده زاده الله عزوجل** »

---

[1] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۵۸،ح۱۸۰۸.

[2] تهذيب الاحكام،ج۴،ص۳۸۱،ح۵۰۵.

[3] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۶۰،ح۱۸۱۸.

همانا نوح در روز اول رجب سوار کشتی شد و به همراهان خود دستور داد این روز را روزه بگیرند. و فرمود، هر کس این روز را روزه بگیرد. جهنم باندازه دوری مسافت یک سال از او دور خواهد شد و کسی که هفت روز روزه بگیرد، درهای هفتگانه دوزخ به روی او بسته می شود، و کسی که هشت روز را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت برای او باز می شوند و کسی که پانزده روز روزه بگیرد، حاجتش داده خواهد شد و کسی که بیشتر روزه بگیرد خدای عزوجل ثواب بیشتری به او عنایت می فرماید.[۱]

۱۴۰۶). امام کاظم عليه السلام فرمودند: « **رجب نهر فی الجنه اشد بیاضا من اللبن و احلی من العسل من صام یوما من رجب سقاه الله عزوجل من ذلك النهر** » رجب رودخانه ای است در بهشت سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل، کسی که یک روز از ماه روز رجب را روزه بگیرد، خداوند عزوجل از آن رودخانه به او عطا خواهد کرد.[۲]

۱۴۰۷). همچنین آن حضرت عليه السلام فرمودند: « **رجب شهر عظیم یضاعف الله فیه الحسنات و یمحو فیه السیئات من صام یوما من رجب تباعدت عنه النار مسیره مائه سنه و من صام ثلاثه ایام وجبت له الجنه** » رجب ماه بزرگی است که خداوند حسنات را در آن دو برابر نموده و گناهان را در آن پاک می کند. کسی که یک روز از رجب را روزه بگیرد، جهنم باندازه مسافت صد سال از او دور خواهد شد و کسی که سه روز را روزه بگیرد، بهشت برای او واجب می شود.[۳]

۱۴۰۸). سماعه گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام**: هل صام أحد من آبائك شعبان؟ قال: خير آبائي رسول الله** صلى الله عليه وآله **صامه** » به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا یکی از پدران بزرگوارت ماه شعبان را روزه گرفته است؟ فرمودند: بهترین پدرانم رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را روزه گرفته است .[٤]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶۱،ح۱۸۲۰.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶۱،ح۱۸۲۱.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶۱،ح۱۸۲۲.

[٤] کافی،ج۴،ص۵۶،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۸۴،ح۵۱۳.

۱۴۰۹). و همانند این از حلبی از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.[1]

۱۴۱۰). یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره روز ماه شعبان پرسیدم که آیا کسی از پدران شما آن را روزه گرفته است؟

فرمودند: بیشترین روزه بهترین پدرانم، رسول خدا صلی الله علیه و آله در شعبان بود.[2]

۱۴۱۱). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من صام أول يوم من شعبان وجبت له الجنة البتة، ومن صام يومين نظر الله إليه في كل يوم وليلة في دار الدنيا وداوم نظره إليه في الجنة، ومن صام ثلاثة أيام زاره الله في عرشه من جنته في كل يوم** » کسی که اولین روز شعبان را روزه بگیرد، حتما بهشت برای او لازم خواهد شد. و کسی که دو روز روزه بگیرد، خداوند در هر روز و شب در سرای دنیا به او نگاه می نماید و در بهشت نیز به این نگاه ادامه می دهد. و کسی که سه روز را روزه بگیرد،، هر روز خداوند را در عرض بهشتیش زیارت خواهد نمود.[3]

بیان: مرحوم شیخ صدوق رحمه الله پس از نقل حدیث مذکور گوید: « **زيارة الله زيارة أنبيائه وحججه عليهم السلام من زارهم فقد زار الله عزوجل** » معنی زیارت خدا زیارت پیامبران و حجت های او علیهم السلام است، زیرا که هرکس آنها را زیارت کند، خداوند عزوجل را زیارت کرده است.[4]

۱۴۱۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: روزه شعبان و ماه رمضان، دو ماه پی در پی توبه ای از جانب خدای عزوجل می باشد (یعنی توبه ای مقبول است).[5]

---

[1] کافی، ج۴، ص۵۶، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۸۴، ح۵۱۴.

[2] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۸۴، ح۵۱۲.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۶۲، ح۱۸۶۲.

[4] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۶۲.

[5] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۸۲، ح۵۰۸.

۱۴۱۳). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله شعبان و ماه رمضان را روزه می گرفت، رفت و روزه (این دو ماه) را به یکدیگر وصل می نمودند، ولی مردم را نهی می کرد که این دو را به یکدیگر وصل نمایند و می فرمودند: این دو، دو ماه خداوند هستند و این دو کفاره گناهان قبل و بعد از این دو ماه است.[۱]

روزه های حرام و مکروه

۱۴۱۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **یا علی: لا تصوم المرأة تطوعا الا باذن زوجها، ولا یصوم العبد تطوعا الا باذن مولاه، ولا یصوم الضیف تطوعا الا باذن صاحبه. یا علی: صوم یوم الفطر حرام، وصوم یوم الاضحی حرام، وصوم الوصال حرام، وصوم الصمت حرام، وصوم نذر المعصیة حرام، وصوم الدهر حرام** » ای علی زن جز با اجازه شوهرش، و بنده جز با اجازه سرَوَرش، و مهمان جز با اجازه میزبانش نباید روزه مستحبی بگیرند. ای علی روزه عید فطر حرام است، روزه عید قربان حرام است، روزه به هم پیوسته حرام است، روزه سکوت حرام است، روزه ای که برای انجام گناه نذر شود حرام است و روزه مادام العمر حرام است.[۲]

۱۴۱۵). امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **وأما الصوم الحرام: فصوم یوم الفطر، ویوم الاضحی، وثلاثة أیام التشریق، وصوم یوم الشك ... وصوم الوصال حرام، وصوم الصمت حرام، وصوم نذر المعصیة حرام، وصوم الدهر حرام** » و اما روزه های حرام عبارتند از: روزه عید فطر، روزه عید قربان، روزه ایام تشریق (کسی که در منا در حال مناسک حج باشد) و روزه یوم الشک (اگر به قصد اول ماه رمضان روزه بگیرد)... و روزه به هم پیوسته حرام است، و روزه سکوت حرام است، و روزه ای که برای انجام گناه نذر شود حرام است، و روزه مادام العمر حرام

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۸۳،ح۵۰۹.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۶۶.

است.[1]

۱۴۱۶). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا عليه‌السلام از روزه گرفتن در شش روز نهی فرمود که آنها عبارتند از: روزه عید فطر، روزه عید قربان، روزه ایام تشریق و روزه روزی که شک داری اول ماه رمضان است یا آخر شعبان (یعنی اگر به قصد اول ماه رمضان روزه گرفته شود).[2]

۱۴۱۷). عبدالکریم بن عمرو گوید: « **قلت لابي عبدالله عليه‌السلام اني جعلت على نفسي ان اصوم حتى يقوم القائم عليه‌السلام فقال: لا تصم في السفر ولا العيدين ولا ايام التشريق ولا اليوم الذي يشك فيه** » برای امام صادق عليه‌السلام گفتم: من بر خودم لازم کرده ام تا حضرت قائم عليه‌السلام قیام کند، روزه بگیرم؟ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد، (اما) در سفر و روز عید فطر و عید قربان و ایام تشریق و یوم الشک روزه مگیر.[3]

۱۴۱۸). کرام بن عمرو می گوید: من پیش خود عهد کردم که هرگز در روز غذائی نخورم (یعنی روزه بگیرم) تا هنگامی که قائم آل محمد عليه‌السلام قیام کند. روزی خدمت امام صادق عليه‌السلام رسیدم و عرض کردم: مردی از شیعیان شما بر خویش واجب کرده است که هرگز در روز غذائی نخورد تا وقتی که قائم آل محمد عليه‌السلام قیام کند؟

حضرت فرمودند: ای کرام روزه بگیر اما در روز عید فطر و عید قربان و سه روز ایام تشریق و هنگامی که در سفر یا اینکه مریض هستی، در این ایام از روزه گرفتن خودداری کن.[4]

۱۴۱۹). سماعه گوید: « **سألته عن صيام يوم الفطر فقال: لا ينبغي صيامه ولا صيام أيام التشريق** » از امام عليه‌السلام در مورد روزه روز عید فطر پرسیدم؟ فرمودند: روزه آن روز و روزه ایام

---

[1] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۵۲، ح۱۷۸۴. کافی، ج۴، ص۵۲، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۴ص ۳۶۷، ح۴۸۷.

[2] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۵، ح۹۲. الاستبصار، ص۳۱۹، ح۸.

[3] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۶، ح۹۳. الاستبصار، ص۳۱۹، ح۹. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۸۴، ح۱۹۲۵.

[4] کافی، ج۱، ص۴۴۸، ح۱۹.

تشریق جایز نیست.[۱]

۱۴۲۰). معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد روزه ایام تشریق پرسیدم؟ فرمودند: روزه آن برای کسی که در منی باشد حرام است، اما کسی که در سایر شهرها است، اشکالی ندارد روزه بگیرد.[۲]

۱۴۲۱). زیاد بن ابی الحلال گوید: امام صادق عليه السلام به ما فرمودند: روزه ای نیست سه روز بعد از عید فطر و سه روزه بعد از عید قربان، زیرا که آنها روزهای خوردن و آشامیدن است.[۳]

بیان: نهی در این حدیث محمول بر کراهت است نه حرمت.

۱۴۲۲). حضرت امام سجاد عليه السلام در حدیثی فرمودند: اما روزه اذن، زن روزه مستحبی نگیرد مگر به اذن شوهرش، و غلام روزه مستحبی نگیرد مگر با اذن مولایش و مهمان روزه مستحبی نگیرد مگر با اذن میزبانش. زیرا که رسول خدا عليه السلام فرمودند: کسی که بر قومی وارد شد باید جز با اجازه آنها روزه مستحبی نگیرد.[٤]

۱۴۲۳). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: از علم و دانش میهمان است که بدون اذن میزبانش روزه مستحبی نگیرد و از طاعت و فرمانبرداری زن از شوهرش به حساب می آید که بدون اجازه و امر شوهرش روزه مستحبّی نگیرد و از صلاح و صحّت و خیر خواهی غلام نسبت به آقایش می باشد که بدون اذن مولا و فرمان او روزه نگیرد و از احسان فرزند به پدر و مادرش محسوب می شود که بدون اذن ایشان روزه مستحبی انجام ندهد. و در غیر این صورت میهمان جاهل و زن عاصی و عبد فاسد و طاغی و فرزند عاق می شوند.[٥]

---

[۱] کافی،ج۴،ص۸۹،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۷۳،ح۴۸۰. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۱۴،ح۲۰۴۵.

[۳] کافی،ج۴،ص۸۹،ح۲.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۲،ح۱۷۸۴. کافی،ج۴،ص۵۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۶۷،ح۴۸۷.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۰۳،ح۲۰۱۴.

۱۴۲۴). عبدالملک گوید: « **سألت أبا عبدالله** ﷺ **عن صوم تاسوعا وعاشورا من شهر المحرم فقال: تاسوعا يوم حوصر فيه الحسين وأصحابه بكربلا واجتمع عليه خيل أهل الشام وأناخوا عليه وفرح ابن مرجانة وعمر بن سعد بتوافر الخيل وكثرتها واستضعفوا فيه الحسين وأصحابه وأيقنوا أن لا يأتي الحسين ناصر ولا يمده أهل العراق بابي المستضعف الغريب. ثم قال: وأما يوم عاشورا فيوم أصيب فيه الحسين** ﷺ **صريعا بين أصحابه وأصحابه صرعى حوله أفصوم يكون في ذلك اليوم؟! كلا ورب البيت الحرام ما هو يوم صوم وماهو إلا يوم حزن ومصيبة دخلت على أهل السماء وأهل الارض وجميع المؤمنين ويوم فرح وسرور لابن مرجانة وآل زياد وأهل الشام غضب الله عليهم وعلى ذرياتهم وذلك يوم بكت عليه جميع بقاع الارض خلا بقعة الشام، فمن صامه أو تبرك به حشره الله مع آل زياد ممسوخ القلب مسخوط عليه ومن ادخر إلى منزله ذخيرة أعقبه الله تعالى نفاقا في قلبه إلى يوم يلقاه وانتزع البركة عنه وعن أهل بيته وولده وشاركه الشيطان في جميع ذلك** » از امام صادق ﷺ در مورد روزه تاسوعا و عاشورا ماه محرم پرسیدم؟ حضرت فرمودند: تاسوعا روزی است که امام حسین ﷺ و اصحابش ـ رضی الله عنهم ـ در کربلا محاصره شدند و آن روز لشکریان شام گرد هم آمدند و عرصه را بر آن حضرت سخت گرفتند. ابن مرجانه و عمربن سعد به انبوه لشکر خود خوشحال شدند، در آن روز امام حسین ﷺ و اصحابش را ناتوان نمودند و یقین نمودند که هیچ یار و یاروی برای امام ﷺ نخواهد آمد و مردم عراق آن حضرت را یاری نخواهند کرد، پدرم فدای آن ناتوان غریب. سپس فرمودند: روز عاشوا روزی است که امام حسین در آن کشته شد و در میان یاران خود بر زمین افتاد و یاران حضرتش پیرامون او با تنهای برهنه بر زمین افتاده بودند. آیا میتوان چنین روزی را روزه گرفت؟ هرگز، به پروردگار بیت الحرام سوگند عاشورا روز روزه نیست. آن روز روز انده و مصیبت آسمانیان، زمینیان و همه مومنان است. و روز خوشحالی و سرور ابن مرجانه و آل زیاد و شامیان است که خداوند بر آنها و فرزندان آنها خشم خواهد نمود. آن روز روزی است که همه سرزمین ها جز سرزمین شام گریه کردند. از این رو کسی که آن را مبارک شمارد، خداوند او با آل زیاد و قلب مسخ شده و غضب شده محشور خواهد کرد و کسی که در

آن روز توشه ای به خانواده اش ذخیره نماید، خداوند تا روز ملاقات خود، قلب او را به نفاق مبتلا خواهد ساخت و برکت را از او و خانواده و فرزندانش برخواهد داشت و شیطان را در همه آنها شریک خواهد ساخت.[۱]

۱۴۲۵). زراره گوید: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا تصم يوم عاشورا ولا يوم عرفة بمكة ولا بالمدينة ولا في وطنك ولا في مصر من الامصار** » روز عاشورا و روز عرفه را نه در مکه، نه در مدینه، نه در وطن خود و نه در شهری از شهرها روزه مگیر.[۲]

۱۴۲۶). نجبه بن حارث عطار می گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد روزه عاشورا پرسیدم؟

حضرت فرمودند: با فرود آمدن روزه ماه رمضان، روزه روز عاشورا متروک است و روزه متروک بدعت است.

نجبه گوید: پس از امام باقر علیه السلام از امام صادق علیه السلام در این مورد پرسیدم. آن حضرت نیز همین پاسخ را دادند. آنگاه فرمودند: آن روزه ای است که نه کتاب در مورد آن نازل شده و نه سنت در آن جاری شده است. مگر سنت آل زیاد که به سبب کشتن امام حسین علیه السلام جاری شده است.[۳]

۱۴۲۷). جعفر بن عیسی گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد روزه روز عاشورا و آنچه مردم (مخالفین) درباره آن می گویند، پرسیدم؟

فرمودند: از روزه فرزند مرجانه می پرسی؟ آن روزی است که زنازادگان آل زیاد برای کشتن حسین علیه السلام روزه گرفتند و آن روزی است که آل محمد علیهم السلام آن را شوم می شمارند. مسلمانان آن را شوم می شمارند و روزی که مسلمانان شوم بشمارند، نباید روزه گرفت و به آن تبرک جست.

---

[۱] کافی، ج۴، ص۸۹، ح۷.

[۲] کافی، ج۴، ص۸۸، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۴ ص۳۷۶، ح۴۹۲. الاستبصار، ص۳۴۹، ح۴.

[۳] کافی، ج۴، ص۸۸، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۴ ص۳۷۶، ح۴۹۳. الاستبصار، ص۳۵۰، ح۵.

و روز دوشنبه روز نحس است، زیرا که در آن روز پیامبر ﷺ وفات یافت و مصیبتی بر آل محمد نازل نشد مگر آنکه روز دوشنبه بود. ما آن روز را شوم می داریم و دشمنان ما به آن روز تبرک می جویند. و در روز عاشورا امام حسین علیه السلام کشته شد و فرزند مرجانه آن را متبرک شمرد و آل محمد علیهم السلام آن را شوم شمردند. از این رو کسی که آن دو روز (دوشنه و عاشورا) را روزه بگیرد، یا آنها را متبرک بشمارد، خداوند تبارک و تعالی را با قلب مسخ شده ملاقات خواهد نمود و حشر او با کسانی خواهد بود که روزه آن دو را سنت شمرده و به آنها تبرک جسته اند.[۱]

۱۴۲۸). عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام در مورد روزه عاشورا پرسید؟

فرمودند: کسی که آن روز را روزه بگیرد، بهره او از روزه آن، بهره ابن مرجانه و آل زیاد خواهد بود.

راوی گوید: گفتم: بهره آنها از آن روز چیست؟

فرمودند: آتش است به خدا از آتش پناه می بریم، و هرکه چنین کند نزدیک آتش می شود.[۲]

بیان: اما روایاتی که در فضل روزه عاشورا وارد شده از باب تقیه است.

---

[۱] کافی،ج۴،ص۸۸،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۷۶،ح۴۹۴. الاستبصار،ص۳۵۰،ح۶.

[۲] کافی،ج۴،ص۸۸،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۷۶،ح۴۹۵. الاستبصار،ص۳۵۰،ح۷.

« احکام اعتکاف »

۱۴۲۹). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: « **اعتكاف عشر في شهر رمضان يعدل حجتين و عمرتين** » اعتکاف ده روز در ماه رمضان با دو حج و دو عمره برابر است.[1]

۱۴۳۰). حلبی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **كان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إذا كان العشر الاواخر اعتكف في المسجد وضربت له قبة من شعر وشمر المئزر وطوى فراشه وقال بعضهم: واعتزل النساء فقال أبوعبدالله علیه‌السلام: أما اعتزال النساء فلا** » رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دهه آخر ماه رمضان را در مسجد به اعتکاف می پرداخت، و برای حضرتش خیمه مومنین برپا می کردند و آن حضرت کمر را برای عبادت محکم می بست و رختخواب خود را بر می چید. برخی گفتند: حضرت از زنان دوری می کرد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: حضرتش از زنان دوری نمی کرد، (یعنی ایشان را از مکالمه و خدمت و همنشینی خود باز نمی داشت).[2]

۱۴۳۱). همچنین آن حضرت فرموده اند: رسول خدا علیه‌السلام در ماه رمضان در دهه اول به اعتکاف پرداخت، سپس دومین بار در دهه دوم به اعتکاف پرداخت، سپس حضرت (تا وفات خویش) همواره در دهه پایانی به اعتکاف مشغول می شد.[3]

۱۴۳۲). حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: جنگ بدر در ماه رمضان رخ داد، آن سال رسول خدا

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۴،ح۲۱۰۱.

[2] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۲،ح۲۰۸۷. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۵۹،ح۴۵۲.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۵،ح۲۱۰۵.

اعتکاف ننمود، حضرتش سال آینده بیست روز به اعتکاف پرداخت، ده روز از سال جاری و ده روز از سال گذشته قضا بجا آورد.[۱]

۱۴۳۳). داود بن سرحان می گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا اعتکاف إلا في العشرين من شهر رمضان** » اعتکاف نیست مگر در بیست روز پایانی ماه رمضان.[۲]

اموری که در اعتکاف معتبر است

(اول) آنکه معتکف در ایام اعتکاف روزه باشد.

۱۴۳۴). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا اعتکاف إلا بصوم** » اعتکاف فقط با روزه صورت می پذیرد.[۳]

۱۴۳۵). محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا اعتکاف إلا بصوم** » اعتکاف فقط با روزه داشتن صورت می پذیرد.[٤]

۱۴۳۶). همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اعتکاف درست نیست مگر با روزه داشتن.[٥]

(دوم) آنکه اعتکاف در مساجد چهارگانه[٦] یا در مسجد جامع باشد.

۱۴۳۷). حلبی می گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا اعتکاف إلا بصوم في مسجد الجامع** » اعتکاف فقط با روزه در مسجد جامع صورت می پذیرد.[۷]

۱۴۳۸). عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می فرمودند: اعتکاف درست

---

[۱] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۲،ح۲۰۸۸.

[۲] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۳،ح۴۶۷. الاستبصار،ص۳۴۵،ح۳.

[۳] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۰،ح۴۵۶.

[٤] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۱،ح۴۵۷.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۱،ح۴۵۸.

[٦] یعنی: مسجد الحرام، یا مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، یا مسجد کوفه، یا مسجد بصره. مؤلف

[۷] کافی،ج۴،ص۱۰۶،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۲،ح۲۰۸۶.

نیست مگر در مکه، یا مسجد النبی صلی الله علیه و آله و یا در مسجدی که مسجد جامع باشد.[۱]

۱۴۳۹). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **المعتكف يعتكف في المسجد الجامع** » معتکف در مسجد جامع اعتکاف می کند.[۲]

۱۴۴۰). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **إن عليا** علیه السلام **كان يقول: لا أرى الاعتكاف إلا في المسجد الحرام أو مسجد الرسول أو مسجد جامع** » امیرالمومنین علیه السلام همواره می فرمود: اعتکاف را فقط در مسجد الحرام، یا مسجد الرسول صلی الله علیه و آله ، و یا مسجد جامع جایز می دانم.[۳]

۱۴۴۱). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: اعتکاف درست نیست مگر در مسجد جامعه.[٤]

۱۴۴۲). عمر بن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نظر شما در مورد اعتکاف در برخی از مساجد بغداد چیست؟

فرمودند: اعتکاف جز در مسجد جامعی که امام عادل در آن نماز گزارده جایز نیست. اگر در مسجد کوفه، بصره، مسجد مدینه و مسجد مکه اعتکاف انجام شود، اشکالی ندارد.[٥]

۱۴۴۳). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد اعتکاف سوال شد؟

حضرت فرمودند: اعتکاف جز در مسجد الحرام، یا مسجد الرسول صلی الله علیه و آله ، یا مسجد کوفه و یا مسجد جامع صلاحیت ندارد، و انسان مادامی که معتکف است باید روزه بگیرد.[٦]

(سوم) آنکه مدت اعتکاف حداقل سه روز باشد.

۱۴۴۴). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا يكون الاعتكاف أقل من ثلاثة ايام، ومن**

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۶،ح۴۷۴.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۲،ح۴۶۳. الاستبصار،ص۳۴۶،ح۵.

[۳] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۳،ح۲۰۹۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۴،ح۴۶۸.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۳،ح۴۶۴.

[٥] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۷،ح۴۶۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۳،ح۲۰۸۹.

[٦] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۳.

اعتکف صام » اعتکاف کمتر از سه روز نمی باشد، و هرکه معتکف شود باید روزه بگیرد.[1]

۱۴۴۵). محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه انسان یک روز اعتکاف کند بی آنکه شرطی بنماید؛ می تواند از مسجد بیرون رود و اعتکاف را فسخ نماید و اگر دو روز اعتکاف نماید و شرط هم نکرده باشد نمی تواند اعتکافش را فسخ نماید تا اینکه سه روز سپری شود.[2]

۱۴۴۶). همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند: هرکه سه روز معتکف شد، روز چهارم اختیار دارد، اگر خواست سه روز دیگر می افزاید و اگر خواست از مسجد بیرون می رود و اگر بعد از سه روز دو روز دیگر اعتکاف انجام دهد، نباید از مسجد بیرون رود تا سه روز را به پایان برساند.[3]

۱۴۴۷). داود بن سرحان گوید: امام صادق علیه السلام بی آنکه از حضرتش بپرسم فرمودند: اعتکاف سنت سه روز است، ان شاء الله.[4]

۱۴۴۸). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **لا یکون اعتکاف اقل من ثلاثة ایام** » اعتکاف کمتر از سه روز نمی باشد.[5]

(چهارم) آنکه اعتکاف با اذن کسی که اذن او معتبر است باشد.

۱۴۴۹). حضرت امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرمودند: زن روزه مستحبی نگیرد مگر به اذن شوهرش، و غلام روزه مستحبی نگیرد مگر با اذن مولایش...[6]

۱۴۵۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از طاعت و فرمانبرداری زن از شوهرش به حساب می آید که بدون اجازه و امر شوهرش روزه مستحبّی نگیرد و از صلاح و صحّت و خیر خواهی غلام

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۳،ح۲۰۹۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۱،ح۴۵۹.

[2] کافی،ج۴،ص۱۰۷،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۴،ح۲۰۹۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۲،ح۴۶۲.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۸،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۴،ح۲۰۹۷.

[4] کافی،ج۴،ص۱۰۸،ح۵.

[5] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶۱،ح۴۶۱.

[6] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۲،ح۱۷۸۴. کافی،ج۴،ص۵۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴ص۳۶۷،ح۴۸۷.

نسبت به آقایش می باشد که بدون اذن مولا و فرمان او روزه نگیرد و از احسان فرزند به پدر و مادرش محسوب می شود که بدون اذن ایشان روزه مستحبی انجام ندهد.[1]

(پنجم) آنکه معتکف محرمات اعتکاف را ترک نماید.

۱۴۵۱). حسن بن جهم می گوید: از امام کاظم ؑ در مورد معتکفی که با همسر خود نزدیکی می کند، پرسیدم؟

حضرت فرمودند: انسان در حال اعتکاف نباید با همسرش نه در شب و نه در روز نزدیکی کند.[2]

۱۴۵۲). سماعه بن مهران می گوید: « **سألت أبا عبدالله ؑ عن معتکف واقع أهله فقال: هو بمنزلة من أفطر يوما من شهر رمضان** » از امام صادق ؑ در مورد معتکفی که با همسر خود نزدیکی می کند پرسیدم؟ فرمودند: (کفاره) او همانند کسی است که یک روز از ماه رمضان را افطار نماید.[3]

۱۴۵۳). و روایت شده است که: اگر معتکف در شب با همسر خود نزدیکی کند بر او یک کفاره و اگر در روز نزدیکی نماید دو کفاره بر او لازم می شود.[4]

۱۴۵۴). امام باقر ؑ فرمودند: « **المعتکف لا يشم الطيب، ولا يتلذذ بالريحان، ولا يماري، ولا يشتري ولا يبيع** » معتکف عطر را استشمام نمی کند، و از رائحه ریحان لذت نمی جوید، و بحث و مجادله نمی کند، و خرید و فروش نمی نماید.[5]

(ششم) آنکه معتکف در مکان اعتکاف باقی بماند و از آن خارج نشود مگر در مواردی که

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۰۳،ح۲۰۱۴.

[2] کافی،ج۴،ص۱۰۹،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۵،ح۲۱۰۷.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۹،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۵،ح۲۱۰۴.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۵.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۴،ح۲۰۹۷.

خروج جایز است.

۱۴۵۵). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: « **ولا ينبغي للمعتكف أن يخرج من المسجد إلا لحاجة لابد منها ثم لا يجلس حتى يرجع والمرأة مثل ذلك** » و برای معتکف جایز نیست که از مسجد جز به کاری که ناچار است خارج شود، و هنگامی که خارج شد نباید بیرون از مسجد بنشیند تا به مسجد بازگردد و حکم زن نیز مانند حکم مرد است.[1]

۱۴۵۶). همچنین آن حضرت فرمودند: برای معتکف جایز نیست که جز برای کاری که ناچار است از مسجد خارج شود، و هرگاه که خارج شد نمی نشیند تا آنکه به مسجد باز گردد، و برای چیزی جز تشییع جنازه یا عیادت بیمار بیرون نمی رود و حکم زن نیز همین گونه است.[2]

۱۴۵۷). داود بن سرحان گوید: « **كنت بالمدينة في شهر رمضان فقلت لابي عبدالله** علیه السلام: **إني أريد أن أعتكف فماذا أقول وماذا أفرض على نفسي؟ فقال: لا تخرج من المسجد إلا لحاجة لابد منها ولا تقعد تحت ظلال حتى تعود إلى مجلسك** » در ماه رمضان در مدینه بودم، پس به امام صادق علیه السلام گفتم: اراده کرده ام که معتکف شوم، پس چه بگویم و چه چیزی را بر خود فرض گردانم؟ فرمودند: از مسجد جز برای کاری که به آن ناچار هستی خارج مشو، و زیر سایه بانی منشین تا به جایگاه خود باز گردی.[3]

۱۴۵۸). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **ليس على المعتكف أن يخرج (من المسجد) إلا إلى الجمعة أو جنازة أو غائط** » معتکف نباید جز برای نماز جمعه و تشییع جنازه یا قضای حاجت از مسجد خارج شود.[4]

۱۴۵۹). میمون بن مهران می گوید: در حضور امام حسن بن علی علیهما السلام نشسته بودم که مردی

---

[1] کافی، ج۴، ص۱۰۷، ح۲. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۲۳، ح۲۰۹۱. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۶۴، ح۴۶۸.

[2] کافی، ج۴، ص۱۰۸، ح۳. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۲۴، ح۲۰۹۹. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۶۰، ح۴۵۴.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۲۴، ح۲۰۹۸. کافی، ج۴، ص۱۰۸، ح۲.

[4] کافی، ج۴، ص۱۰۸، ح۱.

خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا ﷺ فلان شخص مالی به ذمه من دارد و می خواهد مرا به زندان افکند. حضرت فرمودند: به خدا قسم مالی ندارم که دین تو را بپردازم. گفت: پس در این باره با او گفتگو کن. حضرت علیه السلام موزه اش را برپا کرد. روای گوید: گفتم: یابن رسول الله آیا اعتکاف را فراموش کرده ای؟ حضرت فرمودند: فراموش نکرده ام، ولی از پدرم علیه السلام شنیدم که از جدم رسول خدا ﷺ روایت می کرد که فرمود: « **من سعى في حاجة أخيه المسلم فكأنما عبدالله عزوجل تسعة آلاف سنة، صائما نهاره قائما ليله** » هر کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمانش بکوشد، چنان است که نه هزار سال خداوند عزوجل را با صیام روز و قیام شب عبادت کرده باشد.[۱]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۵،ح۲۱۰۵.

« احکام خمس »

آیات:

« **وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكينِ وَ ابْنِ السَّبيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلى عَبْدِنا يَوْمَ الْفُرْقانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَ اللهُ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ** » بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشاوندان (اوست، از) یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر (که خرج آنها در سفر تمام شده است) اگر ایمان آورده اید به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه نازل کردیم، و خداوند بر هر چیزی تواناست.[1]

روایات:

۱۴۶۰). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن الله لا إله إلا هو لما حرم علينا الصدقة أنزل لنا الخمس، فالصدقة علينا حرام، والخمس لنا فريضة، والكرامة لنا حلال** » خدا که معبودی جز او نیست، چون صدقه را بر ما حرام کرد خمس را برای ما نازل کرد، پس صدقه برای ما حرام و خمس بر ما فرض است، و تحفه و هدیه و همانند آن برای ما حلال است.[2]

۱۴۶۱). ابی بصیر می گوید: « **قلت لابي جعفر علیه السلام: أصلحك الله ما أيسر ما يدخل به العبد النار؟ قال: من أكل من مال اليتيم درهما ونحن اليتيم** » به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خدا کارتان را به سامان دارد، کمترین چیزی که بنده به علت ارتکاب آن به دوزخ داخل می شود،

---

[1] سوره انفال، آیه۴۱.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۶، ح۱۶۴۹.

چیست؟ فرمودند: خوردن درهمی از مال یتیم، و مائیم آن یتیم.[۱]

۱۴۶۲). حضرت صادق عليه‌السلام فرمودند: « **إني لآخذ من أحدكم الدرهم وإني لمن أكثر أهل المدينة مالا ما أريد بذلك إلا أن تطهروا** » هر آينه من درهمی (از خمس) را از شما میستانم، در صورتی که خود از ثروتمند ترین اهل مدینه ام، از این کار جز این نمی خواهم که شما پاک و پاکیزه شوید.[۲]

۱۴۶۳). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **و لا يحل لاحد أن يشتري من الخمس شيئا حتى يصل إلينا حقنا** » و برای هیچ کس حلال نیست که از مال خمس چیزی بخرد، مگر آنکه حق ما را بما برساند.[۳]

۱۴۶۴). ابوبصیر می گوید: از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که فرمودند: « **من اشترى شيئا من الخمس لم يعذره الله اشترى ما لا يحل له** » هرکسی از خمس چیزی بخرد، خداوند عذر او را قبول نمی کند، زیرا که چیزی را خریده که برای او حلال نبوده است.[٤]

۱۴۶۵). عمران بن موسی گوید: آیه خمس را برای امام کاظم عليه‌السلام قرائت نمودم، پس حضرت فرمودند: « **ما كان لله فهو لرسوله ، وما كان لرسوله فهو لنا ، ثم قال : والله لقد يسر الله على المؤمنين أرزاقهم بخمسة دراهم ، جعلوا لربهم واحدا وأكلوا أربعة أحلاء ثم قال : هذا من حديثنا صعب مستصعب لا يعمل به ولا يصبر عليه إلا ممتحن قلبه للإيمان** » آنچه از خمس برای خداوند عزوجل است، برای رسول اوست و آنچه برای رسول اوست، برای ماست! سپس فرمودند: به خدا قسم که خداوند متعال بر مؤمنین ارزاق آنها را آسان گرفته است که در پنج درهم، یک درهم آن را برای پروردگار خود قرار دهند و چهار درهم آن را به صورت حلال بخورند!

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۶،ح۱۶۵۰.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷،ح۱۶۵۸. کافی،ج۱،ص۴۵۲،ح۷.

[۳] کافی،ج۱،ص۴۵۸،ح۱۴.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۰،ح۳۸۱.

آنگاه فرمودند: این (امر دادن خمس) از احادیث دشوار و سخت ماست که جز کسی که قلب او برای ایمان آزموده شده است به آن عمل نمی کند و بر آن صبر نمی کند.[۱]

۱۴۶۶). علی بن ابراهیم به نقل از پدرش می گوید: نزد حضرت امام جواد عليه‌السلام بودم که صالح بن محمّد سهل که عهده دار موقوفات قم بود، به نزدشان آمد و گفت: سرورم! ده هزار (از خمس) را بر من حلال کن. که من آن ها را خرج کرده ام. حضرت به او فرمودند: حلال کردم. چون صالح رفت، حضرت جواد عليه‌السلام فرمودند: یکی شان بر اموال حقّ خاندان محمّد عليهم‌السلام و یتیمان و بیچارگان و نیازمندانشان و در راه ماندگانشان تاخته، آن را می گیرد. سپس آمده، می گوید: مرا حلال کن. آیا گمان می کند به او می گویم: نمی کنم. به خدا که خداوند در روز قیامت در این باره از آنان به سختی پرسش خواهد کرد.[۲]

۱۴۶۷). محمّد بن زید طبری گوید: مردی از بازرگانان پارس از (طریق) یکی از غلامان حضرت رضا عليه‌السلام به ایشان نامه نوشته، و دربارۀ خمس اجازه خواست.

پس حضرت به او نوشتند: به نام خدای بخشایندۀ مهربان. همانا خداوند گسترنده و کریم است که بر عمل پاداش و بر دلتنگی (بر اطاعت)کیفر را همراه ساخته است. هیچ مالی حلال نمی شود جز از جهتی که خداوند حلالش کرده باشد. و خمس کمک ما بر دینمان و بر خانواده هامان و بر پیروانمان است. ما آن را بذل نمی کنیم و از کسانی که از زورشان می هراسیم، آبرویمان را می خریم. پس آن را از ما بازنگردانید و تا می توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید. که دادن آن، کلید روزی تان و پاک گشتن گناهانتان است. و چیزی است که برای خودتان در روز نیازمندی تان فراهم می کنید. و مسلمان کسی است که به پیمان خود با خداوند وفا کند. و کسی

---

[۱] بصائرالدرجات،ص۴۹،ح۵.

[۲] کافی،ج۱،ص۴۶۰،ح۲۷. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۶،ح۳۹۷. الاستبصار،ص۳۰۸،ح۱۱.

که به زبان پاسخ داده، با دل مخالفت کند، مسلمان نیست. و السلام.[1]

۱۴۶۸). محمد بن زید می گوید: « **قدم قوم من خراسان على أبي الحسن الرضا** عليه السلام **فسألوه أن يجعلهم في حل من الخمس، فقال: ما أمحل هذا تمحضونا بالمودة بألسنتكم وتزوون عنا حقا جعله الله لنا وجعلنا له وهو الخمس لا نجعل، لا نجعل، لا نجعل لاحد منكم في حل** » گروهی از خراسان به نزد حضرت رضا عليه السلام آمده، از ایشان خواستند که خمس را برای ایشان حلال کند. فرمودند: این چه نیرنگی است. به زبانتان دوستی تان را خالص ما می کنید و حقّی را که خداوند برای ما قرار داده و ما را برای آن، که همان خمس است از ما بر می گردانید. نمی کنیم، نمی کنیم، نمی کنیم. برای هیچ یک از شما حلال نمی کنیم.[2]

۱۴۶۹). ابو الحسین محمّد بن جعفر اسدیّ گوید: به توسط شیخ ابو جعفر محمّد ابن عثمان از صاحب الزّمان عليه السلام سؤالهایی کردم و این پاسخها از حضرتش صادر شد:

و امّا آنچه پرسیدی از کسی که اموالی از ما در تصرّف دارد و آن را حلال می‌شمارد و بی‌اذن ما بمانند مال خود در آن تصرّف می کند، پس کسی که چنین کند ملعون است و ما در روز قیامت خصم اوئیم و پیامبر صلى الله عليه وآله فرموده است: کسانی که از عترتم حلال شمارند آنچه را که خدای تعالی حرام شمرده است به زبان من و هر پیامبری ملعون است، و هر که بر ما ستم کند از جمله ستمکاران است و لعنت خدای تعالی بر او خواهد بود زیرا خدای تعالی فرموده است: « **أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ** »[3]... امّا پرسش از مزارعی که متعلّق به ناحیه ماست که آیا جایز است آنها را عمران کرد و خراج آنها را پرداخت و هر چه از در آمدش بیش باشد برای دریافت ثواب و تقرّب بما به ناحیه فرستاد؟ بدان که تصرّف در مال احدی بی‌اذن او جایز نیست، پس چگونه در مال ما جایز باشد و هر کس بدون اذن ما چنین کند چیزی را حلال شمرده است که بر وی حرام است

[1] کافی، ج۱، ص۴۶۰، ح۲۵. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۸۵، ح۳۹۵. الاستبصار، ص۳۰۸، ح۹.

[2] کافی، ج۱، ص۴۶۰، ح۲۶. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۸۵، ح۳۹۶. الاستبصار، ص۳۰۸، ح۱۰.

[3] سوره هود، آیه۱۸.

و هر کس چیزی از اموال ما را بخورد جز این نیست که در شکمش آتش پر کرده باشد و به زودی به آتش افکنده شود.[۱]

۱۴۷۰). ابو علیّ بن ابو الحسین اسدیّ از پدرش روایت کند که گفت: توقیعی از جانب شیخ ابو جعفر محمّد بن عثمان عمریابتداء و بدون سؤال چنین صادر گردید: بسم الله الرحمن الرحیم لعنت خداوند و ملائکه و همه مردم بر کسی باد که درهمی از مال ما را بر خود حلال شمارد.

ابو الحسین اسدیّ گوید: در دلم خطور کرد که این توقیع در باره کسی است که درهمی از اموال ناحیه را بر خود حلال شمارد و نه کسی که از اموال ناحیه می‌خورد ولی آن را بر خود حلال نمی‌شمارد و با خود گفتم: آن در باره همه کسانی است که حرامی را حلال شمارند و برتری امام علیه‌السلام بر دیگران در این باب چیست؟ گوید: قسم به خدایی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به عنوان پیامبر و بشیر فرستاد دیگر بار به آن توقیع نگریستم و دیدم آن توقیع بر طبق آنچه در دلم خطور کرد تغییر یافته و چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم لعنت خداوند و ملائکه و همه مردم بر کسی باد که درهمی از مال ما را به حرام بخورد.[۲]

۱۴۷۱). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **علی کل امرئ غنم أو اکتسب الخمس مما أصاب لفاطمة علیهاالسلام ولمن یلي امرها من بعدها من ذریتها الحجج علی الناس فذاك لهم خاصة یضعونه حیث شاؤا إذ حرم علیهم الصدقة، حتی الخیاط لیخیط قمیصا بخمسة دوانیق فلنا منها دانق إلا من أحللنا من شعیتنا لتطیب لهم به الولادة، إنه لیس من شئ عند الله یوم القیامة اعظم من الزنا إنه لیقوم صاحب الخمس فیقول یا رب سل هؤلاء بما ابیحوا** » برای هر کسی که منفعت و کسبی نماید خمس واجب است، از هرچه که به او می رسد از برای حضرت فاطمه علیهاالسلام و بعد از آن حضرت از برای ذریه او از امامان علیهم‌السلام بر مردم. و این خمس خاص از برای ذریه آن حضرت است و صرف می کنند آن را برای هرجائی که خواسته باشند و

---

[۱] کمال الدین، ص۵۲۰، ح۴۵. احتجاج، ص۴۷۹.

[۲] کمال الدین، ص۵۲۲، ح۵۱. احتجاج، ص۴۸۰.

در عوض این خمس حرام شده است بر آنان صدقه (و زکات)، حتی اگر اینکه خیاطی لباسی را به پنج دانق بدوزد، از آن یک دانق برای ماست، مگر آن اندازه ای که ما برای شیعیان خود حلال کرده ایم تا اینکه ولادت ایشان پاک باشد، بدرستی که نزد خداوند عزوجل هیچ چیزی در روز قیامت گناهش بزرگ تر از زنا نیست و در آن روز صاحب خمس بر می خیزد و می گوید: پروردگارا از این کسانی که خمس را نداده اند سوال فرما که بکدام چیز خمس را بر خود حلال کرده اند؟[۱]

بیان: اما آنچه که روایت شده از اینکه خمس برای شیعیان حلال شده است تا اینکه ولادت ایشان طیب و پاک باشد، به این معنی نیست که پس در اموال آنها هم خمس واجب نیست، معصومین عليه‌السلام در همان اندازه ای که ولادت شیعیان پاک باشد از لطف و کرم برای آنها بخشیده اند نه بیشتر، و بعضی از روایات تحلیل خمس در حالات خاص و برای افراد خاصی از شیعیان وارد شده است که فرستادن خمس برای آنان ممکن نبوده و یا آنکه تقیه شدید بوده است و بعید نیست که منظور، خمس غنائم جنگی که در زمان خلفای جور بدست می آمد از اموال یا کنیزان و غیر آن باشد زیرا که آنان خمس آن را نمی دادند و بعد از این اموال به دست شیعیان می رسد و با آن خرید و فروش می کردند و ازدواج می نمود و ائمه عليهم‌السلام این را بر شیعیان خود حلال نموده باشند تا ولادت ایشان از آن کنیزان یا مهریه قرار دادن از آن اموال پاک و طیب باشد، و اگر ائمه عليهم‌السلام مطلق خمس را بر شیعیان حلال کرده بودند چرا حضرت رضا عليه‌السلام در روایت محمد بن زید که گذشت برای آن گروه از اهل خراسان حلال نفرموده و فرمودند این محال است «**لا نجعل، لا نجعل، لا نجعل لاحد منكم في حل** » و یا آنچه امام رضا عليه‌السلام در جواب آن بازرگانی که اذن مصرف در خمس را می خواست نوشتند، و چرا حضرت جواد عليه‌السلام

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۷،ح۳۴۸. الاستبصار،ص۳۰۵،ح۲.

برای صالح بن محمد سهل حلال نفرمودند، و چرا در توقیع شریف حضرت حجت عليه السلام آن را حلال نفرموده و لعنت نمودند کسی که خمس را ندهد، و چرا امام باقر عليه السلام فرمودند: که برای هیچ کس حلال نیست از مال خمس چیزی بخرد تا آنکه حق ما را بما برساند، و غیر اینها از احادیث که ذکر شد.

و بعضی گفته اند که در زمان غیبت حصه امام عليه السلام بر شیعیان حلال شده و بعضی می گویند تمام خمس بر شیعیان حلال شده و این سخنان بی وجه است چرا که هیچ روایت صریحی در این مورد وارد نشده که مطلق خمس بر شیعیان حلال شده باشد بلکه خلاف آن در توقیع شریف که ذکر شد، آمده است و نواب حضرت عليه السلام در زمان غیبت صغری خمس را از شیعیان می گرفتند و به دستور حضرت به مصرف می رساندند، و همچنین سایر معصومین عليهم السلام در زمان حضور خمس را از شیعیان خود می گرفتند و یا وکلاء ایشان آن را جمع می نمودند، و ادله آن زیاد است و گذشته از این روایات تحلیل مخصوص زمان غیبت نیست بکه اکثر آنها در هنگام حضور وارد شده است.

در احکام زکات خواهد آمد و همچنین گذشت که زکات و صدقات واجبه بر سادت و اقربای حضرت رسول صلى الله عليه وآله حرام است و در عوض خداوند متعال خمس را برای آنان قرار داده است، اگر خمس را حضرات معصومین عليهم السلام به مردم حلال فرمایند و زکات نیز بر سادات حرام باشد پس فقرای آنها چه تکلیف دارند؟ آیا باید به سبب انتساب به حضرت رسول صلى الله عليه وآله در فقر و گرسنگی بمانند؟ و چگونه بعضی بر خود هموار می کنند که عیال و خویشاوندان و اقارب حضرت رسول صلى الله عليه وآله و ائمه معصومین عليهم السلام را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز فردای قیامت امید شفاعت حضرات معصومین را داشته باشند؟ در حالی که امام صادق عليه السلام فرمودند: (بدترین احوال مردم) در روز قیامت (هنگامی است که) صاحب خمس بر خیزد و بگوید: « **یا رب سل هؤلاء بما**

ابیحوا » پروردگارا از این کسانی که خمس را نداده اند سوال فرما که بکدام چیز خمس را بر خود حلال کرده اند؟[۱]

و گذشته از همه این مسائل آیه شریفه: « **وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيءٍ** »[۲] صراحت دارد بر وجوب خمس و احادیث بسیار نیز صریح است بر وجوب آن و در مقابل احادیثی بر تحلیل خمس است، آیا به کدام دسته از روایات صحیح تر و خوبتر است عمل نماییم؟ آنچه موافق قرآن است و یا آنچه در ظاهر مخالف قرآن است؟ در حالی که معصومین در روایات زیادی فرموده اند که آنچه از روایات موافق قرآن است اخذ کنید و آنچه مخالف آن است ترک نمایید.[۳] و قرآن نص واضح است در وجوب آن و همچنین قول به تحلیل خمس مخالف احتیاط است و معصومین دستور داده اند که در شبهات جانب احتیاط را بگیرید که برخی از آن روایات در مقدمه ذکر شد.

موارد خمس

در هفت چیز خمس واجب می شود:

(اول) منفعت کسب، **(دوم)** معدن، **(سوم)**گنج، **(چهارم)** مال حلال مخلوط به حرام، **(پنجم)** جواهری که به واسطه غوّاصی بدست می آید، **(ششم)** غنیمت جنگ، **(هفتم)** زمینی که کافر ذمّی از مسلمان بخرد.

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۷،ح۳۴۸. الاستبصار،ص۳۰۵،ح۲.

[۲] سوره انفال،آیه۴۱.

[۳] کافی،ج۱،ص۴۱.،ح۱.

۱ـ منفعت کسب

۱۴۷۲). سماعه گوید: « **سألت أبا الحسن** عليه السلام **عن الخمس فقال: في كل ما أفاد الناس من قليل أو كثير** » از حضرت ابو الحسن (امام کاظم) عليه السلام دربارهٔ خمس پرسیدم. فرمودند: در همهٔ آنچه مردم سود می کنند. اندک یا بسیار (خمس واجب است).[1]

۱۴۷۳). احمد بن محمّد گوید: خدمت امام عليه السلام نوشتم: جانم به فدایت! به من بیاموزید فایده چیست که در آن خمس واجب است ؟ و اندازه آن چقدر است؟ خداوند متعال شما را نگاه دارد، به من با بیان آن منّت بگذارید تا بر حرامی که نماز و روزه ای باقی نمی گذارد، نمانم.

حضرت نوشتند: فایده، سود تجارت و کشاورزی پس از در آوردن هزینه یا جایزه است.[2]

۱۴۷۴). امام جواد عليه السلام ضمن حدیثی فرمودند: اما غنیمت ها و منفعت ها بر آنها در هر سال خمس واجب است، زیرا خداوند عزوجل فرموده است: « **وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ**... »[3] و معنی غنیمت و منفعت ها که خداوند تو را رحمت کند این است که شخص منفعت بکند و از چیزی فایده بردارد، و جایزه از کسی اخذ نماید که چیزی مورد اعتناء باشد، و میراث از غیر پدر و پسر به او برسد، (در همه اینها خمس بر او واجب است)...[4]

۱۴۷۵). محمد بن حسن اشعری می گوید: « **كتب بعض اصحابنا إلى ابي جعفر الثاني** عليه السلام **اخبرني عن الخمس أعلى جميع ما يستفيد الرجل من قليل وكثير من جميع الضروب وعلى الصناع وكيف ذلك؟ فكتب بخطه: الخمس بعد المؤنة** » بعضی از اصحاب ما خدمت امام جواد عليه السلام نامه نوشتند که خبر بدهید به ما که آیا خمس در جمیع عایدات و فایده های شخص چه کم باشد یا زیاد واجب است، در همه صنعت ها و کسب ها و این چگونه است؟ حضرت با

---

[1] کافی،ج۱،ص۴۵۷،ح۱۱.

[2] کافی،ج۱،ص۴۵۷،ح۱۲.

[3] سوره انفال،آیه۴۱.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۷،ح۳۹۸. الاستبصار،ص۳۰۹،ح۱۲.

خط مبارک در جواب نوشتند: در همه اینها بعد از مئونه (یعنی بعد از خرج معمول زندگی) خمس واجب است.[۱]

۱۴۷۶). علی بن محمد بن شجاع نیشابوری می گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم: شخصی از زراعت او صد کرّ گندم حاصل شده بود و او از صد کرّ ده کرّ زکات داده است و سی کرّ به تعمیر زراعت رفته و شصت کرّ باقی مانده است آیا در باقی آن زکات است؟ و حق شما (از خمس) در آن چیست؟

فرمودند: در آن فقط خمس است، از آنچه که از مئونه او (خرج معمول زندگی) زیاد آید.[۲]

۱۴۷۷). علی بن مهزیار گوید: « **قال لي ابوعلي بن راشد: قلت له امرتني بالقيام بأمرك وأخذ حقك فاعلمت مواليك ذلك فقال لي بعضهم وأي شئ حقه فلم ادر ما اجيبه فقال يجب عليهم الخمس فقلت ففي أي شئ؟ فقال: في امتعتهم وضياعهم قال والتاجر عليه والصانع بيده فقال: ذلك إذا امكنهم بعد مؤنتهم** » ابوعلی بن راشد برایم تعریف کرد که به حضرت (امام هادی علیه السلام) عرض کردم: مرا مأمور نمودی تا اوامر شما را اجرا کنم و حقوق شما را (از افراد) بگیرم، من هم فرمان شما را به دوست داران شما ابلاغ کردم، پس بعضی از ایشان گفتند: حقوق او چیست؟ و من ندانستم که چه پاسخی به ایشان بگویم؟ حضرت فرمودند: بر ایشان واجب است که خمس بپردازند. عرض کردم: در چه چیز هایی خمس واجب است؟ فرمودند: در سرمایه ها و درآمدی که از باغ ها و مزارع به دست می آوردند. عرض کردم: کسی که تجارت می کند و یا با دست، صنعت می سازد و کار می کند، چگونه است؟ فرمودند: بعد از مئونه و مخارج زندگی، اگر چیزی باقی بماند (باید خمسش را بپر دازد).[۳]

---

[۱] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۸، ح۳۵۲. الاستبصار، ص۳۰۶، ح۳.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۰، ح۳۹.

[۳] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۸، ح۳۵۳. الاستبصار، ص۳۰۶، ح۴.

۱۴۷۸). ابراهیم بن محمد همدانی ضمن نامه ای به امام هادی علیه السلام نوشت: در احوالی ما در (مسئله خمس) اختلاف دارند و می گویند: (اینکه) بر باغ داران و صاحبان مزارع بعد از هزینه کردن مخارج خمس واجب است، یعنی مخارج زراعت و عوارض و مالیات، نه مخارج زندگی خود و خانواده اش.

حضرت در جواب نوشتند: « **الخمس بعد مؤنته ومؤنة عياله وبعد خراج السلطان** » خمس بعد از مخارج زندگی خانواده و بعد از پرداخت مالیات حکومت واجب است.[1]

۱۴۷۹). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **على كل امرئ غنم أو اكتسب الخمس مما أصاب لفاطمة عليها السلام ولمن يلي امرها من بعدها من ذريتها الحجج على الناس فذاك لهم خاصة يضعونه حيث شاؤا إذ حرم عليهم الصدقة، حتى الخياط ليخيط قميصا بخمسة دوانيق فلنا منها دانق** » برای هر کسی که منفعت و کسبی نماید خمس واجب است، از هرچه که به او می رسد از برای حضرت فاطمه علیها السلام و بعد از آن حضرت از برای ذریه او از امامان علیهم السلام بر مردم. و این خمس خاص از برای ذریه آن حضرت است و صرف می کنند آن را برای هرجائی که خواسته باشند و در عوض این خمس حرام شده است بر آنان صدقه (و زکات)، حتی اگر اینکه خیاطی لباسی را به پنج دانق بدوزد، از آن یک دانق برای ماست.[2]

۱۴۸۰). حضرت رضا علیه السلام فرمودند: « **إن الخمس بعد المؤونة** » خمس بعد از مخارج زندگی (سال) است.[3]

۱۴۸۱). ابن ابی نصر میگوید: « **كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام الخمس اخرجه قبل المؤونة أو بعد المؤونة؟ فكتب: بعد المؤونة** » به حضرت باقر علیه السلام نوشتم: خمس را پیش از مخارج درآورم

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۹، ح۳۵۴. الاستبصار، ص۳۰۶، ح۵. کافی، ج۱، ص۴۶۰، ح۲۴.

[2] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۷، ح۳۴۸. الاستبصار، ص۳۰۵، ح۲.

[3] من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۷، ح۱۶۵۲.

یا پس از مخارج. نوشتند: پس از مخارج (سال).[۱]

۱۴۸۲). علی مهزیار گفت: به امام علیه السلام نوشتم: سرورم، به مردی، مالی داده اند تا با آن حجّ کند. آیا در آن مال که به دستش می رسد، خمس است یا در آنچه پس از حجّ برایش می ماند؟ حضرت نوشتند: خمس به گردن او نیست.[۲]

۱۲۸۳). علی بن حسین عبد ربّه گفت: حضرت رضا علیه السلام برای پدرم صله ای فرستاد. پدرم به ایشان نوشت: آیا در آنچه برایم فرستاده اید، خمسی به گردنم است؟

حضرت به او نوشتند: « **لا خمس عليك فيما سرح به صاحب الخمس** » در آنچه صاحب خمس برایت فرستاده، خمسی به گردنت نیست.[۳]

۲ـ معدن

۱۴۸۴). محمد بن مسلم می گوید: از حضرت امام باقر علیه السلام دربارۀ معدن های طلا و نقره و آهن و سرب و مس پرسیدند؟

حضرت فرمودند: همه اینها خمس دارند.[٤]

۱۴۸۵). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد معدن ها سوال کردم که چه (حقوقی) دارد؟ فرمودند: خمس به آنها تعلق دارد و همچنین است سرب و مس و آهن و هر آنچه که از معدنی ها محسوب می شود، (خمس) آنها محاسبه و گرفته می شود، همچنان که از طلا و نقره گرفته می شود.[٥]

---

[۱] کافی، ج۱، ص۴۵۸، ح۱۳.

[۲] کافی، ج۱، ص۴۵۹، ح۲۲.

[۳] کافی، ج۱، ص۴۵۹، ح۲۳.

[٤] کافی، ج۱، ص۴۵۸، ح۸. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۶، ح۳۴۵.

[٥] کافی، ج۱، ص۴۵۹، ح۱۹. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۵، ح۱۶۴۵. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۵۶، ح۳۴۶.

۱۴۸۶). زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد معادن و حقی که در آنها می باشد، سوال کردم؟ حضرت فرمودند: « **کلما کان رکازا ففیه الخمس** » هر گنجی که درون زمین قرار دارد، خمس دارد.[1]

۱۴۸۷). محمد بن مسلمن گوید: « **سألت ابا جعفر علیه السلام عن الملاحة؟ فقال: وما الملاحة فقال: ارض سبخة مالحة یجتمع فیها الماء فیصیر ملحا فقال: هذا المعدن فیه الخمس، فقلت: والکبریت والنفط یخرج من الارض؟ قال فقال: هذا واشباهه فیه الخمس** » از امام باقر علیه السلام در باره ملاحه پرسیدم. فرمودند: ملاحه چیست؟ عرض کردم: زمین شوره زاری است که آب در آن جمع می شود و به نمک تبدیل می شود. فرمودند: این از معادن است و به (در آمد به دست آمده از) آن، خمس تعلّق می گیرد. عرض کردم: خمس نسبت به گوگرد و نفت که از زمین استخراج می شود، چگونه است؟ فرمودند: این و مانند آن از معادن است و به (در آمد به دست آمده از) آن، خمس تعلّق می گیرد.[2]

۱۴۸۸). محمّد بن علی گفته است: از حضرت ابو الحسن علیه السلام دربارۀ مروارید و یاقوت و زبرجدی که از دریا گرفته می شود و دربارۀ معدن های طلا و نقره پرسیدم که در چه مقدار از آن خمس تعلّق می گیرد؟

فرمودند: اگر مبلغش به یک دینار برسد، خمس دارد.[3]

بیان: رسید به مبلغ یک دینار شرط برای آن چیزی که از دریا به سبب غواصی بدست آید نه معدن چنانچه که ذکر خواهد شد.

۱۴۸۹). احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: « **سألت ابا الحسن علیه السلام عما اخرج المعدن من قلیل أو کثیر هل فیه شئ؟ قال: لیس فیه شئ حتی یبلغ ما یکون في مثله الزکاة عشرین**

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۶،ح۳۴۷.

[2] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۷،ح۳۴۹.

[3] کافی،ج۱،ص۴۵۹،ح۲۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۵،ح۱۶۴۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۰،ح۳۵۶.

دینارا » از امام رضا ﷺ در مورد آنچه از معادن استخراج می شود کم و یا زیاد سوال کردم که آیا چیزی به آنها تعلّق می گیرد؟ فرمودند: در آنها چیزی (یعنی خمس) تعلّق نمی گیرد، مگر آنکه مقدار و ارزش آن مثل زکات به بیست دینار برسد.[۱]

۳ـ گنج

۱۴۹۰). حضرت امام کاظم ﷺ فرمودند: « **الخمس من خمسة أشياء من الغنائم والغوص ومن الكنوز ومن المعادن والملاحة يؤخذ من كل هذه الصنوف الخمس** » خمس از پنج چیز داده می شود: از غنیمت های (جنگ) و چیزهای که بوسیله غواصی بدست می آید و از گنجها و از معادن و از نمکزارها از هریک از این ها خمس گرفته می شود.[۲]

۱۴۹۱). حلبی می گوید: « **سألت ابا عبدالله ﷺ عن الكنز كم فيه؟ قال: الخمس** » از امام صادق ﷺ در مورد گنج ها سوال کردم که چه (حقوی) دارد؟ فرمودند: خمس به آنها تعلّق می گیرد.[۳]

۱۴۹۲). احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: از امام رضا ﷺ در باره گنج سوال کردم که در چه مقدار از آن خمس واجب است؟

فرمودند: هرچیزی که زکات در مثل آن واجب باشد، خمس در آن واجب است.[٤]

۱۴۹۳). رسول خدا ﷺ در ضمن وصیت خود به امیرالمومنین ﷺ فرمودند: ای علی عبدالمطلب در زمان جاهلیت پنج قانون وضع کرد و خداوند عزوجل آنها را در اسلام نیز، برقرار دادشت... ایشان گنجی یافت و خمس آن را جدا کرد و صدقه داد و خداوند عزوجل هم این آیه

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۸۳،ح۳۹۱.

[۲] کافی،ج۱،ص۴۵۳،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۶،ح۳۶۶.

[۳] کافی،ج۱،ص۴۵۹،ح۱۹. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۵،ح۱۶۴۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۶،ح۳۴۶.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۶،ح۱۶۴۷

را فرو فرستاد: « **وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ** ».[1][2]

۴ـ مال حلال مخلوط به حرام

۱۴۹۴). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **ان رجلا اتى أميرالمؤمنين عليه السلام فقال: يا أميرالمؤمنين اني أصبت مالا لا اعرف حلاله من حرامه؟ فقال: اخرج الخمس من ذلك المال فان الله تعالى قد رضي من المال بالخمس** » مردی محضر امیرالمومنین عليه السلام آمد و اظهار داشت: ای امیرالمومنین من مالی بدست آوردم که حلال و حرام آن را نمی شناسم؟ فرمودند: خمس آن را بپرداز، زیرا خدای عزوجل با پرداخت خمس راضی می شود، (و باقی مال بر تو حلال است).[3]

۱۴۹۵). امام صادق به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: « **أتى رجل عليا عليه السلام فقال: إني كسبت مالا أغمضت في طلبه حلالا وحراما فقد أردت التوبة ولا أدري الحلال منه ولا الحرام فقد اختلط علي فقال علي عليه السلام: أخرج خمس مالك فإن الله عزوجل قد رضي من الانسان بالخمس وسائر المال كله لك حلال** » شخصی نزد امیرالمومنین عليه السلام آمد و عرض کرد: من مالی بدست آورده ام که در طلب آن چشم روی هم نهاده، و از هر طریق چه حلال و چه حرام اقدام کرده ام حال می خواهم توبه کنم و حلال و حرا آن مال را هم نمیدانم زیرا که با هم مخلوط شده است، چه کنم؟ حضرت فرمودند: خمس آن را خارج کن، زیرا خداوند عزوجل به خمس از انسان راضی می شود، و باقی مال بر تو حلال خواهد بود.[4]

۵ـ جواهری که به واسطه غوّاصی بدست می آید

۱۴۹۶). امام کاظم عليه السلام فرمودند: « **الخمس من خمسة أشياء من الغنائم والغوص ومن**

---

[1] سوره انفال،آیه۴۱.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۶۴،ح۸۲۳.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۰،ح۳۵۸.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۷،ح۳۷۱۳. کافی،ج۵،ص۱۲۵،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۶۸.

الكنوز ومن المعادن والملاحة يؤخذ من كل هذه الصنوف الخمس » خمس از پنج چیز داده می شود: از غنیمت های (جنگ) و چیزهای که بوسیله غواصی بدست می آید و از گنجها و از معادن و از نمکزارها از هریک از این ها خمس گرفته می شود.[۱]

۱۴۹۷). محمّد بن علی گفته است: از حضرت ابو الحسن (امام کاظم) عليه‌السلام دربارۀ مروارید و یاقوت و زبرجدی که از دریا گرفته می شود پرسیدم که در چه مقدار از آن خمس تعلّق می گیرد؟ فرمودند: اگر مبلغش به یک دینار برسد، خمس دارد.[۲]

۱۴۹۸). حلبی می گوید: « **سألت ابا عبدالله** عليه‌السلام **عن العنبر وغوص اللؤلؤ فقال: عليه الخمس** » از امام صادق در مورد عنبر و غوّاصی (در دریا و بیرون آوردن) لؤلؤ، سوال کردم؟ فرمودند: خمس بر آنها است.[۳]

۶ـ غنیمت جنگ

۱۴۹۹). عبدالله بن سنان گوید: « **سمعت أبا عبدالله** عليه‌السلام **يقول: ليس الخمس إلا في الغنائم خاصة** » از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: خمس نیست مگر به چیزی که از غنائم (جنگی) باشد.[٤]

۱۵۰۰). ابی بصیر می گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمودند: هر آنچه که از غنیمت های جنگ که برای دعوت به شهادت « لا اله الاّ اللّه و محمّد رسول اللّه » انجام گرفته، به دست آمده باشد، پس براستی که خمس آن، مال ما (اهل بیت رسالت عليهم‌السلام) است و برای هیچ کس جایز نیست

[۱] کافی،ج۱،ص۴۵۳،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۶،ح۳۶۶.

[۲] کافی،ج۱،ص۴۵۹،ح۲۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۵،ح۱۶۴۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۰،ح۳۵۶.

[۳] کافی،ج۱،ص۴۶۱،ح۲۸. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۶،ح۳۴۶.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۶،ح۱۶۴۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۱،ح۳۵۹. الاستبصار،ص۳۰۶،ح۶.

که از خمس چیزی را خریداری کند مگر آنکه حق ما را بما برساند.[۱]

۱۵۰۱). حلبی می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد مردی که از اصحاب و دوستان ما می باشد، ولی زیر دست آنها (حکومت ظالم) قرار گرفته و در این مسیر غنمیتی را (در جنگ) به دست می آورد، تکلیفش چیست؟

فرمودند: خمس آن را بما می پردازد و باقی مانده، برایش حلال است.[۲]

۱۵۰۲). حفص بن بختری می گوید: حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **خذ مال الناصب حيث ما وجدته وادفع الينا الخمس** » اموال ناصبی را هر کجا یافتی بگیر و خمس آن را بما (اهل بیت) بپرداز.[۳]

۱۵۰۳). معلی بن خنیس می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **خذ مال الناصب حيث ما وجدته وابعث الينا بالخمس** » اموال ناصبی را هرکجا یافتی بگیر و خمس آن را برای ما (اهل بیت) بفرست.[٤]

۷ـ زمینی که کافر ذمّی از مسلمان بخرد

۱۵۰۴). ابو عبیده حذّاء گوید: « **سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول ايما ذمي اشترى من مسلم ارضا فان عليه الخمس** » از امام باقر شنیدم که می فرمودند: هرگاه کافر ذمّی زمینی را از مسلمان خریداری کند، بر مسلمان واجب است که خمس آن را بپردازد.[٥]

[۱] کافی،ج۱،ص۴۵۸،ح۱۴.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۰،ح۳۵۷.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۸،ح۳۵۰.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۸،ح۳۵۱.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۵۸،ح۳۵۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷،ح۱۶۵۳.

مصرف خمس

۱۵۰۷). حضرت امام کاظم علیه السلام ضمن حدیثی فرمودند: « **وله (يعنى للأمام) نصف الخمس كملا ونصف الخمس الباقي بين أهل بيته، فسهم ليتاماهم وسهم لمساكينهم وسهم لابناء سبيلهم يقسم بينهم على الكتاب والسنة ما يستغنون به في سنتهم، فإن فضل عنهم شئ، فهو للوالي وإن عجز أو نقص عن استغنائهم كان على الوالي أن ينفق من عنده بقدر ما يستغنون به في سنتهم، فإن فضل عنهم شئ فهو للوالي وإن عجز أو نقص عن إستغنائهم كان على الوالي أن ينفق من عنده بقدر ما يستغنون به وإنما صار عليه أن يمونهم لان له ما فضل عنهم** » نیمی از خمس به طور کامل برای امام است و نیمه دیگر خمس بین اهل بیت او (یعنی سادات) می باشد. پس یک سهم برای یتیمان آنها و یک سهم برای مساکین آنها و یک سهم برای در راه ماندگان از سادات است که بر حسب کتاب و سنت، به اندازه ای که در سالشان بی نیاز شوند بین آنها تقسیم می شود. پس اگر چیزی از نیمه سادات زیاد بیاید، پس برای امام می باشد و اگر نیمه سادات از بی نیاز کردن آنها ناتوان و ناقص باشد، بر عهده امام است که به میزانی که با آن بی نیاز گردند از نزد خود به آنها انفاق نماید و همانا بر عهده امام است که مئونه آنها را بدهد، زیرا آنچه از سادات زیاد بیاید مال امام است.[۱]

۱۵۰۸). و در حدیث دیگر وارد شده است که: « **فاما الخمس فيقسم على ستة اسهم سهم لله وسهم للرسول وسهم لذي القربى وسهم لليتامى وسهم للمساكين وسهم لابناء السبيل، فالذي لله ولرسول الله فرسول الله احق به فهو له خاصة، والذي للرسول هو لذي القربى والحجة في زمانه فالنصف له خاصة، والنصف لليتامى والمساكين وابناء والسبيل من آل محمد عليهم السلام الذين لا تحل لهم الصدقة ولا الزكاة عوضهم الله مكان ذلك بالخمس** » اما خمس بر شش سهم تقسیم می شود : سهمی برای خدا و سهمی برای رسول او صلی الله علیه و آله و سهمی برای ذی القربی (که همان امام علیه السلام است) و سهمی برای یتیمان و سهمی برای مساکین و سهمی

[۱] کافی،ج۱،ص۴۵۳،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۶،ح۳۶۶.

برای در راه ماندگان. پس آنچه برای خداوند است، برای رسول او ﷺ است و او به آن سزاوارتر است و اختصاصا برای اوست و آنچه برای رسول خدا است، پس برای ذي القربى و حجت در زمانش می باشد، پس نیمی از خمس اختصاصا برای امام است و نیمه دیگر برای یتیمان و مساکین و در راه ماندگان از آل محمد (یعنی سادات) می باشد که صدقه (واجب) و زکات برای آنها حلال نمی باشد و خداوند متعال به جای آن خمس را برای آنها قرار داده است.[1]

۱۵۰۹). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: « **الخمس يخرج من أربعة وجوه : من الغنائم التي يصيبها المسلمون من المشركين ، ومن المعادن ، ومن الكنوز ، ومن الغوص ، ويجري هذا الخمس على ستة أجزاء فيأخذ الإمام منها سهم الله وسهم الرسول وسهم ذي القربى ثم يقسم الثلاثة السهام الباقية بين يتامى آل محمد ومساكينهم وأبناء سبيلهم** » خمس از چهار چیز خارج می شود: از غنائم جنگی آنچه که مسلمانان از مشرکین بگیرند، از معدن ها، از گنج ها و از دریا ها که به سبب غوّاصی بدست آید، و خمس بر شش جزء تقسیم می شود: سهم خدا و سهم رسول و سهم ذی القربی مال امام است و امام آن را میگیرد، سپس سه جزء باقی مانده از آن بین یتیمان و مساکین و در راه ماندگان آنان (یعنی سادات) تقسیم می شود.[2]

بیان: اما در مورد مصرف سهم امام عليه السلام در زمان غیبت نص صریحی وارد نشده است و طبق عمومات روایات می تواند آن را در راه رضای امام به مصرف رساند، و یا آنکه به نیابت از حضرت صدقه داد، و اگر بعد از پرداخت سهم سادات نیاز آنان برطرف نشد میشود از سهم امام به اندازه ای که نیاز آنها برطرف شود به آنان پرداخت نمود، چنانچه که ذکر شد و در روایات دیگر آمده است که معصومین خود نیز چنین می نمودند.

۱۵۱۰). رسول خدا عليه السلام ضمن خطبه ای در منی فرمودند: « **ايها الناس اسمعوا... الا ومن كانت عنده امانة فليؤدها إلى من ائتمنه عليها فانه لايحل له دم امرء مسلم ولا ماله الا بطيبة**

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۳،ح۳۶۴.

[2] وسائل الشیعه،ج۹،ص۵۱۶،ح۱۲.

نفسه فلاتظلموا انفسکم ولا ترجعوا بعدی کفارا » ای مردم خوب گوش کنید، که چه میگویم ... هرکس امانتی نزدش است آن را به کسی که او را امین داشته باز گرداند، زیرا که حلال نیست ریختن خون مسلمان و از بین بردن مال او مگر با رضایت خاطرش، (و در راهی که او خود راضی است) پس به خودتان ستم نکنید و بعد از من به کفر باز نگردید.[۱]

۱۵۱۱). یونس بن عبدالرحمن می گوید: « **سئل ابوالحسن الرضا** عليه السلام **وانا حاضر فقال: جعلت فداك تأذن لي في السؤال فان لي مسائل؟ قال: سل عما شئت قال له: جعلت فداك رفيق كان لنا بمكة فرحل عنها إلى منزله ورحلنا إلى منازلنا فلما ان صرنا في الطريق اصبنا بعض متاعه معنا فاي شئ نصنع به؟ قال: فقال: تحملونه حتى تحملوه إلى الكوفة قال: لسنا نعرفه ولا نعرف بلده ولا نعرف كيف نصنع؟ قال: إذا كان كذا فبعه وتصدق بثمنه، قال له: على من جعلت فداك؟ قال: على اهل الولاية** » از حضرت امام رضا عليه السلام پرسیده شد در حالیکه من حاضر بودم: سائل گفت: فدایتان شوم برایم اجازه می دهید که سوال بفرمایم زیرا که برای من مسائلی پیش آمده است ؟ حضرت فرمودند: از هر چه می خواهی بپرس. عرضه داشت : فدایتان شوم یکی از رفقاء همراه ما در مکه بود پس از مکه بسوی منزلش رفت و ما هم به منازل خود رفتیم پس آنگاه که در راه می رفتیم بعضی از اموالش را دیدیم که همراه ما است پس با آن چیکار کنیم ؟ فرمودند: آنرا برگردانید تا اینکه به کوفه برسانید. عرضه داشت : ما او را نمی شناسیم و هم چنین شهرش را نمی دانیم و نمی دانیم که چیکار کنیم ؟ فرمودند: هرگاه چنین است پس آنرا فروخته و قیمت اش را صدقه بدهید. عرضه داشت: فدایتان شوم به چه کسی صدقه بدهیم؟ فرمودند: بر کسی که اهل ولایت (ما اهل بیت عليهم السلام) بوده باشد.[۲]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۷۳،ح۵۱۵۱. کافی،ج۷ ،ص۱۷۵،ح۱۲.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۵۵،ح۳۱۰.

« احکام زکات »

آیات:

« **وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرّاكِعينَ** » نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.[۱]

« **وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ إِنَّ اللهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ** » و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید، و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، زیرا خداوند به اعمال شما بیناست.[۲]

« **إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ** » کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزدِ پروردگارشان (محفوظ) است، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند.[۳]

« **وَ الَّذينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها في سَبيلِ اللهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ** » و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده![٤]

---

[۱] سوره بقره، آیه۴۳.

[۲] سوره بقره، آیه۱۱۰.

[۳] سوره بقره، آیه۲۷۷.

[٤] سوره توبه، آیه۳۴.

« **خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللهُ سَميعٌ عَليمٌ** » از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر،تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی و (به هنگام گرفتن زکات) به آنها دعا کن که دعای تو، مایه آرامش آنهاست، و خداوند شنوا و داناست.[۱]

« **وَ الَّذينَ هُمْ لِلزَّكاةِ فاعِلُونَ** » و (مومنین) کسانی اند که به (دستور) زکات عمل می کنند.[۲]

« **رِجالٌ لا تُلْهيهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِيتاءِ الزَّكاةِ يَخافُونَ يَوْماً تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ** » مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند. آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها دگرگون می شود.[۳]

« **وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** » و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید.[٤]

« **أَلَّذِينَ لايُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ كافِرُونَ** » (مشرکین) همان کسانی اند که زکات نمی پردازند، و آخرت را منکرند.[٥]

« **وَ ما أُمِرُوا إِلّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفاءَ وَ يُقيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ وَ ذالِكَ دينُ الْقَيِّمَةِ** » و به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند،و نماز را برپا دارندو زکات را بپردازند، و این است دین پایدار و استوار.[٦]

---

[۱] سوره توبه،آیه۱۰۳.

[۲] سوره مومنون،آیه۴.

[۳] سوره نور، آیه۳۷.

[٤] سوره نور،آیه۵۶.

[٥] سوره فصلت،آیه۷.

[٦] سوره بینه،آیه۵.

روایات:

١٥١٢). عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که این آیه در ماه رمضان نازل شد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داده است که: « **خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها** » از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر،تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.[1] رسول خدا صلی الله علیه و آله ندا دهنده خود را فرا خواند تا در بین مردم ندا دهد که: خداوند متعال زکات را همانند نماز فرض و واجب کرد،... ای مسلمانان اموال خودتان را با پرداخت زکات پاک سازید، تا نماز شما مورد پذیرش قرار بگیرد.[2]

١٥١٣). زراره و محمد بن مسلم می گویند: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن الله فرض للفقراء في مال الاغنياء ما يسعهم ولو علم أن ذلك لا يسعهم لزادهم إنهم لم يؤتوا من قبل فريضة الله ولكن اتوا من منع من منعهم حقهم لا مما فرض الله لهم ولو أن الناس أدوا حقوقهم لكانوا عائشين بخير** » خداوند عزوجل آن اندازه که برای فقراء کافی باشد در اموال اغنیاء (زکات) قرار داده است، و اگر می دانست که این اندازه برای آنها کفایت نمی کند، قطعا آن را افزایش می داد، سختی ها و تنگدستی های که به فقراء می رسد، ارتباطی به فریضه خداوند متعال ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به آنها می رسد که از پرداختن حقشان امتناع کرده اند، و اگر مردم حقوق فقراء را می پرداختند هر آینه ایشان به خوبی و خوشی زندگی می گردند.[3]

١٥١٤). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال زکات را واجب کرد همان طوری که نماز را واجب نمود، حال اگر شخص زکات را حمل نمود و آن را علنی و آشکار به مستحقّش داد بر او ملامتی نیست زیرا حق عزّ و جلّ در اموال اغنیاء برای فقراء آنچه را که ایشان را کفایت کند قرار داده و اگر حق تعالی بداند آنچه فرض و واجب نموده کفایت فقراء را نمی کند البته

---

[1] سوره توبه،آیه١٠٣.

[2] کافی،ج٣،ص٢٨۴،ح٢. من لایحضره الفقیه،ج٢،ص١٢،ح١۵٩٨.

[3] کافی،ج٣،ص٢٨۴،ح١. من لایحضره الفقیه،ج٢،ص۶،ح١۵٧٧.

آن را افزایش می دهد ولی باری تعالی آگاه است که حق معیّن شده در مال اغنیاء برای فقراء کافی است منتهی نیازمندان و محتاجین هلاک شده اند زیرا اغنیاء حقوق آنها را نمی دهند و ایشان را از آنچه خدا بر ایشان معیّن فرموده منع می کنند.[۱]

۱۵۱۵). امام کاظم عليه‌السلام فرمودند: « **إنما وضعت الزكاة قوتا للفقراء وتوفيرا لاموالهم** » زکات برای این جعل و وضع شد تا قوت و روزی فقراء بوده و اموال اغنیاء را زیاد کند.[۲]

۱۵۱۶). همچنین آن حضرت عليه‌السلام فرمودند: « **حصنوا أموالكم بالزكاة** » اموالتان را بوسیله زکات مصون بدارید.[۳]

۱۵۱۷). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: خداوند متعال زکات را قرین نماز قرار داده است و در این باره فرموده: « **وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ** » نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید.[٤] پس کسی که نماز را بر پا دارد ولی زکات را نپردازد، چنان است که نماز را بر پا نداشته است.[٥]

۱۵۱۸). رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده اند: « **إذا منعت الزكاة منعت الارض بركاتها** » هرگاه زکات پرداخت نشود زمین برکاتش را باز خواهد داشت.[٦]

۱۵۱۹). همچنین رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: « **ملعون ملعون مال لا يزكى** » معلون است ملعون است مالی که زکات آن پرداخت نشود.[۷]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵،ح۱۵۷۴.
[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵،ح۱۵۷۵. کافی،ج۳،ص۲۸۵،ح۶.
[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶،ح۱۵۷۶.
[٤] سوره بقره،آیه۴۳.
[٥] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۹،ح۱۵۸۴. کافی،ج۳،ص۲۹۰،ح۲۳.
[٦] کافی،ج۳،ص۲۹۰،ح۱۷.
[۷] کافی،ج۳،ص۲۹۸،ح۸.

آنچه در آن زکات واجب است

زکات در نُه چیز واجب است: **(اول)** گندم، **(دوم)** جو، **(سوم)** خرما، **(چهارم)** کشمش، **(پنجم)** طلا، **(ششم)** نقره، **(هفتم)** شتر، **(هشتم)** گاو، **(نهم)** گوسفند.

۱۵۲۰). عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هنگامی که این آیه در ماه رمضان نازل شد و به رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمان داده است که: « **خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها** » از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر،تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.[1] رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله ندا دهنده خود را فرا خواند تا در بین مردم ندا دهد که: خداوند متعال زکات را همانند نماز فرض و واجب کرد، پس خداوند بر شما مقرر کرد که از طلا، نقر، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش زکات بپردازید.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرائض نُه گانه زکات را در ماه رمضان اعلان کرد و مردم را از زکات دادن در غیر این نُه چیز معاف نمود.[2]

۱۵۲۱). امام رضا عليه‌السلام ضمن حدیثی فرمودند: « **الزكاة على تسعة أشياء: على الحنطة والشعير والتمر والزبيب والابل والبقر والغنم والذهب والفضة** » زکات را در نُه چیز واجب است: بر گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره.[3]

۱۵۲۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **وضع رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله الزكاة على تسعة أشياء، الحنطة والشعير والتمر والزبيب والذهب والفضة والابل والبقر والغنم، وعفا عما سوى ذلك** » رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله زکات را در نه چیز قرار داد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو و

---

[1] سوره توبه،آیه۱۰۳.

[2] کافی،ج۳،ص۲۸۴،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲،ح۱۵۹۸.

[3] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۷،ح۲.

گوسفند، و سایر موارد را معاف داشت.[1]

۱۵۲۳). زراره می گوید: یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمودند: « **الزكاة في تسعة اشياء: على الذهب والفضة والحنطة والشعير والتمر والزبيب والابل والبقر والغنم، وعفا رسول الله صلى الله عليه وآله عما سوى ذلك** » زکات در نُه چیز واجب است: طلا، نقره، گندم،جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند. و رسول خدا صلى الله عليه وآله مردم را از سایر موارد معاف نمود.[2]

۱۵۲۴). زراره گوید: « **سألت أبا جعفر عليه السلام عن صدقات الاموال قال: في تسعة أشياء ليس في غيرها شئ...** » از امام باقر عليه السلام در مورد صدقات (واجب) در اموال پرسیدم؟ فرمودند: در نُه چیز واجب است و در غیر آنها در چیزی واجب نیست.[3]

۱۵۲۵). حلبی می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد زکات پرسیده شد؟

حضرت فرمودند: زکات بر نُه چیز واجب است: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو و گوسفند. و رسول خدا صلى الله عليه وآله مردم را از سایر موارد معاف نمود.[4]

۱۵۲۶). از امام صادق عليه السلام در مورد زکات پرسیده شد؟

حضرت فرمودند: « **وضع رسول الله صلى الله عليه وآله الزكاة على تسعة وعفا عما سوى ذلك: الحنطة، والشعير، والتمر، والزبيب، والذهب والفضة، والبقرة، والغنم، والابل فقال السائل: فالذرة؟ فغضب عليه السلام ثم قال: كان والله على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله السماسم والذرة والدخن وجميع ذلك، فقال: إنهم يقولون: إنه لم يكن ذلك على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وإنما وضع على تسعة لما لم يكن بحضرته غير ذلك فغضب وقال: كذبوا فهل يكون العفو إلا عن شئ قد كان ولا ما أعرف شيئا عليه الزكاه غير هذا فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر** » رسول خدا صلى الله عليه وآله زکات را بر نُه چیز واجب نمود و سایر موارد را مورد عفو قرار داد و آنها: گندم، جو، خرما، کشمش،

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۹۲،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۶،ح۶. الاستبصار،ص۲۷۷،ح۳.

[2] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳،ح۱. الاستبصار،ص۲۷۷،ح۱.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۵،ح۲. الاستبصار،ص۲۷۷،ح۲.

[4] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۵،ح۵. الاستبصار،ص۲۷۷،ح۴.

طلا، نقره، گاو، گوسفند و شتر است. شخصی پرسید: ذرت چگونه؟ امام خشمناک شده گفت: به خدا در زمان پیامبر ﷺ کنجد و ذرت و ارزن همه اینها بود. در جواب گفت: که آنها می گویند: این دانه ها در زمان پیامبر نبوده و برای آن زکات را بر نُه چیز قرار داده است که در دسترس او جز از آنها چیزی نبود. امام به خشمناکی گفت: دروغ می گویند نص فرمان پیامبر ﷺ این است که از جز آنها عفو نمود، عفو در چیزیست که موجود باشد نه معدوم. و به جز اینها چیزی نیست که زکات بر آن واجب گردد، هر که خواهد بپذیرد و هر که خواهد نپذیرد و کافر گردد.[1]

بیان: اما زکات در غیر این نُه چیز که در بعضی از روایات وارد شده از باب استحباب است نه وجوب.

شرایط واجب شدن زکات

زکات بر کسی واجب است که عاقل باشد، بالغ باشد، آزاد باشد و مال در دسترس او باشد، پس کسی که عاقل نیست و دیوانه است، یا بالغ نیست، یا آزاد نیست بلکه برده است و یا مالش در دسترس او نیست مثلا گم شده یا به کسی قرض داده زکات بر چنین اشخاصی واجب نمی باشد.

۱۵۲۷). حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مال یتیم سوال شد که آیا زکات بر آن تعلق می گیرد؟

حضرت فرمودند: اگر مال یتیم کنار گذاشته شده و با آن کار نمی شود، زکاتی بر آن نیست، اما اگر با آن کار میکنی تو ضامن زکات آن هستی و سودش از آن یتیم است.[2]

---

[1] خصال،ص۴۲۱،ح۱۹. معانی الاخبار،ص۱۵۴،ح۱.

[2] کافی،ج۳،ص۳۰۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۵،ح۶۰.

۱۵۲۸). ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می فرمودند: بر مال یتیم زکاتی نیست و اگر زمانی که یتیم به سن بلوغ رسید و از یتیم بودن خارج شد، نسبت به آنچه که گذشته زکاتی بر عهده او نیست و نسبت به آن که باقی مانده نیز چیزی بر او نیست، تا اینکه درک کند، (یعنی صاحب کشاورزی و میوه و کشت شود) پس زمانی که درک کرد، یک زکات بیشتر بر او نیست، سپس حکمش (در زکات دادن) مانند دیگر افراد است.[۱]

۱۵۲۹). محمد بن قاسم بن فضیل می گوید: « **كتبت إلى أبي الحسن الرضا** علیه‌السلام **أسأله عن الوصي أيزكي زكاة الفطرة عن اليتامى إذا كان لهم مال؟ قال: فكتب: لا زكاة على يتيم** » طی نامه ای به امام رضا علیه‌السلام نوشتم: سرپرست ایتام باید زکات فطره آنان را بپردازد؟ حضرت در جواب نوشت: بر یتیم زکات واجب نیست.[۲]

۱۵۳۰). امام باقر علیه‌السلام فرمودند: « **ليس في مال اليتيم زكاة** » در مال یتیم زکاتی نیست.[۳]

۱۵۳۱). یونس بن یعقوب گوید: برای امام صادق علیه‌السلام نوشتم: برادران صغیر دارم، کی بر دارایی آنان زکات واجب می شود؟

حضرت فرمودند: هرگاه نماز بر آنان واجب شد، زکات نیز واجب می شود.[٤]

۱۵۳۲). عبدالرحمان بن حجاج گوید: « **قلت لابي عبدالله** علیه‌السلام**: امرأة من أهلنا مختلطة أعليها زكاة؟ فقال: إن كان عمل به فعليها زكاة وإن لم يعمل به فلا** » زنی از فامیل ما دیوانه شده، آیا زکات بر او واجب است؟ فرمودند: اگر با اموال آن زن کار می شود بر آن زکات است و گرنه، چیزی واجب نیست.[٥]

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۰۹،ح۴.
[۲] کافی،ج۳،ص۳۱۰،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۰،ح۷۴.
[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۶،ح۳۲.
[٤] کافی،ج۳،ص۳۱۰،ح۷.
[٥] کافی،ج۳،ص۳۱۰،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۰،ح۷۵.

۱۵۳۳). موسی بن بکر گوید: « **سألت أبا الحسن** عليه السلام **عن امرأة مصابة ولها مال في يد أخيها هل عليه زكاة؟ فقال: إن كان أخوها يتجر به فعليه زكاة** » از حضرت ابا الحسن عليه السلام در مورد زنی که دیوانه شده و اموالش در دست برادرش است، سوال کردم که آیا به آن زکاتی تعلق می گیرد؟ فرمودند: اگر برادرش با آن مال تجارت می کند، آری.[۱]

۱۵۳۴). امام صادق عليه السلام فرموده اند: « **ليس في مال المملوك شئ ولو كان له ألف ألف ولو احتاج لم يعط من الزكاة شئ** » در اموال برده ، زکاتی مقرر نیست، گرچه یک میلیلون داشته باشد، و اگر نیاز مند و فقیر گردد، از حق زکات چیزی به او پرداخت نمی شود.[۲]

۱۵۳۵). رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی پنج سال است که مالش را گم کرده و به آن دسترسی نداشته، سپس به آن دست یافته و از سرمایه سودی نبرده و زیان دیده، چقدر باید زکات بدهد؟

فرمودند: زکات یک سال را بپردازد.[۳]

بیان: زکات دادن در چنین مواردی مستحب است.

۱۵۳۶). حضرت صادق عليه السلام ضمن حدیثی فرمودند: « **لا صدقة على المال الغائب عنك حتى يقع في يديك** » زکات بر مالی که در دسترس تو نیست نمی باشد، تا آنکه در دسترس تو قرار گیرد.[٤]

۱۵۳۶). ابوبصیر می گوید: « **سألت ابا عبدالله** عليه السلام **عن رجل يكون نصف ماله عينا ونصفه دينا فتحل عليه الزكاة قال: يزكي العين ويدع الدين** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی مالش عین نقدی است و نیمی دیگر از آن قرض داده، آیا زکات بر آن تعلق می گیرد؟ فرمودند:

---

[۱] کافی، ج۳، ص۳۱۰، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۴۰، ح۷۶.

[۲] کافی، ج۳، ص۳۱۰، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۲۳، ح۱۶۳۴.

[۳] کافی، ج۳، ص۲۹۷، ح۲.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۴۱، ح۲.

زکات عین نقدی را می پردازد و بدهی را وامی گذراد.[1]

۱۵۳۷). اصفهانی گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷺ يكون لي على الرجل مال فأقبضه منه متى ازكيه؟ قال: إذا قبضته فزك** » به امام صادق ﷺ عرض کردم: مالی را از کسی می خواهم، وقتی به دستم رسید چه وقتی زکات آن را بدهم؟ وقتی بدستت رسید زکات آن را بده.[2]

۱۵۳۸). خالد بن حجاج کرخی گوید: از امام صادق ﷺ درباره زکات پرسیدم؟

فرمودند: یک ماه در سال را در نظر بگیر و نیت کن که زکاتت را در آن ماه قرار بدهی، پس زمانی که آن ماه فرا رسید، ببین چه چیزی از اموال را در دست دارد و به دست آورده ای، پس زکات آن را بپرداز. پس هرگاه یک سال از ماهی که در آن زکات داده ای گذشت، دوباره همان کار را در سال جدید انجام بده، و بیش از این چیزی بر عهده تو نیست.[3]

زکات شتر و گاو وگوسفند

در وجوب زکات شتر و گاو و گوسفند چند چیز شرط است:

(اول) آنکه به حد نصاب برسد.

۱۵۳۹). زراره گوید: « **قلت لابي عبدالله ﷺ: رجل كانت عنده أربع أينق وتسعة وثلاثون شاة، وتسعة وعشرون بقرة أيزكيهن؟ قال: لا يزكي شيئا منهن لانه ليس شئ منهن تاما فليس تجب فيه الزكاة** » خدمت امام صادق ﷺ عرض کردم: شخصی چهار ماده شتر و سی نه گوسفند و بیست و نه گاو دارد، آیا باید زکات آن را بدهد؟ فرمودند: از بابت هیچ کدام زکاتی نمی پردازد، زیرا که هیچ یک از آنها به حد نصاب نرسیده است، و به همین جهت زکاتی در آن

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۰۰،ح۶.

[2] کافی،ج۳،ص۳۰۰،ح۵.

[3] کافی،ج۳،ص۲۹۹،ح۱.

واجب نيست.[١]

١٥٤٠). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **ليس فيما دون الخمس من الابل شئ** » به كمتر از پنج شتر چيزى از زكات تعلق نمى گيرد.[٢]

(دوم) آنكه حيوان بى كار باشد، (يعنى كار كن نباشد).

١٥٤١). امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرموده اند: (حيوانى) كه كار مى كند، زكات ندارد، فقط حيوانى زكات دارد كه مرتع به چرا مى رود.[٣]

١٥٤٢). امام باقر و امام صادق عليهما السلام در حديث زكات گاو فرمودند: « **وليس على النيف شئ ولا على الكسور شئ ولا على العوامل شئ، إنما الصدقة على السائمة الراعية** » بر گاو باركش و گاو آبكش و گاو شخمى (كه كار مى كنند) زكات نيست، فقط گاوى زكات دارد كه در مراتع به چرا مى رود.[٤]

١٥٤٣). ابن عمير گويد: « **كان علي** عليه السلام **لا يأخذ من جمال العمل صدقة وكأنه لم يجب أن يأخذ من الذكور شئ لانه ظهر يحمل عليها** » اميرالمومنين عليه السلام از شترهاى نر كارى زكات نمى گرفت، و گويا ايشان واجب نمى ديدند كه از شتر هاى نر چيزى گرفته شود، زيرا كه آنها پشتى بودند كه به آنها بار حمل مى شد.[٥]

١٥٤٤). امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند: « **ليس على العوامل من الابل والبقر شئ، انما الصدقات على السائمة الراعية** » بر شتر و گاو كار كن زكاتى نيست، زكات فقط بر حيوانى است كه در مراتع به چرا مى رود.[٦]

---

[١] من لايحضره الفقيه،ج٢،ص١٥،ح١٦٠٣.

[٢] من لايحضره الفقيه،ج٢،ص١٥،ح١٦٠٤.

[٣] كافى،ج٣،ص٣٠٥،ح١. تهذيب الاحكام،ج۴،ص٢٥،ح٥٥. الاستبصار،ص٢٨٦،ح۴.

[٤] كافى،ج٣،ص٣٠٦،ح١. تهذيب الاحكام،ج۴،ص٣١،ح١.

[٥] كافى،ج٣،ص٣٠۴،ح٧.

[٦] تهذيب الاحكام،ج۴،ص٥۴،ح١٠٣.

(سوم) آنکه از علف بیابان بچرد.

۱۵۴۵). امام صادق علیه السلام فرمودند:« **لیس علی ما یعلف شئ إنما الصدقة علی السائمة المرسلة في مرجها عامها الذي یقتنیها في الرجل فأما ما سوی ذلك فلیس فیه شئ** » بر حیوانی که علف خوار است که صاحبش به او علف می دهد، زکاتی نیست. همانا زکات بر حیوانی است که در چراگاهش می چرد، در آغل علف داده نمی شود و انسان آن را به خود ذخیره می کند (تا از آن استفاده کند، نه تجارت نماید) ولی غیر از این مواردی که ذکر شد، زکاتی نیست.[۱]

۱۵۴۶). امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **إنما الصدقة علی السائمة الراعیة** » زکات فقط بر حیوانی است در مراتع به چرا می رود.[۲]

(چهارم) آنکه یک سال بر آن بگذرد.

۱۵۴۷). امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **وکل ما لم یحل علیه الحول عند ربه فلا شئ فیه علیه فاذا حال علیه الحول وجب علیه** » و هر حیوانی که یک سال در ملک صاحبش نماند، زکات ندارد، پس اگر یک سال بر آن گذشت، زکات واجب می شود.[۳]

۱۵۴۸). امام باقر علیه السلام فرمودند: از شتر و گاو و گوسفند زکات داده نمی شود مگر آنکه یک سال بر آن بگذرد، و آنچه که سال بر او نگذشته است، گویا که نیست (یعنی به حساب نمی آید).[٤]

۱۵۴۹). همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: « **لیس في صغار الابل شئ حتی یحول علیها**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۰۴،ح۲.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۰۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱،ح۱.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۵۴،ح۱۰۳.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۵۷،ح۱۰۹.

الحول من يوم تنتج » بچه شتر زكات ندارد مگر آنكه يک سال از ولادت آن بگذرد.[1]

١٥٥٠). ابن عمير گويد: « **كان علي** عليه السلام **لا يأخذ من صغار الابل شيئا حتى يحول عليه الحول** » اميرالمومنين عليه السلام از بچه شترها زكات نمى گرفتند، تا اينكه يک سال بر آنها مى گذشت.[2]

١٥٥١). اسحاق بن عمار گويد: خدمت امام صادق عليه السلام عرض كردم: برّهٔ گوسفند، زكات دارد؟ فرمودند: بعد از آنكه يک ساله شود زكات دارد.[3]

١٥٥٢). زراره گويد: يكى از دو امام عليهما السلام فرمودند: « **ما كان من هذه الاصناف الثلاثة الابل والبقر والغنم فليس فيها شئ حتى يحول عليها الحول من يوم ينتج** » براى هيچ يک از اين سه گروه حيوانات: شتر و گاو و گوسفند زكاتى نمى باشد، و زكات به آن تعلق نمى گيرد مگر آنكه يک سال از ولادت آن بگذرد.[4]

نصاب شتر

١٥٥٣). ابوبصير از امام صادق عليه السلام در مورد زكات پرسيد؟

حضرت فرمودند: به كمتر از پنج شتر چيزى تعلق نمى گيرد، پس چون به پنج رسيد يک گوسفند در آن واجب مى شود تا به ده شتر برسد، چون به ده شتر رسيد دو گوسفند تا با پانزده برسد، و چون به پانزده رسيد سه گوسفند در آن واجب مى شود تا به بيست برسد، و چون به بيست رسيد چهار گوسفند تا به بيست و پنج برسد، و چنانچه به بيست و پنج رسيد پنج گوسفند به آن تعلق مى گيرد.

---

[1] كافى،ج٣،ص٣٠٥،ح٣.

[2] كافى،ج٣،ص٣٠٤،ح٧.

[3] كافى،ج٣،ص٣٠٧،ح۴. من لايحضره الفقيه،ج٢،ص١٨،ح١۶١٠.

[4] تهذيب الاحكام،ج۴،ص٢٧،ح٥٣.

هنگامی که بیست و شش شتر شد، زکات آن یک ماده شتری است که داخل سال دوم شده باشد تا به سی و پنج برسد. پس اگر ماده شتری که داخل سال دوم شده را در اختیار نداشت شتری نری که داخل سال سوم شده باشد به جای آن قرار می دهد. و چون سی و شش شتر شد، زکات آن ماده شتری است که داخل در سال سوم شده باشد تا به چهل و پنج رسد. و چنانچه به چهل و شش شتر رسید، ماده شتری که داخل سال چهارم شده باشد به آن تعلق می گیرد تا به شصت برسد. و چون و شصت ویک شتر شود، ماده شتری که داخل سال پنجم شده باشد در آن لازم می آید تا به هفتاد و پنج برسد. و چون هفتاد و شش شتر شد، دو شتر ماده که داخل سال سوم شده باشند در آن لازم می آید تا به نود رسد. و هرگاه نود ویک شتر شود، زکات آن دو ماده شتری است که داخل سال چهارم شده باشند تا به صد و بیست برسد. پس هرگاه از (صد و بیست) شتر بیشتر شود، در هر پنجاه شتر یک ماده شتری که داخل سال چهارم شده باشد زکات به آن تعلق می گیرد.[۱]

نصاب گاو

۱۵۵۴). زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد زکات گاو فرمودند: در هر سی گاو یک گوساله ای که داخل سال دوم شده باشد از بابت زکات پرداخت می شود، و کمتر از سی گاو زکات ندارد.

و در چهل گاو زکات آن یک گوسالۀ ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد، و زکات مابین سی و چهل واجب نیست تا آنکه به چهل برسد. پس هرگاه به چهل رسید زکات آن گوسالۀ ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد، تا به شصت گاو برسد. و مابین چهل و شصت زکاتی واجب نیست. پس هرگاه به شصت گاو رسید، زکات آن دو گوساله است که داخل سال

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۵،ح۵۲. الاستبصار،ص۲۸۶،ح۱.

دوم شده باشند، تا آنکه به هفتاد برسد. پس هنگامی که به هفتاد رسید، زکات آن یک گوساله ای است که داخل سال دوم شده و یک ماده گوساله ای که داخل سال سوم شده باشد، تا آنکه به هشتاد برسد. هرگاه به هشتاد رسید، در هر چهل گاو زکات آن یک ماده گوساله ای است که داخل سال سوم شده باشند، تا به نود برسد. هنگامی که به نود رسید، زکات آن سه گوساله است که داخل سال دوم شده باشند، تا به صد و بیست گاو برسد، پس در هر چهل گاو یک ماده گوساله ای است که داخل سال سوم شده باشند.[۱]

نصاب گوسفند

۱۵۵۵). زراره، محمد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد زکات گوسفند فرمودند: در هر چهل گوسفند، باید یک گوسفند به عنوان زکات بپردازند. کمتر از چهل گوسفند زکات ندارد، و بیشتر از چهل گوسفند تا برسد به صد و بیست گوسفند، همان یک گوسفند کافی است. از صد و بیست ویک گوسفند تا دویست گوسفند، فقط دو گوسفند به عنوان زکات می پردازند. و از دویست و یک گوسفند تا سیصد گوسفند، فقط سه گوسفند و از سیصد و یک گوسفند تا چهارصد گوسفند، فقط چهار گوسفند و بعد به ترتیب زکات در هر صد گوسفند، فقط یک گوسفند است و دیگر به نصاب اول باز نمی گردد. و بعد از این دیگر ارقام کمتر از صد و بیشتر از صد زکات ندارد.[۲]

زکات طلا و نقره

در وجوب زکات طلا و نقره چند چیز شرط است:

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۰۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۱،ح۵۷.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۰۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۳۲،ح۵۸. الاستبصار،ص۲۸۷،ح۱.

(اول) آنکه به حد نصاب برسد.

۱۵۵۶). زراره گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام **: رجل عنده مائة وتسعة و تسعون درهما وتسعة عشر دينارا أ يزكيها؟ فقال: لا ليس عليك زكاة في الدراهم ولا في الدنانير حتى تتم** » خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی صد و نود و نه درهم و نوزده دینار دارد، آیا باید زکات آن را بدهد؟ فرمودند: نه او از بابت درهم ها زکاتی بر ذمه دارد، و نه در بابت دینار ها مگر زمانی که به حد نصاب برسد.[1]

(دوم) آنکه یک سال بر آنها بگذرد.

۱۵۵۷). زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: اگر کسی صد و نود و نه درهم داشته باشد و یازده ماه، در دست او بماند و بعد، در ماه دوازدهم یک درهم بدست آورد و نصاب دویست درهم نقر کامل شود، آیا باید زکات آن را بپردازد؟

فرمودند: نه، مگر آنکه یک سال بر آن بگذرد و آن دویست درهم باشد، چنانچه اگر صد و پنجاه درهم داشته باشد و پس از یک ماه پنجاه درهم دیگر بدست آورد، زکاتی بر آن تعلق نمی گیرد، مگر آنکه یک سال بر این دویست درهم بگذرد.[2]

۱۵۵۸). محمد حلبی گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن الرجل يفيد المال، قال: لا يزكيه حتى يحول عليه الحول** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شخصی نقدیه ای بدست آورد، باید زکات آن را بدهد؟ فرمودند: نه، بعد از آنکه یک سال در دست او بماند، زکات آن را می بپردازد.[3]

۱۵۵۹). عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اکر کسی مال خود را کنار بگذارد و چون به آخر سال نزدیک شود آن را بکار اندازد، باز هم باید زکات آن را بدهد؟

---

[1] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۱۵،ح۱۶۰۳.

[2] کافی،ج۳،ص۳۰۱،ح۴. تهذيب الاحكام،ج۴،ص۴۵،ح۹۲.

[3] کافی،ج۳،ص۳۰۱،ح۲.

فرمودند: نه.[١]

١٥٦٠). زراره و محمد بن مسلم گویند: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **أيما رجل كان له مال وحال عليه الحول فإنه يزكيه** » هرکس مالی داشته باشد، و بر آن مال یک سال بگذرد، باید زکات آن را بپردازد.[٢]

١٥٦١). زراره گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **إنه حين رأى الهلال الثاني عشر وجبت عليه الزكاة** » هرگاه صاحب مال هلال ماه دوازدهم را مشاهده کند، بر او زکات واجب می شود.[٣]

بیان: از این حدیث دانسته می شود که سال زکات در طلاه و نقره و همچنین شتر و گاو و گوسفند یازده ماه است، چون ماه دوازدهم داخل شود زکات واجب می شود.

مرحوم علامه رحمه‌الله در مرآة العقول می گوید: صاحب مدارک گفته است که: به مضمون این روایات اصحاب فتوا داده اند. و علامه حلی در تذکره و منتهی گوید: این قول جمیع علمای ما است، و مقتضی آن این است که زکات با داخل شدن ماه دوازدهم واجب می شود.[٤]

(سوم) آنکه طلا و نقره را سکّه زده باشند و معامله با آن رواج داشته باشد.

١٥٦٢). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **ليس في الجوهر وأشباهه زكاة وإن كثر وليس في نقر الفضة زكاة** » بر گوهر و امثال آن و لو بسیار باشد زکات نیست، و بر نقرۀ خام زکات نیست.[٥]

١٥٦٣). امام صادق و امام کاظم عليهما‌السلام فرمودند: « **ليس على التبر زكاة انما هي على الدنانير والدراهم** » همانا بر چیزی که مضروب به سکه نبوده باشد زکاتی نخواهد بود، زیرا که زکات

---

[١] کافی،ج٣،ص٣٠١،ح٣.

[٢] کافی،ج٣،ص٣٠١،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۵،ح٩٢.

[٣] کافی،ج٣،ص٣٠١،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۴۵،ح٩٢.

[٤] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ١۶، ص ۴٧.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج٢،ص١۵،ح١۵٩٩.

فقط بر دینارها و درهم ها است.[۱]

۱۵۶۴). علی بن یقطین می گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: مقدار مال نزد من جمع می شود و حدود یک سال دست نخورده بر جا می ماند، آیا زکات دارد؟

فرمودند: نه، هر مالی که یک سال نزد تو بر جا نمانده باشد، زکات ندارد، و هرچه (از طلا و نقره) رکاز نباشد زکات ندارد.

گفتم: رکاز چیست؟

فرمودند: سکه زده باشند و رایج باشد. آنگاه فرمودند: اگر خواستی (طلا و نقره ات) را آب کن، زیرا که شمش طلا و نقره زکات ندارد.[۲]

۱۵۶۵). علی بن یقطین می گوید: « **سألت أبا الحسن عليه السلام عن المال الذي لا يعمل به ولا يقلب قال: يلزمه الزكاة في كل سنة إلا أن يسبك** » از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر سکه طلا و نقره از مبادله بازار خارج شود و دست نخورده بماند، زکات دارد؟ فرمودند: هر ساله زکات دارد، مگر اینکه سکه را آب کنند و بصورت شمش در آوردند.[۳]

نصاب طلا

۱۵۶۶). امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند: « **ليس فيما دون العشرين مثقالا من الذهب شئ فإذا كملت عشرين مثقالا ففيها نصف مثقال إلى أربعة وعشرين فإذا كملت أربعة وعشرين ففيها ثلاثة أخماس دينار إلى ثمانية و عشرين فعلى هذا الحساب كلما زاد أربعة** » کمتر از بیست مثقال طلا زکات ندارد، بیست مثقال کامل، نیم مثقال آن حق زکات است تا برسد به بیست و چهار مثقال، بیست وچهار مثقال کامل سه پنجم آن حق زکات است تا برسد

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱،ح۱۸. الاستبصار،ص۲۷۹،ح۴. کافی،ج۳،ص۲۷۹،ح۹.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۹۸،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱،ح۱۹. الاستبصار،ص۲۷۹،ح۱.

[۳] کافی،ج۳،ص۲۹۶،ح۵.

به بیست و هشت مثقال. و بر طبق همین حساب، هرگاه چهار دینار اضافه شود، حق زکات آن بر اساس یک چهلم بالا می رود.[1]

نصاب نقره

۱۵۶۷). زراره گوید: امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **ليس في الفضة زكاة حتى تبلغ مأتي درهم، فاذا بلغت مأتي درهم ففيها خمسة دراهم فان زادت عليه فعلى حساب ذلك في كل أربعين درهما درهم**» در نقره زکاتی نیست تا آنکه به دو صد درهم برسد، پس هرگاه به دو صد درهم رسید، در آن پنج درهم حق زکات خواهد بود. اگر از این مقدار زیاد تر شد طبق همان حساب در هر چهل درهمی یک درهم زکات است.[2]

زکات گندم و جو و خرما و کشمش

۱۵۶۸). زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: « **ما أنبتت الارض من الحنطة والشعير والتمر والزبيب ما بلغ خمسة أوساق - والوسق ستون صاعا فذلك ثلاثمائة صاع - ففيه العشر، وما كان منه يسقى بالرشا والدوالي والنواضح ففيه نصف العشر، وما سقت السماء أو السيح أو كان بعلا ففيه العشر تاما، وليس فيما دون الثلاثمائة صاع شئ، وليس فيما أنبتت الارض شئ إلا في هذه الاربعة أشياء** » هر آنچه که از زمین می روید از گندم و جو و خرما و کشمش اگر به پنج بار شتر برسد، که هر با شتر شصت صاع است که جمله آن می شود سیصد صاع ده یک آن حق زکات است، و هر آنچه که از آن توسط طناب ها و دلو ها و چهارپایان آبیاری شود، بیست یک از آن حق زکات است. و هر محصولی که با آب باران و رود خانه، یا بصوت دیمی بدست آید، ده یک آن بصورت تام حق زکات است، و در کمتر از سیصد صاع زکاتی واجب نیست و

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۹۵،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹،ح۱۳. الاستبصار،ص۲۸۲،ح۱.

[2] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶،ح۳۰.

در دیگر اشیائی که از زمین می روید غیر از این چهار چیز زکاتی نیست.[۱]

بیان: پس زکات گندم و جو و خرما و کشمش زمانی واجب می شود که به مقدار نصاب برسد، و نصاب آن (۳۰۰) صاع است که بنابر مشهور حدود (۸۴۷) کلیوگرم می شود. و اگر محصول با آب باران و رود خانه آبیاری شود، یا دیمی باشد، ده یک آن حق زکات است و اگر محصول بصورت دستی توسط دلو و چهارپایان و همانند آن آبیاری شود، بیست یک آن حق زکات است، و چنانچه که خواهد آمد اگر به هر دو صورت آبیاری شود، زکات نصف آن ده یک است و نصف دیگر آن بیست یک.

۱۵۶۹). معاویه بن شریح می گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: محصولی که با آب باران و رود خانه، یا به صورت دیمی بدست آید، ده یک آن حق زکات است، و محصولی که با شتر و یا گاو آبکش آبیاری شود، بیست یک آن حق زکات است.

راوی گوید: گفتم: زمینی که در اوائل کشت، با گاو آبکش آبیاری می شود و در پایان کشت با آب جاری آبیاری می گردد، حق زکات آن چگونه است؟

فرمودند: در بلاد شما چنین اتفاقی رخ می دهد؟

گوید: گفتم: آری.

فرمودند: حق زکات آن نصف نصف است. از نصف محصول یک دهم و از بیست دهم بپردازد.[۲]

۱۵۷۰). حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لیس فیما دون خمسة أوساق شئ، والوسق ستون صاعا** » کمتر از پنج بار شتر زکاتی واجب نیست، و آن شصت صاع می شود.[۳]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۷،ح۳۴. الاستبصار،ص۲۸۳،ح۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۹۴،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۱،ح۸۱. الاستبصار،ص۲۸۴،ح۵.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۲۴،ح۴۸. الاستبصار،ص۲۸۵،ح۱۵.

۱۵۷۱). سعد بن سعد می گوید: « **سألت أبا الحسن عليه السلام عن أقل ما يجب فيه الزكاة من البر والشعير والتمر و الزبيب، فقال: خمسة أو ساق بوسق النبي صلى الله عليه وآله فقلت: كم الوسق؟ قال: ستون صاعا** » از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کمترین محصول گندم، جو، کشمش و خرما که زکات دارند، چه مقدار است؟ فرمودند: کمترین نصاب آن با معیاری که رسول خدا صلى الله عليه وآله مقرر کرده بود، پنج بار شتر است. پرسیدم: با معیار رسول خدا صلى الله عليه وآله یک بار شتر، چقدر می شود؟ فرمودند: شصت صاع.[1]

۱۵۷۲). ابوبصیر و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر عليه السلام گفتیم: در زمین های واگذاری حق زکات از چه قرار است؟

فرمودند: هر زمینی که از جانب حکومت به تو واگذار شود، بعد از آنکه حق حکومت را بدهی، یک دهم آن حق زکات است. این یک دهم پس از تقسیم آن از محصولی خارج می شود که به طور خالص بدست تو می آید.[2]

۱۵۷۳). محمد بن خالد برقی می گوید: « **كتبت إلى أبي جعفر الثاني عليه السلام: هل يجوز أن يخرج عما يجب في الحرث من الحنطة والشعير وما يجب على الذهب دراهم بقيمة ما يسوي أو لا يجوز إلا أن يخرج من كل شئ ما فيه؟ فأجاب (عليه السلام): أيما تيسر يخرج** » طی نامه ای امام جواد عليه السلام نوشتم: در محصول گندم و جو و یا نقدیه طلا می توانیم حق زکات را قیمت بگذاریم و در برابر آن درهم بپردازیم؟ یا اینکه باید سهم زکات را از خود همان محصول و عین آن خارج کنیم؟ حضرتش در پاسخ من نوشت: هر نوع که آسان تر باشد، حق زکات را خارج کنید.[3]

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۹۴،ح۵.

[2] کافی،ج۳،ص۲۹۴،ح۴.

[3] کافی،ج۳،ص۳۲۱،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۱،ح۱۶۲۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱۸،ح۲۷۱.

۱۵۷۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس صاحب کشت و زاعت باشد، یا صاحب خرما باشد و زکات محصول خود را بپردازد، دیگر هیچ گونه حقی بر عهده او نیست گرچه محصول او تا یک سال دیگر باقی بماند. فقط در صورتی که خرما و گندم خود را بفروشد و طلا و نقره آن دست نخورده تا یک سال باقی بماند، باید زکات آن طلا و نقره را بپردازد، وگرنه زکاتی بر عهده او نیست گرچه هزار سال بتواند محصول خود را سالم نگهدارد، حق زکات محصول فقط برای یک نوبت است که باید ده یک آن پرداخته شود.[1]

۱۵۷۵). سعد بن سعد اشعری می گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: زکات گندم، جو، خرما و کشمش در چه وقتی به صاحب آن واجب می شود؟

فرمودند: موقعی که محصول را بچیند و تخمین بزنند.[2]

مصرف زکات

زکات در هشت مورد صرف می شود: **(اول)** دادن به فقیر، **(دوم)** مسکین، **(سوم)** کسی که از طرف امام نصب می شود برای گرفتن زکات و امام حصه ای به او می دهد که در این زمان نمی باشد، **(چهارم)** مولفة قلوبهم که در این زمان نمی باشد، **(پنجم)** صرف کردن در آزادی بندگان و یا بر آورده نمودن کفاره ای که بر گردن مومن است، **(ششم)** ادای قرض بدهکاری که نمی تواند دَین خود را ادا کند، **(هفتم)** در راه خدا که از جمله آن صرف در امور خیریه است، **(هشتم)** مسافری که در سفر درمانده شده است. چنانچه خداوند متعال می فرماید: « **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** » زکات ها مخصوص فقرا و مساکین

---

[1] کافی،ج۳،ص۲۹۵،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۵۴،ح۱۰۲.

[2] کافی،ج۳،ص۲۹۹،ح۴.

و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن گمارده می شوند، و مولفة قلوبهم ، و برای (آزادی) بردگان و (ادای دَین) بدهکاران و در راه خدا، و واماندگان در سفر، این یک فریضه الهی است، و خداوند دانا و حکیم است.[۱]

۱۵۷۶). امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: (خداوند متعال تمامی افراد را از گرفتن زکات بجز این هشت دسته ای را که نام برده محروم ساخته است). سپس در تفصیل و توضیح این هشت گروه فرمودند:

« **فقراء**» کسانی هستند که گدایی و در خواست نکنند و هزینه خانواده شان هم برگردن آنها می باشد، و دلیل این که درخواست و گدایی نکنند فرمایش خداوند است که فرموده: « **لِلْفُقَرَاء الَّذِينَ أُحصِرُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ لاَ يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاء مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لاَ يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا** » این صدقات برای فقیر های است که در راه طاعت حق محصور گشته و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدّت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد آنها را از سیمایشان می‌شناسی با اصرار، (چیزی) از مردم نمی‌خواهند.[۲]

« **مساکین** » آن افرادی هستند که زمین گیر می باشند و توان فعالیت ندارند، مانند: نابینایان، فلج ها، مجذومین، (سالخوردگان) و دیگر اقشار مختلف از مردان، زنان و کودکان.

« **و عاملین علیها** » یعنی کارکنان زکات که سعی دارند بر جمع آوری و نگهداری زکات تا بجای اصلی اش (یعنی دست امام) می رسانند تا تقسیم کند، (که سهمی از زکات به اینها داده می شود).

« **و مولفة قلوبهم** » گروهی هستند که خدا را می پرستند ولی معــرفــت در دلهای آنها نفوذ

---

[۱] سوره توبه، آیه۶۰.

[۲] سوره بقره، آیه۲۷۳.

نکرده که بپذیرند حضرت محمد ﷺ رسول خدا می باشد، پس رسول خدا آنان را از این طریق نوازش می نماید و دل شان را به دست می آورد و احکام و معارف را به ایشان آموزش می دهد، که شاید حق را بپذیرند و معرفت پیدا کنند، بر همین اساس خداوند سهمی از زکات را برای این افراد قرار داده تا تشویق شوند و اهل معرفت گردند.

« **و فی الرقاب** » کسانی هستند که کفاره ای مانند خون بهای قتل غیر عمد، ظِهار کردن همسر، کشتن و شکار حیوان در حرم، کفاره قسم و... بر گردن آنها واجب شده است که توان پرداخت آن را ندارند، و البته باید مومن باشند. و خداوند برای این افراد سهمی در زکات قرار داد که بتوانند کفاره خود را بپردازند.

« **و الغارمین** » گروهی هستند که برای امور مشروع قرض گرفته و مصرف نموده اند و قدرت پرداخت قرض خود را ندارند بر امام واجب است که قرض این مغروضین آبرومند را از محل وجوه زکات بپردازند.

« **و فی سبیل الله** » افرادی هستند که برای جهاد سفر کرده اند و در مانده شده اند و یا گروهی از مسلمانان در سفر حج مانده اند و نمی توانند خودشان را تامین کنند و برای هر کار خیری دیگر که نتوانند آن را انجام دهند و یا به پایان برسانند، بر امام واجب است که از زکات به این افراد کمک کند تا بر انجام حج، جهاد و دیگر امور خیری که ناقص مانده توانمند گردد.

« **و ابن السبیل** » کسانی هستند که در سفر مشروع بر اثر حوادث و پیش آمدهائی مال خود را از دست داده و درمانده اند و بر امام است که از زکات به آنان بقدری که به وطن برسند کمک نماید.[1]

۱۵۷۷). محمد بن مسلم و زراره گویند: به امام صادق علیه‌السلام گفتیم: نظر شما در مورد این فرموده خداوند عزوجل: «**إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ**

[1] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۶۵،ح۱۲۹.

وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ » زکات ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن گمارده می شوند، و مولفة قلوبهم ، و برای (آزادی) بردگان و (ادای دَین) بدهکاران و (مصرف) در راه خدا، و واماندگان در سفر، این یک فریضه الهی است.[1] چیست، آیا به همگی نام بردگان، اگر چه عارف به حق (امامت) شما نباشند، زکات داده می شود؟

فرمودند: ای زراره امام به همگی ایشان عطا می کند، زیرا که ایشان به طاعت او معترف اند.

زراره گوید: گفتم: پس اگر به حق شما عارف نبوده باشند؟

حضرت فرمودند: اگر زکات را به کسانی می دانند که عارف بودند، و از غیر ایشان باز می داشتند، دیگر جایگاهی برای اعطای زکات نمی ماند، و همانا که زکات به افراد غیر عارف داده می شود، تا به دین راغب شوند و در آن استوار بمانند. اما امروز تو و یارانت آن را جز به افراد عارف (یعنی شیعه) ندهید و هر که را از مسلمین یافتید که عارف بود به او عطا کنید و به سایر افراد مردم عطا نکنید.

سپس فرمودند: سهم مربوط به مولفة قلوبهم و سهم مخصوص آزاد کردن بردگان عام است، یعنی هم اصناف کفار را شامل می شود و هم اصناف مسلمین را و بقیه سهام، خاص است یعنی به مردم عارف اختصاص دارد.

راوی گوید: گفتم: اگر افراد عارف یافت نشود؟

فرمودند: خداوند عزوجل فریضه ای را فرض نمی کند که اهل آن یافت نشود.[2]

۱۵۷۸). حلبی گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: به مصدّق (کسی که مأمور جمع آوری زکات است) چقدر باید پرداخت شود؟

---

[1] سوره توبه، آیه۶۰.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۶،ح۱۵۷۷. کافی،ج۳،ص۲۸۴،ح۱.

فرمودند: آن مقدار که امام برای او در نظر بگیرد، و مقدار مشخص و معینی ندارد.[۱]

۱۵۷۹). محمد بن مسلم گوید: از یکی از دو امام علیهما السلام در مورد فرق بین فقیر و مسکین، سوال کردم؟

فرمودند: فقیر کسی است که در حد ضرورت توانائی داد و گدایی و در خواست نمی کند، ولی مسکین در سختی هست و از مردم درخواست و طلب می کند.[۲]

۱۵۸۰). یکی از اصحاب گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مکاتبی که عاجز و ناتوان از پرداخت قرار داد خود می باشد گرچه مقداری از آن را پرداخت کرده است، سوال کردم؟

فرمودند: از مال زکات پرداخت می شود، زیرا که خداوند عزوجل می فرماید: « **وَفِي الرِّقَابِ**» (که از جمله مواردی که زکات صرف می شود) آزاد کردن بندگان و بردگان می باشد.[۳]

بیان: مُکاتَب به برده ای گویند که با مولای خود شرط می کند که پولی به او بدهد و خودش را آزاد کند.

۱۵۸۱). اسماعیل بن سعد اشعری می گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: می شود زکات را به کسی که عارف (به حق امامت نیست) داد؟

فرمودند: نه، و همچنین زکات فطره هم داده نمی شود.[٤]

۱۵۸۲). ضریس گوید: یک نفر از اهل مدائن به امام باقر علیه السلام گفت: مقداری زکات به اموال ما تعلق می گیرد، موقعی که آن را جدا می کنیم، به چه افرادی تسلیم کنیم؟

فرمودند: در میان شیعیانی که مانند خودت به ولایت معتقد باشند تقسیم کن.

آن مرد گفت: من در سر زمینی زندگی می کنم که غیر از ما، یک تن از دوستداران (و شیعیان)

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۲۳،ح۱۳. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۴۶،ح۳۱۱.

[۲] کافی،ج۳،ص۲۸۷،ح۱۸.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۸،ص۲۷۵،ح۱۰۰۲.

[٤] کافی،ج۳،ص۳۱۳،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ح۷۰،ح۱۳۷.

شما زندگی نمی کند؟

فرمودند: زکات اموالت را به شهر شیعیان ارسال کن تا در آنجا در میان مستمدان شیعه تقسیم شود. زکات اموالت را به کسانی مده که اگر فردای آن روز، آنان را به مذهب خود فرا خوانی اجابت نمی کنند، بلکه به خدا سوگند چون از مذهبت با خبر شوند، سرت را نیز از تنت جدا می کنند.[۱]

۱۵۸۳). ابوبصیر می گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: اگر یکی از شیعیان بمیرد و فرزندان فقیر و مستمند باقی بگذارد، آیا می توان از زکات چیزی به آنها داد؟

فرمودند: آری، تا موقعی که فرزندان رشد کنند و به حد بلوغ برسند، و هنگامی که کمک از آنان قطع شود، بپرسند که تا کنون از چه راهی مصارف آنها تأمین بوده است.

گفتم: آنها به حق امامت آشنا نیستند و آن را نمی شناسند.

حضرت فرمودند: با تأمین مخارج آنها، حق پدرشان رعایت می شود و مذهب پدرشان محبوب و متین جلوه گر می شود، و چه بسا که دیری نپاید که به مذهب پدر اهتمام ورزند. اگر بعد از بلوغ شرعی به سایر مذاهب گرویدند، دیگر از بابت زکات چیزی به آنان ندهید.[۲]

۱۵۸۴). سماعه می گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی که خانه و برده خدمتکار دارد، می تواند زکات بگیرد؟

فرمودند: آری می تواند مگر آنکه خانه او در اجاره باشد و بتواند با مال الاجاره، زندگی خود و خانواده اش را تامین کند. اگر در آمد خانه نتواند او را در حد اعتدال و بدون اسراف از حیث غذا و لباس و سایر حوائج زندگی اداره کند، زکات بر او حلال است و اگر در آمد خانه بتواند

---

[۱] کافی، ج۳، ص۳۱۸، ح۱۱.

[۲] کافی، ج۳، ص۳۱۴، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۲۷، ح۲۸۷.

همه نیاز های آنها را کفایت کند، زکات بر آن حلال نیست.[۱]

۱۵۸۵). معاویه بن وهب گوید: از امام صادق ؈ پرسیدم: شخصی که سیصد و یا چهارصد درهم دارد که با آن کار می کند، ولی نمی تواند مخارج خود و خانواده اش را تامین کند، آیا باید کسری مخارج را از سرمایه خود بر داشت کند، یا اینکه زکات بگیرد و کسری هزینه را تکمیل کند؟

فرمودند: نه، بلکه مخارج خود و برخی از خانوده اش را از درآمد شخصی خود اداره کند و بقیه مخارج عائله خود را از زکات تامین کند، و با سرمایه خود هر چه باشد به کسب و کار خود بپردازد.[۲]

۱۵۸۶). حضرت صادق ؈ فرمودند: « **خمسة لا يعطون من الزكاة شيئا: الاب والام والولد والمملوك والمرأة وذلك أنهم عياله لازمون له** » پنج گروه از زکات انسان سهمی نمی برند: پدر، مادر، فرزند، برده و همسر چرا که اینها در زمره عیال انسان اند و واجب النفقه محسوب می شوند.[۳]

۱۵۸۷). همچنین آن حضرت ؈ فرمودند: از زکات به برادر، خواهر، عمو، دایی و خاله داده می شود، ولی به پدر بزرگ و مادر بزرگ داده نمی شود.[٤]

۱۵۸۸). داود صرمی گوید: « **سالته ؈ عن شارب الخمر يعطى من الزكاة شيئا؟ قال: لا** » از امام ؈ پرسیدم: به شخص شراب خوار چیزی از زکات داده می شود؟ فرمودند: نه.[٥]

۱۵۸۹). اسحاق بن عمار می گوید: « **سألت أبا عبدالله ؈ عن رجل على أبيه دين ولابيه**

---

[۱] کافی،ج۳،ص۳۳۲،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۲،ح۱۶۲۹. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۶۳،ح۱۳۷.

[۲] کافی،ج۳،ص۳۳۲،ح۶.

[۳] کافی،ج۳،ص۳۱۶،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۷۵،ح۱۵۰.

[٤] کافی،ج۳،ص۳۱۶،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۷۵،ح۱۵۱.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۷۰،ح۱۳۸.

مؤونة أيعطي أباه من زكاته يقضي دينه؟ قال: نعم ومن أحق من أبيه » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی پدرش قرض داد و هزینه زندگی او به حدی است که نمی تواند قرض خود را بپردازد. آیا پسر او می تواند قرض او را از زکات ادا کند؟ فرمودند: آری می تواند، چه کسی از پدر انسان شایسته تر است.[1]

۱۵۹۰). ابو محمد وابشی گوید: یکی از اصحاب ما از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی از زکات اموال خود پدرش را خریده است تا از قید بردگی رها شود، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: « **اشترى خير رقبة لا بأس بذلك** » این مرد بهترین برده ای که ممکن بوده خریده است، اشکالی ندارد.[2]

۱۵۹۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: عده ای از بنی هاشم خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمدند و از حضرتش خواستند که آنها را از عاملین زکات گاو، گوسفند و شتر قرار دهد، و گفتند: این سهمی که خداوند برای عاملین قرار داده، ما به آن سزاوارتریم؟

حضرت فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب همانا صدقه (زکات واجب) بر من و شما حلال نیست، ولی من به شفاعت وعده داده شده ام، چه می پندارید آنگاه که از حلقه درب بهشت بگیرم، آیا به نظر شما دیگری را بر شما ترجیح می دهم؟

سپس حضرت صادق عليه السلام فرمودند: به خدا سوگند رسول خدا صلى الله عليه وآله به شفاعت وعده داده شده است.[3]

۱۵۹۲). امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: « **إن الصدقة أو ساخ أيدي الناس وإن الله قد حرم علي منها ومن غيرها ما قد حرمه وإن الصدقة لا تحل لبني عبدالمطلب** » همانا زکات چرک های دست مردم است، و براستی خداوند آن و مواردی مثل آن

---

[1] کافی،ج۳،ص۳۱۷،ح۲.

[2] کافی،ج۳،ص۳۱۷،ح۱.

[3] کافی،ج۴،ص۳۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۷۶،ح۱۵۴.

را بر من حرام کرد، و زکات بر فرزندان عبدالمطلب حرام است.[1]

۱۵۹۳). امام کاظم علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمودند: هرکس مادرش از بنی هاشم و پدرش از سائر قریش باشد، زکات برای او حلال است و چیزی از خمس برای او نیست.[2]

نیّت زکات

۱۵۹۴). رسول الله صلی الله علیه وآله در وصیت خود به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **یا علی: لا خیر في القول الامع الفعل ولا في الصدقة الا مع النية** » ای علی علیه السلام در گفتارِ بدون عمل، و در صدقه (و زکاتِ) بدون نیت، هیچ خیری نیست.[3]

۱۵۹۵). ابی حمزه می گوید: امام سجاد علیه السلام فرمودند: « **لا عمل إلا بنية** » هیچ عملی (صحیح و مورد قبول) نیست مگر با نیت.[4]

۱۵۹۶). امام رضا علیه السلام فرمودند: « **لا قول إلا بعمل ولا عمل إلا بنية ولا نية إلا باصابة السنة** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد، و هیچ عملی جز با نیت ارزش ندارد و هیچ نیتی جز با موافقت با سنت ارزش ندارد.[5]

۱۵۹۷). رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: « **لا قول إلا بعمل، ولا قول ولا عمل إلا بنية ..** » هیچ گفتاری جز با عمل ارزش ندارد و هیچ گفتار و عملی جز با نیت ارزش ندارد.[6]

۱۵۹۸). همچنین رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: « **انما الاعمال بالنيات** » بدرستی که اعمال

---

[1] کافی،ج۴،ص۳۸،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۷۷،ح۱۵۵. الاستبصار،ص۲۹۴،ح۱.
[2] کافی،ج۱،ص۴۵۳،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۶۶،ح۳۶۶.
[3] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۶۷.
[4] کافی،ج۲،ص۶۹،ح۱.
[5] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۳.
[6] کافی، ج۱، ص۴۱، ح۹.

وابسته به نیت ها است.[1]

۱۵۹۹). و در حدیثی دیگر فرمودند: « **انما الاعمال بالنیات ولکل امری، ما نوی** » همانا که اعمال به نیت ها وابستگی دارند، و با هرکس طبق نیتش رفتار خواهد شد.[2]

زکات فطره

۱۶۰۰). عمر بن یزید می گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الرجل يكون عنده الضيف من إخوانه فيحضر يوم الفطر يؤدي عنه الفطرة؟ قال: نعم الفطرة واجبة على كل من يعول من ذكر أو أنثى أو صغير أو كبير حر أو مملوك** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که یکی از برادران دینی اش نزد او مهمان است، در این میان روز عید فطر فرا می رسد، آیا باید زکات فطره او را ادا کند؟ حضرت فرمودند: بلی، زکات فطره کلیه کسانی که معاش آنها را بر عهده دارد واجب است، اعم از مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا بنده.[3]

۱۶۰۱). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد زکات فطره ای که از بابت خانواده شخص بر او واجب می شود، سوال کردم؟

حضرت فرمودند: « **تصدق عن جميع من تعول من حر أو عبد، أو صغير أو كبير، من أدرك منهم الصلاة** » زکات فطره همه افراد عائله ات را، از آزاد یا بنده، کوچک یا بزرگ، هر کدام که نماز عید را درک کرده باشند، بپرداز.[4]

۱۶۰۲). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إن من تمام الصوم إعطاء الزكاة يعني الفطرة كما أن الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله من تمام الصلاة لانه من صام ولم يؤد الزكاة فلا صوم له إذا تركها**

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۱.

[2] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۴۹، ح۱۰۲.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۵،ح۱۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۱۸،ح۲۰۶۷.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۱،ح۲۰۸۱.

متعمدا، ولا صلاة له إذا ترك الصلاة على النبي ﷺ » همانا از موجبات کمال روزه پرداختن زکات فطره است همان گونه که صلوات بر پیامبر ﷺ از موجبات اتمام نماز است، زیرا که هر کسی روزه بگیرید ولی از روی عمد زکات فطره را ندهد برای او روزه ای نیست و کسی که صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ را در نماز ترک کند نمازی برای او نیست.[1]

۱۶۰۳). امیرالمومنین علیه السلام در روز عید فطر خطبه ای ایراد نموده و ضمن آن فرمودند: « **إن هذا اليوم يوم جعله الله لكم عيدا، وجعلكم له أهلا، فاذكروا الله يذكركم، وادعوه يستجب لكم، وأدوا فطرتكم، فإنها سنة نبيكم وفريضة واجبة من ربكم، فليؤدها كل امرئ منكم عنه وعن عياله كلهم ذكرهم وانثاهم، صغيرهم وكبيرهم، وحرهم ومملوكهم، عن كل إنسان منهم صاعا من بر أو صاعا من تمر، أو صاعا من شعير** » امروز روزی است که خداوند متعال آن را برای شما عید قرار داده و شما را اهل آن ساخته است. پس خدا را یاد کنید، تا شما را یاد کند، و او را بخوانید تا شما را اجابت فرماید، و زکات فطره خود را بپردازید، زیرا که آن سنت پیامبرتان و فریضه واجبی از جانب پروردگارتان است، پس همی باید تا هر یک از شما آن را از همگی عائله اش: مردان و زنان ایشان، کوچک و بزرگشان، آزاد و برده ایشان، بابت هر یک از ایشان صاعی از گندم، یا صاعی از خرما، یا صاعی جو بپردازد، .[2]

۱۶۰۴). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: شخصی که زکات می گیرد (یعنی فقیر است) آیا پرداختن زکات فطره بر او واجب است؟

حضرت فرمودند: نه.[3]

۱۶۰۵). اسحاق بن مبارک گوید: « **قلت لابي إبراهيم** علیه السلام **على الرجل المحتاج زكاة الفطرة فقال: ليس عليه فطرة** » خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم: برای شخص محتاج زکات

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۲،ح۲۰۸۵.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۳۲۷،ح۱۴۸۲.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹۴،ح۲۰۱.

فطره واجب می باشد؟ فرمودند: زكات فطره برای او واجب نیست.[۱]

۱۶۰۶). یزید بن فرقد گوید: برای امام صادق عليه‌السلام گفتم: بر شخصی که محتاج است زکات فطره واجب می باشد؟ فرمودند: نه.[۲]

۱۶۰۷). یزید بن فرقد گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: « **من اخذ من الزكاة فليس عليه فطرة** » کسی که زکات می گیرد، زکات فطره بر او واجب نیست.[۳]

۱۶۰۸). همچنین فرمودند: « **لا فطرة على من أخذ الزكاة** » زکات فطره واجب نیست بر کسی که زکات می گیرد.[٤]

۱۶۰۹). صفوان جمّال گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه‌السلام عن الفطرة، فقال: على الصغير والكبير والحر والعبد عن كل إنسان صاع من حنطة أو صاع من تمر أو صاع من زبيب** » از امام صادق عليه‌السلام درمورد زکات فطره پرسیدم؟ فرمودند: بر کوچک و بزرگ، آزاد و بنده، از هر انسانی یک صاع از گندم، یا از خرما و یا از کشمش تعلق می گیرد.[٥]

۱۶۱۰). سعد بن سعد اشعری گوید: از امام رضا عليه‌السلام درباره زکات فطره سوال کردم که چقدر از عوض هر نفر از گندم، جو، خرما و کشمش بپردازم؟

فرمودند: یک صاع به وزن صاع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله.[٦]

۱۶۱۱). ابن مسکان و زراره گویند: امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **الفطرة على كل قوم مما يغذون عيالاتهم من لبن أو زبيب أو غيره** » زکات فطره بر هر قومی از آن چیزی اســـت که

[۱] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۴، ح۱۹۹.
[۲] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۴، ح۲۰۰.
[۳] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۴، ح۲۰۲.
[٤] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۴، ح۲۰۲.
[٥] کافی، ج۴، ص۱۰۳، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۹۲، ح۱۹۴. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۱۷، ح۲۰۶۱.
[٦] کافی، ج۴، ص۱۰۴، ح۵. من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۱۷، ح۲۰۶۲. تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۰۲، ح۲۲۷.

عیالات خود را تغذیه می کنند، از شیر یا کشمش و غیره.[۱]

۱۶۱۲). ابراهیم بن محمد همدانی می گوید: « **اختلفت الروايات في الفطرة فكتبت إلى ابي الحسن صاحب العسكر عليه السلام أسأله عن ذلك فكتب: إن الفطرة صاع من قوت بلدك على أهل مكة واليمن والطائف وأطراف الشام واليمامة والبحرين والعراقين وفارس والاهواز وكرمان تمر... الى ان قال ومن سوى ذلك فعليهم ما غلب قوتهم** » روایات در مورد زکات فطره اختلاف داشت، پس به امام عسکری عليه السلام نامه نوشتم و در این مورد از ایشان سؤال کردم. حضرت در پاسخ نوشتند : همانا فطره به اندازه یک صاع از قوت و خوراک شهر خودت می باشد! بر اهل مکه و یمن و طائف و اطراف شام و یمامة و بحرین و عراقَیْن (کوفه و بصره) و فارس و اهواز و کرمان خرما می باشد... تا آنجا که فرمودند: و بر غیر اینها، آنچه غالب طعام و خوراک آنهاست، بر عهده آنها می باشد.[۲]

۱۶۱۳). یکی از اصحاب گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم آیا زکات فطره بر عهده بادیه نشینان هم هست؟

حضرت فرمودند: هر کس خوراک و طعامی را می خورد و طعام (اصلی و غالب) خود قرار می دهد ، بر عهده اوست که از همان خوراک و طعام زکات فطره را پرداخت نماید.[۳]

۱۶۱۴). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا بأس بالقيمة في الفطرة** » در مورد زکات فطره، دادن قیمت آن اشکالی ندارد.[٤]

۱۶۱۵). اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به نظر شما اگر زکات فطره را جمع کنیم و قیمت آن را به یک مرد مسلمان بپردازیم، چگونه است؟

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹۹،ح۲۰۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۰۱،ح۲۲۶.

[۳] کافی،ج۴،ص۱۰۵،ح۱۴. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹۹،ح۲۲۰.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۰۰،ح۲۲۲.

فرمودند: اشکالی ندارد.[1]

۱۶۱۶). اسحاق بن عمار صیرفی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: جانم فدایت چه می فرمایید در مورد زکات فطره، آیا جایز است که به قیمت اشیائی که زکات فطره از آن است نقره (به فقیر) بدهیم؟

فرمودند: بلی، اینکار برای (فقیر) منفعتش بیشتر است، چرا که هرچه بخواهد و به آن نیاز داشته باشد، می خرد.[2]

۱۶۱۷). اسحاق بن مبارک گوید: امام کاظم عليه السلام فرمودند: زکات فطره اگر خرما باشد نزد من محبوب تر است زیرا که پدرم امام صادق عليه السلام همواره زکات فطره را از خرما می پرداخت.

روای گوید: گفتم: اگر کسی قیمت آن را نقره قرار دهد و به یک مرد یا دو مرد بپردازد، چگونه است؟

فرمودند: به دو مرد بپردازد بهتر است، و اشکالی ندارد که قیمت آن را نقره قرار دهد، گرچه دادن خرما نزد من بهتر و محبوب تر است.[3]

۱۶۱۸). عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زکات فطره فرمودند: « **التمر أحب إلي فان لك بكل تمرة نخلة في الجنة** » خرما نزد من محبوب تر است، زیرا به ازای هر خرما یک درخت خرما در بهشت برای تو خواهد بود.[4]

۱۶۱۹). همچنین فرمودند: « **لان اعطي صاعا من تمر أحب إلي من ان اعطي صاعا من ذهب في الفطرة** » اگر من برای زکات فطره یک صاع خرما بدهم، نزد من محبوب تر است از

---

[1] کافی، ج۴، ص۱۰۴، ح۶.

[2] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۰۸، ح۲۵۱. الاستبصار، ص۳۰۳، ح۱.

[3] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۱۲، ح۲۶۲.

[4] تهذیب الاحکام، ج۴، ص۱۰۸، ح۲۵۰.

اینکه یک صاع طلا بدهم.[1]

۱۶۲۰). معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مولودی که در شب فطر متولد می شود پرسیدم که آیا فطره به او واجب است؟

فرمودند: نه چون ماه (رمضان) پایان یافته (و او متولد شده) است.

گوید: پرسیدم یهودی که در شب فطر مسلمان شود، آیا فطره بر او واجب است؟

فرمودند: نه.[2]

۱۶۲۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **وإعطاه الفطرة قبل الصلاة أفضل وبعد الصلاة صدقة** » دادن زکات فطره پیش از نماز عید بهتر است و بعد از نماز صدقه است.[3]

۱۶۲۲). همچنین فرمودند: اگر زکات فطره را پیش از نماز عید بپردازی فطره است، و اگر بعد از بیرون رفتن به نماز عید بپردازی صدقه است.[4]

۱۶۲۳). اسحاق بن عمار گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الفطرة، قال: إذا عزلتها فلا يضرك متى ما أعطيتها قبل الصلاة أو بعدها** » از امام صادق علیه السلام درباره فطره سوال کردم؟ در صورتی که آن را از مال خود جدا نهاده باشی هر وقت که آن را بپردازی، چه قبل از نماز عید، یا بعد آن ضرری ندارد.[5]

۱۶۲۴). همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: « **صدقة الفطرة لفقراء المسلمين** » زکات فطره برای فقراء مسلمانان است.[6]

۱۶۲۵). و در حدیثی دیگر وارد شده است که: « **لا ينبغي لك ان تعطي زكاتك إلا مؤمنا** »

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۰۸،ح۲۴۹.

[2] کافی،ج۴،ص۱۰۴،ح۱۲. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹۳،ح۱۹۷.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۳،ح۱.

[4] کافی،ج۴،ص۱۰۳،ح۴.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۲۱،ح۲۰۸۰.

[6] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۹۶،ح۲۱۰.

برای تو جایز نیست که زکات (فطره) ات را جز بر شخص مومن بپردازی.[1]

۱۶۲۶). حضرت رضا ﷺ ضمن نامه خود به مأمون نوشتند: زکات فطره واجب است، و جایز نیست که به جز اهل ولایت (یعنی شیعیان) پرداخته شود.[2]

۱۶۲۷). امام صادق ﷺ فرمودند: « **لا تعط احدا أقل من رأس** » به یک نفر (فقیر) کمتر از زکات فطره یک نفر پرداخت نکن.[3]

۱۶۲۸). حضرت صادق ﷺ فرموده اند: اشکالی ندارد که شخصی زکات فطره دو نفر و سه نفر و چهار نفر را به یک نفر عطا کند.[4]

۱۶۲۹). و در روایت دیگر آمده است که: اشکالی ندارد که زکات فطره خود و عیالت را به یک نفر بدهی و جایز نیست آنچه بر یک نفر لازم است (یعنی یک صاع یا مبلغ آن را) به دو نفر بدهی.[5]

۱۶۳۰). علی بن بلال گوید: « **کتبت إلى الطيب العسكري ﷺ هل يجوز أن يعطى الفطرة عن عيال الرجل وهم عشرة أقل أو أكثر رجلا محتاجا موافقا؟ فكتب ﷺ: نعم، افعل ذلك** » به امام عسکری ﷺ نوشتم : آیا جایز است که زکات فطره از جانب عیال شخص که ده نفر یا کمتر یا بیشتر هستند به یک محتاج موافق داده شود؟ حضرت در پاسخ نوشتند : بله، این کار را انجام بده.[6]

۱۶۳۱). اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق ﷺ در مورد پرداخت یک روز زودتر زکات فطره پرسیدم؟

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱۰،ح۲۵۷.

[2] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۳،ح۱.

[3] تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱۲،ح۲۶۱.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۱۹،ح۲۰۶۸. تهذیب الاحکام،ج۴،ص۱۱۳،ح۲۶۳.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۱۹،ح۲۰۶۹.

[6] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۱۹،ح۲۰۷۱.

فرمودند: اشکالی ندارد.[1]

۱۶۳۲). امام صادق عليه السلام فرمودند: ایرادی ندارد که انسان از جانب خانواده غایب خود که نزد او نیستند زکات فطره بدهد، و یا به آنها بگوید که از جانب او نیز زکات فطره بدهند.[2]

۱۶۳۳). اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که دارایی او فقط به اندازه زکات فطره خود اوست. در این صورت آیا باید آن را به حساب زکات فطره به دیگری بپردازد، یا خود و خانواده اش از آن ارتزاق کنند؟

فرمودند: آن را به یکی از خانواده خود می دهد و او از جانب خود به دیگری همگی دست گردان می کنند و یک زکات فطره می شود.[3]

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۰۴،ح۶.

[2] کافی،ج۴،ص۱۰۴،ح۷.

[3] کافی،ج۴،ص۱۰۴،ح۱۰.

« احکام حج »

آیات:

« **وَأَتِمُّواْ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّهِ** » و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید.[۱]

« **وَلِلّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ الله غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ** »

و برای خدا بر مردم (واجب) است که حج خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حجّ را ترک کند، به خود زیان رسانده)، و خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.[۲]

« **وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ** » و مردم را به حج دعوت کن، تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر (چابک و ورزیده) از هر راه دوری به سوی تو بیایند.[۳]

روایات:

۱۶۳۴). حضرت امام سجاد عليه السلام فرمودند: « **حجوا واعتمروا تصح أبدانكم وتتسع أرزاقكم وتكفون مؤونات عيالكم ؛ وقال: الحاج مغفور له وموجوب له الجنة ومستأنف له العمل ومحفوظ في أهله وماله** » مناسک حج و عمره را انجام دهید تا بدن های شما سالم و تندرست

---

[۱] سوره بقره،آیه۱۹۶.

[۲] سوره آل عمران،آیه۹۷.

[۳] سوره حج، آیه۲۷.

بماند، روزی شما فروان شود، و نسبت به هزینه اهل و عیال خود بی نیاز شوید. و فرمودند: شخصی که حاجی می گردد آمرزنده می شود، بهشت بر او واجب می گردد، عمل او از سر گرفته می شود، (یعنی گناهان گذشته اش آمرزیده می شود) و خانواده و ثروت و مالش محفوظ می گردد.[1]

۱۶۳۵). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: وقتی حقّ عزّ و جل به ابراهیم و اسماعیل علیهما السّلام فرمان داد بیت اللّه را بسازند و آنها خانه را ساخته و تمامش کردند به ایشان امر فرمود رکنی را بالا ببرند و پس از آن در بین مردم نداء کنند: آگاه باشید و توجّه نمایید، بیا حجّ، بیا حجّ اگر نداء می داد: بیایید بسوی حجّ، تنها کسانی اجابت می کردند که در آن روز انسانی مخلوق بودند ولی وقتی نداء داد: بیا حجّ تمام مردم چه انسانهای مخلوق و چه آنهایی که در اصلاب و پشت مردان بودند لبیک گفته و دعوت حق را اجابت نمودند پس آنان که ده بار لبیک گفتند ده بار حج انجام داده و کسانی که پنج بار لبیک گفتند پنج مرتبه حج بجا آورده و آنکه بیشتر لبیک گفت به عدد لبیکی که گفت حج انجام داد و کسانی هم که یک بار لبیک گفتند یک حج انجام دادند و آنان که اصلا لبیک نگفتند به آوردن حج مبادرت ننمودند.[2]

۱۶۳۶). امام صادق در حدیثی علیه‌السلام فرمودند: این (یعنی کعبه) خانه رفیع، بیتی است که حق تعالی از بندگانش خواسته به واسطه آن عبادتش را نمایند تا بدین وسیله ایشان را در انجام این عبادت و ترکش مورد آزمایش قرار دهد از این رو آنها را تحریص و ترغیب بر تعظیم و زیارتش کرده و آن جا را محلّ انبیاء عظام و قبله نمازگزاران نموده است پس این بیت شعبه ای از رضوان و بهشت حق تعالی بوده و راهی است که منتهی به آمرزش باری تعالی می گردد، این بیت بر کمال استقامت و اعتدال نصب گردیده و محل تمرکز عظمت و جلال گشته است، حق تعالی آن

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۴۹،ح۱.

[2] کافی،ج۴،ص۱۲۴،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۵۴.

را دو هزار سال پیش از آنکه زمین گسترده شود آفرید، پس سزاوارترین کسی که به آنچه امر نموده و از آنچه نهی کرده حق تبارک و تعالی است که ارواح و صور را ایجاد و انشاء فرموده است.[1]

۱۶۳۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الحج جهاد كل ضعيف** » حج جهاد هر انسان ضعیف است (که توان جهاد را ندارد).[2]

۱۶۳۸). رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: « **الحجة ثوابها الجنة، والعمرة كفارة كل ذنب** » پاداش حج بهشت و پاداش عمره کفاره همه گناهان است.[3]

۱۶۳۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **درهم تنفقه في الحج أفضل من عشرين ألف درهم تنفقها في حق** » یک درهم که برای مراسم حج هزینه کنی از بیست هزار درهم که در راه حق دیگری هزینه کنی، بهتر است.[4]

۱۶۴۰). همچنین فرمودند: « **حجة خير من بيت مملوء ذهبا يتصدق به حتى يفنى** » انجام یک حج، بهتر از خانه پر از زری است که آن را صدقه دهند تا پایان بپذیرد.[5]

۱۶۴۱). محمد بن قیس می گوید: از امام باقر علیه السلام بهنگامی که در مکّه برای مردم سخن می‌گفت شنیدم که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز فجر را با امامت بر اصحاب خود بجای آورد. و آنگاه بگفتگو با ایشان بنشست تا زمانی که خورشید برآمد، پس حاضران یک یک بپا خاستند، تا آنکه جز دو مرد یکی از انصار و دیگری از ثقیف با او باقی نماند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان گفت: من دانستم که شما را حاجتی است و میخواهید در باره آن از من سؤال کنید، پس اگر

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۲۰،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۶۶،ح۲۳۲۵.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۹۸.

[3] کافی،ج۴،ص۱۵۰،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۴۶،ح۲۲۳۰.

[4] کافی،ج۴،ص۱۵۱،ح۱۵.

[5] کافی،ج۴،ص۱۵۴،ح۳۲.

بخواهید پیش از آنکه بپرسید شما را از حاجتتان خبر دهم، و اگر بخواهید خود سؤال کنید. آن دو گفتند: یا رسول اللّٰه بهتر آنست که شما ما را خبر دهید و در این باره آغاز سخن کنید، زیرا در رفع ابهام مؤثّرتر و از شکّ و ریب دورتر و برای ایمان استوارکننده‌تر است.

پس رسول خدا ﷺ فرمودند: امّا تو ای مرد انصاری از قومی هستی که دیگران را بر خود مقدّم میدارند، و تو فردی شهرنشینی، و این مرد ثقفی فردی چادرنشین است، پس آیا در طرح سؤال به او ایثار میکنی؟ و نوبت و فرصت را به او همی گذاری؟

مرد انصاری گفت: آری.

پیامبر ﷺ فرمودند: امّا تو ای مرد ثقفی نزد من برای این آمده‌ای تا در باره وضویت و نمازت و فائده‌ای که در آنها برای تو نهاده است از من سؤال کنی اکنون بدان که تو چون دست خود را (برای وضو) در آب بزنی و بگوئی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ گناهانی که دستهای تو مرتکب شده‌اند فرو می‌ریزد، و چون روی خود را بشوئی گناهان چشمانت با نگریستنشان، و دهانت با تلفّظ بآن انجام داده‌اند افشانده و ریخته می‌شوند، و چون دو ذراع خود را بشوئی گناهان از راست و چپ تو پراکنده گردند، و چون سر و گامهایت را مسح کنی گناهانی که در پی آنها رهسپارشده‌ای فرو میریزد، پس این فائده‌ای است که در وضوی تو نهاده شده است.

و چون بنماز ایستی، و روی دل بسوی معبود آوری، و أمّ الكتاب (یعنی سوره حمد) و سوره‌ای را که خواندنش برای تو میسّر باشد بخوانی، و پس از آن رکوع کنی و رکوع و سجود نماز را کامل بجا آوری، و تشهّد و سلام را اداء کنی، و هر گناه که میان تو و نمازی که از پیش خوانده‌ای تا نماز اخیر که از تو سرزده باشد برای تو آمرزیده می‌شود. و این فائده‌ای است که در نماز تو نهاده شده است.

امّا تو ای مرد انصاری، پس همانا آمده‌ای تا در باره حج و عمره‌ات و ثوابی که در آنها برای تو موجود است از من سؤال کنی، پس بدان که تو چون براه حجّ روی آوری، و بر مرکب خود

سوار شوی و بگوئی: بنام خدا، و مرکبت تو را به پیش برد، گامی بر زمین نمی‌نهد و گامی برنمیدارد جز آنکه خدای عزّ و جلّ ثوابی برای تو می‌نویسد، و گناهی از تو محو می کند، و چون احرام ببندی و لبّیک بگوئی خدای تعالی برای تو در هر لبّیک که گوئی ده ثواب می‌نویسد، و ده گناه را از تو محو می‌کند، و چون هفت بار گرد خانه طواف کنی، به این وسیله عهدی و ذکری نزد خدا برای تو بوجود می‌آید که پروردگارت از تو شرم میدارد که پس از آن عهد و ذکر تو را عذاب کند، و چون در محلّ مقام ابراهیم دو رکعت نماز کنی خدا دو هزار رکعت نماز مورد قبول برای تو می‌نویسد، و چون هفت بار در میان صفا و مروه سعی بجای آوری برای تو نزد خدای عزّ و جلّ ثوابی خواهد بود بمانند ثواب کسی که پیاده از سرزمینهای خود بحجّ رفته باشد و نیز بمانند ثواب کسی که هفتاد برده مؤمن را آزاد کرده باشد، و چون تا وقت غروب در عرفات وقوف کنی اگر گناهانی برابر ریگ‌های انباشته و کف دریا را بر دوش داشته باشی هر آینه خدا آن را برای تو می‌بخشد و از تو درمی‌گذرد، پس چون جمرات را رمی کنی خدا در آینده زندگی تو در برابر هر سنگریزه‌ای ده ثواب برای تو می‌نویسد، پس چون سر خود را بتراشی در برابر هر تار موئی در آینده زندگی تو برای تو ثوابی خواهد بود که برای تو می‌نویسند، و چون قربانی کنی گوسفند یا گاو را ذبح یا شتر را نحر کنی در برابر هر قطره از خون آن ثوابی برای تو خواهد بود که در آینده زندگیت برای تو می‌نویسند، و چون هفت شوط گرد کعبه طواف کردی و بعد در مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف بگزاردی فرشته‌ای بزرگوار دست بر دو کتف تو میزند و می‌گوید: اما آن گناهانی که در گذشته از تو سر زده است جمله بر تو آمرزید شده. عمل از نو آغاز کن در این یک صد و بیست روز.[1]

۱۶۴۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **من نظر إلى الكعبة عارفا فعرف من حقنا وحرمتنا مثل الذي عرف من حقها وحرمتها غفر الله له ذنوبه كلها وكفاه هم الدنيا والآخرة** »کسی که با

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۳۳،ح۲۱۳۸.

معرفت بکعبه بنگرد و آنگاه حقّ ما و حرمت ما را برابر با حقّ کعبه و حرمت آن بشناسد، خدا همگی گناهان او را می‌آمرزد و مهمّات دنیا و آخرت او را کفایت می‌فرماید.[١]

۱۶۴۳). و روایت شده است که: « **من نظر إلى الكعبة لم يزل تكتب له حسنة وتمحى عنه سيئة حتى يصرف ببصره عنها** » هر کس بکعبه بنگرد، همچنان برای او ثوابی نوشته می‌شود و گناهی از او محو میگردد، تا آن زمان که چشم خود از کعبه بردارد.[٢]

۱۶۴۴). و روایت شده است که: « **أن النظر إلى الكعبة عبادة، والنظر إلى الوالدين عبادة، والنظر في المصحف من غير قراءة عبادة والنظر إلى وجه العالم عبادة، والنظر إلى آل محمد عبادة** » نظر بسوی کعبه عبادت است، و نظر بسوی والدین (پدر و مادر) عبادتست، و نظر در قرآن حتّی بدون خواندن عبادتست، و نظر بروی عالم عبادتست، و نظر بسوی آل محمّد عبادتست.[٣]

۱۶۴۵). و در روایت دیگر آمده است که: کسی که بقصد حجّ بمکّه وارد شود و بر گرد کعبه طواف کند، و دو رکعت نماز بگزارد، خدا هفتاد هزار ثواب برای او مینویسد، و هفتاد هزار گناه از او محو میکند، و به هفتاد هزار درجه او را ترفیع میدهد، و او را در قضاء هفتاد هزار حاجت بشفاعت می‌پذیرد و ثواب آزاد کردن هفتاد هزار برده را که ارزش هر برده هزار درهم باشد بحساب او می‌نویسد.[٤]

[١] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۱۳۵،ح۲۱۴۲.

[٢] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۱۳۶،ح۲۱۴۳.

[٣] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۱۳۶،ح۲۱۴۴.

[٤] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۱۳۷،ح۲۱۵۱.

شرایط وجوب حج

حج، بر کسی که دارای شرایط ذیل باشد در عمر یک بار واجب می شود:

(اول) آنکه بالغ باشد.

(دوم) آنکه عاقل باشد.

(سوم) آنکه آزاد باشد.

(چهارم) آنکه مستطیع باشد.

۱۶۴۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **والله ما كلف الله العباد إلا دون ما يطيقون ، إنما كلفهم في اليوم والليلة خمس صلوات ، وكلفهم في كل ألف درهم خمسة وعشرين درهما ، وكلفهم في السنة صيام ثلاثين يوما ، وكلفهم حجة واحدة** » به خدا سوگند که خدا بندگان را به اندازه توانایی ایشان تکلیف کرده است، در شبانه روز تنها پنج بار نماز برای ایشان معین کرده و در هر هزار درم بیست و پنج درم زکات قرار داده و در هر سال سی روز روزه و در همه زندگی یک بار حج گزاردن را واجب نموده است.[1]

۱۶۴۷). فضل بن شاذان گوید: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر گفته شود: چرا مردم تنها به یک حج امر شده اند (و یک حج بر آنان واجب است) نه بیشتر؟

در جواب گفته می شود: زیرا خداوند تبارک و تعالی فرائض و واجبات را بر اساس قوّه و نیروی ضعیف ترین مردم وضع و جعل فرموده چنانچه خود در قرآن فرموده: « **فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ** » پس آنچه از قربانی میسور و ممکن شد.[2]مقصود گوسفند است تا قوی و ضعیف هر دو بتوانند آن را قربانی نمایند و همچنین است سائر فرائض یعنی آنها نیز بر اساس قوّه و نیروی اضعف

---

[1] محاسن، ص۲۹۶، ح۴۶۵.

[2] سوره بقره، آیه۱۹۶.

مردم وضع و جعل شده اند و از جمله این واجبات است حج که در طول عمر یک بار واجب می باشد چه آن که این مقدار بر همگان میسور است سپس کسانی که قوه و توان بیشتر دارند در آن راغب شده و به مقدار طاقت و توانایی خود مرّات دیگر به این عمل مبادرت می کنند.[۱]

۱۶۴۸). همچنین امام رضا عليه‌السلام فرمودند: « **وعلة فرض الحج مرة واحدة لان الله تعالى وضع الفرائض على ادنى القوم قوة فمن تلك الفرائض الحج المفروض واحد ثم رغب أهل القوة على قدر طاعتهم** » و علّت این که حجّ تنها یک بار واجب است نه بیشتر آن است که حق تعالی فرائض را بر طبق نیرو و قوّت ضعیف ترین مردمان وضع و جعل نموده است و از جمله این فرائض حجّ است که مقتضای نیروی اضعف مردمان انجام آن در طول عمر برای یک بار می باشد لذا خداوند منّان آن را یک بار فقط واجب قرار داده منتهی آنان که قدرت دارند می توانند به مقدار طاقت و قدرتشان بر اتیان آن مبادرت ورزند.[۲]

۱۶۴۹). اسحاق بن عمار گوید: « **سألت أبا الحسن** عليه‌السلام **عن ابن عشر سنين يحج؟ قال: عليه حجة الاسلام إذا احتلم، وكذلك الجارية عليها الحج إذا طمثت** » از امام ابو الحسن عليه‌السلام در باره نوجوان ده ساله‌ای که حجّ بجای می‌آورد، سؤال کردم، امام فرمودند: چون بحدّ احتلام بر آید و بالغ شود حجّة الاسلام بر ذمّه خواهد داشت، و همچنین دوشیزه چون حائض شود حجّة الاسلام بر ذمّه‌اش خواهد بود.[۳]

۱۶۵۰). شهاب می گوید: از امام صادق عليه‌السلام در باره نوجوان ده ساله ای که حج بجا می آورد پرسیدم؟

فرمودند: « **عليه حجة الاسلام إذا احتلم وكذلك الجارية عليها الحج إذا طمثت** » چون بالغ شود حجّة الاسلام بر ذمّه خواهد داشت، و همچنین زن چون حائض شـود حـج بر ذمّه او

---

[۱] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۹۰. علل الشرایع،ص۲۷۳.

[۲] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۰. علل الشرایع،ص۴۰۵،ح۵.

[۳] من لايحضره الفقيه،ج۲،ص۲۷۷،ح۲۸۹۸.

خواهد بود.[1]

۱۶۵۱). اميرالمومنين عليه‌السلام فرمودند: « **أن القلم يرفع عن ثلاثة: عن الصبي حتى يحتلم، وعن المجنون حتى يفيق ...** » بدرستی که قم تکلیف از سه کس برداشته شده است: از طفل تا بالغ شود و از دیوانه تا خوب شود.[2]

۱۶۵۲). امام كاظم عليه‌السلام فرمودند: « **ليس على المملوك حج ولا عمرة حتى يعتق** » بر برده حج و عمره ای (واجب) نیست، تا آنکه آزاد گردد.[3]

۱۶۵۳). علی بن جعفر گوید: برادرم امام كاظم عليه‌السلام فرمودند: خداوند عزوجل، حج را در هر سال بر توانگران، واجب گردانیده است. همان طور که فرموده است: « **وَلِلّهِ علَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ الله غَنِيٌّ عنِ الْعالَمِينَ** » و برای خدا بر مردم (واجب) است که حج خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.[4]

علی بن جعفر گوید: عرض کردم: آیا هر کس از ما (شیعیان) حج بجا نیاورد کافر است؟ فرمودند: نه، ولی اگر کسی بگوید این مسئله (که حج واجب است) چنین نیست، کفر ورزیده است.[5]

بیان: اما وجوب حج بر مستطیع و توانگر در هر سال که در این حدیث و بعضی از احادیث دیگر وارد شده است به معنی تاکید در استحباب است، چنانچه که ذکر شد در تمام عمر تنها یک حج بر انسان واجب است.

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۶۳،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۸،ح۱۴.

[2] خصال،ص۹۳،ح۴۰.

[3] کافی،ج۴،ص۱۷۸،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۴،ح۲۸۸۷.

[4] سوره آل عمران،آیه۹۷.

[5] کافی،ج۴،ص۱۵۷،ح۵.

۱۶۵۴). حلبی می گوید: از امام صادق عليه السلام در باره این آیه شریفه « **وَلِلّهِ علَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ الله غَنِيٌّ عنِ الْعالَمِينَ** » پرسیدم که منظور از «**سبیل**» چیست؟

امام فرمودند: این که چیزی داشته باشد و بتواند با آن به حج برود.

گفتم: اگر کسی چیزی به او بدهد که بتواند با آن به حج برود، ولی او خجالت بکشد، آیا او در زمره کسانی است که مستطیع هستند و برای حج راهی پیدا کرده اند؟

فرمودند: بلی، چرا باید خجالت بکشد، هر چند سوار بر شتر بینی بریده و دُم بریده باشد و اگر بتواند مقداری پیاده و مقداری سواره برود، باید حج را انجام دهد.[1]

۱۶۵۵). محمد بن یحیی خثعمی گوید: در محضرت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که حفص کناسی در باره این آیه شریفه « **وَلِلّهِ علَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً** » سوال کرد که منظور (از استطاعت) چیست؟

امام فرمودند: هر کس صحیح و سالم باشد و در بدنش مشکلی نداشته باشد و مالی داشته باشد و توشه و مرکبی داشته باشد، او از کسانی است که توانایی رفتن به حج را دارد.

حفص کناسی به ایشان گفت: پس اگر کسی سلامت بدنی داشته باشد و توان مالی را دارا باشد و توشه و مرکبی هم داشته باشد، پس او همان است که می تواند حج را به جا بیاورد (و مستطیع است)؟

امام عليه السلام فرمودند: بلی.[2]

۱۶۵۶). ابو ربیع شامی گوید: از امام صادق عليه السلام در باره « **مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً** » سوال کردند؟

---

[1] کافی،ج۴،ص۱۵۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۵،ح۳.

[2] کافی،ج۴،ص۱۵۸،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۴،ح۲.

حضرت فرمودند: مردم (یعنی مخالفین) چه می گویند؟

پاسخ داده شد: منظور توشه و مرکب است.

فرمودند: همین مطلب از امام باقر علیه السلام سوال شد، و ایشان فرمودند: کسی که دارای مرکب و آذوقه باشد، ولی آذوقه او به همان مقداری است که به وسیله آن خانواده خود را تأمین می کند و از دیگر مردم بی نیاز می شود، اگر حق آنان را برداشته و با آن حج برود، آن وقت خانواده اش هلاک می شود.

گفته شد: پس معنای « **السبیل** » چیست؟

فرمودند: گشاده دستی در مال یعنی وقتی با مقداری از آن به حج می رود، مقدار دیگری را باقی بگذارد تا با آن خانواده اش را تأمین کند، مگر خداوند زکات را واجب نکرده است؛ البته فقط بر کسانی که حداقل دویست درهم داشته باشند.[۱]

۱۶۵۷). معاویه بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام در باره « **وَلِلّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً** » فرمودند: این در مورد کسی است که دارای ثروت و سلامت بدن باشد و اگر به خاطر تجارت، حج را به تأخیر بیندازد و امکان پیدا نکند و در این حالت بمیرد، در واقع حکمی از احکام اسلام را بجا نیاورده است، چون توانایی آن را داشته است. اگر قومی بخواهند او را به حج بفرستند و او خجالت بکشد و انجام ندهد، او نیز واجبی را ترک کرده است. اگر توان دیگری نداشته باشد، مگر با سوار شدن بر خر بینی بریده و دُم بریده، باید این کار را بکند. و « **من كَفَرَ** » یعنی کسی که این کار را رها کند و انجام ندهد.[۲]

۱۶۵۸). محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام در باره « **وَلِلّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً** » فرمودند: (مسطیع کسی است که) چیزی داشته باشد که بتواند با آن به حج

---

[۱] کافی،ج۴،ص۱۵۸،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۵،ص۳،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۲۱،ح۵۲.

برود.

گوید: عرض کردم: اگر حج بر او عرضه شود، ولی امتناع بکند چه؟

فرمودند: او از کسانی است که استطاعت دارد و نباید امتناع بکند، هر چند که سوار بر خر بینی بریده و دُم بریده باشد. اگر می تواند مقداری پیاده برود و مقداری سواره، باید این کار را بکند.[1]

١۶۵٩). ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که در حال سلامتی و توان مالی بمیرد و حج نرفته باشد، از همان افرادی است که خداوند متعال فرموده: « **وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى** » روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم.[2]

عرض کردم: سبحان الله نابینا می گردد؟

فرمودند: بلی، خداوند متعال او را نسبت به تشخیص را حق، نابینا می گرداند.[3]

١۶۶٠). ابو صباح کنانی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نظر شما در مورد تاجری که دارای مال و ثروت است و هر سال حج را به تاخیر می اندازد و چیزی جز تجارت و یا بدهکاری مانع از رفتن او به حج نیست، چیست؟

فرمودند: « **لا عذر له يسوف الحج إن مات وقد ترك الحج فقد ترك شريعة من شرائع الاسلام** » برای او عذری از تأخیر حج نیست، اگر درحالی که حج را ترک کرده بمیرد به راستی که شریعتی از شرایع اسلام را ترک کرده است.[4]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۵،ح۴.

[2] سوره طه، آیه١٢۴.

[3] کافی،ج۴،ص١۶٠،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج٢،ص٢٨۴،ح٢٩٣۴.

[4] کافی،ج۴،ص١۵٩،ح۴.

سایر احکام حج

۱۶۶۱). از امام صادق عليه‌السلام در باره مردی سؤال شد که وفات یافته، و حجّة الاسلام را بجا نیاورده، و میراثی جز به اندازه نفقه حجّ بجای ننهاده، و ورثه‌ای نیز دارد؟

فرمودند: ورثه بتصرّف در میراث او مستحق‌ترند، اگر بخواهند آن را میخورند، و اگر مایل باشند آن را صرف انجام حجّ بنیابت از او می کنند.[۱]

۱۶۶۲). امام کاظم عليه‌السلام فرمودند: اگر برده ای حج بجا آورد و سپس آزاد شود، آن حج او را کفایت نمی کند (زیرا که در وقتی حج بجا آورده که بر او واجب نشده بوده است) و باید دوباره حج را بجا آورد.[۲]

۱۶۶۳). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هر گاه غلامی ده بار حجّ بجای آورد، زمانی که (آزاد و) مستطیع شود حجّة الاسلام را بر ذمّه دارد.[۳]

۱۶۶۴). معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: مردی عازم یمن یا مقصدی دیگری است در راه سفر خود بمکّه می گذرد، و او در زمانی بمردم آنجا می رسد که بسوی حجّ بیرون می شوند، پس او نیز در جمع ایشان بسوی مشاهد و برای انجام مناسک بیرون می‌شود، در این صورت آیا شهود آن مشاهد و انجام آن مناسک او را از حجّة الاسلام کفایت می کند؟

فرمودند: بلی.[٤]

۱۶۶۵). عمر بن اذینه می گوید: « **كتبت إلى أبي عبدالله عليه‌السلام أسأله عن رجل حج ولا يدري ولا يعرف هذا الامر، ثم من الله عليه بمعرفته والدينونة به أعليه حجة الاسلام؟ قال: قد قضى فريضة الله عزوجل والحج أحب إلي** » خدمت امام صادق عليه‌السلام نامه نوشتم و در باره

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۸۰،ح۲۹۱۷.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۶،ح۷.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۴،ح۲۸۸۸.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۴،ح۲۸۸۵. کافی،ج۴،ص۱۶۲،ح۶.

مردی سؤال کردم که حجّ بجای آورده، در حالی که نسبت به این امر (یعنی مقام ولایت ائمّه علیهم السلام) درایت و معرفتی نداشته است، و پس از آن، خدا بر او منّت نهاده، و معرفت و اعتقاد به این امر را به او افاضه کرده است، در این صورت آیا حجّة الاسلام بر او واجب است؟ فرمودند: او با انجام حجّ فریضه خدای عزّ و جلّ را برگزار کرده است. ولی اعاده حجّ در نظر من خوشایندتر است.[۱]

۱۶۶۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إن أميرالمؤمنين** علیه السلام **أمر شيخا كبيرا لم يحج قط ولم يطق الحج لكبره أن يجهز رجلا يحج عنه** » امیرمؤمنان علیه السلام پیر سالخورده‌ای که حجّ نکرده و توان آن را هم دیگر نداشت امر فرمود مردی را بدادن مئونه به نیابت از خود رهسپار حجّ کند.[۲]

۱۶۶۷). امام باقر علیه السلام در باره مردی که بقصد انجام حجّة الاسلام از شهر و دیار خود خارج شده، و در عرض راه وفات یافته است، فرمودند: اگر در حرم در گذشته است، همان رسیدن به حرم برای حجّة الاسلام او کافی است، ولی اگر به حرم نرسیده درگذشته است، باید ولیّ او حجّة الاسلام را بنیابت از او قضا کند.[۳]

۱۶۶۸). برید بن معاویه عجلیّ گوید: از امام باقر علیه السلام در باره مردی سؤال کردم که بقصد حجّ از شهر و دیار خود خارج شده و شتری و نفقه سفری و توشه‌ای همراه داشته، و در عرض راه وفات یافته است؟

فرمودند: اگر صروره بوده، و در حرم درگذشته برای حجّة الاسلام او کافی بوده است، ولی اگر صروره بوده و قبل از آنکه محرم شود درگذشته است، شترش و توشه و نفقه سفرش و هر چه با او بوده است را باید در راه انجام حجّة الاسلام صرف شود، پس اگر چیزی زائد از نفقه حجّة

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۳،ح۲۸۸۳.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۰ ،ح۲۸۶۵.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۸۰،ح۲۹۱۵.

الاسلام بجای ماند، در صورتی که وامی بر ذمّه نداشته، آن چیز متعلّق بورثه است.

گفتم اگر آن حجّ بعنوان تطوّع و بنا به استحباب بوده باشد و او قبل از احرام بستن در راه درگذشته است، شتر و نفقه و اشیائی که با اوست متعلّق به چه کسی است؟

فرمودند: همگی آنچه با او بوده، و از خود بجای نهاده متعلّق بورثه است، مگر آنکه وامی بر ذمّه او بوده باشد، که باید از ما ترک او پرداخته گردد. و یا آنکه وصیّتی کرده که باید در باره کسی که بنفع او وصیّت کرده است، اجراء شود، و در حساب ثلث اموال او محسوب گردد.[۱]

۱۶۶۹). رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: شخصی نذر کرده است که با پای پیاده به حج برود، آیا این رفتن، او را از حجّة الاسلام کفایت می کند ؟

فرمودند: بلی.[۲]

۱۶۷۰). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: شخصی می میرد درحالی که حجّة الاسلام را بجا نیاورده است، از جانب او حج بجا آورده شود؟

فرمودند: بلی.[۳]

بیان: این برای زمانی است که مستیطع بوده و حج را بجا نیاورده که در این صورت از مالی که از او بجا مانده است قضای حج آن را بجا می آوردند ولو اینکه به آن وصیت نکرده باشد.

۱۶۷۱). محمد بن مسلم گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه‌السلام **عن رجل مات ولم يحج حجة الاسلام ولم يوص بها أيقضى عنه؟ قال: نعم** » از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: شخصی وفات یافته و حجّة الاسلام را بجا نیاورده، و وصیّتی نیز در باره آن نکرده، در این صورت آیا باید از جانب او

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۸۰،ح۲۹۱۶.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۱۶،ح۳۵.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۵،ص۱۸،ح۴۳.

برگزار کنند؟ فرمودند: آری.[1]

١۶٧٢). ضریس کناسی گوید: از امام باقر عليه‌السلام پرسیدم: مردی که حجّة الاسلام بر ذمه داشته و در این حال نذر می کند که اگر فی المثل فلان حاجتش برآورده شود مردی را به شکرانه آن برای حجّ به مکّه برد. ولی شخص نذر کننده پیش از آنکه حجّة الاسلام را انجام دهد، یا به نذر خود وفا کند می میرد (چه حکمی دارد)؟

فرمودند:اگر مالی از خود بجا نهاده باشد، حجّة الاسلام را از مجموع مالش برای او به جا می‌آورند، و مبلغی از ثلث مالش را برای حجّ نذریش اختصاص می دهند، ولی اگر مالی جز به اندازه مخارج حجّة الاسلام بجای ننهاده باشد، حجة الاسلام او را از محل ما ترکش انجام میدهند، و ولیّ او حجّ نذریش را بنیابت از او بجا می‌آورد، و در حقیقت این حجّ نذری بمانند دینی بر ذمّه او است.[2]

١۶٧٣). معاویه بن عمار گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه‌السلام عن امرأة أوصت بمال في الصدقة والحج والعتق، فقال: ابدأ بالحج فإنه مفروض فإن بقي شئ فاجعل في الصدقة طائفة وفي العتق طائفة** » از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: زنی مالی را برای مصرف در صدقه و حجّ و آزاد کردن برده مورد وصیّت قرار داد (چه باید کرد)؟ فرمودند: حجّ را مقدّم بدار، زیرا که آن واجب است، پس اگر چیزی باقی ماند بخشی از آن را در صدقه و بخشی را در آزاد کردن برده قرار بده.[3]

١۶٧۴). اسحاق بن عمّار می گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: مردی در باره حجّ با من مشورت کرد، و او ضعیف الحال بود، پس او را گفتم که به حجّ نرود.

امام فرمودند: حقّا که سزاواری که تا یک سال بیمار شوی (به کیفر این راهنمائیت) و من

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۸۱،ح۲۹۲۲.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۳،ح۲۸۸۲.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۸۱،ح۲۹۲۰.

یک سال بیمار بودم.[1]

١٦٧٥). روایت شده است که: « **من حج بمال حرام نودي عند التلبية لا لبيك عبدي ولا سعديك** » کسی که با مالی حرام حج بجا آورد، به هنگام گفتن لبّیک او را ندا می دهند که: نه لبّیک ای بنده من و نه سعدیک.[2]

١٦٧٦). امام کاظم عليه السلام فرمودند: « **إنا أهل بيت حج صرورتنا ومهور نسائنا وأكفاننا من طهور أموالنا** » ما خاندانی هستیم که حج اول ما که حجّة الاسلام است و مهرهای زنان ما و کفن های ما از پاک ترین اموال ما است.[3]

١٦٧٧). معاوية بن عمّار می گوید: از امام صادق عليه السلام در باره زنی پرسیدم که بدون ولی به سوی مکّه (برای انجام حج) روان می‌شود؟

فرمودند: اشکالی ندارد که با گروهی مورد وثوق و اعتماد روان شود.[4]

١٦٧٨). سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم که آیا زنی که قصد سفر حجّ دارد، و محرمی با او نیست، حجّ برای او شایسته است؟

فرمودند: بلی، در صورتی که ایمن باشد.[5]

١٦٧٩). صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: مرا به شغلم می شناسید (و می دانید که من شتر دارم)گاهی چنین اتّفاق می‌افتد که زنی برای سفر حجّ به من مراجعه می کند، که او را به اسلامش، و محبّتش نسبت به شما، و ولایتش در حقّ شما می شناسم ولی او محرمی ندارد در این صورت تکلیف من نسبت به او چیست؟

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۱۴۶،ح۲۲۳۴.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۱۴،ح۲۵۵۷.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۱۲۰،ح۵۷۷.

[4] کافی،ج۴،ص۱۶۷،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۹،ح۲۹۱۰.

[5] کافی،ج۴،ص۱۶۶،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۲۷۹،ح۲۹۱۱.

فرمودند: هر زمان که زنی مسلمان بتو مراجعه کرد، او را سوار کن، (و به مقصد برسان).[1]

١۶٨٠). زراره گوید: از امام باقر ﷺ پرسیدم: زنی که شوهری دارد، و آن زن صروره است، و شوهرش او را اجازه حجّ نمی دهد (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: « **تحج وإن لم يأذن لها** » او حجّ را بجا می‌آورد، اگر چه شوهرش اجازه ندهد.[2]

١۶٨١). و در حدیثی دیگر امام صادق ﷺ فرمودند: « **تحج وإن رغم أنفه** » (چنین) زنی به حجّ می رود اگر چه شوهرش با رفتن او خوار و خفیف شود.[3]

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج٢،ص٢٧٩،ح٢٩١٢.

[2] کافی،ج۴،ص١۶۶،ح٣. من لایحضره الفقیه،ج٢،ص٢٧٨،ح٢٩٠٧.

[3] من لایحضره الفقیه،ج٢،ص٢٧٨،ح٢٩٠٨.

« احکام امر به معروف و نهی از منکر»

آیات:

« **وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** » باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار نیکو امر کنند و از کار ناشایست بازدارند و اینان رستگارانند.[1]

« **كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ** » شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار نیکو امر می کنید و و از کار ناپسند و ناشایست باز می‌دارید.[2]

« **كَانُواْ لاَ يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ** » آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند چه بدکاری انجام می دادند.[3]

« **الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ** » همان کسانی که از این فرستاده پیامبر امّی که (نام) او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می کنند (همان پیامبری که) آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد.[4]

---

[1] سوره آل عمران، آیه۱۰۴.

[2] سوره آل عمران، آیه۱۱۰.

[3] سوره مائده، آیه۷۹.

[4] سوره اعراف، آیه۱۵۷.

« الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ » مردان و زنان منافق یکدیگرند به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند.[1]

« وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ » و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.[2]

« فَلَوْلاَ كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الأَرْضِ إِلاَّ قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ » چرا در اقوام قبل از شما، خردمندانی نبودند که (مردم را) از فساد در زمین نهی کنند؟ مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم. و آنان که ستم می کردند، به دنبال نعمتها و لذات رفتند و گناهکار بودند (و نابود شدند).[3]

« يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ » پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهمّ است.[4]

روایات:

١۶٨٢). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه، فمن لم يفعل فعليه لعنة الله** » آن گاه که بدعت ها در امت من پدید آید، بر عالم است که علم خود را هویدا کند و هرکه چنین نکند، نفرین خدا بر او باد.[5]

١۶٨٣). امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **ويل لقوم لا يدينون الله بلامر بالمعروف**

---

[1] سوره توبه، آیه۶٧.

[2] سوره توبه، آیه٧١.

[3] سوره هود، آیه١١۶.

[4] سوره لقمان، آیه١٧.

[5] کافی، ج١، ص٣٢، ح٢.

والنهي عن المنكر » وای بر گروهی که با انجام امر به معروف و نهی از منکر به دین الهی رفتار نمی کنند.[۱]

۱۶۸۴). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: « **بئس القوم قوم يعيبون الامر بالمعروف والنهي عن المنكر** » آن قومی که امر به معروف و نهی از منکر را عیب بشمارند، چه بد مردمی هستند.[۲]

۱۶۸۵). حضرت رضا عليه‌السلام فرمودند: « **لتأمرون بالمعروف ولتنهون عن المنكر او ليستعملن عليكم شراركم فيدعو خياركم فلا يستجاب لهم** » باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه بدترین های شما بر شما مسلط می شوند، پس در چنین شرایطی نیکان شما دعا خواهند نمود ولی مستجاب نمی شود.[۳]

۱۶۸۶). امام رضا عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله همواره می فرمود: آنگاه که امت من امر به معروف و نهی از منکر را واگذاشتند، پس منتظر مصیبت و وقایع شدید از جانب خداوند متعال باشند.[٤]

۱۶۸۹). حسن گوید: امیرالمومنین عليه‌السلام خطبه ای ایراد نمودند و پس از حمد و ثنای الهی فرمودند: اما بعد پیشنیان شما زمانی هلاک شدند که معصیت ها را انجام دادند، ولی ربانیان و احبار آنان را از معصیت باز نداشتند، و در پی این جریان ها کیفرها و عذاب های الهی بر آنها فرود آمد، پس امر به معروف و نهی از منکر کنید...[٥]

۱۶۹۰). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: « **كيف بكم إذا فسدت نساؤكم وفسق شبابكم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنكر، فقيل له: ويكون ذلك يا رسول الله؟ فقال نعم وشر من ذلك كيف بكم إذا أمرتم بالمنكر ونهيتم عن المعروف، فقيل**

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۴،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۶،ح۱۴۸.

[۲] کافی،ج۵،ص۳۴،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۶،ح۱۴۹.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۴،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۶،ح۱۴۷.

[٤] کافی،ج۵،ص۳۵،ح۱۳. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۷،ح۱۵۳.

[٥] کافی،ج۵،ص۳۴،ح۶.

له: یا رسول الله ویکون ذلك؟ قال: نعم، وشر من ذلك، کیف بکم إذا رأیتم المعروف منکرا والمنکر معروفا » چگونه است حال شما، زمانی که زنان شما فاسد، و جوانان شما فاسق شوند، و حال آن که امر به معروف و نهی از منکر نکرده اید؟ گفته شد: چنان خواهد شد یا رسول الله؟ فرمودند: بلی، و بدتر از آن هم خواهد شد، چگونه است حال شما زمانی که امر کنید به منکر، و نهی کنید از معروف؟ گفته شد: یا رسول الله چنان خواهد شد؟ فرمودند: بلی، و بدتر از آن هم خواهد شد، چگونه است حال شما زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید.[1]

۱۶۹۱). همچنین رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: « **إن الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذي لا دین له، فقیل له: وماالمؤمن الذي لادین له؟ قال: الذي لاینهی عن المنکر** » خداوند عزوجل دشمن می دارد مومن ضعیفی که دین ندارد. گفته شد: مومنی که دین ندارد چه گونه مومن است؟ فرمودند: کسی که نهی از منکر نکند.[2]

۱۶۹۲). همچنین فرمودند: « **الدال علی الخیر کفاعله** » کسی که به خوبی راهنمایی می کند، مانند انجام دهنده آن است.[3]

۱۶۹۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الامر بالمعروف والنهي عن المنکر خلقان من خلق الله تعالی فمن نصرهما أعزه الله تعالی، ومن خذلهما خذله الله تعالی** » امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده از آفریده های خدای عزوجل هستند. کسی که آن دو را یاری کند، خداوند او را عزیز می گرداند. و کسی که آن دو را خوار گرداند، خداوند نیز او را نیز خوار خواهد نمود.[4]

۱۶۹۴). راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که از حضرتش پرسیده شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟

---

[1] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۱۴. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۷،ح۱۵۴.

[2] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۱۵.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۷۲.

[4] کافی،ج۵،ص۳۵،ح۱۱. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۷،ح۱۵۲.

فرمودند: نه.

عرض شد: چرا؟

فرمودند: تنها بر شخص توانا و نیرومندی که از او اطاعت کنند و بپذیرند واجب است که معروف و نیک را بشناسد و نسبت به آن عالم باشد و آن را از منکر تشخیص بدهد، نه بر ناتوان ضعیفی که خودش هدایت نشده است و مردم را از حق به باطل می برد.

دلیل این مطالب نیز در کتاب خداوند متعال آمده آنجا که می فرماید: « **وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ** » باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار نیکو امر کنند و از کار ناشایست بازدارند.[1]

واضح است که این معنی خاص است و عام نیست، چنانچه که خداوند عزوجل می فرماید: « **وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ** » و از میان قوم موسی امتی بودند که به حق راهنمایی می‌کردند و به حق داوری می‌نمودند.[2]

و نفرمود بر امت موسی یا بر تمام قوم موسی که در آن هنگام امت های گوناگون بودند، درحالی که امت به معنای یک نفر و بیش از آن آمده است، آنجا که خداوند متعال می فرماید: « **إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلّهِ** » در واقع ابراهیم یک امت بود و از خدا اطاعت می کرد.[3] می فرماید او نیست به خداوند مطیع بود، البته در این زمان که ما با ستمگران در حال صلح و آتش بس هستیم بر دانایی اگر توان ندارد و بهانه ای ندارد و کسی نیز از او فرمان نمی برد حرجی نیست و لازم نیست (امر به معروف و نهی از منکر کند).

راوی گوید: از حضرتش در مورد این حدیث که از پیامبر ﷺ وارد شده است: « **أن أفضل**

---

[1] سوره آل عمران، آیه۱۰۴.

[2] سوره اعراف، آیه۱۵۹.

[3] سوره نحل، آیه۱۲۰.

الجهاد کلمة عدل عند إمام جائر » بدرستی که با فضلیت ترین جهاد، سخن حقی است که نزد پیشوایی جائر و ستمگر گفته شود. پرسیده شد.

حضرت فرمودند: معانی این سخن چنین است که وقتی فهمید به آن جائر دستور بدهد (و امر به حق کند) به شرطی که او بپذیرد، وگرنه چنین رفتار نکند.[۱]

۱۶۹۴). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر تنها در این موارد می تواند باشد: یا مومن را امر و نهی می کنند و پند می گیرد، یا نا آگاه را امر و نهی می کنند و یاد می گیرد. و در مورد تازیانه به دست و شمشیر به دست نه (یعنی نباید چنین امر و نهی کرد).[۲]

۱۶۹۵). مفضل بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:« **یامفضل من تعرض لسلطان جائر فأصابته بلیة لم یوجر علیها ولم یرزق الصبر علیها** » ای مفضل ! همانا کسی که متعرض سلطان ستمکاری شود و حادثه ناگواری از ناحیه او برایش پیش آید، پاداشی نداشته و در این مصیبت، صبر روزی اش نخواهد شد.[۳]

۱۶۹۶). حضرت رضا علیه السلام ضمن کلامی فرمودند: « **والامر بالمعروف والنهي عن المنكر واجبان إذا امكن ولم يكن خيفة على النفس** » امر به معروف و نهی از منکر زمانی که ممکن باشد واجب است، در صورتی که خوف و ترسی بر نفس انسان نباشد.[٤]

۱۶۹۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إنما يأمر بالمعروف وينهى عن المنكر من كانت فيه ثلاث خصال: عالم لما يأمر به وتارك لما ينهى عنه، عادل فيما يأمر عادل فيما ينهى، رفيق فيما يأمر رفيق فيما ينهى** » کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند باید سه خصلت داشته باشد. اول به آنچه امر می کند باید دانا باشد و از آنچه نهی می نماید خود نباید مرتکب آن

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۱۶. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۸،ح۱۵۵.

[۲] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۹،ح۱۵۷.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۹،ح۱۵۸.

[٤] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۱،ح۱.

شود، دوم باید در امر و نهی جانب عدالت را مراعات کند و سوم با نرمی و ملاطفت مردم را امر و نهی نماید.[۱]

۱۶۹۸). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: برای مومن همین بس است که وقتی منکری را مشاهده کرد، خداوند عزوجل انکار قلبی او را بداند.[۲]

۱۶۹۹). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **أمرنا رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله أن نلقي أهل المعاصي بوجوه مكفهرة** » رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به ما دستور داده اند که با معصیت کاران با چهره های عبوس ملاقات کنیم.[۳]

۱۷۰۰). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: هنگامی که این آیه نازل شد: « **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا** » ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید.[٤] مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد و گفت: من در مورد خودم ناتوان بودم چگونه خانواده خود را به تکلیف وا دارم.

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: همین که آنان را به چیزی دستور دهی که خودت را به آن دستور می دهی کافی است، و همین که از چیزی های که خودت را باز می دارند آنها را نهی کنی کافی است.[٥]

۱۷۰۱). ابوبصیر می گوید: از حضرتش در مورد آیه شریفه که می فرماید: « **قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا** » خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید.[٦] پرسیدم و گفتم: چگونه خانواده خود را حفظ کنم؟

---

[۱] روضه الواعظین،ص۳۶۵.

[۲] کافی،ج۵،ص۳۶،ح۱.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۵،ح۱۰.

[٤] سوره تحریم،آیه۶.

[٥] کافی،ج۵،ص۳۷،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۹،ح۱۵۹.

[٦] سوره تحریم،آیه۶.

حضرت فرمودند: هر چه را خداوند دستور به آن داده است به آنها دستور بدهی، و از هرچه خداوند نهی کرده است بازشان داری، اگر از تو اطاعت کردند آنها را حفظ نموده ای و اگر اطاعت نکردند وظیفه خودت را انجام داده ای.[۱]

۱۷۰۲). ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم: « **قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا** » خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید.[۲] که چگونه خانواده خود را حفظ کنیم؟

فرمودند: آنها را امر (به معروف) و نهی (از منکر) کنید.[۳]

۱۷۰۳). امیرالمومنین علیه السلام در وصیت خود به محمد بن حنفیه رضی الله عنه فرمودند: ای پسرم پند ها و اندرز های حکیمان را بپذیر، و در سخنان آنان نیک بیندیش، و به آنچه مردم را فرا می خوانی خود بیشتر عمل کن، و از آنچه مردم را از آن نهی می کنی، خود بیشتر باز ایست. به کار نیک امر کن تا از اهل آن باشی، زیرا که کمال امور در نزد خداوند تبارک و تعالی امر به معروف و نهی از منکر است. در دین دانا شو، چرا که عالمان وارثان پیامبرانند.[٤]

۱۷۰۴). عمر بن حنظله می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: ای عمر! به شیعیان ما (کارهای دشوار) تحمیل نکنید و با آنها مدارا کنید، زیرا مردم طاقت آنچه شما تحمّل می‌کنید ندارند.[٥]

۱۷۰۵). راوی می گوید: شخصی که خادم حضرت صادق علیه السلام بود (به من) گفت: حضرت صادق علیه السلام در حیره، من و گروهی از غلامانش را برای کاری فرستاد. ما رفتیم و هنگام غروب بازگشتیم. من که بسترم در اطراف جایی بود که فرود آمده بودیم، رسیدم و بی حال خود را در بستر انداختم. در این حال بودم که ناگاه حضرت صادق علیه السلام را دیدم که پیش مـــی آید و مــی

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۷،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۲۰۰،ح ۱۶۰

[۲] سوره تحریم،آیه۶.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۷،ح۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۷۷.

[٥] کافی،ج۸،ص۳۳۴،ح۵۲۲.

فرماید: ما به نزد تو می آییم.

من راست نشستم و حضرت بر بالای بسترم نشسته، از کاری که مرا به دنبالش فرستاده بود، پرسید. من گزارش دادم. ایشان خدا را سپاس گفت. سپس از مردمی سخن به میان آمد و من گفتم: جانم فدایت! ما از ایشان بیزاری می جوییم. آنان به آنچه ما معتقدیم، معتقد نیستند. حضرت فرمودند: با این که آن ها ما را دوست دارند چون به آنچه شما معتقدید، معتقد نیستند، از ایشان بیزاری می جویید؟

گوید: من عرض کردم: بله.

فرمودند: پس چون ما به چیزی معتقدیم که شما معتقد نیستید باید از شما بیزاری بجوییم؟

عرض کردم: نه، جانم فدایت.

فرمودند: و نزد خدا هم چیزی است که نزد ما نیست آیا گمان می کنی او ما را دور می اندازد؟

عرض کردم: نه، به خدا سوگند. جانم به فدایت. پس بفرمایید که چه کنیم؟

فرمودند: آنان را دوست بدارید و بیزاری نجویید. همانا از میان مسلمانان یکی، یک سهم دارد، دیگری دو سهم، یکی دیگر سه سهم و دیگری چهار سهم و دیگری پنج سهم و دیگری شش سهم و دیگری هفت سهم. و سزاوار نیست که بر صاحب یک سهم، تکلیف صاحب دو سهم بار شود و بر صاحب دو سهم، تکلیف صاحب سه سهم و بر صاحب سه سهم تکلیف صاحب چهار سهم و بر صاحب چهار سهم، تکلیف صاحب پنج سهم و بر صاحب پنج سهم، تکلیف صاحب شش سهم، و بر صاحب شش سهم، تکلیف صاحب هفت سهم بار شود.

برایت مثالی بزنم. مردی یک همسایۀ نصرانی داشت، او را به اسلام خواند و چنان آراسته خواند که او پذیرفت. آن گاه سحرگاه به خانه اش رفته، در را کوبید. آن مرد گفت: کیست؟ این گفت: منم. او گفت: چه می خواهی؟ گفت: وضو بگیر و لباست را بپوش و با من به نماز بیا. او وضو گرفته، لباسش را پوشید و با او بیرون آمد. آن گاه الی ما شاء اللّه (بسیار) نماز خوانده،

سپس نماز صبح گزاردند و ماندند تا صبح طلوع کرد. مرد نصرانی برخاست تا به سوی خانه اش رود که مرد مسلمان به او گفت: کجا می روی؟ روز کوتاه است و عصر، اندک. پس او را تا نماز عصر نگاه داشت. سپس مرد نصرانی برخاست و آهنگ خانه کرد، مرد گفت: اینک پایان روز است و چیزی از آن باقی نمانده است. پس او را نگاه داشت تا نماز مغرب را هم بگزارد. سپس چون خواست به خانه اش برود به او گفت: فقط یک نماز مانده است. و او نشست و نماز عشاء را هم خواند. سپس از هم جدا شدند. چون سحرگاه فردا رسید، مرد مسلمان به خانهٔ او رفت و در زد. نصرانی گفت: کیست؟ این گفت: منم. نصرانی گفت: چه کار داری؟ این گفت: وضو گرفته، لباست را بپوش و با من برای نماز بیرون بیا. او گفت: برای دینت به دنبال کسی بی کارتر از من برو. من آدمی بیچاره و عیالوارم.

حضرت صادق ﷺ فرمودند: او آن مرد را هم مسلمان کرد و هم از مسلمانی به در آورد. [1]

۱۷۰۶). امام صادق ﷺ فرمودند: مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا به من خبر بدهید که با فضلیت ترین (مرحله) اسلام چیست؟

فرمودند: ایمان به خدا.

گفت: پس از آن چه؟

فرمودند: صله رحم.

گفت: پس از آن چه؟

فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر.

مرد گفت: کدام کارها از همه بیشتر خدا را خشمگین می کند؟

فرمودند: شرک.

گفت: پس از آن چه؟

---

[1] کافی،ج۲،ص۳۵،ح۲.

فرمودند: قطع صله رحم.

گفت: پس از آن چیست؟

فرمودند: دستور دادن به منکر و بازداشتن از معروف.[۱]

۱۷۰۷). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: کسی که کار منکر را با قلب و دست و زبان خود انکار نکند، او مرده ای در بین زندگان است.[۲]

۱۷۰۸). پیامبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: مردم همواره در خیر وخوبی هستند مادامی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر خوبی و تقوا کمک نمایند، و اگر چنین نکنند برکات از آنان برداشته و بعضی بر بعضی دیگر مسلط می شوند و هیچ یاری کننده ای برایشان در زمین و آسمان نخواهد بود.[۳]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۵،ح۹. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۱۹۶،ح۱۵۰.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۲۰۳،ح۱۶۹.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۲۰۳،ح۱۶۸.

« احکام خرید و فروش »

آیات:

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلاَّ أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ** » ای کسانی که ایمان آورده اید اموال یکدیگر را در میان خود به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر این که تجارتی با رضایت طرفین شما انجام گیرد.[1]

« **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ * فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ** » ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا (و نماز) بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید* و هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید(و به سراغ کسب و کار رفته) و از فضل خدا بطلبید.[2]

روایات:

۱۷۰۹). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: « **العبادة سبعون جزءا افضلها طلب الحلال** » عبادت هفتاد جزو است که با فضلیت ترین آنها طلب روزی حلال است.[3]

۱۷۱۰). امام صادق علیه السلام در مورد ایـن آیه شـریفه: « **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ**

---

[1] سوره نساء آیه۲۹.

[2] سوره جمعه، آیه۹ و۱۰.

[3] کافی،ج۵،ص۴۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۷۲،ح۱۲.

حَسَنَةً »[1] فرمودند: مراد خشنودی خداوند متعال و بهشت در آخرت، و وسعت رزق و کسب و در آمد فراوان و حسن خلق در دنیا است.[2]

۱۷۱۱). امام صادق ؑ فرمودند: « **التجارة تزيد في العقل** » تجارت کردن به عقل و خرید می افزاید.[3]

۱۷۱۲). امیرالمومنین ؑ فرمودند: « **تعرضوا للتجارة فإن فيها غنى لكم عما في أيدي الناس** » به تجارت اقدام کنید زیرا که بی نیازی از مردم در آن خواهد بود.[4]

۱۷۱۳). فضیل بن ابی قره گوید: در حضور امام صادق ؑ بودم که در مورد مردی پرسیده شد که چرا به حج نیامده است؟

عرض شد: تجارت را رها کرده و از دارای اش کاسته شده است.

حضرتش تکیه داده بود برخاست و نشست و سپس به آنها فرمود: تجارت را رها نکنید، چون سست می شوید. و تجارت کنید تا خداوند به شما برکت بدهد.[5]

۱۷۱۴). معاذ بن کثیر گوید: به امام صادق ؑ گفتم: من تصمیم گرفته ام که بازار را رها کنم، چون به اندازه کافی ثروت دارم.

حضرت فرمودند: اگر چنین کنی رأی و اندیشه ات کم می شود، و از تو در هیچ کاری کمک خواسته نمی شود.[6]

۱۷۱۵). فضیل بن یسار گوید: به امام صادق ؑ عرض کردم: مـن از تجارت کردن دست

---

[1] سوره بقره، آیه۲۰۱.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۹۸،ح۳۵۶۶.

[3] کافی،ج۵،ص۸۸،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۲،ح۳۷۱۷.

[4] کافی،ج۵،ص۸۹،ح۹. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۳،ح۳۷۲۳.

[5] کافی،ج۵،ص۸۹،ح۸.

[6] کافی،ج۵،ص۸۹،ح۱۰.

برداشته ام و خودداری می کنم.

حضرت فرمودند: چرا تجارت تو را ناتوان کرده است؟ اینگونه اموالتان از دست می رود، از تجارت دست برندارید، و (پیوسته) از فضل خداوند درخواست کنید.[1]

۱۷۱۶). فضیل بن یسار گوید: « **قلت لابي عبدالله**(ع): **إني قد تركت التجارة، فقال: لا تفعل إفتح بابك وأبسط بساطك، وإسترزق الله ربكبه** » به امام صادق (ع) گفتم: من کسب و تجارت را ترک کردم. حضرت فرمودند: این کار را نکن، حجره خود را بکشا و بساط خود را در معرض فروش گذار و از خداوند طلب روزی نما.[2]

۱۷۱۷). عبدالرحمان بن حجاج گوید: امام صادق (ع) فرمودند: محمد بن منکدر می گفت: فکر نمی کردم علی بن الحسین (ع) مردی افضل از خود باقی بگذارد تا این که پسرش محمد بن علی (ع) را دیدم و خواستم او را موعظه کنم که او مرا موعظه کرد.

اصحابش به او گفتند: به چه چیزی تو را موعظه کرد؟

گفت: در ساعتی گرم به سمت برخی نواحی مدینه رفتم. محمد بن علی (ع) مرا دید. او مردی بزرگ جثه و سنگین بود و به دو غلام سیاه یا دو مولی تکیه داده بود. با خود گفتم: سبحان الله! بزرگی از بزرگان قریش با این حال در طلب دنیاست! هان که حتما او را موعظه خواهم کرد؛ به او نزدیک شدم و به او سلام کردم و او در حالی که عرق می ریخت، سلامم را با گشاده رویی پاسخ داد. گفتم: خدا خیرتان دهد! بزرگی از بزرگان قریش در این ساعت با این حال در طلب دنیاست! اگر اجلت بیاید و تو در این حال باشی چه خواهی کرد؟

فرمودند: اگر مرگم فرا برسد و من در این حال باشم، مرگم رسیده در حالی که من در طاعت خدای عزوجل هستم و با این کار خود و عیالم را از تو و مردم بی نیاز می کنم. ترس مـــن فقط

[1] کافی،ج۵،ص۸۹،ح۱۱.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۰۵،ح۳۶۰۶.

زمانی است که مرگم در حالی برسد که من مشغول معصیتی از معاصی خدا باشم.

من گفتم: خدا رحمتت کند راست گفتی! خواستم شما را موعظه کنم ولی شما مرا موعظه فرمودی.[1]

۱۷۱۸). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **أن أمیر المؤمنین علیه السلام أعتق الف مملوك من كد یده** » امیرالمومنین علیه السلام هزار برده را با دسترنج خویش آزاد کرد.[2]

۱۷۱۹). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **من طلب هذا الرزق من حله لیعود به علی عیاله ونفسه كان كالمجاهد في سبیل الله عزوجل** » هر کس این رزق را بطور حلال کسب کند که به مخارج خود و خانواده اش بپردازد، همانند جهادگر در راه خداست.[3]

۱۷۲۰). امام باقر علیه السلام فرمودند: کسی که بخاطر بی نیازی از مردم و مهربانی با همسایه اش دنیا را طلب کند، در حالی خداوند را ملاقات می نماید که صورتش مانند ماه شب چهارده است.[4]

۱۷۲۱). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **علیكم بتقوی الله عزوجل وماینال به ما عندالله إني والله ما آمركم إلا بما نأمربه أنفسنا، فعلیكم بالجدو الاجتهاد وإذا صلیتم الصبح وانصرفتم فبكروا في طلب الرزق واطلبوا الحلال فإن الله عزوجل سیرزقكم ویعینكم علیه** » شما را به تقوا (و ترس) خداوند متعال و آن چیزی که مورد رسیدن به نعمت های الهی می شود، سفارش میکنم، به خدا سوگند شما امر نمی کنم مگر به آن چیزی که خودمان را به آن امر می کنیم. پس بر شما باد که هرگاه نماز صبح را گزاردید و آن را تمام کردید، همان صبگاهان در پی رزق و

---

[1] کافی،ج۵،ص۴۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۷۳،ح۱۵.

[2] کافی،ج۵،ص۴۴،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۷۳،ح۱۶.

[3] کافی،ج۵،ص۵۵،ح۳.

[4] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۱۷،ح۱۱.

روزی بروید، و روزی حلال بجوید، که خداوند متعال به سرعت برای شما روزی می دهد و شما را بر کسب روزی حلال کمک می کند.[۱]

۱۷۲۲). امام باقر عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله در حجه الواع فرمود: ای مردم بدانید که جبرئیل مرا خبر کرد که هیچ کسی تا روزی خود را بطور کامل تمام نکند نخواهد مرد. پس تقوای الهی پیشه کنید و طلب رزق و روزی باشید و اگر روزی تان به کندی آمد بر آن مشوید که با معصیت الهی آن را (سریع تر گرچه از راه حرام) به دست آورید. چون خداوند روزها را در بین خلق خودش بطور حلال تقسیم نموده است و آن را از راه حرام در نظر نگرفته است.

پس کسی که از خدا بترسد و صبر کند خداوند رزق و روزی او را از حلال می آورد، و کسی که پرده دری کند و شتاب زده عمل نماید و آن را از راه حرام بدست آورد، خداوند از رزق حلالی که برای او در نظر گرفته همان مقدار کم می کند، و در روز قیامت بخاطر کسب حرام از او بازخواست می کند.[۲]

۱۷۲۳). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله** » کسی که خود را برای کسب روزی خانواده اش به رنج بیفکند، همانند جهاد گر در راه خداست.[۳]

آداب و مستحبّات خرید و فروش

۱۷۲۴). اصبغ بن نباته گوید: « **سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول على المنبر: يا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، والله للربا في هذه الامة أخفى من دبيب النمل على الصفا، شوبوا أيمانكم بالصدق، التاجر فاجر والفاجر في النار إلا من أخذ الحق وأعطى الحق** » از امیرالمومنین عليه السلام شنیدم که بر فراز منبر می فرمودند: ای تاجران نخست

---

[۱] کافی،ج۵،ص۴۷،ح۸.
[۲] کافی،ج۵،ص۴۸،ح۱.
[۳] کافی،ج۵،ص۵۲،ح۱.

فقه (آموختن احکام تجارت) سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، به خدا سوگند که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ سخت پنهان تر و نامرئی تر است، سوگند هایتان را با راست گویی بیامیزید و قسم دروغ یاد نکنید، تاجر فاجر است و فاجر در آتش، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد.[۱]

۱۷۲۵). امام باقر عليه السلام فرمودند: امیرالمومنین عليه السلام همواره در کوفه هر روز صبح از مقر حکومتی نزد شما می آمد و در بازار های کوفه، یکی یکی گردش می کرد و چوب دستی نیز بر شانه نهاده بود که دو لبه داشت و نامش سبیبه بود، آن حضرت می آمد و نزد هر یک از بازار ها می ایستاد و بانگ می زد:

ای تاجران از خداوند بترسید و تقوا پیشه کنید.

وقتی صدای امیرالمومنین عليه السلام را می شنیدند، هرچه در دست داشتند می افکندند و می آمدند و دل و جانشان با او بود و گوش به سخنانش می سپردند. حضرت می فرمودند:

پیش از کار استخاره و طلب خیر از خدا کنید و با آسان کردن خرید و فروشتان برکت بیابید، خودتان را به خریداران نزدیک کنید (وگران مفروشید) و خود را به حلم و بردباری بیارایید، و از سوگند خوردن خوداری کنید، از دروغ گفتن بپرهیزید، از ستم کردن بگریزید، و با ستمدیدگان و مظلومین مدار کنید، نزدیک ربا مشوید، پیمانه و ترازو را کامل و درست بگیرید، اجناس مردم را به ارزانی مخرید و در زمین فساد نکنید.[۲]

۱۷۲۶). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند:« **من باع واشترى فليحفظ خمس خصال وإلا فلا يشترين ولا يبيعن الربا والحلف وكتمان العيب والحمد إذا باع والذم إذا اشترى** » کسی که خرید و فروش می کند باید پنج خصلت را ملاحظه کند والا نه بخرد و نه بفروشد: ربا، سوگند،

[۱] کافی،ج۵،ص۸۹،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۵،ح۳۷۳۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۸،ح۱۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۹۰،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۴،ح۳۷۲۶. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۸،ح۱۷.

پنهان نمودن عیب متاع، مدح متاع هنگام فروش و پست کردن آن هنگام خرید.[۱]

۱۷۲۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: هر بنده ای که (جنس فروخته شده) را از مسلمان پس بگیرد، خداوند تعالی در روز قیامت لغزش و گناه او را پس می گیرد.[۲]

۱۷۲۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **مر أمير المؤمنين عليه السلام على جارية قد اشترت لحما من قصاب وهي تقول: زدني فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: زدها فإنه أعظم للبركة** » امیرالمومنین از کنار کنیزی که از قصاب گوشت خریده بود گشت، و می گفت: بیشتر بده. حضرتش به قصاب فرمود: برایش گوشت بیشتر بده، زیرا که برکت آن (برای تو) بیشتر خواهد شد.[۳]

۱۷۲۹). ابوبصیر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مرد مؤمن و فقیری از اهل صفه بود که در تمام اوقات نماز ملازم و همراه حضرت بود و در هیچ نماز جماعتی غایب نبود. رسول خدا دلش برای آن مرد می سوخت و به نیازمندی و غربت او می نگریست. به او گفت: ای سعد اگر چیزی به دستم برسد تو را بی نیاز می گردانم. مدت ها گذشت و مالی به دست حضرت نرسید و اندوه حضرت برای این مرد شدت گرفت. خداوند بلند مرتبه بر غمی که به خاطر سعد بر حضرت مستولی شده بود آگاه گشت.

پس جبرئیل را همراه با دو درهم بر حضرت فرستاد و گفت: ای محمد خداوند دانست که تو به خاطر فقر و تنگدستی سعد بسیار غمگین شده اي. آیا دوست داري او را بی نیاز گردانی؟

حضرت فرمود: بله.

پس جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر و به سعد بده و به او امر کن که با این دو درهم تجارت کند. حضرت دو درهم را گرفت و وقتی که برای نماز ظهر بیرون آمد سعد را دید که بر

---

[۱] کافی،ج۵،ص۹۰،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۴،ح۳۷۲۷. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۹،ح۱۸.

[۲] کافی،ج۵،ص۹۱،ح۱۶.

[۳] کافی،ج۵،ص۹۰،ح۸. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۶،ح۳۷۳۶. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۹،ح۲۰.

در حجره ایستاده و منتظر بیرون آمدن ایشان است. چون حضرت به او نگاه کرد فرمود: ای سعد آیا از تجارت چیزي می دانی و میتوانی پا در این عرصه بگذاری؟

سعد گفت: به خدا سوگند تاکنون مالی نداشته ام که با آن تجارت کنم.

حضرت آن دو درهم را به او داد و فرمود: با این دو درهم تجارت کن و آنها را برای به دست آوردن روزی خدا به کار بینداز.

سعد دو درهم را گرفت و همراه حضرت رفت تا نماز ظهر و عصر را با آن حضرت ادا کند و چون از نماز فارغ شدند حضرت فرمود: ای سعد برخیز و برای کسب روزي اقدام کن. من به حال تو بسیار غمگین و ناراحت بودم.

سعد راهی تجارت شد و خدا نیز به روزی او برکت عنایت کرد. او هر کالایی را یک درهم می خرید و دو درهم می فروخت و هر چه را به دو درهم می خرید چهار درهم می فروخت. بر مال و کالای او افزوده شد و دنیا به او رو کرد و کسب و کارش بالا گرفت. پس در کنار در مسجد دکانی زد و در آن دکان به کسب و کار پرداخت. و هرگاه بلال برای نماز اقامه می گفت حضرت برای نماز بیرون می آمد و می دید سعد مشغول دنیاست و برخلاف گذشته یعنی زمانی که گرفتار دنیا نشده بود دیگر نه وضویی می گرفت و نه آماده نماز می شد بلکه پیوسته سرش به تجارت گرم بود. حضرت به او فرمود: اي سعد! دنیا تو را از نماز غافل ساخته و سرگرمت کرده است.

سعد در جواب گفت: چه کار کنم مال خود را رها کنم که از دستم برود؟ این خریداری است که کالایی را به او داده ام و می خواهم قیمت کالا را از او بگیرم و این یکی مردی است که از او کالا خریده ام و باید پول کالا را بدهم.

به خاطر مشغول شدن سعد به امور دنیا و غافل شدن وی از عبادت خداوند غمی بر دل رسول خدا ﷺ نشست که بیشتر از ناراحتی قبلی او به خاطر نداری سعد بود. چند روز بعد جبرئیل بر

حضرت فرود آمد و گفت: ای محمد خداوند از غمی که به خاطر وضعیت کنونی سعد بر قلب تو نشسته آگاه شد. اکنون کدام را بیشتر می پسندی؟ حال اول او یا این حال او را؟

رسول خدا ﷺ فرمود: اي جبرئيل البته وضعيت قبلی وی را بیشتر می پسندم زیرا که دنیای او آخرتش را بر باد داده است.

جبرئیل گفت: همانا محبت دنیا و اموال فتنه ای است که آدمی را از یاد آخرت غافل می سازد. به سعد بگو که دو درهم که روز اول به او دادی به تو پس بدهد. در این صورت به حالت اول خود بر می گردد. حضرت از خانه بیرون آمد و به سعد برخورد کرد و فرمود: آیا نمی خواهی دو درهمی که به تو دادم به من بازگردانی؟

سعد گفت: بله. دویست درهم می دهم.

حضرت فرمود: ای سعد من بیش از دو درهم از تو نمی خواهم. سعد دو درهم را به آن حضرت پس داد و دنیا از او روی گردانید و هر چه گرد آورده بود از دستش بیرون رفت و به حال اول خود برگشت.[1]

۱۷۳۰). و روایت شده است که امام عليه‌السلام در ذیل فرمایش خداوند متعال: « **رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ** » مردانی که تجارت و نه خرید و فروش آنان را از یاد خدا باز نمی دارد.[2] فرمودند: این مردان تاجرانی هستند که خرید و فروش آنها را در هنگام فرا رسیدن وقت نماز ها از یاد خدا باز نمی دارد، و حق خدا را در آن وقت بجا می آورند.[3]

۱۷۳۱). سدیر می گوید: حضرت امام باقر عليه‌السلام فرمودند: ای ابافضل آیا در بازار مکانی برای تو است که در آن بنشینی و با مردم به داد و ستد بپردازی؟

---

[1] کافی،ج۵،ص۱۸۶،ح۳۸.

[2] سوره نور، آیه۳۷.

[3] کافی،ج۵،ص۹۲،ح۲۱.

گوید: عرض کردم: آری.

فرمودند: بدان هیچ مردی نیست که در بازار و مکان خود صبح را شام کند و آن هنگام که در بازار پا می نهاند بگوید: « **اللهم إني أسألك خيرها وخير أهلها، وأعوذ بك من شرها وشر أهلها** » جز اینکه خداوند عزیز فرشتگانی بر او گمارد که او را محافظت کنند و مواظب او باشند تا به منزلش بازگردد پس به او گوید: من در این روز تو را در پناه گرفتم از شر بازار و بازاریان، و چون در جایی خود می نشیند به هنگام جلوس بگوید: « **أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، اللهم إني أسألك من فضلك حلالا طيبا، وأعوذ بك من أن أظلم أو أظلم، وأعوذ بك من صفقة خاسرة ويمين كاذبة** » و چون این را گفت فرشته پاسدار او گوید: بشارت باد تو را که در این روز کسی نصیبش از تو افزونتر نباشد و بزودی آنچه خداوند به تو نصیب فرموده فروان و حلال و طیب و با برکت به تو خواهد رسید.[1]

۱۷۳۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که وارد بازار شدی بگو: « **اللهم إني أسألك من خيرها وخير أهلها وأعوذبك من شرها وشر أهلها، اللهم إني أعوذ بك من أن أظلم أو اظلم أو أبغي أو يبغى علي أو أعتدي أو يعتدى علي اللهم إني أعوذ بك من شر إبليس وجنوده وشر فسقة العرب والعجم وحسبي الله لا إله إلا هو، عليه توكلت وهو رب العرش العظيم** ».[2]

۱۷۳۳). محمد بن مسلم گوید: یکی از دو امام علیهما السلام فرمودند: هرگاه متاعی خریداری کردی، سه بار « **اللّه اكبر** » بگوی، سپس بگو: « **اللهم إني اشتريته ألتمس فيه من خيرك فاجعل لي فيه خيرا، اللهم إني اشتريته ألتمس فيه من فضلك فاجعل لي فيه فضلا، اللهم إني اشتريته ألتمس فيه من رزقك فاجعل لي فيه رزقا** » سپس هریک از این دعاها را سه بار تکرار

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۸،ح۳۷۵۴. کافی،ج۵،ص۹۲،ح۱.

[2] کافی،ج۵،ص۹۳،ح۲.

کن.[1]

۱۷۳۴). رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند متعال بنده ای را دوست دارد که در معاملاتش سهل گیر باشد، در فروش آسان گیرد، در خرید آسان گیرد، و نیز در پرداخت و دریافتش نیز آسان بگیرد.[2]

مکروهات خرید و فروش

۱۷۳۵). روایت شده است که: « **نهی رسول الله ﷺ عن السوم مابین طلوع الفجر إلی طلوع الشمس** » رسول خدا ﷺ از خرید و فروش ما بین طلوع فجر تا طلوع خورشید نهی نمود.[3]

۱۷۳۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إیاك ومخالطة السفلة فإن السفلة لایؤول إلی خیر** » از معاشرت (و معامله) با افراد پست بپرهیز، زیرا که فرد پست راهی به خیر ندارد.[4]

۱۷۳۵). امام کاظم علیه السلام فرمودند: « **ثلاثة لاینظرالله تعالی الیهم یوم القیامة أحدهم رجل اتخذالله بضاعة لایشتري إلا بیمین ولا یبیع إلا بیمین** » خداوند تعالی در روز قیامت به سه نفر نگاه رحمت نمی کند: یکی از آنها مردی است که خداوند را در کالایی خود قرار داده است، و برای خریدن سوگند یاد می کند و برای فروش نیز چنین می کند.[5]

۱۷۳۶). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: از سوگند یاد کردن (در هنگام خرید و فروش) بپرهیزید، چون کالا را خرج می کند و برکت را از بین می برد.[6]

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۹،ح۳۷۵۷.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۶،ح۳۷۳۷.

[3] کافی،ج۵،ص۹۱،ح۱۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۲۶،ح۳۷۴۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۱،ح۲۷.

[4] کافی،ج۵،ص۹۴،ح۷. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۰۴،ح۳۶۰۵.

[5] کافی،ج۵،ص۹۶،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۸،ح۵۶.

[6] کافی،ج۵،ص۹۶،ح۴.

۱۷۳۷). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **ويل لتجار أمتي من لا والله وبلى والله، وويل لصناع أمتي من اليوم وغد** » وای بر تجار امت من (آنهای که هنگام معامله می گویند) نه به خدا قسم و (یا می گویند) بلی به خدا قسم و وای بر صنعتکاران امت من که امروز و فردا می کنند و مردم را سر می دوانند.[1]

معاملات باطل و حرام

۱۷۳۸). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **إن أخوف ما أخاف على امتي من بعدي هذه المكاسب الحرام والشهوة الخفية والربا** » بیشترین چیزی که بعد از خود بر امتم از آن میترسم، کاسبی های حرام و شهوت پنهانی و ربا است.[2]

۱۷۳۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **ليس بولي لي من أكل مال مؤمن حراما** » هیچ یک از دوستان من حق ندارد مال مومنی را از راه حرام بخورد.[3]

۱۷۴۰). همچنین فرمودند: « **كسب الحرام يبين في الذرية** » کسب و سود حرام، در فرزندان اثر خودش را ظاهر می گرداند.[4]

۱۷۴۱). مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: راه های امرار معاش بندگان، از جمله کسب و کار و معاملات میان آنان چند گونه است؟

حضرت فرمودند: کلیه اقسام معیشت و انواع معاملات رایج میان مردم که برای آنان درآمدی دارد، چهار گونه است.

گفتند: این چهار نوع همه حلال است یا همه حرام، یا مختلف است؟

[1] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۰۱،ح۳۵۸۴.

[2] کافی،ج۵،ص۷۴،ح۱.

[3] کافی،ج۵،ص۱۸۸،ح۴۳.

[4] کافی،ج۵،ص۷۴،ح۴.

فرمودند: هر کدام نوعی حلال دارد و نوعی حرام و همه آنها نام و خصوصیاتش معلوم و مشهور است.

نوع اول ولایت و حکومت بعضی از مردم بر دیگرب است که شامل زمامدار، و حکام زیردست و طبقات پائین تر تا کم رتبه ترین کارمند است که هر یک به نوعی بر زیردستان و مردم تحت نفوذشان حکومت دارند. نوع دوم: تجارت و معامله که شامل کلیه خرید و فروش هاست. نوع سوم: صنعت است با همه اقسامش و نوع چهارم: اجارات در کلیه مواردی که در آن نیاز به اجاره است. و هر یک از این اقسام از جهتی حلال و از جهتی حرام هستند و خداوند در این معاملات بر بندگان واجب کرده است که از راه حلالش وارد شوند، و به حلال روی بیاورند و از حرام اجتناب ورزند.

تفسیر انواع ولایت ولایت دو قسم است. یکی از اقسام آن ولایت حکام عادل است، کسانی که خداوند بر مردم امر کرده تا ولایت و حکومتشان را گردن نهند، و نیز حکومتهای زیر دست و زیر دست تر تا نازلترین طبقه آنان که هر یک به نوعی بر زیردستان خود حکومت می کنند؛ و نوع دیگر، ولایت حکام جور و فرماندهان آنها تا پائین ترین فردشان که هر کدام بر مردم زیردستشان حکومت دارند. وجه حلال آن، ولایت حاکم عادلی است که خداوند به شناخت او و پذیرفتن ولایتش دستور داده است. لازم به ذکر است که در حکومت او و حکومت والیانش (منظور فرمانداران نصب شده از طرف او) باید طبق دستوری که خدا به آن حاکم عادل داده رفتار شود، نه چیزی بر آن بیفزایند، نه از آن بکاهند و نیز سخنش را تحریف نکنند و از فرمانش تخلف ننمایند، و چنانچه حاکم بدان گونه که گفتم دادگستر بود، حکومت از جانب او، کار کردن برایش و کمک به او و تقویتش، حلال و مشروع خواهد بود، و معامله با چنین دستگاهی جایز است زیرا در زمامداری حاکم عادل و فرمانداران او، هر حقی زنده شود، هر عدالت و امانتی

احیا گردد و هر ظلم و بیداد و فسادی نابود شود، از این رو هر که در تحکیم قدرت وی بکوشد، و در امر حکومت یاریاش دهد، در طاعت خدا تلاش کرده و دین خدا را تقویت نموده است.

اما وجه حرامش، حکومت زمامداران ستمگر و دست نشاندگان آنهاست. از: طبقه رؤسا و اطرافیان حاکم تا طبقات پائین تر و آخرین رتبه، کار در این حکومتها و همکاری با آنها در امر حکمرانی، حرام و نامشروع است، و هر کاری چه کوچک و چه بزرگ (برای کمک به این حکومتها) انجام گیرد، مایه عذاب است؛ زیرا هر نوع همکاری با آنان از گناهان بزرگ است؛ به این خاطر که در حکومت حکمرانان ستمگر، هر چه حق است لگدکوب شود، هر چه باطل است زنده گردد و ظلم و بیداد و فساد رواج یابد، کتب الهی نابود شود و پیامبران و مؤمنان به قتل رسند، مسجدها ویران گردد، سنتها و مقررات الهی زیر و رو شود؛ از این رو کار کردن با آنها، ياري كردنشان و معامله با ایشان حرام است، مگر زمانی که ضرورتی ایجاب کند، نظیر اضطراری که به خوردن خون یا مردار پیش آید.

تفسیر انواع تجارات در کلیه خرید و فروشها: اقسام معاملاتی که برای فروشنده یا خریدار جایز و یا حرام است، بدین شرح می باشد: همانگونه که همه انسانها به آن امر شده اند، آنچه خوراک مردم و مایه قوام زندگی باشد، و انواع چیزهائی که در شئون مختلف زندگی برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالکیت، استعمال مالکانه بدان نیازمند و از آن ناگزیر می باشند، یا از جهتی به صلاح مردم و مفید به حال آنان باشد که از آن چاره ندارند، در همه اینها، فروش، خرید، نگهداری، استعمال، بخشش، و قرض دادنش حلال است.

اما داد و ستدهای حرام، عبارتند از: خرید و فروش هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، کاسبی، ازدواج، مالک شدن، نگهداشتن، بخشیدن، قرض دادن، ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند معاملات ربائی که مفسده آمیز است، یا فروش مردار، خون، گوشت خوک، گوشت درندگان و پرندگان وحشی، پوست درندگان،

شراب، و کلیه نجاسات که اینها همه حرام و نامشروع است. تمامی اینها حرام است و از خوردن، نوشیدن، پوشیدن، نگهداشتن، مالک شدن و تصرف در آنها به خاطر مفاسدی که در بر دارد، نهی شده است. همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی حرام باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا یا باعث تقویت کفر و شرک گردد یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم و غیره) یا حقی را تضعیف نماید، فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.

اما تفسیر اجاره ها: اجاره عبارت است از اینکه کسی خودش یا مالش یا چیزی را که اختیارش به دست اوست، چون بستگان یا چهارپا یا لباس، برای استفاده در اختیار دیگری نهد. نوع حلال اجاره این است که انسان خودش، خانه یا زمین یا هر چیز دیگری را که مالک است، براي استفاده از منافع آن در اختیار دیگری گذارد، یا تعهد کند که کاری را به دست خود یا فرزند یا غلامش یا اجیرش انجام دهد، بدون اینکه وکیل یا کارگزاری از جانب حاکم باشد و نیز اشکالی ندارد که کسی خود یا فرزند یا خویشاوند یا ملک یا اجیرش را اجاره دهد، زیرا آنان نیز به جای او و به وکالت او کار می کنند، و کارگزار حاکم هم نیستند؛ مانند حمالی که بار معینی را به اجرت معلومی به جای مشخصی می برد، و چیز حلالی را (نه مثل مشروب و غیره) به دست خود یا به وسیله غلام یا چهارپایش حمل می کند، یا برای کاري اجیر شود که به دست خود یا غلام یا خویشان یا اجیرش انجام دهد، اینها انواع حلال اجاره است که برای هر کس از پادشاه، ملت، کافر و مؤمن، اجاره دادنش حلال است، و عایداتش نیز حلال می باشد.

اما انواع حرام: نظیر اینکه کسی برای حمل و نقل چیزی اجیر شود که خوردن یا نوشیدن، و یا پوشیدنش حرام است (مثل حمل مشروب)، یا برای ساختن چیز حرامی یا نگهداری، یا پوشیدن آن اجیر گردد، یا براي خراب کردن بی دلیل مساجد، یا کشتن بی گناه، یا حمل و نقل مجسمه

ها، بتها، ساز، نی، شراب، خوک، مردار، خون یا هر کار فساد انگیزی که صرف نظر از موضوع اجاره، حرام باشد؛ همه این موارد از جهاتی نهی شده است. حرام است که انسان خود و یا چیزی را که متعلق به او است (از قبیل فرزند، غلام، وسیله نقلیه) در این امر اجاره دهد، مگر جایی که عمل به آن سودمند باشد، مانند حمل مردار به جای دوردستی که از تعفنش آسوده شوند و امثال آن.

و فرق بین معنای ولایت (ولایت حکام ستمگر) و اجاره اگر هر دوی آنها براي دریافت مزدی انجام شود این است که در ولایت، انسان برای حاکم یا حکام کوچکتر و فرماندهان زیردست خدمت می کند، و در حکومت و تسلط بر زیردستان و امر و نهی، نقش حاکم را ایفا می کند و جانشین همان مقامات است، و در تحکیم قدرت و یاری آنها سعی می کند، و اگر نازلترین فرد و پائین ترین طبقه هم باشد، باز بر همان مردمی که والی حکومت می کند، فرماندهی دارد و در کشتار و گسترش ستم و فساد، جایگزین (و آلت دست) مقامات بالاست. ولی اجاره به طوری که تفسیر کردیم این است که انسان خود یا مملوکش را که قبلاً اجاره نداده و اختیارش را دارد، اجیر دیگری کند، و البته شخص مادامی که اجیر کسی نشده، مالک و اختیاردار خود و مملوک خویش است و حاکم اختیاردار مردم نیست و تنها وقتی امور مردم را به دست گرفت و به مقام رسید، کارهای آنها را قبضه می کند. و هر کس خود یا مملوکش یا کسی را که اختیارش به دست اوست، به کافر یا مؤمن یا سلطان یا رعیتی، به نحوی که تفسیر کردیم، در کارهای حلال اجاره دهد، کار و درآمدش جایز و مشروع است.

و اما تفسیر صنایع: صنعت عبارت است از هر کاری که مردم فرا می گیرند یا به دیگران می آموزند، از قبیل: نویسندگی، حسابرسی، تجارت، رنگرزی، زینسازی، بنائی، بافندگی، لباسشویی، خیاطی، صورتگری (نقاشی) البته نه تصویر جانداران و ساختن ابزارهائی که بندگان خدا برای منافع خود بدانها محتاجند، و مایه قوام زندگی و رفع نیازمندی هاست؛ اینها همه حلال است و

عملش و تعلیمش، برای خود یا دیگران جایز است، گرچه ممکن است احیاناً از آن کار یا آن ابزار برای فساد یا معصیتی سوء استفاده کنند، و در راه حق و باطل هر دو به کار رود، بنابراین پیشه کردن و یاد دادن آن اشکالی ندارد، مانند: تعلیم نویسندگیای که باعث فساد یعنی تقویت و یاری کارگزاران حکومتهای ستمگر شود. همچنین کارد، شمشیر، نیزه، کمان و سایر ابزارهاي جنگی که در راه صلاح و یا فساد مصرف شود و ابزار و کمک به هر دو قرار گیرد؛ آموختن، یاد دادن و مزد گرفتن برای تعلیم یا ساختن آنها، برای کسانی که آن را در راه صلاح مصرف کنند مشروع است، اما برای کسانی که در راه فساد و به زیان دیگران از آنها استفاده کنند، حرام است و آموزنده و یادگیرنده تقصیر و گناهی ندارند، زیرا ذات عمل سودمند و مصلحت آمیز و مایه قوام و بقای خلق است، آنها که در فساد و حرام آن را به کار می برند، مقصر و گنهکارند.

خداوند تنها مصنوعاتی را حرام کرده که مصرفش منحصراً در فساد محض است، مانند: ساختن ساز، نی، شطرنج، کلیه ابزارهای لهو و صلیب، بت، و امثال آنها، نظیر درست کردن نوشابه هاب حرام و (بطور کلی) هر چه که فساد محض است و هیچ گونه مصلحتی (مصرف سودمندی) ندارد؛ بنابراین یاد دادن، یاد گرفتن، ساختن، مزد گرفتن، و تمام تصرفات در آنها مطلقاً حرام است، مگر اینکه صنعتی باشد که به نفع اقسام صنعت به کار رود، هر چند که در معصیت نیز مورد استفاده قرار گیرد که به منظور آن منفعت حلال، یادگرفتن، یاد دادن و ساختنش حلال است، و در این صورت، تنها استعمال نابجا و ناروایش ممنوع خواهد بود. این بود راهها و طرق امرار معاش بندگان و حکم تعلیم کسبها.[1]

۱۷۴۲). عمار بن مروان گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **عن الغلول، قال: كل شئ غل من الامام فهو سحت وأكل مال اليتيم وشبهه سحت والسحت أنواع كثيرة: منها اجور الفواجر وثمن الخمر والنبيذ المسكر والربا بعد البينة، فأما الرشا في الحكم فإن ذلك الكفر بالله العظيم وبرسوله** » از امام باقر عليه السلام در مورد غش و حليه در معامله پرسيدم؟ فرمودند: هر

[1] تحف العقول، ص۳۳۱

چیزی که انسان به حلیه و فریب از امام بگیرد آن حرام است، خوردن مال یتیم و شبیه به آن حرام است، و حرام انواع بسیار دارد از جمله آنان: مزدی که فاجران می دهند، بهای (فروختن) شراب، نبیذ مست کننده و ربا پس از اینکه معلوم شود ربا است. اما رشوه (گرفتن و دادن) در حکم و داوی کفر به خداوند عظیم و رسول اوست.[۱]

۱۷۴۳). امام صادق علیه السلام فرمودند: سُحت یعنی حرام (و درآمد حرام) بهای مردار، بهای سک، بهای شراب، ومهریه زناکار، و رشوه (دادن وگرفتن) در حکم (و قضات) و مزد کاهن است.[۲]

۱۷۴۴). ابوعبدالله عامری گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن ثمن الكلب الذي لايصيد فقال: سحت فأما الصيود فلا بأس** » از امام صادق علیه السلام درباره (فروختن و) بهای سگی که شکاری نیست پرسیدم؟ فرمودند: آن سُحت (حرام) است، اما سگ شکاری اشکالی ندارد.[۳]

۱۷۴۵). همچنین فرمودند: « **أجر الزانية سحت وثمن الكلب الذي ليس بكلب الصيد سحت، وثمن الخمر سحت، وأجر الكاهن سحت، وثمن الميتة سحت، فأما الرشا في الحكم فهو الكفر بالله العظيم** » اجرت زن بدکاره، و قیمت سگ غیر شکاری، و قیمت شراب، و اجرت کاهن، و قیمت مردار، همه نامشروع و حرام است. اما رشوه (گرفتن و دادن) در حکم و داوی کفر به خداوند عظیم است.[٤]

۱۷۴۶). هند سراج گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خداوند امور شما را اصلاح فرماید، من اسلحه به سوی شام می برم و به آنان می فروشم، ولی از زمانی که این امر (امامت) را شناختم از این کار دست برداشته ام و گفتم: برای دشمنان خدا چیزی (از سلاح) نمی برم.

حضرت فرمودند: برای آنها اسلحه ببر زیــرا خداوند بوسیله ایــن اسلحه ها دشمنان ما و شما

---

[۱] کافی،ج۵،ص۷۵،ح۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۷۵،ح۲.

[۳] کافی،ج۵،ص۷۶،ح۵.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۰،ح۳۶۴۸.

یعنی رومیان را دفع می کند، اسلحه ها را به آنان بفروش، ولی هنگامی که میان ما و آنان جنگی درگرفت، برای آنان اسلحه مبرید، زیرا اگر کسی برای دشمن ما اسلحه ای ببرد (و بفرشد) که با آن به ما ضرر می رساند مشرک است.[۱]

۱۷۴۷). نصر بن قابوس گوید: « **المغنية ملعونة، ملعون من أكل كسبها** » کنیز آوازه خوان ملعون است، و هرکسی که مزد آواز خوانی او را بگیرد ملعون است.[۲]

۱۷۴۸). محمد طاهری گوید: مردی از امام صادق علیه السلام در مورد کنیزهای آوازه خوان پرسید؟ حضرت فرمودند: خرید و فروش آنها حرام است، یاد دادن به آنها کفر است و شنیدن آوازشان نفاق است.[۳]

۱۷۴۹). و روایت شده است که: « **أن أجر المغني والمغنية سحت** » مزد مرد و زن آوازه خوان حرام و نامشروع است.[٤]

۱۷۵۰). شخصی نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمومنین علیه السلام بخدا قسم که من شما را برای خدا دوست دارم. حضرت فرمودند: ولکن من تو را برای خدا دوشمن می دارم. گفت: برای چه؟ فرمودند: « **لانك تبغي في الاذان وتأخذ على تعليم القرآن اجرا، وسمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول من اخذ على تعليم القرآن اجرا كان حظه يوم القيامه** » برای اینکه تو بابت اذان طلب اجرت می کنی، و برای آموختن قرآن مزد می ستانی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هرکس بابت آموزش قرآن مزد بخواهد نصیبش در روز رستاخیر همان مبلغی است که دریافت کرده است.[٥]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۶۷،ح۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۷۲،ح۶.

[۳] کافی،ج۵،ص۷۲،ح۵.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۰،ح۳۶۴۹.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۳۲،ح۲۲۰. الاستبصار،ص۴۹۷،ح۲.

بیان: این برای زمانی است که مبلغی معیین برای آموختن قرآن شرط کند، اما اگر کسی هدیه ای برای معلم قرآن بدون آنکه شرط کند، می دهد گرفتن آن اشکال ندارد.

۱۷۵۱). فضل بن ابی قراه گوید: خدمت امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: این مخالفان می گویند: اجرت گرفتن معلم حرام است.

حضرت فرمودند: « **كذب أعداء الله إنما أرادوا أن لا يعلموا أولادهم القرآن، لو أن رجلا أعطي المعلم دية ولده كان للمعلم مباحا** » دشمنان خدا دروغ می گویند آنها می خواهند فرزندانشان قرآن یاد نگیرند، اگر مردی به معلم فرزندش به اندازه دیه فرزندش هم حقوق بدهد برای او حلال است.[۱]

۱۷۵۱). جراح مدائنی گوید: « **نهى ابوعبدالله** عليه‌السلام **عن اجر القاري الذي لا يقرأ إلا بأجر مشروط** » امام صادق عليه‌السلام نهی نمودند از اینکه قاری جز با اجرت معیین، قرائت نکند.[۲]

۱۷۵۲). همچنین رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله از اجرت قاری قرآنی که برای قرائتش مبلغ تعیین کند، نهی فرمودند.[۳]

۱۷۵۳). سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام از خوردن گردو هایی که بچه ها در اثر قمار به دست می آوردند نهی نموده و می فرمودند: این حرام است.[٤]

۱۷۵۴). صابر می گوید: « **سألت ابا عبدالله** عليه‌السلام **عن الرجل يواجر بيته يباع فيه الخمر قال: حرام اجره** » از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی خانه اش را به اجاره می دهد (و می داند که) در آن شراب فروخته می شود، (چه حکمی دارد)؟ فرمودند: کرایه اش حرام است.[٥]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۰۳،ح۳۵۹۷.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۳۲،ح۲۱۸.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۰،ح۳۶۵۰.

[٤] کافی،ج۵،ص۷۴،ح۶.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۲۷،ح۱۹۸.

۱۷۵۵). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **ثمن العذرة من السحت** » بهای (فروختن) مدفوع حرام است.[۱]

۱۷۵۶). همچنین فرمودند: « **لا بأس ببيع العذرة** » فروش مدفوع اشکالی ندارد.[۲]

بیان: اختلافی بین دو حدیث نیست، حرمت برای مدفوع انسان است و جواز برای مدفوع حیوانات حلال گوشت مانند: شتر و گاو و گوسفند.

۱۷۵۷). سماعه گوید: « **سأل رجل أبا عبدالله عليه السلام وأنا حاضر فقال إني رجل أبيع العذرة فما تقول؟ فقال: حرام بيعها وثمنها وقال: لا بأس ببيع العذرة** » شخصی از امام صادق عليه السلام درحالی که حاضر بودم پرسید: من شخصی هستم که مدفوع (انسان) می فروشم، در مورد آن چه می فرمایید؟ فرمودند: فروختن و بهای (بدست آمده از) آن حرام است. و فرمودند: فروختن مدفوع (حیوان حلال گوشت) اشکالی ندارد.[۳]

۱۷۵۸). عمر ابن اذینه می گوید: « **كتبت إلى أبي عبدالله عليه السلام أسأله عن رجل له خشب فباعه ممن يتخذه صلبان؟ قال: لا** » به امام صادق عليه السلام نامه نوشتم و پرسیدم که مردی چوب دارد و به کسی می فروشد که با آن صلیب درست می کند؟ فرمودند: نه، (جایز نیست به چنین شخصی بفروشد).[٤]

۱۷۵۹). عمرو بن جریر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد چوب پرسیدم که آیا می توانم آن را به کسی بفروشم که با آن صلیب و بت درست می کند؟

فرمودند: نه.[٥]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۲۸،ح۲۰۰. الاستبصار،ص۴۹۲،ح۲.
[۲] کافی،ج۵،ص۱۳۴،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۲۸،ح۲۰۱. الاستبصار،ص۴۹۲،ح۱.
[۳] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۲۸،ح۲۰۲. الاستبصار،ص۴۹۲،ح۳.
[٤] کافی،ج۵،ص۱۳۴،ح۲.
[٥] کافی،ج۵،ص۱۳۴،ح۵.

۱۷۶۰). ابی ولاد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه می فرمائید در مورد کسی که متصدی کارهای دولتی شده و راه درآمدی جز آن ندارد و من بر او وارد می شوم و او از من پذیرایی کرده، به من احسان می کند و چه بسا که پول یا لباسی به من می بخشد و من از این امر دلم گرفته و ناراحتم، (که آیا این بخششی که از دولت جائر به من می رسد مباح است یا نه)؟

حضرت فرمودند: « **خذ وکل منه فلك المهنأ وعليه الوزر** » آنچه به تو می دهد بستان و بخور بر تو گوارا است و بر او وزر و بال.[۱]

۱۷۶۱). ابی مغرا گوید: مردی از امام صادق علیه السلام در حضور من سوال کرد وگفت: خدا به شما خیر دهد، من گاهی بر یکی از کارکنان دولت می گذرم و بر او وارد می شوم یا به حاکمی می رسم و او هدیه و یا جایزه ای به من می دهد آیا جایز است از او بستانم؟

فرمودند: بله.

گفت: با آن می توانم حج خانه خدا را بجا آورم؟

فرمودند: بله، با آن مال حج بجا آور.[۲]

۱۷۶۲). امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند: « **أن الحسن والحسين عليهما السلام كانا يقبلان جوائز معاوية** » امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام جایزه های معاویه را قبول می نمودند.[۳]

۱۷۶۳). زراره و محمد بن مسلم گویند: شنیدم که امام علیه السلام می فرمودند: « **جوائز العمال ليس بها بأس** » در گرفتن جایزه های کارمندان دولت (گرچه دولت جائر باشد) اشکالی نیست.[٤]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۲،ح۳۶۶۲.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۲،ح۳۶۶۳.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۸۷،ح۵۶.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۸۶،ح۵۲.

۱۷۶۴). محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که غلام خود را در تاکستان گذاشته است تا انگور یا آب آن را بفروشد، غلام رفته است و از باغ انگور، شراب درست کرده و فروخته است.

فرمودند: بهایی که دریافت شده است، حلال نیست.

سپس فرمودند: مردی از ثقیف برای رسول خدا صلى الله عليه وآله دو مشک شراب هدیه آورد و حضرت دستور داد که آن دو ریخته شود و فرمود: « **إن الذي حرم شربها حرم ثمنها** » همان خدایی که نوشیدن شراب را حرام کرده، بها (و فروختن) آن را نیز حرام کرده است.

آنگاه امام صادق عليه السلام فرمودند: بهترین کاری که می توان در باره پولی که غلام گرفته است انجام داد این است که آن پولها صدقه داده شود.[1]

۱۷۶۵). در ضمن حدیث مناهی آمده است: « **إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى ان يشترى الخمر وان يسقي الخمر، وقال لعن الله الخمر وغارسها وعاصرها وشاربها وساقيها وبايعها ومشتريها وآكل ثمنها وحاملها والمحمولة اليه، وقال: من شربها لم يقبل الله له صلاة اربعين يوما** » بدرستی که رسول خدا صلى الله عليه وآله نهی نمود از اینکه کسی شراب را بخرد و یا آنکه به دیگران بخوراند و فرمود: خداوند متعال لعنت کرده است شراب را و کسی که کارنده درخت آن بدین قصد است، و سازنده شراب، و خورنده آن و خوراننده آن و هم فروشنده و خریدار آن را، و خورنده قیمت آن را، و باربر و تحویل دهنده آن را، و نیز فرمود: هر کسی آن را بنوشد خداوند عزوجل نماز او را تا چهل روز قبول نمی کند.[2]

۱۷۶۶). جراح مدائینی گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **من اكل السحت ثمن الخمر ونهى عن ثمن الكلب** » خوردن بهای شراب از جمله امور حرام است، و حضرتش نهی نمود از

---

[1] کافی، ج۵، ص۱۳۶، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۶۱، ح۶۰۱.

[2] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۴، ح۴۹۶۸.

بهای (بدست آمده از فروختن) سگ.[۱]

۱۷۶۷). سلیمان بن جعفر جعفری گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد فقاع (آب جو) پرسیدم؟

فرمودند: « **هو خمر مجهول فلا تشربه یا سلیمان لو کان الدار لي أو الحکم لقتلت بایعه ولجلدت شاربه** » آن شرابی مجهول و ناشناخته شده است، آن را ننوش. ای سلیمان اگر حکومت در دست من می بود فروشنده فقاع را می کشتم و به کسی که آن را می خورد حد می زدم.[۲]

۱۷۶۸). عمار بن موسی می گوید: « **سألت أبا عبدالله علیه السلام عن الفقاع فقال: هو خمر** » از امام صادق علیه السلام درباره فقاع (آب جو) پرسیدم؟ فرمودند: آن شراب است.[۳]

می گویم: بیان بیشتر آن در احکام خوردنی ها و آشامیدنیها خواهد آمد، ان شاء الله.

۱۷۶۹). معاویه بن سعد می گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: شخصی مسیحی مسلمان شده و شراب و خوک در اختیار دارد و بدهکاری نیز دارد، آیا می تواند آنها را فروخته و بدهی خود را بدهد؟

فرمودند: نه.[٤]

۱۷۷۰). محمد حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فروش آب انگور به کسی که آن را تبدیل به حرام (شراب) می کند، پرسیدم؟

فرمودند: اشکالی ندارد، تو را آن را بطور حلال می فروشی و او آن را تبدیل به حرام می کند، و خداوند آن شخص را از رحمت خود دور و هلاک خواهد کرد.[۵]

۱۷۷۱).محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مردی از دیگری پولی طلب داشت،

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۶۱،ح۶۰۰.

[۲] کافی،ج۶،ص۴۳۲،ح۱.

[۳] کافی،ج۶،ص۴۳۲،ح۲.

[٤] کافی،ج۵،ص۱۳۶،ح۵.

[۵] کافی،ج۵،ص۱۳۶،ح۶.

و او شراب یا خوک را در مقابل طلبکار فروخته و بدهی خود را پرداخته است؟

فرمودند: اشکالی ندارد، بدین ترتیب که این پول برای کسی که طلب خود را گرفته است حلال، و برای کسی آنها را فروخته است حرام است.[١]

١٧٧٢). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند:« **بيع الشطرنج حرام، وأكل ثمنه سحت، واتخاذها كفر، واللعب بها شرك، والسلام على اللاهي بها معصية وكبيرة موبقة، والخائض يده فيها كالخائض يده في لحم الخنزير، لا صلاة له حتى يغسل يده كما يغسلها من مس لحم الخنزير، والناظر إليها كالناظر في فرج امه، واللاهي بها والناظر إليها في حال ما يلهى بها والسلام على اللاهي بها في حالته تلك في الاثم سواء. ومن جلس على اللعب بها فقد تبوء مقعده في النار، وكان عيشه ذلك حسرة عليه في القيامة، وإياك ومجالسة اللاهي المغرور بلعبها، فانه من المجالس التي باء أهلها بسخط من الله، يتوقعونه في كل ساعة فيعمك معهم** » خرید و فروش شطرنج حرام است و خوردن پول آن حرام است، برگزیدن آن کفر و بازی با آن شرک است، سلام کردن به کسی که با آن بازی می کند معصیت و گناه کبیره است، کسی که دستش را در آن وارد می کند مثل کسی است که دستش را به گوشت خوک بیالاید و نماز ندارد تا وقتی که دستش را بشوید، همان طور که با دست زدن به گوشت خوك دستش را می شوید، کسی که به آن نظر می کند مانند کسی است که به شرمگاه مادرش نظر می افکند، کسی که با آن بازی می کند و کسی که به آن در حال بازی کردن نگاه می کند و سلام کننده به کسی که مشغول به بازی است، همه در گناه مساوی و برابرند، کسی که بر سر بازی آن بنشیند، مقعدش را از آتش پر کرده است، خوشی او در این حال، حسرت در روز قیامت برای اوست، برحذر باش از هم نشینی با کسی که مشغول و فریفته به بازی با آن است، این مجلس از مجالسی است که اهلش به غضب خدا دچار شده اندو هر لحظه توقع عذاب دارند پس تو را هم

---

[١] کافی،ج۵،ص١٣٧،ح٩.

عذاب به همراه ایشان در بر خواهد گرفت.[۱]

شرایط فروشنده و خریدار

برای فروشنده و خریدار چند چیز شرط است:

اوّل: آنکه بالغ باشند.

دوّم: آنکه عاقل باشند.

سوّم: آنکه سفیه نباشند، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

چهارم: آنکه جنس و عوضی را که میدهند مالک باشند.

۱۷۷۳). امام صادق عليه‌السلام در حدیثی فرمودند: « **الجارية إذا تزوجت ودخل بها ولها تسع سنين ذهب عنها اليتم ودفع إليها مالها وجاز أمرها في الشراء والبيع ... والغلام لا يجوز أمره في الشراء والبيع ولا يخرج من اليتم حتى يبلغ خمسة عشر سنة أو يحتلم أو يشعر أو ينبت قبل ذلك** » دختر هنگامی که ازدواج کند و شوهرش با او نزدیکی کند درحالی که دختر نه ساله باشد، دیگر کودک نیست اموالش را به او می پردازند و اختیار خرید و فروش دارد. و پسر بچه حق خرید و فروش ندارد و از دوران کودکی خارج نمی گردد تا آنکه به پانزده سالگی برسد، یا محتلم شود و یا پیش از آن موی در آورد.[۲]

۱۷۷۴). همچنین امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **انقطاع يتم اليتيم بالاحتلام وهو أشده وإن احتلم ولم يؤنس منه رشد و كان سفيها أو ضعيفا فليمسك عنه وليه ماله** » پایان یتیمی یتیم، احتلام اوست که همان رشد اوست و اگر محتلم شود، اما رشدی از او مشاهده نشده بلکه سفیه و ناتوان بود، پس سرپرست باید اموال او را نگه دارد.[۳]

---

[۱] السرائر، ص۵۵، ح۲۹.

[۲] کافی، ج۷، ص۱۹۷، ح۱.

[۳] کافی، ج۷، ص۶۷، ح۲.

۱۷۷۵). و ضمن حدیثی دیگر فرمودند: پسر بچه هرگاه محتلم شود، گناهان و نیکی ها برایش نوشته خواهد شد و هر چیزی برای او جایز می گردد (از جمله خرید و فروش نمودن) مگر آنکه ناتوان و سفیه باشد.[۱]

۱۷۷۶). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: « **أن القلم يرفع عن ثلاثة: عن الصبي حتى يحتلم، وعن المجنون حتى يفيق ...** » بدرستی که قم تکلیف از سه کس برداشته شده است: از طفل تا بالغ شود و از دیوانه تا خوب شود.[۲]

۱۷۷۷). محمد بن قاسم می گوید: « **سألت أبا الحسن** علیه السلام **عن رجل اشترى من امرأة من العباسيين بعض قطايعهم فكتب عليها كتابا أنها قد قبضت المال، ولم تقبضه فيعطيها المال أم يمنعها؟ قال لي: قل له يمنعها أشد المنع فإنها باعته مالم تملكه** » از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی از یکی از زنان بنی عباس زمینی خریده است و قولنامه ای نیز نوشته، ولی آن نوشته را نگرفته است؟ آیا بهای زمین را به او بپردازد یا خودداری کند؟ فرمودند: به آن مرد بگو از پرداخت بهای آن به شدت خودداری کند، چرا که آن زن چیزی را فروخته که مال آن نبوده است.[۳]

۱۷۷۸). اسحاق بن عمار می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: شخصی در دست او خانه ای است که از خود او نمی باشد و در دست خود او و پدرانش همواره نبوده است و نمی داند از چه کسی است، آیا می تواند آن را بفروشد و بهای آن را بگیرد؟

فرمودند: دوست ندارم چیزی را بفروشد که از خود او نیست.

گفت: او صاحب آن را نمی شناسد و نمی داند که از چه کسی است و ظن و گمان او نیز بجایی نمی رسد؟

فرمودند: دوست ندارم چیزی را بفروشد که از خود او نیست.

---

[۱] کافی، ج۷، ص۶۹، ح۷.

[۲] خصال، ص۹۳، ح۴۰.

[۳] کافی، ج۵، ص۸۰، ح۸. تهذیب الاحکام، ج۶، ص۳۸۹، ح۶۶.

گفت: جایی که در آن سکونت دارد یا مکانی که در دست او است می فروشد و برای صاحبش می گوید: جایی سکونت خود را برای تو فروختم و آن در دست تو باشد همچنان که در دست من است؟

فرمودند: بله، (اشکالی ندارد) که این چنین آن را بفروشد.[۱]

۱۷۷۹). محمد بن مسلم می گوید: شخصی از اهل نیل (که قریه ای در کوفه است) از امام محمد باقر علیه‌السلام پرسید که در آنجا زمینی خریداری کرده و اهل آنجا می گویند: این زمین برای ماست. و اهل اُستان (چهار بخش بغداد) می گویند: این زمین از زمین های ماست؟

حضرت فرمودند: « **لاتشترها إلا برضا أهلها** » آن را بدون رضایت اهل آن خریداری مکن.[۲]

۱۷۸۰). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی مناهی فرمودند: « **ومن اشترى خيانة وهو يعلم فهو كالذى خانها** » و هر کسی که مال غصبی و دزدی را با آگاه بودن به دوزدی بودند آن بخرد، او همانند کسی است که آن مال را دوزدی کرده است.[۳]

۱۷۸۱). سماعه گوید: « **سألته عن شراء الخيانة والسرقة فقال: إذا عرفت انه كذلك فلا إلا ان يكون شيئا اشتريته من العامل** » از امام علیه‌السلام پرسیدم: مال دوزدی و مال غصبی را می توان خرید؟ اگر می دانی که دوزدی و غصبی است نه، مگر اینکه از کسی که از کارمندان دولت غاصب و جور باشد، بخری (زیرا که در این صورت دوزدی و خیانت مستقیم نیست).[٤]

۱۷۸۲). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا يصلح شراء السرقة والخيانة إذا عرفت** » خریدن مال دوزدی و غصبی هنگامی که بدانی دوزدی و غصبی است، جایز نیست.[٥]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۵۵،ح۵۷۱.
[۲] کافی،ج۵،ص۱۶۹،ح۴.
[۳] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۴،ح۴۹۶۸.
[٤] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۳۸۷،ح۵۵.
[٥] کافی،ج۵،ص۱۳۵،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۳۰،ح۲۱۰.

۱۷۸۳). همچنین فرمودند: « **من اشترى سرقة وهو يعلم فقد شرك في عارها وإثمها** » هر کسی که مال دوزدی شده ای را که می داند دوزدی است، بخرد در گناه آن شریک است. [1]

۱۷۸۴). زریق بن زبیر خلقانی گفت: روزی خدمت امام صادق عليه السلام بودم که دو نفر از اهل کوفه از شیعیان بر ایشان وارد شدند.

امام صادق عليه السلام فرمودند: آیا اینها را می شناسی؟

گفتم: بله، از دوستان شما هستند.

فرمودند: بله، الحمدلله که بزرگان از دوستان مرا در عراق قرار داده است.

پس یکی از آن دو مرد به امام گفت: فدایت گردم، من به مردی که منتسب به بنی عمّار در کوفه است مالی بدهکار بودم و او بر این طلب از من نوشته ای نسبت به حق خود و شاهدانی داشت، پس مال را گرفت و من آن نوشته را از او بازنگرفتم و چیزی هم مکتوب نکردم و دلیلی هم بر پرداخت بدهی از او نگرفتم، زیرا به او اعتماد داشتم و به او گفتم: آن رسید را که نزد تو مانده است پاره کن. پس او نسبت به این مطلب سهل انگاری نمود و رسید را پاره نکرد و فوت کرد. پس از این واقعه، وارثان او مال را از من مطالبه کرده و مرا به محکمه کشاندند و آن رسید را ارائه داده، شاهدانی عادل نزد قاضی حاضر نمودند و آنها هم شهادت دادند. من هم مال را که زیاد هم بود برداشتم و از محضر قاضی فرار کردم. پس قاضی کوفه زندگی مرا مصادره کرد و فروخت و وارثان مالشان را گرفتند. از قضا این مرد که از برادران شیعه است، مبتلا شده و زندگی مرا از قاضی خریده است. آنگاه ورثه میّت اقرار کرده اند که پدرشان طلب خود را گرفته بوده و از این مرد خواسته اند تا وسایل زندگی مرا به من بازگرداند و آنها مبلغ را در چند قسط مشخص به وی پرداخت خواهند کرد. این مرد گفت: دوست دارم در این مورد از امام صادق عليه السلام بپرسیم. پس آن مرد گفت: فدایت گردم، چه کار کنم؟

---

[1] کافی،ج۵،ص۱۳۵،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۳۰،ح۲۱۱.

امام به او فرمودند: کاری که می کنی این است که مال خود را از ورثه پس می گیری و وسایل زندگی را به صاحبش باز می گردانی و از تصرّف خودت خارج می کنی. گفت: اگر این کار را بکنم، آیا او حق دارد غیر از آن چیزی از من مطالبه نماید؟ فرمود: بله، می تواند هرچه از خوراکی ها و ثمن محصولاتی که گرفته ای از تو بازپس بگیرد، و هرچه که در روز خریدن زندگی او مرسوم و موجود بوده را باید به او بازگردانی، مگر زراعتی که خودت کاشته باشی، که زارع یا باید قیمت زراعت را بگیرد و یا صبر کند تا وقت درو برسد و محصول را بردارد؛ و اگر این کار را نکرد، چنین حقی دارد و قیمتش را به تو برمی گرداند و زراعت از آنِ خودش خواهد بود.

من گفتم: فدایت گردم، اگر این شخص در آنجا بنایی ساخته یا درختی کاشته باشد چطور؟

فرمودند: قیمت آن برای اوست و یا عین بنا یا درخت را می کَند و می بَرد.

گفتم: فدایت گردم، اگر در آنجا درختی یا بنایی بوده و این مرد درخت را کَنده و بنا را منهدم کرده باشد چطور؟

فرمودند: آن را به حال اولش باز می گرداند یا قیمت آن را به صاحب زمین می دهد. پس وقتی همه آنچه را که از غلّات زمین گرفته بود به صاحبش داد و بنا و درخت و هر اِحداث دیگری را به همان صورت اولیه بازگرداند یا قیمتش را پرداخت کرد، بر صاحب زمین واجب است که همه آنچه در اصلاح آن زندگی صرف کرده است، از قیمت درخت غرس شده یا بنا یا مخارجی که در مصلحت و دفع بلایا از آن زندگی صرف کرده است، به او بازگرداند. و همه اینها را باید به او بازگرداند.[۱]

۱۷۸۵). ابو علی بن راشد گوید: به امام کاظم عليه‌السلام عرض کردم: جانم فدایت قطعه زمینی در همسایگیم به هزار درهم خریدم، پس چون بهای زمین را به او پرداختم با خبر شدم که آن زمین وقف است؟

---

[۱] امالی شیخ طوسی،ج۲،ص۳۰۹.

فرمودند: خریدن وقف جایز نسیت، و در آمد آن را به مال خود داخل مکن. آن را به کسانی که زمین به نفع ایشان وقف شده است تسلیم کن.

گفتم: سرپرسی برای آن نمی یابم؟

فرمودند: در آمد آن را صدقه بده.[۱]

صیغه خرید و فروش

۱۷۸۶). ضمن حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده است که (اگر) فروشنده بگوید: این (متاع) را برای تو فروختم. و مشتری بگوید: قبول کردم و راضی شدم و آن را از تو خریدم، (معامله صحیح است).[۲]

۱۷۸۷). رفاع گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا می توانم کنیز فراری را از گروهی بخرم و پولش را بپردازم و خودم در جستجو او باشم؟

فرمودند: خرید چنین کنیزی جایز نیست مگر آنکه همراه آن لباس یا کالایی بخری و به آنان بگویی: « **أشتري منكم جاريتكم فلانة وهذا المتاع بكذا وكذا درهما** » من از شما فلان کنیز و این کالا را به این قیمت خریدم. چنین معامله ای جایز و صحیح می باشد.[۳]

۱۷۸۸). سماعه گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که می خواهد برده ای که از اهلش فرار نموده است را بخرد، فرمودند: جایز نیست مگر آنکه همراه او چیزی دیگر را نیز بخرد و بگوید: « **اشتري منك هذا الشئ وعبدك بكذا وكذا** » این چیز و برده تو را به این قیمت خریدم.[٤]

---

[۱] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۸۱، ح۵۵۷۶.

[۲] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۴۹، ح۵۴۹.

[۳] کافی، ج۵، ص۱۱۵، ح۹. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۴۷، ح۵۴۱.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۴۷، ح۵۴۰.

۱۷۸۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: قرآن ها نباید فروخته شوند و هنگامی که می خواهی چنین کاری بکنی بگو: « **إنما اشتری منك الورق وما فيه من الادم وحليته وما فيه من عمل يدك بكذاوكذا** » من تنها ورقه و جلد و تزیینات آن را و کار های که با دست روی آن انجام داده ای (نظیر صحافی و...) به این قیمت خریداری می کنم.[1]

۱۷۹۰). عبدالله بن سلیمان گوید: از امام علیه السلام در مورد خریدن قرآن ها پرسیدم؟

فرمودند: هرگاه که خواستی بخری بگو: من ورق و جلد آن و کاری که با دست رویش انجام داده ای را به این قیمت خریداری می کنم.[2]

خرید و فروش میوه ها

۱۷۹۱). حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد خریدن درخت خرما، و انگور و میوها برای مدت سه یا چهار سال پرسیده شد؟

فرمودند:اشکالی ندارد، اگر بگوید: اگر این سال میوه ندارد در سال آینده خواهد داد، ولی اگر میوه یک سال را خریدی باید صبر کنی تا میوه برسد، اما اگر پیش از آن که برسد، برای مدت سه سال خریداری کنی، اشکالی ندارد.

و از حضرتش پرسیده شد: مردی میوه های معیّن از زمین را پیش از رسیدن می فروشد، بعد تمام میوه های آن زمین تلف می شود و از بین می رود حکم این مسأله چیست و وظیفه بایع نسبت به مشتری چه می باشد؟

فرمودند: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جماعتی در همین مسأله به مخاصمه پرداخته و نزد آن حضرت آمده و واقعه را بیان کردند و طرفین مخاصمه هیچ کدام کوتاه نیامدند، وقتی آن حضرت

---

[1] کافی،ج۵،ص۷۲،ح۱.

[2] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۴۲۰،ح۱۷۱.

ملاحظه فرمودند که طرفین از خصومت دست بر نمی دارند آنها را از فروش میوه قبل از رسیدن نهی نموده ولی حرام نکردند و سر این نهی آن بود که چنین بیعی موجب خصومت شده بود.[١]

١٧٩٢). حسن بن علی وشاء گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا فروش درخت خرمایی که باردار شده است، جایز است؟

فرمودند: فروش آن تا وقتی که رشد کند، جایز است.

عرض کردم: قربانت گردم: رشد آن یعنی چه؟

فرمودند: یعنی سرخ، یا زرد و یا نظیر اینها شود.[٢]

١٧٩٣). عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد درخت انگور پرسیدم که چه وقت فروشش حلال می شود؟

فرمودند: هنگامی که برسد و پر میوه شود.[٣]

١٧٩٤). معاویه بن میسره گوید: « **سألت اباعبدالله علیه السلام عن بیع النخل سنین قال: لا بأس به** » از امام صادق در مورد فروش محصول خرمای دو سال پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[٤]

١٧٩٥). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا کان الحائط فیه ثمار مختلفة فأدرك بعضها فلا بأس ببیعها جمیعا** » اگر میوه های گوناگونی در یک باغ باشد و برخی رسیده باشند و برخی نرسیده باشند، فروش تمام آن میوه های اشکالی ندارد.[٥]

١٧٩٦). اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فروش میوه نارس سوال کردم؟

فرمودند: اگر در آن زمین درختی که میوه آن رسیده است وجود دارد، فروش تمام میوه ها

---

[١] کافی،ج۵،ص۱۰۳،ح۲.من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۳۶،ح۳۷۸۷. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۰۳. الاستبصار،ص۵۱۰.

[٢] کافی،ج۵،ص۱۰۴،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۳۷،ح۳۷۹۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۰۳،ح۳۶۳.

[٣] کافی،ج۵،ص۱۰۶،ح۱۸.

[٤] کافی،ج۵،ص۱۰۵،ح۱۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۰۵،ح۳۶۸.

[٥] کافی،ج۵،ص۱۰۴،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۱۰۳،ح۳۶۲. الاستبصار،ص۵۰،ح۸.

حلال است.[۱]

۱۷۹۷). علی بن ابی حمزه می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی بستانی را خریده است که در آن درخت خرما و درختان دیگری نیز است و برخی میوه اش رسیده و برخی نرسیده است؟

فرمودند: اگر میوه رسیده داشته باشد، اشکالی ندارد.

عرض کردم: مردی بستانی را خریده است که درختان خرمای دارد که هنوز نرسیده است؟

فرمودند: نه (جایز نیست) تا آنگاه که دگرگون شوند.

گفتم: یعنی چطور شوند؟

فرمودند: یعنی رنگ بگیرند.[۲]

۱۷۹۸). یعقوب شعیب می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به مردی که میوه دارد بیست دینار می پردازم و با او شرط می کنم اگر میوه ات رسید (میوه ها) به همین قیمت که پرداختم برای من است که اگر خواستم بر می دارم ولی اگر نمی خواستم آن را پس می دهم؟

فرمودند: هرچه قدر که می خواهی به او بپرداز ولی شرط مکن.

عرض کردم: قربانت گردم شخص دهنده اسم نمی برد ولی خداوند می داند که نیت او این است؟

فرمودند: اگر نیت اش چنین است، صحیح نمی باشد.[۳]

۱۷۹۹). حلبی می گوید: مردی به مرد دیگر گفت: محصول آینده این درخت خرمایت را در مقابل دو قفیز خرما یا کمتر یا بیشتر به من بفروش، او نیز فروخت.

---

[۱] کافی، ج۵، ص۱۰۴، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۰۲، ح۳۶۱. الاستبصار، ص۵۰، ح۷.

[۲] کافی، ج۵، ص۱۰۴، ح۸.

[۳] کافی، ج۵، ص۱۰۵، ح۹. من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۱۳۷، ح۳۷۹۲.

امام صادق عليه السلام فرمودند: اشکالی ندارد.

و فرمودند: خرما و خرمای نرسیده، (یا شکوفه) که بر یک درخت خرما باشند، فروش همه اش به صورت یکجا مانعی ندارد. ولی اگر خرمای سال پیش بر آن است و شکوفه (یا خرمای کال) جدید نیز بر آن درخت است، فروش همگی باهم جایز نیست. و مسئله کشمش و انگور نیز همین است.[۱]

۱۸۰۰). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **من باع نخلا قد لقح فالثمرة للبايع إلا أن يشترط المبتاع، قضى رسول الله صلى الله عليه وآله بذلك** » هرکس درخت خرمایی را که باردار شده است بفروشد، میوه اش برای خود اوست، مگر آنکه شرط شود میوه اش برای خریدار باشد، این حکم را رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود.[۲]

۱۸۰۱). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: هرکس درخت خرمایی را که باردار کرده و تعمیر نموده است، بفروشد، میوه اش برای فروشنده است، مگر آنکه خریدار شرط کند که میوه برای او باشد. سپس حضرت فرمودند: این حکم رسول خدا صلى الله عليه وآله است.[۳]

نقد و نسیه

۱۸۰۲). احمد بن محمد می گوید: خدمت امام کاظم عليه السلام عرض کردم: می خواهم (برای فروش جنس) به بر از مناطق کوهستانی بروم.

فرمودند: مردم حتما امسال دچار اضطراب می شوند.

گفتم: اگر نسیه به آنان بفروشم سودی بیشتری دارد.

---

[۱] کافی، ج۵، ص۱۰۵، ح۱۰.

[۲] کافی، ج۵، ص۱۰۵، ح۱۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۰۵، ح۳۶۹.

[۳] کافی، ج۵، ص۱۰۵، ح۱۴. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۱۰۵، ح۳۷۰.

فرمودند: با یک سال مهلت به آنها بفروش.

گفتم: دوسال چطور؟

فرمودند: آری (اشکاری ندارد).

گفتم: سه سال؟

فرمودند: نه.[۱]

۱۸۰۳). بشار بن یسار گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن رجل يبيع المتاع بنساء فيشتريه من صاحبه الذي يبيعه منه، قال: نعم لا بأس به، فقلت له: أشتري متاعي؟ فقال: ليس هو متاعك** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی کالایی را بصورت نسیه می فروشد و دوباره آن را از کسی که به او فروخته است می خرد؟ فرمودند: آری، اشکالی ندارد. گفتم: کالایی خودم را از او بخرم؟ فرمودند: دیگر آن کالایی تو نیست.[۲]

معاملهٔ سلف (پیش فروش)

۱۸۰۴). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **لابأس بالسلم في المتاع إذا وصفت الطول والعرض، وفي الحيوان إذا وصفت أسنانه** » پیش خرید متاع اشکالی ندارد، به شرط آنکه وصف آن را از طول و عرض و غیر آن معلوم و معین کنی، و در حیوان نیز اگر سنّش را مشخص کنی اشکالی ندارد.[۳]

۱۸۰۵). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه طول و عرض متاع مشخص شود، پیش خرید آن اشکالی ندارد.[٤]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۱۲۲،ح۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۱۲۳،ح۴.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۷۱،ح۳۹۵۳.

[٤] کافی،ج۵،ص۱۱۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۳،ح۱۱۳.

۱۸۰۶). ابوبصیر می گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **عن السلم في الحيوان قال: ليس به بأس** » از امام صادق عليه السلام در مورد پیش فروش حیوانات پرسیدم؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[۱]

۱۸۰۷). همچنین فرمودند: پیش فروش حیوان اگر سنّش معلوم شود، اشکالی ندارد.[۲]

۱۸۰۸). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: اگر خصوصیات حیوان را مشخص کنی، پیش فروش آن اشکالی ندارد.[۳]

۱۸۰۹). همچنین آن حضرت عليه السلام فرمودند: پیش فروش میوه ها اشکالی ندارد.[٤]

۱۸۱۰). عبدالله بن سنان گوید: « **سألت أبا عبدالله** عليه السلام **في الرجل يسلم في غير زرع ولا نخل، قال: يسمي كيلا معلوما إلى أجل معلوم** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی بدون اینکه دارای زراعت یا نخلستانی باشد، گندم یا خرما پیش فروش می کند؟ فرمودند: (اشکالی ندارد) مقدارش را و اینکه تا چه مدت باید تحویل دهد معلوم و معین کند.[٥]

۱۸۱۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: امیرالمومنین عليه السلام فرمود: اشکالی ندارد انسان گندمی را به پیمانه ای معلوم تا زمانی معین؛ پیش خرید کند بدون آنکه خرمنکوبی شود یا درو گردد.[٦]

۱۸۱۲). هشام بن سالم می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شخصی پرسیده شد که جنسی را تا مدت مشخص بی آنکه جنس موجود باشد فروخته و ضمانت کرده است؟

فرمودند: فرمودند: اشکالی ندارد.[۷]

۱۸۱۳). یعقوب بن شعیب می گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی یک صد درهم گندم یا

---

[۱] کافی، ج۵، ص۱۳۰، ح۱.

[۲] کافی، ج۵، ص۱۳۰، ح۳.

[۳] کافی، ج۵، ص۱۳۰، ح۴.

[٤] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۵۳، ح۱۸۷.

[٥] من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۱۶۸، ح۳۹۳۶.

[٦] کافی، ج۵، ص۱۰۹، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۱۷۰، ح۳۰۵۰. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۳، ح۱۱۶.

[۷] کافی، ج۵، ص۱۱۸، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۴، ح۱۱۷.

خرما پیش خرید کرده است، و زمانی که وقت تحویل آن رسیده فروشنده نزد خریدار آمده و می گوید: بخدا سوگند من جز نمی آنچه که تو طلبکاری ندارم، آن را از من بابت نمی از طلبت بستان و نمی دیگر را درهم بگیر. حکم آن چیست؟

فرمودند: اشکالی ندارد، در صورتی که همان مبلغی را که برای نصف قرار داده است بگیرد.[۱]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۶۷،ح۳۹۳۵.

« احکام نکاح (ازدواج) »

آیات:

« **وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى مِنْكُمْ وَ الصّالِحِينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَ إِمائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ** » مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است.[1]

« **وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذالِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ** » و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد، به یقین در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند.[2]

روایات:

۱۸۱۴). امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: « **ما بني بناء في الاسلام أحب إلى الله تعالى من التزويج** » هیچ بنائی در اسلام نزد خداوند عزوجل محبوب تر از ازدواج نیست.[3]

۱۸۱۵). همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده اند: چه چیز جلوگیر مـــومن شده که برای خود

---

[1] سوره نور، آیه ۳۲و۳۳.

[2] سوره روم،آیه۲۱.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۰،ح۴۳۴۳.

همسری نمی گزینند، چه بسا که خداوند متعال برای او فرزندی عنایت کند که روی زمین را به گفتن « **لا إله إلا الله** » سنگین کند.[۱]

۱۸۱۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: « **من تزوج أحرز نصف دينه فليتق الله في النصف الباقي** » کسی که ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ نموده است، پس در نیمی دیگر تقوایی الهی پیشه کند.[۲]

۱۸۱۷). ابراهیم بن عبدالحمید گوید: سکین نخعی حالت عبادت و زهد و رهبانیت داشت و از زن، بوی خوش و غذای خوب دوری می کرد، در این مورد به امام صادق علیه السلام نامه ای نوشت تا نظر حضرت را بپرسد.

حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند: اما اینکه درباره زنان میگویی، ، تو خود می دانی که روش رسول خدا صلی الله علیه وآله در این مورد چگونه بوده است، و اما راجع به ترک غذاهای خوب، روش رسول خدا صلی الله علیه وآله این بود که حضرتش گوشت تناول می فرمود و عسل می خورد.[۳]

۱۸۱۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: سه زن به محضر رسول خدا صلی الله علیه وآله آمدند. یکی از آنها گفت: شوهر من گوشت نمی خورد و دیگری عرض کرد: شوهر من عطر استعمال نمی کند و دیگري هم گفت: شوهرم از زنان دوری می کند. رسول خدا صلی الله علیه وآله از خانه بیرون آمدند در حالی که عبای حضرت بر زمین کشیده می شد تا آنکه از منبر بالا رفته و بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: چه چیز باعث شده است که جمعی از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و از زنان دوری می کنند؟ به درستی که من گوشت می خورم و عطر خوش استعمال می کنم و استشمام می کنم و از زنان دوری نمی کنم پس هر کس از سنت من روی بگرداند از من

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۴۹،ح۴۳۴۰.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۴۹،ح۴۳۴۲. کافی،ج۵،ص۱۹۷،ج۲.

[۳] کافی،ج۵،ص۱۹۲،ح۴.

نیست.[1]

۱۸۱۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لما لقي يوسف عليه السلام أخاه قال: يا أخي كيف استطعت أن تزوج النساء بعدي؟ فقال: إن أبي أمرني، قال: إن استطعت أن تكون لك ذرية تثقل الارض بالتسبيح فافعل** » آنگاه که یوسف علیه السلام برادرش را ملاقات کرد، به او فرمود: چگونه توانستی پس از گم شدن من با زنان ازدواج کنی؟ عرض کرد: پدرم به من فرمان داد و فرمود: اگر می توانی فرزندانی داشته باشی که با تسبیح الهی بر زمین سنگینی کنند، این کار را بکن.[2]

۱۸۲۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « **تزوجوا وزوجوا ألا فمن حظ امرء مسلم إنفاق قيمة أيمة وما من شئ أحب إلى الله عزوجل من بيت يعمر في الاسلام بالنكاح وما من شئ أبغض إلى الله عزوجل من بيت يخرب في الاسلام بالفرقة يعني الطلاق** » ازدواج کنید و برای فرزندان تان همسر بگیرید همان که از بهره مندی های مرد مسلمان شوهر دادن زنان و دختران بی شوهر است. در پیشگاه خداوند متعال چیزی دوست داشتنی تر از خانه ای نیست که بر اساس آیین اسلام با ازدواج آباد شود و در پیشگاه الهی چیزی مبغوض تر از خانه ای نیست که اهل مسلمان آن با جدایی و طلاق ویران گردد.[3]

۱۸۲۱). امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: ازدواج کنید، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکه دوست دارد از سنت من پیروی کند (پس ازدواج نماید) چرا که از جمله سنت من ازدواج است.[4]

۱۸۲۲). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **ركعتان يصليهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصليها أعزب** » دو رکعت نمازی که شخص متأهل بجا می آورد، برتر از هفتاد رکعتی است که شخص بی همسر بجا می آورد.[5]

---

[1] کافی، ج۵، ص۳۰۰، ح۵.

[2] کافی، ج۵، ص۱۹۷، ح۴.

[3] کافی، ج۵، ص۱۹۶، ح۱.

[4] کافی، ج۵، ص۱۹۷، ح۵.

[5] کافی، ج۵، ص۱۹۷، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۲۵۰، ح۴۳۴۶. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۲۸۶، ح۱.

۱۸۲۳). حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند: « **لركعتان يصليهما متزوج أفضل من رجل عزب يقوم ليله ويصوم نهاره** » دو رکعت نمازی که شخص متأهل بجا آورد، بهتر از مرد بی همسری است که شبهایش را به عبادت بپردازد و روزها را روزه بگیرد.[1]

۱۸۲۴). امام کاظم ؑ فرمودند: مردی نزد پدرم امام صادق ؑ آمد و آن حضرت به او فرمود: آیا زن داری؟

گفت: نه.

پدرم فرمود: دوست ندارم دنیا و آنچه که در آن است، مال من باشد، ولی شبی را در حالی بگذارانم که همسری نداشته باشم.

آنگاه فرمود: دو رکعت نمازی که مرد همسر دار بجا آورد بهتر از مرد بی همسری است که شب تا صبح نماز بخواند و روزش را روزه بگیرد.

سپس پدرم هفتاد دینا به او پرداخت و فرمود: با این پول ازدواج کن.

آنگاه پدرم فرمود: رسول خدا ﷺ فرمودند: همسر اختیار کنید چون برای جلب روزی شما بهتر است.[2]

۱۸۲۵). رسول خدا ﷺ فرمودند: « **ما استفاد امرء مسلم فائدة بعد الاسلام أفضل من زوجة مسلمة تسره أذا نظر إليها وتطيعه إذا أمرها وتحفظه إذا غاب عنها في نفسها وماله** » مرد مسلمان پس از اسلام، از چیزی همانند زن مسلمانی استفاده نبرده است که هرگاه به او نظر کند باعث شادی و سرور او شود، و هنگامی که او را فرمان دهد اطاعتش کند، و در عدم حضورش از مال و آبروی او محافظت نماید.[3]

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۰،ح۴۳۴۷.

[2] کافی،ج۵،ص۱۹۷،ح۶. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۲۸۶،ح۳.

[3] کافی،ج۵،ص۱۹۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۲۸۷،ح۴.

۱۸۲۶). همچنین فرمودند: « **إن أراذل موتاكم العزاب** » فرومایه ترین مردگان تان بی همسرانند، (آنان که زنی اختیار نکردند).[۱]

۱۸۲۷). همچنین فرمودند: « **أكثر أهل النار العزاب** » بیشترین اهل جهنم مجردانند (زیرا که ریشه اکثر گناهان در شهوت است).[۲]

بیان: مرحوم علامه بزرگوار مجلسی اول ﷺ در شرح حدیث مذکور می گوید: این حدیث دلالت بر حرمت مجرد بود و وجوب ازدواج ندارد، زیرا که عقل بر منع نمودن نفس از انجام منکرات کافی است، مگر زمانی که انسان خودش بداند که در برابر شهوت مقاومت کرده نمی تواند که در این صورت ازدواج از باب مقدمه واجب می شود، چنانچه که اصحاب فرموده اند.[۳]

صفات پسندیده و ناپسند زنان

آیات:

« **وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً** » و کسانی که می گویند: پروردگارا! همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را پیشوایی برای پرهیزگاران گردان.[٤]

« **إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ** » این از مکر و حیله شما زنان است، که مکر و حیله شما زنان، بزرگ است.[٥]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۰،ح۴۳۴۸. کافی،ج۵،ص۱۹۷،ح۳.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۱،ح۴۳۴۹.

[۳] روضه المتقین،ج۱۳،ص۱۰۹.

[٤] سوره فرقان، آیه۷۴.

[٥] سوره یوسف، آیه۲۸.

« إِنْ تَتُوبا إِلَى اللهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلائِكَةُ بَعْدَ ذالِكَ ظَهِيرٌ * عَسى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْواجاً خَيْراً مِنْكُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ ثَيِّباتٍ وَ أَبْكاراً » اگر شما دو (عایشه و حفصه) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) که دلهایتان منحرف گشته، و اگر بر ضدّ پیامبر صلی الله علیه وآله دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و صالح مؤمنان (یعنی امیرالمومنین علیه السلام)، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند* اگر پیامبر صلی الله علیه وآله شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کننده، عبادت کار، هجرت کننده، زنانی غیر باکره و باکره.[1]

روایات:

۱۸۲۸). ابراهیم کرخی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: همسرم از دنیا رفت و او با من خوش رفتار بود و تصمیم گرفته ام که ازدواج کنم.

حضرت فرمودند: بنگر که خود را کجا قرار می دهی، چه کسی را در ثروتت شریک می گردانی و از دین خود آگاه می کنی و راز خود را به او می نمایانی. اگر ناگزیری که این کار را انجام دهی، پس همسری بگیر که با کره باشد و از او بخوبی یاد کنند و خوش اخلاقی او معروف باشد و بدان که زنان آنگونه اند که (شاعر) گفته است:

ألا إن النســاء خلقــن شــتى * فمنهن الغنيمةُ والغرام
ومــنهن الحــلال إذا تجلــى * لصاحبه ومنهن الظلام
فمــن يظفــر بصــالحهن يسـعد * ومن يغبن فليس له انتقام

بدان که زنان با ویژگی های متفاوتی آفریده شده اند، برخی از آنها سودمند و عده ای زیان بارند. برخی از آنها هنگام نور افشانی برای شوهرشان همانند ماهند و بعضی چون تاریکی. پس

[1] سوره تحریم، آیه۴و۵.

هرکسی به زن شایسته ای دست یابد خوشبخت است، و کسی که ضرر بکند و فریب به خـورد، زندگی او گسیخته و نمی تواند جبران کند.

سپس حضرت فرمودند: زنان سه دسته اند: زنی که بسیار بچه زا، مهربان که شوهرش را در کارهایی دنیایی و آخرتی اش یاری می دهد و روزگار را بر او نمی شوراند.

زنی که نازاست نه زیبایی دارد و نه خوش اخلاق است، و شوهرش را در انجام کارهای شایسته یاری نمی دهد.

زنی که صدایش بلند است، و بسیار از خانه بیرون می رود و بر می گردد، بسیار عیب جوست، فراوان را اندک می شمارد و اندک را نمی پذیرد.[1]

۱۸۲۹). جابر بن عبدالله می گوید: روزی نزد پیامبر ﷺ نشسته بودیم که فرمودند: به راستی که بهترین زنان شما زنی است که بسیار بچه زا، مهربان و دوست داشتنی، پاک دامن باشد، در خاندانش عزیز ومحترم، و نسبت به شوهرش فزونی باشد، خود را برای همسرش بیاراید ولی نسبت به مردان دیگر کناره گیر و پاکن دامن باشد، گفتار شوهرش را بشنود و از خواسته اش اطاعت کند، و هنگامی که با او تنها می شود هرچه از او بخواهد انجام دهد، ولی همانند مردان آرایش را رها نمی کند.[2]

۱۸۳۰). امام رضا ﷺ فرمودند: امیرالمومنین ﷺ فرمودند: بهترین زنان شما زنی است که پنج ویژگی داشته باشد.

عرض شد: ای امیرالمومنین ﷺ آن پنج ویژگی کدامند؟

فرمودند: فرو تن وآرام، نرم خو، فرمان بردار شوهرش باشد، اگر همسرش خشمگین شد پلک بر هم ننهد تا او راضی شود، و هنگامی که شوهرش نزد او نیست به او سخت نگیرد، چنین زنی

---

[1] کافی،ج۵،ص۱۹۳،ح۳. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۲،ح۴۳۵۸. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۳،ح۵۵۸.

[2] کافی،ج۵،ص۱۹۴،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۵،ح۴۳۶۸. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۱،ح۵۵۴.

کارگزاری از کارگزان الهی است، و کارگزار الهی هیچ گاه شکست نمی خورد.[۱]

۱۸۳۱). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین زنان شما کسی است که غذای نیکو بپزد، خشبو باشد، آنگاه که انفاق می کند به شایستگی انفاق کند، و وقت خوداری به نیکی خوداری کند، چنین زنی از کارگزاران الهی است و کارگزار الهی شکست نمی خورد.[۲]

۱۸۳۲). و همانند این از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.[۳]

۱۸۳۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « **أفضل نساء أمتي أصبحهن وجها وأقلهن مهرا** » پر فضیلت ترین زنان امت من زنانی هستند که چهر ه آنها زیبا و مهریه آنها اندک است.[٤]

۱۸۳۵). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا زن (همانند) گردنبدنی است، پس به کسی که می خواهی به گریبان خود بیاویزی به خوبی بنگر. زن قیمت ندارد، نه صالح اش قیمت دارد و نه بدش، قیمت زنان صالح ، قیمت طلا و نقره نیست، بلکه بهتر از طلا و نقره هستند، و درباره زنان بد حتی خاک را نمی توان به عنوان بهای آن داد، بلکه خاک از زنان بد بهتر است.[٥]

۱۸۳۶). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: توجه کنید که شما را نسبت به بدترین زنانتان گزارش می دهم: زنی که در خاندانش خاکسار، و نسبت به شوهرش (پر جرأت) و عزتمند باشد، و نازا و کینه توزی که از کار زشت خوداری نمی کند، در غیاب همسرش خود را آرایش می کند و در معرض دید قرار می دهد، و آنگاه که او بیاید در برابر او خود را کنار می کشد و پاکدامن می شود، گفتارش را نمی شنود و خواسته اش را برآورده نمی کند، و آنگاه که شوهرش به او خلوت می کند، همان گونه که مرکب وحشی از سوار شدن کسی بر پشتش خوداری می کند، این زن

---

[۱] کافی،ج۵،ص۱۹۴،ح۵.

[۲] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۷.

[۳] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۶.

[٤] کافی،ج۵،ص۱۹۴،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۲،ح۴۳۵۴.

[٥] کافی،ج۵،ص۱۹۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۴،ح۵۶۱.

نیز از شوهرش خوداری می کند، هیچ عذر و بهانه ای از شوهرش را نمی پذیرد، و هیچ گناه و اشتباهی از او را نمی بخشد.[١]

١٨٣٧). همچنین آن حضرت ﷺ فرمودند: بدترین زنان شما زن نازا، کثیف، لج باز و نافرمان است که در قوم خود فروتن و در مورد خودش عزتمند و پرجرأت است، خود را از شوهرش نگاه دارد و در برابر او پاک دامن ولی با دیگران همراهی کند.[٢]

١٨٣٨). امام صادق علیه السلام فرمودند: از دعای رسول خدا ﷺ این بود: « **أعوذ بك من امرأة تشيبني قبل مشيبي** » (بارالها) از زنی که پیش از زمان پیری ام (از شدت آزار و اندوه) مویم را سپید کند، به تو پناه می برم.[٣]

١٨٣٩). اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمومنین علیه السلام شنیدم که می فرمودند: « **يظهر في آخرالزمان واقتراب الساعة وهو شر الازمنة نسوة كاشفات عاريات، متبرجات من الدين، داخلات في الفتن، مائلات إلى الشهوات، مسرعات إلى اللذات، مستحلات للمحرمات، في جهنم خالدات** » در آخرالزمان نزدیک قیامت زنانی ظاهر شوند: بی حجابان برهنگان، خود آراستگان برای غیر شوهران، رها کردگان آئین، داخل شدگان در آشوبها، مایل بسوی شهوات، شتاب کنندگان بسوی لذات و خوشگذرانی ها، حلال شمارندگان محرمات الهی و وارد شوندگان و خالد در آتش دورخ.[٤]

١٨٤٠). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **أغلب الاعداء للمؤمن زوجة السوء** » بدترین دشمن برای مومن، زن بد (و بد رفتار) است.[٥]

---

[١] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۶،ح۴۳۷۶.

[٢] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۲.

[٣] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۶،ح۴۳۷۴.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۰،ح۴۳۷۰

۱۸۴۱). امام صادق عليه‌السلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: مردی نزد امیرالمومنین عليه‌السلام از زنانش شکایت آورد. حضرت به سخنرانی پرادخت و فرمود: ای مردم در هیچ صورت از زنان خود پیروی نکنید و بر مالی امین نشمارید و نگذارید کارهای زندگی را مدیریت کنند، زیرا که اگر آنان را در مورد کارهایی که می خواهند انجام بدهند رها کنید به بدبختی می افتند و از مالک سرپیچی می کنند، زیرا که ما دیده ایم که آنان در زمان نیاز هایشان هیچ پروایی ندارند و هنگام شهوتشان صبوری نمی کنند. خودنمایی در کار آنان است، هرچند پیر شده باشند و خود خواهی همراهشان است حتی اگر ناتوان گردند. خشنودی آنان را در میل جنسیشان است. زیاد اهل سپاس نیستند و اگر از چیز اندکی بازداشته شوند خوبی را فراموش می کنند و شر را در یاد می دارند. گرفتار بهتان هستند و در سرکشی غوطه ور و در خدمت شیطان اند. در هر حال با آنان مدارا کنید و برای اینکه رفتارشان نیکو گردد با آنان به نیکی سخن بگویید.[۱]

افرادی که ازدواج با آنها مستحب یا مکروه است

۱۸۴۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: « **خیر نساء رکبن الرحال نساء قریش أحناه علی ولد و خیرهن لزوج** » بهترین زنانی که به خانه شوهر رفته اند، زنان قریش هستند، از بچه بخوبی سرپرستی می کنند، و با شوهر بهترین رفتار را دارند.[۲]

۱۸۴۳). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: بهترین زنان شما زنان قریشی هستند که نسبت به شوهرانشان مهربان تر و نسبت به فرزندانشان دلسوز تر هستند. برای شوهرش مجون، و با دیگران کناره گیر و پاکدامن هستند.

عرض کردیم: مُجون یعنی چه؟

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۶۷،ح۴۹۰۰.

[۲] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۱.

فرمودند: زنی که خود را کنار نمی کشد و به خواسته شوهرش تن می دهد.[١]

۱۸۴۴). رسول اکرم ﷺ فرمودند: « **من سعادة المرء الزوجة الصالحة** » از سعادت و خوشبختی مرد، زن صالح و شایسته است.[٢]

۱۸۴۵). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز از راحتی مومن است: خانه بزرگ وسیعی که عیب او را بپوشاند و تنگدستی اش را از دید مردم پنهان دارد، زن شایسته ای که او را در امور دنیا و آخرتش یاری دهد و (داشتن) دختری که او را یا با مرگش و یا با شوهر دادنش از خانه بیرون کند.[٣]

۱۸۴۶). رسول الله ﷺ فرمودند: با خانواده ای که همانند خودتان هستند ازدواج کنید، و برای نطفه های خود (زن خوب انتخاب) نمائید.[٤]

۱۸۴۷). همچنین فرمودند: با خانواده ای که همانند خودتان هستند ازدواج کنید، زیرا که دایی یکی از دو ملازم است.[٥]

۱۸۴۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الشجاعة في أهل خراسان، والباقي أهل بربر، والسخاء والحسد في العرب، فتخيروا لنطفكم** » شجاعت و دلیری در اهل خراسان است، و شهوت و غریزه جنسی در اهل بربر (طائفه ای در سودان اند)، و جود و کرم، و رشک و حسد در عرب، پس توجه کنید برای داشتن فرزند چه کسی را انتخاب می کنید.[٦]

۱۸۴۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **إذا تزوج الرجل المرأة لمالها أو جمالها لم يرزق ذلك، فان تزوجها لدينها رزقه الله عزوجل جمالها ومالها** » هرگاه مردی زنی را برای مال یا

---

[١] کافی،ج۵،ص۱۹۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۶،ح۵۷۳.

[٢] کافی،ج۵،ص۱۹۶،ح۴.

[٣] کافی،ج۵،ص۱۹۶،ح۶.

[٤] کافی،ج۵،ص۱۹۹،ح۳.

[٥] کافی،ج۵،ص۱۹۹،ح۲.

[٦] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۰۹،ح۴۶۴۸.

جمالش به همسری اختیار کند بهره ای نصیبش نخواهد شد، و اگر برای دینش به همسری اختیار کند، خداوند عزوجل جمال و مال نیز نصیب او خواهد کرد.[۱]

۱۸۵۰). و نیز فرمودند: « **من تزوج امرأة يريد مالها ألجأه الله إلى ذلك المال** » کسی که با زنی به جهت ثروت او ازدواج کند، خداوند او را به همان ثروت می سپارد.[۲]

۱۸۵۱). پیامبر خدا ﷺ فرمودند: کسی که با زنی به جهت مال و ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان می سپارد، کسی که با زنی به جهت زیبایی او ازدواج کند در او چیزی خواهد که خوشایندش نباشد و کسی که با زنی به جهت دینش ازدواج نماید خداوند هر دو را برای او جمع خواهد نمود.[۳]

۱۸۵۲). امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: کسی که برای خدا و نیز صله رحم ازدواج کند، خداوند او را بتاج پادشاهی و افتخار تاجدار نماید.[٤]

۱۸۵۳). رسول اکرم ﷺ فرمودند: « **تزوجوا بكرا ولودا ولاتزوجوا حسناء جميلة عاقرا فإني اباهي بكم الامم يوم القيامة** » با زن باکره ای که بسیار می زاید ازدواج کنید، و با زن نیک روی زیبایی که نازا است ازدواج نکنید، زیرا که در روز قیامت به فروانی شما بر دیگر امت ها مباهات می کنم.[٥]

۱۸۵۴). و در حدیثی دیگر آن حضرت ﷺ فرمودند: با زنان باکره ازدواج کنید، زیرا دهان آنها از هر چیزی پاکیزه تر و خشبوتر است.[٦]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۷،ح۴۳۸۰. کافی،ج۵،ص۱۹۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۵،ح۵۶۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۱۹۹،ح۲.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۱،ح۵۵۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۲،ح۴۳۵۵.

[٥] کافی،ج۵،ص۲۰۰،ح۲.

[٦] کافی،ج۵،ص۲۰۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۲،ح۵۵۵.

۱۸۵۵). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: زوجه ای اختیار کن که گندمگون، سیاه چشم، بزرگ سرین، میانه قد باشد و چنانچه نپسندی و از او لذت نبردی صداق و مهریه اش بعهده من.[۱]

۱۸۵۶). و در حدیثی دیگر آمده است که: رسول خدا صلى الله عليه وآله چون به خواستگاری زنی می فرستاد می فرمود که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد و غوزک پایش پرگوشت باشد.[۲]

۱۸۵۷). حضرت رضا عليه السلام فرمودند: « **من سعادة الرجل أن يكشف الثوب عن امرأة بيضاء** » از سعادت مرد است که زن سفیدی داشته باشد.[۳]

۱۸۵۸). رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند: « **تزوجوا الزرق فإن فيهن اليمن** » با زنان چشم آبی ازدواج کنید، زیرا که در آنها برکت است.[٤]

۱۸۵۹). و در حدیثی دیگر فرمودند: « **إذا أراد أحدكم أن يتزوج فليسأل عن شعرها كما يسأل عن وجهها فإن الشعر أحد الجمالين** » هرگاه یکی از شما بخواهد همسر اختیار کند از مویش بپرسد چنانچه که از رویش می پرسد، زیرا که نصف حسن و زیبایی مو است.[٥]

۱۸۶۰). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: « **من شرب الخمر بعد ما حرمها الله على لساني فليس بأهل أن يزوج إذا خطب** » هرکس شراب بخورد بعد از آنکه خداوند متعال حرام بودم آن را بر زبان من جاری نمود، شایستگی و اهلیت ندارد که اگر خواستگاری کرد، به او زن داده شود.[٦]

۱۸۶۱). و فرمودند: « **شارب الخمر لايزوج إذا خطب** » هرگاه شراب خواری به

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۴،ح۴۳۶۲. کافی،ج۵،ص۲۰۱،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۵،ح۵۶۴.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۴،ح۴۳۶۳. کافی،ج۵،ص۲۰۱،ح۴.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۰۱،ح۷.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۰۱،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۳،ح۴۳۶۱.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۴،ح۴۳۶۴.

[٦] کافی،ج۵،ص۲۰۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۵۹،ح۵۴۶.

خواستگاری آمد، به او زن داده نمی شود.[1]

۱۸۶۲). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: کسی که دختر خود را به شراب خوار بدهد، در واقع رحم خویش را قطع کرده است.[2]

بیان: مرحوم علامه قدس‌سره در **مرآة العقول** گفته است: (این احادیث) بر نهی از همسر دادن به شخص شراب خوار دلالت می کند، لکن مشهور علما آن را حمل بر کراهت کرده اند.[3] و در **ملاذ الأخيار** فرموده است که: گرچه ظاهر بعضی از روایات دلالت بر حرمت دارد ولی بر کراهت حمل شده است برای ضعفی که در اسانید آنها است و همچنین عمومیت سایر روایات که اسلام و قدرت بر نفقه دادان را برای ازدواج کافی دانسته اند.[4]

۱۸۶۳). حسین بن بشار واسطی گوید: « **كتبت إلى أبي الحسن الرضا عليه‌السلام أن لي قرابة قد خطب إلي ابنتي وفي خلقه سوء فقال: لا تزوجه إن كان سيئ الخلق** » طی نامه ای به امام رضا عليه‌السلام نوشتم: یکی از بستگان من دختر مرا خواستگاری کرده و کمی تند خو است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اگر اخلاقش خوب نیست به او زن مده.[5]

۱۸۶۴). امیرالمومنین عليه‌السلام فرمودند: « **إياكم وتزويج الحمقاء فإن صحبتها بلاء وولدها ضياع** » از ازدواج با زن کم عقل برحذر باشید، زیرا مصاحبت با او بلا و فرزند او تباه است.[6]

۱۸۶۵). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **زوجوا الاحمق ولاتزوجوا الحمقاء فإن الاحمق ينجب والحمقاء لاتنجب** » به مرد کم عقل زن بدهید ولی با زن کم عقل ازدواج نکنید، زیرا که

---

[1] کافی،ج۵،ص۲۰۹،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۵۹،ح۵۴۸.

[2] کافی،ج۵،ص۲۰۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۵۹،ح۵۴۷.

[3] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص ۴۹.

[4] ملاذ الأخيار، في فهم تهذيب الأخبار، ج۱۲،ص۳۱۸.

[5] من لایحضره الفقيه،ج۳،ص۲۶۸،ح۴۴۲۸.

[6] کافی،ج۵،ص۲۱۳،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۶۸،ح۵۷۹.

مرد کم عقل با نجابت است، ولی زن کم عقل نجابت ندارد.[١]

١٨٦٦). محمد بن مسلم گوید: یکی از اصحاب از امام باقر عليه السلام پرسید: مرد مسلمانی به زن زیبایی که دیوانه است علاقه دارد آیا به صلاحش است با آن زن ازدواج کند؟

فرمودند: نه، اما اگر کنیز دیوانه دارد، ایرادی ندارد که با او آمیزش نماید ولی از او فرزند نخواهد.[٢]

در آداب نکاح و ارادهٔ آن

١٨٦٧). امام باقر عليه السلام فرمودند: هرگاه کسی ارادهٔ خواستگاری نماید دو رکعت نماز بخواند و حمد الهی بگوید و این دعا را بخواند: « **اللهم إني أريد أن أتزوج فقدرلي من النساء أعفهن فرجا وأحفظهن لي في نفسها ومالي وأوسعهن رزقا وأعظمهن بركة وقدرلي ولدا طيبا تجعله خلفا صالحا في حياتي وبعد موتي** ».[٣]

١٨٦٨). محمد بن مسلم می گوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أينظر إليها؟ قال: نعم إنما يشتريها بأغلا الثمن** » از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی که خواستگاری می کند، رواست که عروس را ببیند؟ آری او را با بهای گران می خرد (چرا نبیند؟).[٤]

١٨٦٩). حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا بأس بأن ينظر إلى وجهها ومعاصمها إذا أراد أن يتزوجها** » در صورتی که انسان تصمیم ازدواج دارد، می تواند صورت و دستهایی عروس را ببیند.[٥]

---

[١] کافی،ج۵،ص٢١٣،ح٢. تهذیب الاحکام،ج٧،ص۴۶٨،ح ۵٨٠. من لایحضره الفقیه،ج٣،ص٣٧٩،ح۴٩٢٩.

[٢] کافی،ج۵،ص٢١٣،ح٣. تهذیب الاحکام،ج٧،ص۴۶٩،ح۵٨١.

[٣] کافی،ج۵،ص٣٠٢،ح٣. من لایحضره الفقیه،ج٣،ص٢۵٨،ح۴٣٨٧.

[٤] کافی،ج۵،ص٢٢٠،ح١.

[٥] کافی،ج۵،ص٢٢٠،ح٢.

۱۸۷۰). حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: « **من السنة التزويج بالليل لان الله جعل الليل سكنا والنساء إنما هن سكن** » سنت است که ازداج در شب واقع شود، زیرا که خداوند شب را برای آرامش قرار داده است و زنان در حقیقت خودشان آرامش دهنده می باشند.[۱]

۱۸۷۱). ضریس بن عبدالملک گوید: وقتی به امام باقر علیه السلام خبر رسید که مردی در هوای گرم ظهر زنی را به عقد در آورده فرمودند: گمان نمی کنم آنها به توافق (و اُلفت) برسند، پس آنها از هم جدا شدند.[۲]

۱۸۷۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: ای علی ولیمه دادن جز در پنج چیز مناسب نباشد: ازدواج نمودن، تولد فرزند، ختنه، خرید خانه و آمدن از مکه.[۳]

۱۸۷۳). همچنین فرمودند: از آداب پیامبران ولیمه دادن هنگام ازدواج است.[٤]

۱۸۷۴). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **من تزوج والقمر في العقرب لم ير الحسنى** » هرکسی ازدواج کند و قمر در عقرب باشد، عاقبت نیکو نبیند.[٥]

خطبه نکاح

۱۸۷۵). امام جواد علیه السلام در هنگام ازدوج با دختر مأمون این خطبه را خواندند: « **الحمد لله إقرارا بنعمته ولا إله إلا الله إخلاصا بوحدانيته وصلى الله على محمد سيد بريته وعلى الاصفياء من عترته . أما بعد فقد كان من فضل الله على الانام أن أغناهم بالحلال عن الحرام ، فقال سبحانه : " وأنكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا فقراء**

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۲۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۸۲،ح۶۳۲.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۲۱،ح۱.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۵۷.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۲۱،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۲،ح۵۹۰.

[٥] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۰،ح۵۸۷.

يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ».[1]

صیغه ازدواج دائم

۱۸۷۶). امام جواد عليه السلام در هنگام ازدواج با دختر مأمون بعد از ایراد خطبه به مأمون فرمودند: محمد بن علی بن موسی عليه السلام ام فضل دختر عبدالله مأمون را خواستگاری می کند و مهر او را به اندازه مهر جدهٔ خود حضرت زهرا عليها السلام که پانصد درهم بود قرار می دهد و می فرماید: ای امیرالمومنین با این مبلغ مهریه، دختر خود را به ازدواج من در می آوری؟

مأمون گفت: « **نعم ، قد زوجتك يا أبا جعفر أم الفضل بنتي على الصداق المذكور ، فهل قبلت النكاح** » یعنی بله، ای ابا جعفر ام فضل دخترم را با این مهریه، به ازدواج تو در آوردم، آیا شما این ازدواج را قبول نمودی؟

امام جواد عليه السلام فرمودند: « **نعم قبلت النكاح ورضيت به** » بله ازدواج را قبول کردم و به آن راضی شدم.[2]

سایر احکام عقد

۱۸۷۷). فضیل بن یسار، محمد بن مسلم،زراره و برید عجلی می گویند: امام باقر عليه السلام فرمودند: « **المرأة التي قد ملكت نفسها غير السفيهة ولا المولي عليها إن تزويجها بغير ولي جائز** » زنی که صاحب اختیار خود باشد، در صورتی که سفیه نیست و و سرپرستی برای او نباشد، خودش می تواند ازدواج کند.[3]

---

[1] احتجاج،ج۱،ص۴۴۳. مکارم الاخلاق،ص۲۰۶.

[2] احتجاج،ج۱،ص۴۴۳. مکارم الاخلاق،ص۲۰۶.

[3] کافی،ج۵،ص۲۳۶،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۰،ح۴۳۹۷.

۱۸۷۸). امام صادق علیه السلام درباره مردی که می خواهد خواهرش را به کسی تزویج کند فرمودند: « **يؤامرها فإن سكتت فهو إقرارها، وإن أبت لم يزوجها، فإن قالت: زوجني فلانا فليزوجها ممن ترضى، واليتيمة في حجر الرجل لا يزوجها إلا ممن ترضى** » با او در میان بگذارد و از خود او نظر بخواهد، اگر سکوت کرد و خاموش ماند پس سکوت به منزله اقرار اوست، و چنانچه امتناع ورزید پس تزویج اش نکند، و اگر درخواست کرد که مرا به همسری فلان شخص در آور، وی را بهمان شخص تزویج کند، و دختر یتیمی که تحت سرپرستی کسی است نباید او را بزوجیت کسی در آورد مگر با اذن و اجازه خود او.[۱]

۱۸۷۹). عبدالخالق بنانی کوفی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زن بیوه می تواند بدون از پدر، شوهر اختیار کند؟

فرمودند: خود اختیار خویش را بیش از دیگران دارد، و هرکس که هم کفو و همانند باشد می تواند به شوهری خود انتخاب نماید، البته می بایست شوهری داشته و بطلاق یا مرگ از هم جدا شده باشند.[۲]

۱۸۸۰). امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لاينقض النكاح إلا الاب** » جز پدر دختر کسی نمی تواند ازدواج را باطل کند.[۳]

۱۸۸۱). امام کاظم علیه السلام فرمودند: سکوت دختر باکره نشانه رضایت اوست، و زن بیوه اختیار با خود اوست.[٤]

۱۸۸۲). و در حدیث ازدواج حضرت زهرا علیها السلام وارد شده است که وقتی امیرالمومنین علیه السلام ایشان را از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری نمود، حضرت فرمود: یا علی! قبل از تو چند نفر از مردان،

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۰،ح۴۳۹۶. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۴۶،ح۵۰۷.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۰،ح۴۳۹۵.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۳۷،ح۸.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۳۸،ح۸.

این تقاضا را داشتند، ولی هر گاه من به فاطمه می گفتم اظهار بی میلی می کرد، شما چند لحظه ای صبر کن تا من نزد او بروم و برگردم.

هنگامی که رسول خدا ﷺ نزد فاطمه اطهر علیها السلام رفت، آن بانو از جای برخاست و عبای پدر خود را گرفت و نعلین های آن حضرت را درآورد و با آب، پاهای آن حضرت را با دستهای خود شستشو داد، آنگاه نشست.

پیامبر فرمود: ای فاطمه!

عرض کرد: بله یا رسول الله!

فرمود: علی بن ابی طالب کسی است که تو قرابت و فضیلت و سبقت در اسلام وی را میدانی، من از خدای سبحان خواسته ام که تو را برای بهترین و محبوبترین خلق خود تزویج کند. علی درباره ازدواج با تو گفتگویی نموده، تو چه صلاح میدانی؟

فاطمه اطهر ساکت شد و صورت خود را از پیغمبر خدا ﷺ برنگردانید.

رسول خدا ﷺ رضایت حضرت فاطمه علیها السلام را، از صورتش دریافت لذا برخاست و فرمود: « **الله أكبر سكوتها إقرارها** » الله اكبر، سکوت فاطمه دلیل بر رضایت وی خواهد بود...[1]

۱۸۸۳). محمد بن اسماعیل می گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم: دختر نابالغی به وسیله پدرش شوهر داده می شود، و بعد پدر می میرد درحالی که دختر هنوز بالغ نشده است. موقعی که این دختر بالغ می شود و هنوز به خانه زفاف نرفته باشد، آیا تزویج پدر قاطعیت دارد؟ فرمودند: تزویج پدر قاطعیت دارد و باید تسلیم شود.[2]

۱۸۸۴). عبدالله بن صلت می گوید: « **سألت أباالحسن الرضا** علیه السلام **عن الجارية الصغيرة يزوجها أبوها ألها أمر إذا بلغت؟ قال: لا ليس لها مع أبيها أمر** » از امام رضا علیه السلام پرسیدم:

---

[1] امالی شیخ طوسی،ج۱،ص۳۸.

[2] کافی،ج۵،ص۲۳۸،ح۹. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۹،ح۴۳۹۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۴۱،ح۴۹۸.

دختر کوچکی که پدرش او را شوهر می دهد آیا می تواند به هنگام بلوغ مخالفت کند؟ فرمودند: نه دختر با وجود پدر اختیاری ندارد.[1]

۱۸۸۵). ابن ابی یعفور می گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **لا تزوج ذوات الاباء من الابکار إلا بإذن آبائهن** » دختران باکره را که پدرشان در قید حیاتند، بدون اذن پدر به همسری اختیار مکن.[2]

۱۸۸۶). حلبی گوید: امام صادق علیه‌السلام در مورد دختری که پدرش او را بدون رضایتش تزویج می کند فرمودند: دختر در برابر پدر اختیاری ندارد، اگر او را به عقد کسی در آورد چنین عقدی جایز است حتی اگر دختر راضی نباشد.

همچنین از حضرتش علیه‌السلام درباره مردی که می خواهد خواهرش را به عقد دیگری در بیاورد، پرسیدند؟

فرمودند: با او مشورت می کند اگر ساکت شد نشان اقرار است و اگر قبول نکرد تزوج او جایز نیست.[3]

بیان: این حدیث دلالت بر استقلال پدر و عدم ولایت برادر در ازدواج دارد.

۱۸۸۷). محمد بن مسلم گوید: امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام فرمودند: « **لا تستأمر الجارية إذا كانت بين أبويها ليس لها مع الاب أمر وقال: يستأمرها كل أحدما عدا الاب** » از دختری که پدر و مادر دارد (یا پدر و جدّ دارد) نمی توان کسب تکلیف کرد، زیرا با وجود پدر اختیاری ندارد. و فرمودند: هرکس که بخواهد که دختری را شوهر دهد باید از او اجازه بگیرد مگر پدرش.[4]

---

[1] کافی، ج۵، ص۲۳۷، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۴۴۱، ح۴۹۷.

[2] کافی، ج۵، ص۲۳۷، ح۱. من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۲۵۹، ح۴۳۹۰. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۴۳۸، ح۴۸۸.

[3] کافی، ج۵، ص۲۳۷، ح۴.

[4] کافی، ج۵، ص۲۳۷، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۴۴۰، ح۴۹۴. الاستبصار، ص۵۹۴، ح۴.

۱۸۸۸). به امام صادق علیه السلام گفته شد: اگر پدر دختر دامادی را انتخاب کند و پدر بزرگ دختر داماد دیگر را، تکلیف دختر چیست؟

فرمودند: اگر جدّ (پدر بزرگ) قصد ضرری نداشته باشد، اولویت با اوست، در صورتی که پدر قبلا او را شوهر نداده باشد، و تزویج پدر و جدّ هر دو بر دختر قاطعیت دارد.[۱]

بیان: این حدیث دلالت بر ولایت پدر و جدّ دارد، و در هنگام تعارض اولویت با جدّ است، چنانچه مرحوم علامه رحمه الله و غیر ایشان ذکر کرده اند.[۲]

۱۸۸۹). محمد بن مسلم می گوید: یکی از دو امام علیهما السلام فرمودند: اگر مردی دختر پسرش را شوهر بدهد، بر پسرش لازم است که ازدواج آنان را بپذیرد، البته پدر نیز می تواند دختر خود را شوهر دهد.

گفتم: اگر پدر دختر جوانی را به دامادی بپسندد و جدّ (پدر بزرگ) دختر، جوان دیگری را شایسته بداند، تکلیف دختر چیست؟

فرمودند: جدّ (پدر بزرگ) دختر به انتخاب شوهر اولویت دارد.[۳]

۱۸۹۰). ابن ابی یعفور می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: من علاقه دارم با زنی ازدواج کنم، و پدر و مادرم خانم دیگری را برایم در نظر گرفته اند، تکلیف من چیست؟

فرمودند: با آن زنی که علاقه و تمایل داری ازدواج کن و از آن زنی که پدر و مادرت تمایل دارند، صرف نظر کن.[٤]

۱۸۹۱). هشام بن ابراهیم مشرقی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مردی زنی را خواستگاری می کند به مزاح و شوخی وی را بر خود عقد می نماید و زن با وی مزاح می کند و

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۳۸،ح۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۷،ح۴۳۹۲.

[۲] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۰، ص ۱۳۱.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۳۸،ح۲.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۴۲،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۵۶،ح۵۲۵.

از زن می پرسند در تو به عقد او درآمدی، میگوید: آری.

فرمودند: چیزی نیست و با مزاح و بدون قصد عقد واقع نخواهد شد.

گوید: عرض کردم: با آن زن مرد می تواند ازدواج کند؟

فرمودند: آری.[۱]

عیبهایی که به واسطه آنها می شود عقد را به هم زد

اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این شش عیب را داشته است، می تواند به واسطه آن عقد را به هم بزند: **اوّل:** دیوانگی، **دوّم:** جذام، **سوّم:** مرض برص (پیسی) **چهارم:** کوری. **پنجم:** فلج بودن، **ششم:** آنکه در رحم او عیبی باشد که مانع از نزدیکی یا آبستن شدن شود.

۱۸۹۲). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **المرأة ترد من أربعة أشياء من البرص والجذام والجنون والقرن وهو العفل مالم يقع عليها فإذا وقع عليها فلا** » عروس در اثر چهار چیز به خانه اش بر می گیردد: پیسی، جذام، دیوانگی و اینکه در رحمش غده ای باشد که مانع از کامگیری شود، مادامی که شوهرش با همسر همبستر نشده باشد، و اگر همبستر شده باشد، (ازدواج فسخ نمی شود).[۲]

۱۸۹۳). حسن بن صالح می گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: اگر انسان با زنی ازدواج کند و بعد ببیند آن زن مبتلا به بیماری قرن (نوعی ورم رحمی) است. تکلیف آنها چیست؟

فرمودند: این عروس آبستن نمی خواهد شد (و) به خانواده اش برگشت داده می شود. هر زنی که شوهرش از نزدیکی با او به سختی افتد به خانواده اش برگشت داده می شود.

گفتم: در صورتی که با عروس همبستر شده باشد چه صورتی دارد؟

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۷۸،ح۴۴۸۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۴۶،ح۱۶. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۸۰،ح۴۴۹۵.

فرمودند: اگر قبل از مباشرت متوجه شده باشد و با آگاهی با او همبستر شود، این نشانه رضایت اوست (و نمی تواند آن را به خانواده اش برگرداند) و اگر بعد از آمیزش کردن متوجه شود، اگر مایل باشد عروس را نگه می دارد، و اگر تصمیم بگیرد می تواند آن را به خانواده اش برگرداند. و مهریه ای که عروس دریافت کرده است از آن خودش است. در برابر بهره ای که شوهر از او برده است.[۱]

۱۸۹۴). حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام سوال کردم: مردی از قبیله ای زن گرفت، پس از ازداج متوجه شد چشمانش معیوب است، اما آن قبیله او را از آن نقص مطلع نکرده بودند، (تکلیف چیست)؟

فرمودند: « **يرد النكاح من البرص والجذام والجنون والعفل** » ازدواج را در چهار چیز (می توان) فسخ کرد: پیسی، جذام، دیوانگی و اینکه در رحمش غده ای باشد (که مانع از کامگیری شود).[۲]

۱۸۹۵). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند:« **ترد العمياء والبرصاء والجذماء والعرجاء** » اگر زوجه کور و یا مبتلا به بیماری پیسی و یا جذام و یا لنگ باشد، (و مرد آگاهی نداشته و پس از عقد فهمیده است) میتواند نکاح را فسخ کند.[۳]

زنان های که ازدواج با آنان حرام است

آیات:

« **وَ لا تَنْكِحُوا ما نَكَحَ آباؤُكُمْ مِنَ النِّساءِ إِلّا ما قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ ساءَ**

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۴۶،ح۱۷. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۸۱،ح۴۴۹۹.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۴۴،ح۶. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۸۱،ح۴۴۹۸.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۸۱،ح۴۴۹۷.

سَبیلاً» با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، ازدواج نکنید، مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است زیرا این، عملی زشت و تنفّرآور و راه نادرستی است.[۱]

« **حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ وَ عَمّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْأَخِ وَ بَناتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهاتُكُمُ اللّاتي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَةِ وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللّاتي في حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللّاتي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلّا ما قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً * وَ الْمُحْصَناتُ مِنَ النِّساءِ إِلّا ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ كِتابَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَ أُحِلَّ لَكُمْ ما وَراءَ ذالِكُم أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوالِكُمْ مُحْصِنينَ غَيْرَ مُسافِحينَ** » حرام شده است بر شما،مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما هستند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید ـ و چنانچه با آنها آمیزش نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد ـ و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند(نه پسرخوانده ها) و (نیز حرام است بر شما) میان دو خواهر جمع کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است*و زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر آنها را که (در جنگ با کفار اسیر کرده و) مالك شده اید (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرّر داشته است.امّا زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.[۲]

« **وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتامى فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ ذالِكَ أَدْنى أَلّا تَعُولُوا** » واگر می ترسید که

---

[۱] سوره نساء، آیه۲۲.

[۲] سوره نساء،آیه۲۳و۲۴.

(به هنگام ازدواج بادختران یتیم،) عدالت رارعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان (پاک) مورد علاقه خود ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر واگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدّد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالك آنهایید استفاده کنید. این کار، به ترك ظلم و ستم نزدیك تر است.[1]

« **وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ حَتّى يُؤْمِنَّ وَ لَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكينَ حَتّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ وَ اللهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آياتِهِ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** » و با زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید (اگر چه مجبور شوید با کنیزان ازدواج کنید، زیرا) کنیز با ایمان، از زن (آزاد) مشرک، بهتر است هرچند (زیبایی یا ثروت او) توجه شما را به خود جلب کند. و زنان (قوم) خود را به ازدواج مردان مشرک، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید (زیرا) غلام با ایمان، از مرد (آزاد) مشرک، بهتر است هر چند (ثروت یا موقعیّت او) توجه شما یا به خود جلب کند. آنها دعوت به سوی آتش می کنند و خدا به فرمان خود، دعوت به بهشت و آمرزش می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد، تا متذکّر شوند.[2]

روایات:

۱۸۹۶). جابر بن یزید میگوید: « **سألت أبا جعفر** عليه السلام **عن القابلة أيحل للمولود أن ينكحها؟ فقال: لا، ولا ابنتها هي بعض امهاته** » از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند با قابله اش ازدواج کند؟ فرمودند: نه، همچنین با دختر او نیز نمی تواند ازدواج کند، زیرا قابله انسان یکی از مادران اوست.[3]

۱۸۹۷). خدمت امام صادق عليه السلام گفته است: انسان می تواند با قابله اش ازدواج کند؟

---

[1] سوره نساء، آیه۳.

[2] سوره بقره، آیه۲۲۱.

[3] کافی،ج۵،ص۲۷۰،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۸،ح۴۴۳۱. تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۱،ح۷۷۹.

فرمودند: نه، همچنین نمی تواند با دختر قابله اش ازدواج کند.[۱]

بیان: نهی در این احادیث محمول بر کراهت است، چنانچه که خواهد آمد.

۱۹۰۰). محمد بن ابی نصر می گوید: « **قلت: للرضا عليه‌السلام يتزوج الرجل المرأة التي قبلته فقال: سبحان الله ما حرم الله عليه من ذلك** » خدمت امام رضا عليه‌السلام عرض کردم: انسان می تواند با قابله اش ازدواج کند؟ فرمودند: سبحان الله، خداوند آن را بر او حرام نکرده است.[۲]

۱۹۰۱). زراره گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمودند:« **إن رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله قبل الجزية من أهل الذمة على أن لا يأكلوا الربا، ولا يأكلوا لحم الخنزير، ولا ينكحوا الاخوات، ولا بنات الاخ، ولا بنات الاخت، فمن فعل ذلك منهم (فقد) برئت منه ذمة الله وذمة رسوله**» حضرت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله جزیه را بدان شرط از اهل ذمه قبول کرد که ربا، و گوشت خوک نخورند، و خواهران و برادرزادگان و خواهرزادگانشان را به نکاح خود در نیاوردند، پس هر کدام از ایشان که یکی از این امور را انجام داد، ذمه خدا و ذمه پیامبر از او بری است.[۳]

۱۹۰۲). ابو جریر قمی می گوید: « **سألت أبا الحسن عليه‌السلام ازوج أخي من أمي اختي من أبي؟ فقال أبوالحسن عليه السلام: زوج إياها إياه او زوج إياه إياها** » از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: آیا می توانم خواهری را که از پدر دارم برای برادری که از مادر دارم تزویج کنم؟ فرمودند: آن دختر یا برای این پسر تزویج کن، یا فرمودند: برای آن پسر از دختر را تزویج کن.[٤]

۱۹۰۳). رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند: « **يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب** » تمام کسانی که به سبب خویشی و نسب (ازدواج با آنان) حرام شده است، با شیر خوردن نیز حرام می شود.[٥]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۱،ح۷۷۸.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۰،ح۸۸۸. الاستبصار،ص۵۶۰،ح۱.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۲،ص۵۰،ح۱۶۶۹.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۷۶،ح۴۴۷۴.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۲،ح۴۶۶۵.

١٩٠٦). و همانند این به چندین سند از امام صادق عليه السلام نیز روایت شده است.[١]

١٩٠٧). امام کاظم عليه السلام فرمودند: از پدرم درباره کسانی که خداوند ازدواج و نزدیکی با آنها را حرام ساخته و یا پیامبر خدا ازدواج با آنها را حرام نموده سؤال شد؟

فرمودند: کسانی را که خداوند ازدواج و نزدیکی را با آنها را حرام ساخته است، سی و چهار شخص اند که هفده تای آن در قرآن و هفده تای آن در سنت است.

اما آنچه در قرآن آمده: زنی که زنا کرده است که خداوند فرموده « **وَلاَ تَقْرَبُواْ الزِّنَى** » و به زنا نزدیک مشوید.[٢] و نیز ازدواج با زن پدر که خداوند فرمودند: « **وَ لا تَنْكِحُوا ما نَكَحَ آباؤُكُمْ مِنَ النِّساءِ** » با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، ازدواج نکنید.[٣] و « **أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ وَ عَمّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْأَخِ وَ بَناتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهاتُكُمُ اللّاتي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَةِ وَ أُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللاّتي في حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللاّتي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلاّ ما قَدْ سَلَفَ** » و مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما هستند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید ـ و چنانچه با آنها آمیزش نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد ـ و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند(نه پسرخوانده ها) و (نیز حرام است بر شما) میان دو خواهر جمع کنید مگر آنچه در گذشته واقع شد.[٤] و زن حائض تا هنگامی که پاک شود، که خداوند متعال فرموده: « **وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىَ**

---

[١] کافی،ج۵،ص۲۶۳،ح۱و۲و۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ح۳۴۲،ح۱۷۹،ح۱۸۰،ح۱۸۱،ح۱۸۲،ح۱۸۳،ح۱۸۴.

[٢] سوره اسراء،آیه۳۲.

[٣] سوره نساء، آیه۲۲.

[٤] سوره نساء، آیه۲۳.

يَطْهُرْنَ » (و در هنگام عادت ماهانه) به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند.[۱] و ازدواج (و نزدیکی) در هنگام اعتکاف، خداوند عزوجل فرموده: « **وَلاَ تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ** » و در حالی که در مساجد معتکف هستید (با زنان) نزدیکی نکنید.[۲]

و اما آنچه که در سنت حرام شده است: همبستری در ماه رمضان به هنگام روز. و ازدواج مرد با زنی که مورد لعنت و نفرین قرارش داده. ازدواج با کسی که در عده است. همبستری در حالت احرام، چه ازدواج کند یا دخترش را به ازدواج کسی در آورد. ازدواج با زنی که به او گفته (تو بر من همچون پشت مادرم هستی) قبل از اینکه کفاره دهد و با زن مشرک و ازدواج مرد با زنی که نه باره طلاقش داده، ازدواج با کنیز در حالتی که زن آزاد را در نکاح دارد، و ازدواج با کافر ذمی در حالی که زن مسلمان دارد، و ازدواج با زنی که عمه اش یا خاله اش را در نکاح دارد، ازدواج با کنیز بدون اجاره مولایش. ازدواج با کنیز برای کسی که توان ازدواج با زن آزاده را دارد. ازدواج با کنیزان به اسارت درآمده، پیش از تقسیم کردن آنها و نیز ازدواج با کنیز مشرک، و ازدواج با کنیز قبل از اینکه او را استبراء کند (یک حیض کامل ببیند)، و ازدواج با کنیز مُکاتَب (که قیمتش را به اقساط به صاحبش می پردازد) و آن کنیز قسمتی از بهای آزادی خود را پرداخت نموده است.[۳]

۱۹۰۸). محمد بن مسلم می گوید: از یکی از دو امام علیهما السلام پرسیده شد: اگر کسی با زنی زنا کند، یا می تواند با دختر او ازدواج کند؟

فرمودند: نه، ولی اگر زنی داشته باشد و با مادر، یا دختر یا خواهر آن زن زنا کند، زنش بر او حرام نخواهد شد. زیرا حرام حلال را فاسد نمی کند.[٤]

---

[۱] سوره بقره،آیه۲۲۲.

[۲] سوره بقره،آیه۱۸۷.

[۳] خصال،ص۵۳۲،ح۱۰.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۵۰،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ح۳۸۲،ح۳۰۹. الاستبصار،ص۵۵۴،ح۴.

١٩٠٩). عيص بن قاسم می گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: اگر کسی زنی را در آغوش بگیرد و او را ببوسد، ولی با او همبستر نشود آنگاه با دختر آن زن ازدواج کند (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: در صورتی که با مادرش همبستر نشده باشد مانعی ندارد. و اگر با او همبستر شده باشد، نباید با دخترش ازدواج کند.[١]

١٩١٠). حلبی گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: شخصی با زنی ازدواج نمود و با او آمیزش کرد سپس به وسیله زنش فریب خورد و با مادرش زنا کرد، آیا زنش بر او حرام می شود؟

فرمودند: نه، زیرا حرام، حلال را حرام نمی کند.[٢]

١٩١١). منصور بن حازم گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی که با زنی گناه کرده است آیا می تواند با دختر او ازدواج کند؟

فرمودند: اگر گناه آنان از قبیل بوسه و مانند آن باشد، می تواند با دختر آن زن ازدواج کند. اما اگر همبستری باشد، نباید با دختر آن زن ازدواج کند اگر مایل باشد می تواند با همان زن گناه آلود ازدواج کند.[٣]

١٩١٢). محمد بن مسلم گوید: از امام باقر یا امام صادق عليهما‌السلام پرسیدم: اگر کسی با زنی زنا کرده، آیا می تواند با مادر رضاعی یا دختر رضاعی او ازدواج کند؟

فرمودند: نه.[٤]

١٩١٣). ابوبصیر می گوید: از امام عليه‌السلام پرسیدم: مردی با زنی زنا می کند، آیا فرزند آن مرد می تواند با آن زن ازدواج کند؟ یا آنکه فرزند با زنی زنا می کند، آیا پدر فرزند می تواند با او ازدواج نماید؟

---

[١] کافی،ج٥،ص٢٥٠،ح٢. تهذیب الاحکام،ج٧،ح٣٨٤،ح٣١٣. الاستبصار،ص٥٥٥،ح٨.

[٢] کافی،ج٥،ص٢٥٠،ح٣.

[٣] کافی،ج٥،ص٢٥٠،ح٥. تهذیب الاحکام،ج٧،ح٣٨٤،ح٣١٤. الاستبصار،ص٥٥٥،ح٩.

[٤] کافی،ج٥،ص٢٥١،ح٨. تهذیب الاحکام،ج٧،ح٣٨٥،ح٣١٨.

فرمودند: نه.[۱]

۱۹۱۴). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: شخصی با زنی زنا می نماید، آیا فرزند او می تواند با آن زن ازدواج کند؟

فرمودند: نه.[۲]

۱۹۱۵). محمد بن مسلم گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم که شخصی از حضرتش پرسید: مردی در جوانی با خاله اش مباشرت نمود، سپس توبه کرد آیا می تواند با دختر خاله اش ازدواج کند؟

فرمودند: نه.

محمد بن مسلم گوید: گفتم: این مرد با خاله اش آمیزش نکرده بود؛ بلکه فقط بعضی از کارها را انجام داده و بعضی دیگر را انجام نداده.

فرمودند: ادعای این شخص تصدیق نمی شود، و کرامتی ندارد.[۳]

۱۹۱۶). ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی با زنی زنا می کند و سپس می خواهد با او ازدواج کند، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: (اشکالی ندارد) اولش گناه و حرام بوده است و آخرش نکاح و حلال خواهد بود.[٤]

۱۹۱۷). حماد بن عثمان می گوید: به امام صادق عرض علیه السلام کردم: مردی با پسری لواط می کند آیا می تواند با خواهرش ازدواج کند؟

فرمودند: اگر لواط کامل انجام دهد، نه.[٥]

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۷،ح۳۲۸. الاستبصار،ص۵۵۳،ح۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۷،ح۳۲۸. الاستبصار،ص۵۵۳،ح۲.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۵۱،ح۱۰.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۵۳،ح۳.

[٥] کافی،ج۵،ص۲۵۱،ح۱.

۱۹۱۸). راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که با پسری ملاعبه می کند، فرمودند: اگر لواط کند، دختر و خواهر او بر آن مرد حرام می شود.[1]

۱۹۱۹). محمد بن ابی نصر می گوید: « **سألت أباالحسن عليه السلام عن الرجل يتزوج المرأة متعة أيحل له أن يتزوج ابنتها؟ قال: لا** » از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج موقت می کند، آیا می تواند با دختر آن زن ازدواج کند؟ فرمودند: نه.[2]

۱۹۲۰). محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی با زنی ازدواج کرده است، آیا حلال است (همزمان) با خواهر او ازدواج موقت (یا ازدواج دائم) نماید؟

فرمودند: نه.[3]

۱۹۲۱). یونس بن یعقوب گوید: « **سألت أبا عبدالله عليه السلام عن المحرم يتزوج؟ قال: لا، ولا يزوج المحرم المحل** » از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم در حال احرام می تواند ازدواج کند؟

فرمودند: نه، و نیز نمی تواند برای محلّ زنی تزویج کند.[4]

۱۹۲۲). و در روایت دیگر آمده است که: « **أن زوج أو تزوج فنكاحه باطل** » چنانچه محرم برای کسی زنی تزویج کند یا برای خود زنی را صیغه نکاح بخواند هر دو باطل است.[5]

۱۹۲۳). راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا يحل لاحد أن يجمع بين ثنتين من ولد فاطمة عليها السلام ان ذلك يبلغها فيشق عليها قلت: يبلغها؟ قال: إي والله** » جایز نیست برای مردی که بین دو زن از فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام جمع کند یعنی حق ندارد دو زن سیّده بگیرد زیرا این خبر به سمع مبارک بانوی عالمیان فاطمه زهرا عليها السلام می رسد و بر آن حضرت گران

---

[1] کافی،ج۵،ص۲۵۱،ح۲.

[2] کافی،ج۵،ص۲۵۴،ح۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۰۲،ح۴۶۰۴.

[3] قرب الاسناد،ص۱۶۱.

[4] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۸،ح۴۴۳۳.

[5] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۸،ح۴۴۳۴.

تمام می شود. راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا این خبر به آن حضرت می رسد؟ امام فرمودند: آری به خدا سوگند.[۱]

۱۹۲۴). حضرت رضا عليه‌السلام ضمن کلام خود فرمودند: « **ولا يجوز بين أكثر من أربع حرائر** » جمع میان بیش از چهار زن آزاد جایز نیست.[۲]

۱۹۲۵). امام صادق عليه‌السلام فرمودند:« **إذا جمع الرجل أربعا فطلق إحداهن فلايتزوج الخامسة حتى تنقضي عدة المرأة التي طلق، وقال: لا يجمع الرجل ماء ه في خمس** » اگر مردی چهار همسر داشته باشد و یکی را طلاق بدهد، مادامی که عده این زن به پایان نرسید، حق ندارد با زن دیگری ازدواج کند.[۳]

۱۹۲۶). علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: شخصی چهار همسر دارد و یکی از آنان را طلاق می دهد، آیا می تواند بجای او با زن دیگری ازدواج کند؟

فرمودند: نه، تا زمانی که عده زن مطلقه پایان یابد.[٤]

۱۹۲۷). عقبه بن خالد می گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: فرد مجوسی ایمان آورده در حالی که هفت زن داشته، و همه زنانش با او ایمان آورده اند، چه تکلیفی دارد؟

فرمودند: « **يمسك أربعا ويطلق ثلاثا** » چهار تن را نگه دارد و سه تن را رها کند.[٥]

۱۹۲۸). حضرت امام باقر عليه‌السلام در حدیثی فرمودند: (اگر کسی همسرش را) پس از آنکه از حیض سوم پاک شد، برای بار سوم طلاق دهد بی آنکه با او نزدیکی کند و شاهد نیز بگیرد، وقتی چنین کرد در واقع از او جدا شده و دیگر حلال نیست با این زن ازدواج کند مگر آنکه مرد دیگری

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۹،ح۸۱۰.

[۲] عیون الاخبارالرضا،ج۲،ص۱۲۴،ح۱.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۵۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۴۶،ح۱۹۰.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۵۸،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۴۶،ح۱۹۱.

[٥] کافی،ج۵،ص۲۶۳،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۴۷،ح۱۹۵.

با او ازدواج کند، (و آنگاه بعد از طلاق یا وفات شوهر دوم، شوهر اول می تواند دوباره با او ازدواج کند).[۱]

۱۹۲۹). زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام پیرامون تفسیر فرمایش خدای عزوجل «**وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ** » و همچنین زنان پاکدامن با ایمان و زنان پاکدامن اهل کتاب (یهود و نصارا) برای شما حلال هستند.[۲] سوال کردم؟

حضرت فرمودند: (حکم) این آیه به وسیله فرمایش (دیگر) خداوند متعال: « **وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ** » هرگز زنان کافر را در همسری خود نگاه ندارید.[۳] منسوخ شده است.[٤]

۱۹۳۰). محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد ذبیحه عربهای نصارا پرسیدم، که آیا می توان از گوشت ذبح شده توسط آنها خورد؟

فرمودند: « **كان علي عليه السلام ينهي عن ذبائحهم وصيدهم ومناكحتهم** » امیرالمومنین علیه السلام از حیوان ذبح شده توسط آنان، حیوان صید شده توسط آنان و ازدواج با آنان نهی می فرمود.[٥]

۱۹۳۱). حسن بن جهم گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمودند: ای ابو محمد درباره مردی که زن مسلمانی دارد و بعد از او با زنی نصرانی ازدواج کند، چه می گویی؟

عرض کردم: فدایت گردم نظر من در برابر شما چه ارزشی دارد؟

فرمودند: حتما باید نظریه خود را بگویی، زیرا به این وسیله نظر من مشخص می شود.

عرض کردم: جایز نیست که مرد مسلمان با زن نصرانی ازدواج کند، چه دارای زن مسلمان باشد یا نباشد.

---

[۱] کافی، ج۶، ص۴۲، ح۲.

[۲] سوره مائده، آیه۵.

[۳] سوره ممتحنه، آیه۱۰.

[٤] کافی، ج۵، ح۲۱۵، ح۸. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۴۹، ح۲۰۲. الاستبصار، ص۵۶۲، ح۳.

[٥] کافی، ج۶، ص۲۳۹، ح۴. تهذیب الاحکام، ج۹، ص۶۵، ح۲۷۸.

فرمودند: با چه دلیلی این را می گویی؟

گفتم: به خاطر فرمایش خدای عزوجل: « **وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ حَتّى يُؤْمِنَّ** » و با زنان مشرک تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید.[1]

فرمودند: بنابراین در مورد این آیه «**وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ** » و همچنین زنان پاکدامن با ایمان و زنان پاکدامن اهل کتاب (یهود و نصارا) برای شما حلال هستند.[2] چه می گویی؟

گفتم:« **وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ** » این، (حکم) آن آیه را نسخ و باطل کرده است. پس حضرت تبسمی نمود و سکوت کرد.[3]

۱۹۳۲). زراره گوید: حضرت امام باقر عليه‌السلام فرمودند: ازدواج با اهل کتاب (یهود و نصارا) جایز نیست.

گفتم: فدایت گردم این تحریم در کجا آمده است؟

فرمودند: آنجا که خداوند متعال می فرماید« **وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ** » هرگز زنان کافر را در همسری خود نگاه ندارید.[4].[5]

بیان: اما آنچه که در جواز ادواج با اهل کتاب (یهود و نصارا) وارد شده است، ظاهرا از باب تقیه است زیرا جمیع مخالفین قائل به آن اند، یا درباره ازدواج موقت است چنانکه خواهد آمد، یا آنکه در حالت اضطرار و مواردی همانند آن است، همچنانکه مرحوم شیخ قدس‌سره و غیر ایشان ذکر نموده اند.[6]

---

[1] سوره بقره، آیه۲۲۱.

[2] سوره مائده، آیه۵.

[3] کافی، ج۵، ح۲۱۵، ح۶. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۴۸، ح۲۰۰. الاستبصار، ص۵۶۱، ح۱.

[4] سوره ممتحنه، آیه۱۰.

[5] کافی، ج۵، ح۲۱۵، ح۷. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۴۸، ح۲۰۱. الاستبصار، ص۵۶۲، ح۲.

[6] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۵۰. الاستبصار، ص۵۶۲. وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۵۳۵.

۱۹۳۳). حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **لايتزوج المؤمن الناصبة المعروفة بذلك** » مومن نباید با زن ناصبی که به ناصبی بودن معروف است ازدواج کند.[۱]

۱۹۳۴). فضل بن یسار به امام صادق عليه السلام عرض کرد: آیا می توانم با زن ناصبی ازدواج کنم؟

حضرت فرمودند: نه، ارزشی ندارد.

عرض کردم: قربانت شوم من این سخن را عرض می کنم، ولی اگر (زن ناصبی) با خانه ای پر از درهم به نزد من آید چنین نمی کنم.[۲]

۱۹۳۵). عبدالله بن سنان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی ناصبی است که دوشمنی او (نسبت به آل محمد عليهم السلام) معروف است، آیا می توانیم زن مومن(و شیعه) را به این ناصبی تزویج کنیم، با آنکه می توانیم او را بطوری رد کنیم که او نفهمد؟

حضرت فرمودند: « **لا يزوج المؤمن الناصبة ولا يتزوج الناصب المؤمنه** » نباید مرد مومن با زن ناصبی ازدواج کند، و مرد ناصبی نیز نمی تواند با زن مومن ازدواج کند.[۳]

۱۹۳۶). فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام درباره ازدواج با ناصبی پرسیدم؟

فرمودند: « **لا والله ما يحل** » نه، بخدا سوگند حلال نیست.

فضیل گوید: دوباره پرسیدم و به حضرتش عرض کردم: در مورد ازدواج آنها به زن مومن چه می فرمایید؟

فرمودند: آیا زن معرفت دارد (یعنی شیعه است)؟

گفتم: (آری) معرفت دارد.

فرمودند: زن با معرفت جز با مرد با معرفت تزویج نمی شود.[٤]

---

[۱] کافی،ج۵،ح۲۰۹،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۵۵،ح۲۱۷. الاستبصار،ص۵۶۴،ح۱.

[۲] کافی،ج۵،ح۲۰۹،ح۴.

[۳] کافی،ج۵،ح۲۱۰،ح۸. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۵۵،ح۲۱۸. الاستبصار،ص۵۶۴،ح۲.

[٤] کافی،ج۵،ح۲۱۰،ح۱۱.

۱۹۳۷). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لا ينبغي للرجل المسلم منكم أن يتزوج الناصبية، ولا يزوج ابنته ناصبا ولا يطرحها عنده** » برای مرد مسلمان جایز نیست که با زن ناصبی ازدواج کند، و یا آنکه دختر خود را به ناصبی تزویج کرده و او را نزد (ناصبی که از هر پلیدی پلید تر است) رها کند.[۱]

۱۹۳۸). رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: « **صنفان من أمتي لا نصيب لهما في الاسلام الناصب لاهل بيتي حربا، وغال في الدين مارق منه** » دو گروه از امت من از اسلام نصیبی ندارند: ناصبی (دشمن) اهل بیت که با آنان به جنگ برخیزید، و کسی که در دین غلو می کند که با آن از دین خارج خواهد شد.[۲]

مهریه و احکام آن

۱۹۳۹). ابی صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مهریه چه مقدار است؟ فرمودند: « **ما تراضى عليه الناس** » آنچه که مردم بر آن به توافق و رضایت می رسند.[۳]

۱۹۴۰). محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کمترین حدّ مقدار مهریه چیست؟ فرمودند: « **تمثال من سكر** » یک شاخه نبات.[٤]

۱۹۴۱). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: « **الصداق ماتراضيا عليه من قليل أو كثير فهذا الصداق** » مهریه ازدواج همان است که مردم به آن رضایت می دهند، کم باشد یا زیاد، ای همان مهریه است.[٥]

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۷،ح۴۴۲۴.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۷،ح۴۴۲۵.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۲۸،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۰۹،ح۴۰۰.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۳۱،ح۱۶. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۲۰،ح۴۳۰.

[٥] کافی،ج۵،ص۲۲۹،ح۳.

۱۹۴۲). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر ؈ فرمودند: زنی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت مرا شوهر بده.

رسول خدا ﷺ فرمودند: چه کسی خواهان این خانم است؟

مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا ﷺ مرا با این خانم تزویج کن.

حضرت فرمودند: به او چه خواهی داد؟

آن مرد گفت: من چیزی ندارم.

فرمودند: نمی شود.

آن زن دوباره برخاست و درخواست خود را مطرح نمود، و پیامبر ﷺ سخن خود را تکرار نمود اما جز همان مرد برنخواست.

زن برای بار سوم درخواست خود را تکرار کرد.

در مرتبه سوم رسول خدا ﷺ به آن مرد فرمودند: آیا از قرآن مجید، چیزی آموخته ای؟

گفت: آری.

فرمودند: این خانم را به همسری تو در آوردم، به این مهریه که آنچه از قرآن آموخته ای به او بیاموزی، پس آموخته ات را به او بیاموز.[1]

۱۹۴۳). خالد بن نجیح گوید: خدمت امام صادق ؈ سخن از بد شومی به میان آمد.

حضرت فرمودند: « **الشوم في ثلاث: في المرأة والدابة والدار فأما شوم المرأة فكثرة مهرها وعقم رحمها** » بد شومی در سه چیز است: زن، مرکب و خانه. اما شومی زن در زیاد بودن مهریه و نازا بودن اوست.[2]

۱۹۴۴). پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: « **أفضل نساء أمتي أصبحهن وجها وأقلهن مهرا** » پــر

---

[1] کافی، ج۵، ص۲۳۰، ح۵.

[2] کافی، ج۵، ص۳۳۴، ح۵۱.

فضیلت ترین زنان امت من زنانی هستند که چهر ه آنها زیبا و مهریه آنها اندک است.[1]

۱۹۴۵). و روایت شده است: « **أن من بركة المرأة قله مهرها، ومن شؤمها كثرة مهرها** » از برکت زن کم بودن مهریه اوست، و از شوم بودن زن زیاد بودن مهریه آن.[2]

۱۹۴۶). عبدالحمید بن عواض گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من با زنی ازدواج می کنم، آیا می توانم پیش از آنکه چیزی از مهریه به همسرم بدهم، با او نزدیکی کنم؟

فرمودند: آری، مهریه بدهی است که بر عهده تو می باشد.[3]

۱۹۴۷). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **من تزوج المرأة ولا يجعل في نفسه أن يعطيها مهرها فهو زنا** » هر که با زنی ازداوج کند و در نیتش این است مهریه را ادا نکند عمل این مرد به مرتبه زنا است.[4]

۱۹۴۸). همچنین فرمودند: « **من أمهر مهرا ثم لاينوي قضاء ه كان بمنزلة السارق** » هرکس مهر را اقرار کند، ولی پرداخت آن را نیت نکند به منزله دزد است.[5]

۱۹۴۹). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: « **إن الله يغفر كل ذنب يوم القيامة إلا مهر امرأة ومن اغتصب أجيرا أجره ومن باع حرا** » به راستی که خداوند متعال در روز قیامت هرگناهی را می بخشد مگر مهریه زن (اگر شخصی آن را از روی ظلم ندهد) و کسی که مزد کارگری را نپردازد و کسی که انسان آزادی را بفروشد.[6]

---

[1] کافی،ج۵،ص۱۹۴،ح۴. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۲،ح۴۳۵۴.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۵۳،ح۴۳۶۰.

[3] کافی،ج۵،ص۲۴۹،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۱۴،ح۴۱۳. الاستبصار،ص۵۸۶،ح۱.

[4] کافی،ج۵،ص۲۳۲،ح۲.

[5] کافی،ج۵،ص۲۳۲،ح۱.

[6] کافی،ج۵،ص۲۳۱،ح۱۷.

۱۹۵۰). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **إن الامام يقضي عن المؤمنين الديون ما خلامهور النساء** » به راستی که امام بدهی های مومنان را می پردازد به استثنای مهر زنان (که برگردن آنان است).[۱]

۱۹۵۱). همچنین فرمودند: « **من تزوج امرأة ولم ينو أن يوفيها صداقها فهو عندالله عزوجل زان** » هرکس ازدواج کند و نظرش چنین باشد که مهریه را نپردازد، نزد خداوند عزوجل زنا کار است.[۲]

۱۹۵۲). ابوبصیر می گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: شخصی با زنی در هنگام عده او ازدواج کرده و مهریه اش را پرداخت نموده است، سپس قبل از آنکه نزدیکی کند از او جدا می شود، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: مهریه ای که پرداخته شده دوباره به مرد بر می گردد.[۳]

۱۹۵۳). زراره گوید: امام باقر عليه السلام در مورد شوهری که مبلغی را در پنهانی به عنوان مهریه تعهد می کند، ولی در برابر مردم بیشتر از آن مبلغ را اعلام کند، فرمودند: مهریه واقعی، همان مبلغی است که در پنهانی روی آن توافق شده و پایه ازدواج آنها بوده است.[٤]

۱۹۵۴). همچنین زراره گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: معنای این شریفه که می فرماید: «**وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ**» زن مومنی که خودش را برای پیامبر می بخشد.[٥] چیست؟

فرمودند: « **لا تحل الهبة إلا لرسول الله صلى الله عليه وآله واما غيره فلا يصلح له نكاح إلا بمهر** » بخشش فقط برای رسول خدا صلى الله عليه وآله حلال بود، ولی بعد از پیامبر برای کسی ازدواج صحیح نیست، مگر با

[۱] کافی،ج۵،ص۲۳۱،ح۱۸.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۲۶۱،ح۴۴۰۰.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۱۹،ح۴۲۶.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۲۰،ح۴۲۸.

[٥] سوره احزاب،آیه۵۰.

پرداخت مهریه.[1]

۱۹۵۵). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « **أیما امرأة تصدقت علی زوجها بمهرها قبل أن یدخل بها إلا کتب الله لها بکل دینار عتق رقبة، قیل: یا رسول الله فکیف بالهبة بعد الدخول؟ قال: إنما ذلك من المودة والالفة** » هر زنی که مهریه خودش را به شوهرش ببخشد پیش از آنکه، او همبستر شود مگر اینکه خداوند متعال در برابر هر دینار، یک آزاد کردن بنده برای او می نویسند. گفته شد: یا رسول الله اگر مهریه اش را بعد از همبستر شدن ببخشد چه حکمی دارد؟ فرمودند: در این صورت بخشیدن مهریه از روی الفت و محبت بوده است.[2]

۱۹۵۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: هرگاه مردی زنش را طلاق دهد قبل از اینکه به او دخول کرده باشد، آن زن عده ندارد و اگر خواست می تواند در همان ساعت (بعد از طلاق) ازدواج کند و یک بار طلاق او را از شوهر جدا می کند. و اگر مهریه ای برای آن زن معلوم شده باشد، نصف آن مقدار برای اوست (نه تمام مهریه).[3]

۱۹۵۷). همچنین فرمودند: « **إذا طلق الرجل امرأته قبل أن یدخل بها فقد بانت منه وتتزوج إن شاء ت من ساعتها وإن کان فرض لها مهرا فلها نصف المهر** » اگر کسی زن خود را قبل از آمیزش طلاق بدهد، بدون عده از هم جدا می شوند و زن می تواند در همان لحظه ازدواج کند. اگر شوهر هنگام ازدواج مهریه زن را مشخص کرده باشد باید نیم آن را به زن بدهد.[4]

۱۹۵۸). عبدالله بن سنان می گوید: من و پدرم در حضور امام صادق عليه السلام بودیم، پدرم پرسید: اگر کسی ازدواج کند و عروس را به خانه خود بیاورد و قبل از نزدیکی او را طلاق بدهد، آیا باید

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۴۲۱، ح۴۳۵.

[2] کافی، ج۵، ص۲۳۱، ح۱۵.

[3] کافی، ج۶، ص۵۴، ح۳.

[4] کافی، ج۶، ص۶۸، ح۱.

عروس عده نگه دارد؟

فرمودند: عده طلاق فقط به جهت دخول نطفه شوهر واجب شده است.

به حضرتش گفته شد: پس اگر با او نزدیکی کند ولی انزال نکند (چطور؟)

فرمودند: هرگاه با او نزدیکی کرد غسل، پرداخت مهریه و عده طلاق واجب می شود.[۱]

۱۹۵۹). همچنین آن حضرت درباره مردی که با همسرش نزدیکی می کند، فرمودند: « **إذا التقی الختانان وجب المهرو العدة** » هنگامی که ختنه گاه مرد با ختنه گاه زن تماس یابد مهریه و عده طلاق واجب می شود.[۲]

مسائل متفرّقهٔ زناشویی

۱۹۶۰). امام صادق علیه‌السلام فرمودند: « **قال النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله لرجل: أصبحت صائما؟ قال: لا، قال: فعدت مريضا؟ قال: لا، قال: فاتبعت جنازة؟ قال: لا قال: فأطعمت مسكينا؟ قال: لا، قال: فارجع إلی أهلك فأصبهم فانه منك عليهم صدقه**» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردی فرمودند: آیا امروز روزه گرفته ای ؟ عرض کرد خیر. فرمودند: آیا از مریضی عیادت کرده ای ؟ عرض کرد. خیر. فرمودند: آیا به تشییع جنازه ای رفته ای ؟ عرض کرد خیر. فرمودند: آیا به فقیر غذا داده ای ؟ عرض کرد خیر. فرمودند: به منزل برو عیال و فرزندانت را ببوس که همین کار صدقه است.[۳]

۱۹۶۱). حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد منزل ام سلمه شد و بوی خوشی استشمام نمود. فرمود: آیا حولاء (زینب عطر فروش) نزد شما آمده است؟

ام سلمه عرض کرد: این بوی اوست، او از شوهرش شکایت دارد.

در این لحظه حولاء جلو آمد و عرض کرد: پدر و مادرم فدایی شما شوهرم از من کناره می

---

[۱] کافی،ج۶،ص۷۱،ح۶.

[۲] کافی،ج۶،ص۷۰،ح۱.

[۳] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۱۱۴،ح۳۶۷۳.

گیرد.

پیامبر ﷺ فرمود: ای حولاء در آرایش خود نسبت به او افزایش بده.

عرض کرد: هیچ عطر خوش بویی را برای او ترک نمی کنم، اما او از من کناره گیری مینماید.

پیامبر ﷺ فرمود: اگر می دانست با آمدن بسوی تو، چه چیزی از آن او می شود.

پرسید: با آمد او بسوی من، چه چیزی از آن او خواهد شد؟

حضرتش فرمود: آگاه باش هرگاه او بسوی تو بیاید دو فرشته او را در بر می گیرند، او مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است. هنگامی که او آمیزش می کند، گناهان از او می ریزند همان طور که برگ درختان می ریزد. و آنگاه که غسل کند، از گناهان خالی می شود.[۱]

۱۹۶۲). ابوبصیر می گوید: « **سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: فضلت المرأة على الرجل بتسعة وتسعين من اللذة، ولكن الله عزوجل ألقى عليها الحياء** » از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمودند: زن نود ونه برابر مرد لذت و شهوت دارد، و لیکن خداوند عزوجل پرده حیا را بر او افکنده، و اظهار نمی کند.[۲]

۱۹۶۳). علی بن جعفر می گوید: « **سألت أبا الحسن عليه السلام عن الرجل يقبل قبل المرأة، قال: لا بأس** » از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند فرج زن خود را ببوسد؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[۳]

۱۹۶۴). امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی که نزد همسرت (برای نزدیکی) وارد شدی، پیشانی اش را بگیر و رو به قبله بگو: « **اللهم بأمانتك أخذتها وبكلماتك استحللتها فإن قضيت لي منها ولدا فاجعله مباركا تقيا من شيعة آل محمد ولاتجعل للشيطان فيه شركا ولانصيبا** ».[٤]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۹۹،ح۴.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۷۱،ح۴۹۲۰.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۰۰،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۶،ح۶۰۷.

[٤] کافی،ج۵،ص۳۰۲،ح۲.

۱۹۶۵). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر عليه السلام فرمودند: هرگاه اراده نزدیکی نمودی بگو: « **اللهم ارزقني ولدا واجعله تقيا زكيا ليس في خلقه زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته إلى خير** ».[1]

۱۹۶۶). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: « **إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فلا يعجلها** » هرگاه یکی از شما میخواهد با همسرش نزدیکی کند، او را به عجله نیدازد، (زیرا که زنان پیش از آمیزش نیاز به برخی از آمادگی ها دارند).[2]

۱۹۶۷). موسی بن بکیر گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که هنگام آمیزش لباس خود را از تن در می آورد، (چگونه است)؟

فرمودند: « **لا بأس** » اشکالی ندارد.[3]

۱۹۶۸). علی بن یقطین به امام کاظم عليه السلام عرض کرد: آیا می توانم در حمام قرآن قرائت کنم و یا با همسرم نزدیکی نمایم؟

فرمودند: « **لا بأس** » اشکالی ندارد.[4]

۱۹۶۹). برید بن معاویه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مرد می تواند با همسرش در آب نزدیکی کند؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[5]

۱۹۷۰). اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی به بدن عریان زنش نگاه می کند، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: ایرادی ندارد، آیا لذت جز این است؟[6]

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۳،ح۵۹۸.
[2] کافی،ج۵،ص۳۴۲،ح۴۸.
[3] کافی،ج۵،ص۳۰۰،ح۳.
[4] من لایحضره الفقیه،ج۱،ص۶۳،ح۲۳۴.
[5] تهذیب الاحکام،ج۱،ص۳۷۱،ح۱۱۳۳.
[6] کافی،ج۵،ص۳۰۱،ح۶.

۱۹۷۱). ابوحمزه گوید: « **سألت أبا عبدالله** ؑ **أينظر الرجل إلي فرج امرأته وهو يجامعها؟ فقال: لا بأس** » از امام صادق ؑ پرسیدم: آیا مرد می تواند در هنگام نزدیکی به عورت همسرش نگاه کند؟ فرمودند: اشکالی ندارد.[۱]

۱۹۷۲). همچنین امام صادق ؑ فرمودند: « **لا بأس أن ينظر الرجل إلى امرأته وهي عريانة** » اشکالی ندارد که مرد به همسرش درحالی که عریان است، نگاه کند.[۲]

۱۹۷۳). صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا ؑ پرسیدم: مردی همسر جوانی دارد و نزدیکی با او را یک ماه یا یک سال ترک می کند و با او نزدیکی نمی کند نه برای آنکه او را آزار رساند، بلکه برای اینکه مصیبتی دیده اند، آیا در این عمل گناهکار است؟

فرمودند: تا چهار ماه نه، اما اگر بیشتر از چهارماه او را ترک کند گناهکار خواهد بود.[۳]

۱۹۷۴). صفوان بن یحیی می گوید: « **قلت للرضا** ؑ: **إن رجلا من مواليك أمرني أن أسألك عن مسألة هابك واستحيى منك أن يسألك، قال: وماهي؟ قلت: الرجل يأتي امرأته في دبرها؟ قال: ذلك له، قال: قلت له: فأنت تفعل؟ قال: إنا لانفعل ذلك** » خدمت حضرت امام رضا ؑ عرض کردم: یکی از دوستداران شما به من سفارش کرده است که سوال او را خدمت شما مطرح کنم، و خودش از شما شرم دارد که این مسأله را بپرسد. فرمودند: سوال او چیست؟ گفتم: آیا انسان می تواند از دُبُر با همسرش نزدیکی کند؟ فرمودند: می تواند. گفتم: شما نیز چنین کاری می کنید؟ فرمودند: ما چنین کاری را انجام نمی دهیم، (زیرا که آن را مکروه و ناپسند می دانیم).[٤]

۱۹۷۵). رسول خدا ﷺ ضمن حدیثی فرمودند: زنی که شوهرش را اذیت کند، تا زمانی که

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۰۰،ح۵.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۰۷،ح۴۶۳۱.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۵،ح۶۰۴.

[٤] کافی،ج۵،ص۳۲۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۴۷۸،ح۶۲۰. الاستبصار،ص۵۹۹،ح۶.

او را یاری نکرده و راضیش ننماید، خداوند نماز و هیچ عمل نیکی را از او قبول نمی کند؛ گرچه همه عمرش را روزه گرفته، شبها را با عبادت سپری کند، چندین برده در راه خدا آزاد کند و اموالش را در راه خدا خرج کند، اولین کسی خواهد بود که به جهنم می رود و اگر مرد نیز زن خود را اذیت کرده و به او ظلم کند، همین مقدار مرتکب گناه شده و به همین اندازه عذاب می شود.

سپس فرمودند: و کسی که در برابر بد اخلاقی زن خود صبر پیشه نموده و ثواب آن را از خداوند امیدوار باشد، خدای متعال در برابر هر روز و شبی که صبر می کند، همانند آنچه به حضرت ایوب علیه السلام عطا فرمود، به او عطا می فرماید و آن زن هر روز و هر شب همانند تپه ای شن متراکم گناه خواهد داشت . و اگر پیش از آن که شوهرش را یاری کرده و او را راضی کند، از این دنیا برود، در روز قیامت بصورت وارونه همراه با منافقین در طبقه زیرین جهنم محشور خواهد شد.

و کسی که زنی داشته باشد که با او سازگار نباشد و بر آنچه خداوند روزی آنها نموده است ، صبر نکند و بر شوهرش سخت گرفته و او را وادار به کارهایی بنماید که نمی تواند انجام دهد، تا زمانی که چنین است خداوند هیچ کار نیکی که او را از آتش جهنم حفظ کند، از آن زن قبول ننموده و بر او خشم می گیرد.[1]

۱۹۷۶). همچنین فرمودند: « **ومن کانت له امراتان فلم یعدل بینهما فی القسم من نفسه و ماله جاء یوم القیامه مغلولا مائلا شقه حتی یدخل النار** » و کسی که دو زن داشته باشد و در امور زناشویی و امور مالی بعدالت با آنها رفتار نکند، در روز قیامت با تشنگی و بدن کج محشور می شود تا وقتی که وارد جهنم شود.[2]

---

[1] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال،ص۳۳۵.

[2] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال،ص۳۳۳.

متعه (ازدواج موقت)

آیات:

« **فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** » و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید) خداوند، دانا و حکیم است.[۱]

روایات:

۱۹۷۷). امام باقر عليه السلام فرمودند: « **كان علي عليه السلام يقول: لولا ما سبقني به بني الخطاب مازنى إلا شقي** » امیرالمومنین عليه السلام همواره می فرمود: اگر فرزند خطاب در تحریم متعه (ازدواج موقت) بر من پیشی نمی گرفت، جز انسان شقی کسی مرتکب زنا نمی شد.[۲]

۱۹۷۸). ابی بصیر می گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد متعه پرسیدم؟

فرمودند: در این زمینه آیه ای در قرآن نازل شده است که می فرماید: « **فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ** » و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید).[۳]

۱۹۷۹). زراره گوید: عبدالله بن عمیر لیثی به محضر امام باقر عليه السلام آمد و عرض کرد: نظر شما در مورد ازدواج موقت چیست؟

---

[۱] سوره نساء، آیه۲۴.

[۲] کافی، ج۵، ص۲۷۰، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۲۹۷، ح۳۷. الاستبصار، ص۵۴۰، ح۲.

[۳] کافی، ج۵، ص۲۷۰، ح۱. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۲۹۷، ح۳۶. الاستبصار، ص۵۴۰، ح۱.

فرمودند: خداوند آن را در قرآن و هم چنین بر زبان پیامبرش ﷺ حلال کرده است. از این رو ازدواج موقت تا روز قیامت حلال است.

عبدالله بن عمیر گفت: ای ابوجعفر شخصیتی مانند شما چنین می گوید با آنکه عمر آن را تحریم کرده و از ارتکاب آن نهی نموده است.

حضرت فرمودند: گرچه عمر هم تحریم کرده باشد.

عبدالله بن عمیر گفت: من تو را به خدا پناه می دهم که چیزی را که عمر حرام نموده است، حلال نمایی.

حضرت فرمودند: تو بر گفته صاحبت باشد و من بر گفته رسول خدا ﷺ بیا با تو ملاعنه (ومباهله) کنم که حق، همان فرموده رسول خدا ﷺ است و گفته صاحبت باطل است.

پس عبدالله بن عمیر نزدیک آمد (و جسورانه) گفت: آیا مسرور می شوی که بانوان تو، دخترانت، خواهرانت، و عموزادگانت چنین کاری انجام دهند؟

در این هنگام حضرت باقر علیه السلام (به خاطر این جسارت)، روی مبارک را از او برگردانیدند.[١]

١٩٨٠). حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: « **المتعة نزل بها القرآن وجرت بها السنة من رسول الله** ﷺ » درباره ازدواج موقت در قرآن آیه نازل شده و سنت رسول خدا ﷺ بر آن جاری گشته است.[٢]

١٩٨١). عبدالرحمن بن ابوعبدالله می گوید: از ابوحنیفه شنیدم که از امام صادق علیه السلام در باره متعه سوال کرد.

فرمودند: از کدام متعه می پرسی؟

گفت: سوال من از متعه حج بود، ولی اینک شما در مورد متعه زنان بگویید. آیا متعه بانوان،

---

[١] کافی،ج۵،ص۲۷۱،ح۴. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۲۹۸،ح۳۸.

[٢] کافی،ج۵،ص۲۷۱،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۲۹۸،ح۳۹. الاستبصار،ص۵۴۰،ح۳.

صحیح است؟

فرمودند: سبحان الله آیا کتاب خداوند عزوجل را نخوانده ای که می فرماید: « **فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً** » و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید.[۱]

ابوحنیفه گفت: به خدا سوگند گویا این آیه را هیچگاه نخوانده بودم.[۲]

۱۹۸۲). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **إن الله تبارك وتعالى حرم على شيعتنا المسكر من كل شراب وعوضهم من ذلك المتعة** » خداوند تبارک و تعالی بر شیعیان ما هر نوشیدنی مسکری را حرام ساخت و در عوض آن متعه را حلال.[۳]

۱۹۸۳). همچنین فرمودند: « **ليس منا من لم يؤمن بكرتنا، ويستحل متعتنا** » از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و نیز به حلّیت ازدواج موقت ما.[٤]

۱۹۸۴). صالح بن عقبه از پدرش نقل می کند که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا کسی که متعه کند به ثواب می رسد؟

فرمودند: چنانچه قصدش تقرب به خداوند عزوجل باشد و مخالفت با کسانی که آن را انکار کرده اند، پس کلامی نگوید مگر آنکه خداوند به سبب آن حسنه ای در نامه عملش می نویسد، و دست بسوی همسرش نگشاید مگر اینکه خداوند حسنه ای برای او ثبت کند، و چون با او نزدیکی کند خداوند عزوجل گناهی از او بیامرزد، و چون غسل کند بعدد هر موئی از بدنش که آب غسل بر آن بگذرد خداوند او را مورد عفو قرار می دهد.

عرض کردم: به عدد هر موئی؟

---

[۱] سوره نساء، آیه۲۴.

[۲] کافی، ج۵، ص۲۷۱، ح۶.

[۳] من لایحضره الفقه، ج۳، ص۳۰۵، ح۴۶۱۶.

[٤] من لایحضره الفقه، ج۳، ص۲۹۹، ح۴۵۸۳.

فرمودند: آری به عدد هر موئی.[۱]

۱۹۸۵). امام باقر عليه‌السلام فرمودند: هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به آسمانها سیر می دادند جبرئیل به حضرت فرمود: یا محمد همانا خداوند تبارک و تعالی می فرماید: « **إني قد غفرت للمتمتعين من امتك من النساء** » براستی زنانی را که از امت تو ازدواج موقت می کنند، بخشیدم.[۲]

۱۹۸۶). بکر بن محمد می گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد متعه پرسیدم؟

فرمودند: « **إني لاكره للرجل المسلم أن يخرج من الدنيا وقد بقيت عليه خلة من خلال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله لم يقضها** » من خوش ندارم که مرد مسلمانی از دنیا برود و یکی از خصلتهایی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را که دستور داده، انجام نداده باشد.[۳]

۱۹۸۷). امام صادق عليه‌السلام فرمودند: من خوش ندارم که یکی از شما از دنیا برود و یکی از خصال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را ترک کرده و عمل نکرده باقی گذارده باشد.

راوی گوید: پرسیدم: آیا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله زنی را متعه کرد؟

فرمودند: آری.[۴]

۱۹۸۸). ابوبصیر می گوید: « **سئل أبوعبدالله عليه‌السلام عن المتعة أهي من الاربع؟ قال: لا ولا من السبعين** » از امام صادق عليه‌السلام پرسیده شد: آیا زن موقت جز چهار زن دائم است؟ فرمودند: نه، هم چنین منحصر در هفتاد نیز نمی باشد.[۵]

۱۹۸۹). بکر بن محمد گوید: از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: آیا زن موقت جز چهار زن دائم محسوب می شود؟

---

[۱] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۲،ح۴۶۰۰.

[۲] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۲،ح۴۶۰۱.

[۳] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۲،ح۴۶۰۲.

[۴] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۴،ح۴۶۱۵.

[۵] کافی،ج۵،ص۲۷۲،ح۴. من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۰،ح۴۵۹۴. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۷. الاستبصار،ص۵۴۴.

فرمودند: نه.[1]

۱۹۹۰). زراره گوید: « **قلت ما يحل من المتعة؟ قال: كم شئت** » به امام عليه السلام عرض کردم: ازدواج موقت با چند زن جایز است؟ فرمودند: هر تعدادی که مایل باشی.[2]

۱۹۹۱). زراره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا زن موقت در حساب چهار زن عقدی منظور می شود؟

فرمودند: با هزار زن موقت ازدواج کن (یعنی تعداد مشخصی ندارد)، زیرا آنان اجاره ای هستند.[3]

۱۹۹۲). محمد بن مسلم می گوید: حضرت امام باقر عليه السلام در مورد ازدواج موقت فرمودند: «**ليست من الاربع لانها لا تطلق ولا ترث ولا تورث وإنما هي متسأجرة**» همسر موقت جز چهار همسر عقدی نیست، زن موقت نه طلاق داده می شود و نه ارث می برد. بلکه فقط زوجه اجاره ای است.[4]

۱۹۹۳). اسماعیل بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد ازدواج موقت پرسیدم؟ حضرت فرمودند: به ملاقات عبدالملک بن جریر برو و در این خصوص از او بپرس، زیرا در این خصوص دانشی در نزد اوست.

من نزد عبدالملک رفتم و او چیزهای زیادی در مورد حلال بودن ازدواج موقت بر من املا نمود (و من نوشتم) در این میان احکامی که به من روایت نموده بود چنین بود: در ازدواج موقت وقت و تعداد (فقط چهار زن) شرط نمی باشد. زنان موقت به منزله کنیزان می باشند. به هر تعدادی که شخص بخواهد می تواند با آنان ازدواج کند.

---

[1] کافی، ج۵، ص۲۷۲، ح۲. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۶، ح۷۴. الاستبصار، ص۵۴۳، ح۱.

[2] کافی، ج۵، ص۲۷۲، ح۳. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۶، ح۷۵. الاستبصار، ص۵۴۳، ح۲.

[3] کافی، ج۵، ص۲۷۲، ح۷. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۷، ح۷۷. الاستبصار، ص۵۴۴، ح۴.

[4] کافی، ج۵، ص۲۷۲، ح۵. تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۷، ح۷۸. الاستبصار، ص۵۴۴، ح۵.

کسی که چهار زن دائم دارد می تواند به هر تعداد که بخواهد، همسر موقت اختیار کند. ازدواج موقت نیاز به ولی و شاهد ندارد. هرگاه که مدت معین شده به پایان رسید زن موقت بدون طلاق از مرد جدا می شود و مرد پول اندکی به او می پردازند. عدّه زن موقت دو حیض است و اگر حائض نشود، چهل و پنج روز می باشد.

اسماعیل بن فضل گوید: پس من این نوشته را نزد حضرت امام صادق ؑ آوردم و به ایشان عرضه نمودم.

ایشان فرمودند: عبدالملک راست گفته است و گفته اش را تصدیق نمودند.[۱]

۱۹۹۴). ابی ساره می گوید:از امام صادق ؑ در مورد متعه پرسیدم؟

حضرتش فرمودند: حلال است، ولی جز با زنان پاک دامن و عفیف ازدواج مکن، چرا که خداوند عزوجل می فرماید: « **وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ** » مومنین کسانی هستند که فروج خود را حفظ می کنند.[۲] بنابر این فرج خود را ضایع مکن اگر بر درهم خود مامون نیستی.[۳]

۱۹۹۵). عبدالله بن ابی یعفور گوید: « **سألت ابا عبدالله ؑ عن المرأة ولا أدري ما حالها أيتزوجها الرجل متعة؟ قال: يتعرض لها فإن أجابته إلى الفجور فلا يفعل** » از حضرت امام صادق ؑ پرسیدم: آیا مرد با زنی که از او شناخت ندارد (که آیا عفیفه است یا نه) می تواند ازدواج موقت کند؟ حضرت فرمودند: به او پیشنهاد زنا دهد اگر قبول کرد، با او ازدواج نکند.[٤]

بیان: مشهور کراهت ازدواج موقت با زن غیر عفیفه است، نه حرمت والله اعلم.

۱۹۹۶). حسن تفلیسی می گوید: « **سألت الرضا ؑ أيتمتع من اليهودية والنصرانية؟ فقال: تمتع من الحرة المؤمنة احب إلي وهي اعظم حرمة منهما** » آیا مرد مسلمان می تواند زن

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۲،ح۶.

[۲] سوره مومنون، آیه۵.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۷۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۲۹۹،ح۴۳.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۷۳،ح۴.

یهودیه و نصارانیه را متعه کند؟ فرمودند: ازدواج موقت با زن مومنه (یعنی شیعه) آزاد برای من محبوب تر است، و حرمت و احترام این برای آنها بزرگ تر خواهد بود.[1]

۱۹۹۷). محمد بن فضیل می گوید: « **سألت أبا الحسن** عليه السلام **عن المرأة الحسناء الفاجرة هل يجوز للرجل أن يتمتع منها يوما أو أكثر؟ فقال: إذا كانت مشهورة بالزنا فلا يتمتع منها ولا ينكحها** » از امام کاظم عليه السلام سوال کردم: آیا شخص می تواند با زن زیبای زناکار یک روز یا بیشتر ازدواج موقت نماید؟ حضرت فرمودند: اگر معروف به زناکاری باشد، انسان با او نه ازدواج موقت نماید نه دائم.[2]

بیان: این حدیث محمول بر کراهت است، و قبلی بر استحباب.

۱۹۹۸). زراره گوید: عمار (ابن موسی ساباطی) از امام عليه السلام درحالی که من نیز حاضر بودم، پرسید: آیا مرد می تواند با زن فاجره ازدواج موقت نماید؟

فرمودند: (بله) اشکالی ندارد.[3]

۱۹۹۹). علی بن یقطین می گوید: خدمت امام کاظم عليه السلام عرض کردم: زنان اهل مدینه.

فرمودند: زنان فاسق (آن را می گویی).

عرض کردم: آیا با آنها می توانم ازدواج (موقت) کنم؟

فرمودند: آری.[4]

۲۰۰۰). میسر می گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام: **ألقى المرأة بالفلاة التي ليس فيها أحد فأقول لها: هل لك زوج؟ فتقول: لا، فأتزوجها؟ قال: نعم هي المصدقة على نفسها** » زنی در بیابان بی آب و علفی که کسی در آنجا نیست مشاهده می کنم و می پرسم: شوهر داری؟ او می

---

[1] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۵، ح۶۶. الاستبصار، ص۵۴۲، ح۱۳.

[2] کافی، ج۵، ص۲۷۴، ح۶.

[3] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۱، ح۴۷.

[4] تهذیب الاحکام، ج۷، ص۳۰۱، ح۴۸.

گويد: شوهر ندارم. آيا مى توانم با او ازدواج كنم. فرمودند: آرى، ادعاى او بر عليه خودش تصديق مى شود.[١]

٢٠٠١). ابان بن تغلب مى گويد: به حضرت صادق عليه السلام عرض كردم: در حالى عبور از راهى مى باشم و زن زيبايى را مى بينم و اطمينان ندارم كه اين زن شوهر دار است و يا بى شوهر (براى ازدواج با او چه كنم)؟

فرمودند: اين بر عهده تو نيست (كه جستجو كنى) بلكه تو بايد ادعاى زن را بر عليه خودش تصديق نمايى.[٢]

٢٠٠٢). يونس بن عبدالرحمن مى گويد: « **قلت للرضا عليه السلام المرأة تتزوج متعة فينقضي شرطها فتتزوج رجلا آخر قبل أن تنقضي عدتها، قال: وما عليك إنما إثم ذلك عليها** » خدمت حضرت رضا عليه السلام عرض كردم: زنى را ازدواج موقت مى كنم و مدت كه تمام شد بدون آنكه عده نگهدارد شوهر ديگرى مى گيرد؟ فرمودند: بر تو حكمى نيست بلكه گناهش بر عهده خود زن است.[٣]

٢٠٠٣). مردى خدمت امام صادق عليه السلام عرض كرد: من با زنى ازدواج موقت نمودم، پس در دلم خطور كرد كه او شوهر دارد. در اين مورد جستجو كردم و ديدم كه شوهر داشته است؟

فرمودند: براى چه جستجو كردى؟ (ادعا زن بر عيله خودش تصديق مى شود).[٤]

٢٠٠٤). زياد بن ابى حلال گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمودند: « **لا بأس بأن يتمتع بالبكر مالم يفض إليها مخافة كراهية العيب على أهلها** » ازدواج موقت با دوشيزگان باكره اشكالى ندارد، در صورتى كه به بكارت آنها آسيبى نرساند از بيم عيب و خورده گرفتن بر

---

[١] كافى،ج٥،ص٢٧٩،ح٢.

[٢] كافى،ج٥،ص٢٧٨،ح١.

[٣] من لايحضره الفقه،ج٣،ص٣٠١،ح٤٥٩٩.

[٤] تهذيب الاحكام،ج٧،ص٣٠١،ح٤٩.

خانواده اش.[۱]

۲۰۰۵). به امام اصادق عليه‌السلام گفته شد: مردی با زن باکره ای ازدواج موقت می کند؟

فرمودند: اشکالی ندارد اگر به بکارت او آسیبی نرساند.[۲]

۲۰۰۶). حفص بختری گوید: امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که با دختر باکره ازدواج موقت می نماید، فرمودند: « **يكره للعيب على أهلها** » به خاطر عیب و خرده گرفتن بر خانواده اش، مکروه است.[۳]

۲۰۰۷). اسحاق بن عمار می گوید: خدمت حضرت صادق عليه‌السلام عرض کردم: مردی با دختر جوان و کم سن وسالی متعه کرده است و با وی شرط کرده که بکارت وی را بر ندارد، و بعد دختر بدان رضایت دهد، حکم چیست؟

فرمودند: « **إذا أذنت له فلابأس** » هرگاه برای مرد رضایت دهد، مانعی ندارد.[٤]

۲۰۰۸). حضرت امام رضا عليه‌السلام فرمودند: « **البكر لا تتزوج متعة إلا باذن أبيها** » دختر باکره ازدواج موقت نمی کند جز با اجازه پدرش.[٥]

۲۰۰۹). حضرت امام صادق عليه‌السلام فرمودند: « **العذراء التي لها أب لا تتزوج متعة إلا بأذن أبيها** » دختر باکره ای که پدرش حیات دارد، نمی تواند ازدواج موقت کند مگر به اجازه پدرش.[٦]

۲۰۱۰). اسماعیل بن سعد اشعری می گوید: خدمت امام عليه‌السلام عرض کردم: مردی با زن یهودی یا نصرانی ازدواج موقت می کند، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: در آن اشکالی نمی بینم.

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۹،ح۲.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۷۹،ح۳.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۷۹،ح۱. من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۰،ح۴۵۹۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۴،ح۵۹.

[٤] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۴،ح۴۶۱۲.

[٥] قرب الاسناد،ص۱۵۹.

[٦] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۰،ح۴۵۹۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۳،ح۵۶.

گوید: عرض کردم: زن مجوسی چطور؟

فرمودند: اما زن مجوسی نه.[1]

۲۰۱۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: « **لا بأس أن يتمتع الرجل باليهودية والنصرانية وعنده حرة** » اشکالی ندارد که مرد با زن یهودی و نصرانی درحالی که زن آزادی نزد اوست، ازدواج موقت نماید.[2]

۲۰۱۲). همچنین آن حضرت فرمودند: « **لا تكون متعة إلا بأمرين أجل مسمى وأجر مسمى** » ازدواج موقت جز با دو امر مهم صورت نخواهد گرفت: مدت معین و اجرت معین.[3]

۲۰۱۳). اسماعیل بن فضل هاشمی می گوید: « **سألت اباعبدالله عليه السلام عن المتعة فقال مهر معلوم إلى اجل معلوم** » از امام صادق عليه السلام در مورد ازدواج موقت سوال کردم؟ فرمودند: مهر معلوم تا مدت معلوم می باشد.[4]

صیغه ازدواج موقت

۲۰۱۴). ابان بن تغلب می گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: موقعی که با یک زن تنها شدم و خواستم به صورت موقت با او ازدواج کنم، چه بگویم؟

حضرت فرمودند: می گویی: « **أتزوجك متعة على كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله لا وارثة ولا موروثة كذا وكذا يوما وإن شئت كذا وكذا سنة بكذا وكذا درهما** » و مبلغ اجرت را کم باشد و یا زیاد، بر همان میزانی که باهم توافق کرده اید، بر زبان می آوری.

و چون خانم بگوید: « **نعم** » راضی شده است و آن زن همسر تو خواهد بود و تو بـر آن زن

---

[1] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۴،ح۶۲. الاستبصار،ص۵۴۲،ح۹.

[2] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۴،ح۶۰. الاستبصار،ص۵۴۲،ح۷.

[3] کافی،ج۵،ص۲۷۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۱،ح۹۰.

[4] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۱،ح۹۲.

بر همگان ترجیح داری.

گفتم: شرم دارم که از چند و چون مدت سخن به میان بیاورم.

فرمودند: در آن صورت تو بیشتر ضرر خواهی کرد.

گفتم: چطور؟

فرمودند: اگر مدت را نام نبری و مشخص نکنی ازدواج شما دائمی خواهد بود و باید در تمام مدت مخارج زندگی او را تامین کنی و در صورت مرگ، حق ارث برقرار خواهد بود و نمی توانی آن را طلاق دهی جز با طلاق سنت و شرعی.[۱]

سایر احکام ازدواج موقت

۲۰۱۵). احوط می گوید: « **قلت لابي عبدالله** عليه السلام**: أدنی مایتزوج به المتعة؟ قال: کف من بر** » به امام صادق عليه السلام گفتم: در ازدواج موقت کمترین مقدار مهریه چیست؟ فرمودند: یک مشت گندم.[۲]

۲۰۱۶). محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مهریه در ازدواج موقت چه مقدار است؟

فرمودند: هرچه که به آن توافق کنند، تا هر مدتی که بخواهند.[۳]

۲۰۱۷). عمر بن حنظله گوید: حضرت صادق عليه السلام فرمودند: « **یشارطها ماشاء من الایام** » انسان هر چند روزی که مایل باشد، می تواند با زن موقت شرط کند.[٤]

۲۰۱۸). ابی بصیر می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کمترین حد مهریه ازدواج موقت

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۴،ح۳. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۴،ح۱۰۲. الاستبصار،ص۵۴۵،ح۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۷۶،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۸،ح۸۲.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۷۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۸،ح۸۴.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۷۷،ح۱.

چیست؟

فرمودند: مشتی از آرد یا سویق و یا خرما.[1]

۲۰۱۹). امام باقر ؑ فرمودند: « **عدة المتعة خمسة واربعون یوما والاحتیاط خمسة واربعون لیلة** » عده ازدواج موقت چهل و پنج روز است، و احتیاط این است که چهل و پنج شب باشد.[2]

۲۰۲۰). محمد بن مسلم در حدیثی از امام صادق ؑ در مورد ازدواج موقت پرسید.

حضرت فرمودند: اگر مرد بخواهد می تواند بعد از اتمام مدت (عقد موقت) امر تازه ای را ابتدا و آغاز نماید، این کار را انجام دهد (یعنی بعد از تمام شدن مدت، او را مجددا با مدت و مبلغ جدید به عقد خودش درآورد) و برای این مرد، زن لازم نیست عده نگه دارد، اما برای غیر این مرد، بر عهده زن است که چهل و پنج شب عده نگه دارد.[3]

۲۰۲۱). ابوبصیر گوید: (امام ؑ فرمودند): اشکالی ندارد که همسر موقت، مدت را برای تو افزایش دهد و توهم مهریه اش را بیشتر سازی. (بدین صورت که) هنگامی که مدت معین به پایان رسید با رضایت زن می گویی: تو را به یک مدت دیگر، حلال می کنم.

و چنین کاری برای دیگران (غیر از تو) تا هنگامی که عده اش به پایان رسد جایز نیست.[4]

۲۰۲۲). زراره گوید: امام باقر ؑ فرمودند: « **عدة المتعة خمسة وأربعون یوما فإذا جاء الاجل کانت فرقة بغیر طلاق** » عده متعه چهل و پنج روز است، و چون عده سر آمد این جدایی بین زن و مرد بدون طلاق خواهد بود.[5]

---

[1] کافی،ج۵،ص۲۷۶،ح۴.

[2] کافی،ج۵،ص۲۷۶،ح۲.

[3] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۳،ح۹۸.

[4] کافی،ج۵،ص۲۷۶،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۷،ح۱۰۹.

[5] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۲،ح۴۶۰۵.

۲۰۲۳). محمد بن اسماعیل می گوید: خدمت امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: انسان می تواند برای مدت یک سال، یا بیشتر و یا کمتر زن موقت بگیرد؟

فرمودند: (آری) اگر ازدواج موقت با اجرت معین و مدت معین باشد.

گفتم: بعد از پایان مدت، بدون طلاق از هم جدا می شوند؟

فرمودند: آری.[۱]

۲۰۲۴). یکی از اصحاب گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: مردی چندین مرتبه با یک زن ازدواج موقت می نماید، (چه حکمی دارد)؟

فرمودند: « **لابأس یتمتع منها ماشاء** » اشکالی ندارد، هر مقداری که می خواهد با این زن ازدواج موقت نماید.[۲]

۲۰۲۵). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: مردی که با زنی ازدواج موقت کرده است، چند بار دیگر می تواند به او برگشته و دوباره ازدواج موقت کند؟

فرمودند: هر اندازه که دوست داشته باشد.[۳]

۲۰۲۶). عمر بن حنظله می گوید: « **قلت لابي عبدالله** علیه‌السلام: **أتزوج المرأة شهرا بشئ مسمى فتأتي بعض الشهر ولا تفي ببعض الشهر، قال: تحبس عنها من صداقها بقدر ما احتبست عنك إلا أيام حيضها فإنها لها** » به امام صادق علیه‌السلام گفتم: زنی را یک ماهه به مبلغی صیغه می کنم، و زن بعضی از ماه را به نزد من می آید و وفا به همه مدت نمی کند؟ فرمودند: اجرت او را به همان مقدار نگه دار، مگر ایام حیضش زیرا که آن روز ها از آن خود اوست.[٤]

۲۰۲۷). ریان بن شبیب طی نامه ای به امام کاظم علیه‌السلام نوشت: مردی با زنی، با مهریه و مدت

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۷،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۱۵،ح۱۰۴.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۷۷،ح۲.

[۳] قرب الاسناد،ص۱۰۹.

[٤] من لایحضره الفقه،ج۳،ص۳۰۱،ح۴۵۹۶.

معین ازدواج می کند، قسمتی از مهریه را می پردازد و مابقی را به تاخیر می اندازد. سپس با او مباشرت می کند. پس از مباشرت و پیش از پرداخت مابقی مرد متوجه می شود که زن، شوهر دارد آیا می تواند مابقی مهریه را پرداخت نکند؟

حضرت در پاسخ نوشتند: « **لايعطيها شيئا لانها عصت الله عزوجل** » چیزی به او نپردازد، زیرا او خداوند عزوجل را معصیت کرده است.[۱]

۲۰۲۸). احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: از حضرت امام کاظم ﷺ پرسیدم: مردی همسری دارد، آیا می تواند با خواهر او ازدواج موقت نماید؟

فرمودند: نه.[۲]

احکام نگاه کردن

آیات:

« **قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** » به مردان مؤمن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و دامان خود را (از بی عفتی) حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.[۳]

« **وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا** » و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را (از بی عفتی) حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار از آنان که نمایان است آشکار

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۷۸،ح۵.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۰۷،ح۸۰. الاستبصار،ص۵۴۴،ح۷.

[۳] سوره نور، آیه۳۰.

ننمایند.[۱]

روایات:

۲۰۲۹). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله** » نگاه کردن (به نامحرم) تیری از تیرهای مسموم ابلیس است و ای بسا که یک نگاه باعث حسرتی طولانی گردیده است.[۲]

۲۰۳۰). امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: « **ما من أحد إلا وهو يصيب حظا من الزنا فزنا العينين النظر وزنا الفم القبلة وزنا اليدين اللمس** » هیچ کسی نیست مگر آنکه بهره ای از زنا می برد، پس زنای چشمان، نگاه، زنای لب، بوسه و زنای دستان لمس کردن است.[۳]

۲۰۳۱). حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لعن رسول الله صلی الله علیه و آله من نظر إلى فرج امرأة لا تحل له، ورجلا خان أخاه في امرأته، ورجلا احتاج الناس اليه لفقهه فسألهم الرشوة** » رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت نمود کسی را که به فرج زنی نگاه کند که بر او حلال نیست و مردی که به زن برادر (دینی) خود خیانت نماید و مردی که مردم برای آموختن علوم (دین) خود به او نیاز پیدا کنند و او از آنها مزد بطلبد.[٤]

۲۰۳۲). حضرت صادق علیه السلام فرمودند: « **النظرة سهم من سهام ابلیس مسموم من ترکها لله عزوجل لا لغیره اعقبه الله ایمانا یجد طعمه** » نگاه کردن (به نامحرم) تیری از تیرهای مسموم شیطان است، هرکس آن را برای خداوند عزوجل نه برای غیر او ترک کند خداوند متعال ایمانی که شخص مزه آن را درک میکند جایگزین آن نظر خواهد نمود.[٥]

---

[۱] سوره نور، آیه۳۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۳۳۷،ح۱۲.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۳۷،ح۱۱.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۶،ص۲۲۴،ح۵۳۴.

[٥] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۱۷،ح۴۹۶۹.

۲۰۳۳). همچنین آن حضرت فرمودند: « **النظرة بعد النظرة تزرع في القلب الشهوة وكفى بها لصاحبها فتنة** » نگاهِ بعد از نگاه، بذر شهوت را در دل می کارد و این خود برای به فتنه کشاندن صاحبش کافی است.[1]

۲۰۳۴). همچنین فرمودند: « **أول النظرة لك، والثانية عليك ولا لك، والثالثة فيها الهلاك**» نگاه اول از آنِ توست، نگاه دوم به زیان توست نه به سود تو و نگاه سوم مایه هلاکت است.[2]

۲۰۳۵). همچنین فرمودند: « **من نظر إلى امرأة فرفع بصره إلى السماء أو غمض بصره لم يرتد إليه بصره حتى يزوجه الله من الحور العين** » هرکس نگاهش به زن (نامحرمی) بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را برهم نهد، هنوز چشم برهم نزده که خداوند حورالعین به ازدواج او در می آورد.[3]

۲۰۳۶). امام صادق به نقل از امام باقر عليهما السلام فرمودند: « **لابأس أن ينظر الرجل إلى شعر امه أو اخته أو ابنته** » اشكالی ندارد که مرد به موی سر مادر یا خواهر و یا دختر خود نگاه کند.[4]

۲۰۳۷). رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس به داخل خانه همسایه اش نگاه کرده و عورت مرد یا موی زن یامقداری از بدنش را ببیند، سزاوار است که خدا او را همراه با منافقینی که در پی عیوب مردم بودند، به جهنم برد؛ و تا خداوند او را رسوا ننماید؛ از دنیا خارج نخواهد شد و در آخرت نیز عورتش را برای مردم نمایان خواهد نمود.

و کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می آید که دستهایش به گردنش بسته شده است . آنگاه دستور می رسد او را به جهنم ببرید و کسی که با زن نامحرمی شوخی کند، در مقابل هر کلمه ای که در دنیا به او گفته است ، هزار سال حبس می شود و اگر

---

[1] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۱۷،ح۴۹۷۰.
[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۱،ص۴۶۵۸.
[3] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۱،ص۴۶۵۷.
[4] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۱،ص۴۶۵۹.

مردی زنی را با رضایت او ار راه حرام در آغوش بکشد، ببوسد، یا با او نزدیکی یا شوخی کند و در این بین گناهی اتفاق بیفتد، آن زن همان قدر گناهکار است که مرد گناه کرده و اگر مرد بزور این کارها را انجام دهد، گناه هر دو بعهده مرد است.

و کسی که چشمانش را از نگاه حرام به زنی پر کند، خداوند در روز قیامت چشمانش را با میخهایی آتشین و آتش پر می نماید و تا زمانی که خداوند بین مردم حکمی می نماید، بدین حالت خواهد بود. آنگاه دستور می رسد که او را به جهنم ببرید.[۱]

۲۰۳۸). همچنین آن حضرت ﷺ در حدیث مناهی فرمودند: « **ومن ملا عینیه من حرام ملا الله عینیه یوم القیامة من النار، الا ان یتوب ویرجع** » و کسی که چشم خود را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می کند مگر آنکه توبه کند و برگردد.[۲]

۲۰۳۹). و نیز فرمودند: « **و من صافح امرأة تحرم علیه فقد باء بسخط من الله عزوجل، ومن التزم امرأة حراما قرن في سلسلة من نار مع شیطان، فیقذفان في النار** » و کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، غضب خداوند را خریده است و کسی که با زنی به حرام همبستر شود با شیطانی به زنجیر کشیده می شود و هر دو در آتش می افتند.[۳]

۲۰۴۰). یکی از اصحاب خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: « **مایحل للرجل أن یری من المرأة إذا لم یکن محرما؟ قال: الوجه والکفان والقدمان** » اگر زن نامحرم باشد، چه مقدار برای مرد حلال است که از اعضای بدن را او ببیند؟ فرمودند: صورت، دو کف دست و دو پا (تا مچ).[٤]

---

[۱] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۳۳۲.

[۲] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵، ح۴۹۶۸.

[۳] من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۵، ح۴۹۶۸.

[٤] کافی، ج۵، ص۳۱۵، ح۲.

۲۰۴۱). امام صادق عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: « **لاحرمة لنساء أهل الذمة أن ينظر إلى شعورهن وأيديهن** » زنان ذمی حرمتی ندارد که به موها و دستانشان نگاه شود.[۱]

۲۰۴۲). و حضرت صادق عليه السلام فرمودند: نگاه کردن به موی زنان تهامه، زنان بادیه نشین و زنان بی دین مانعی ندارد، زیرا که آنان در صورتی که نهی شوند نمی پذیرند.

حضرتش فرمودند: زن دیوانه و زن بی عقل و سفیه نیز همین حکم را دارند که نگاه کردن به موها و بدن آن ها مانعی ندارد، در صورتی که تماشا عمدی (و از روی شهوت) نباشد.[۲]

۲۰۴۳). احمد بن ابی عبدالله می گوید: روزی ابن ام مکتوب (که نابینا بود) از پیامبر صلى الله عليه وآله اجازه ورود گرفت. در آن هنگام عایشه و حفصه نزد پیامبر صلى الله عليه وآله بودند. ایشان به آن دو فرمود: برخیزید و داخل اتاق بروید.

عایشه و حفصه گفتند: او نابینا است؟

حضرت فرمود: اگر او شما را نمی بیند، شما که او را می بینید.[۳]

۲۰۴۴). رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: « **اشتد غضب الله عزوجل على امراه ذات بعل ملات عينها من غير زوجها او غير ذى محرم منها فانها ان فعلت ذلك احبط الله كل عمل عملته فان او طات فراش غيره كان حقا على الله تعالى ان يحرقها بالنار بعد ان يعذبها فى قبرها** » خداوند عزوجل از زنی که چشم خود را از غیر شوهر یا محرم خود پر کند، بشدت خشمگین می گردد و بدون تردید اگر چنین کند، خداوند تمام کارهای نیك او را از بین می برد و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد، به عهده خدای متعال است که پس از عذاب نمودن او در قبرش ، با آتش او را بسوزاند.[٤]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۳۱۶،ح۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۳۱۶،ح۱.

[۳] کافی،ج۵،ص۳۲۲،ح۲.

[٤] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال،ص۳۳۸.

۲۰۴۵). ابوحمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: زن مسلمانی دچار بلایی (مانند شکستگی یا زخمی) در بدنش می شود، و این شکستگی و زخم در جایی (از بدن) است که نگاه کردن نامحرم به آن جایز نیست، و از طرفی مردان نسبت به زنان به مداوای آنان ماهرترند. آیا طبیب مرد می تواند به عضو صدمه دیده این زن بنگرد؟

فرمودند: هرگاه اضطرار پیش آید، و آن زن تمایل داشته باشد طبیب مرد می تواند او را معالجه کند.[۱]

[۱] کافی،ج۵،ص۳۲۲،ح۱.

« احکام شیر دادن »

۲۰۴۶). عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: « **یحرم من الرضاع ما یحرم من القرابة** » تمامی کسانی که به سبب قرابت تحریم (ومحرم) شده اند، با شیر خوردن نیز تحریم (ومحرم) خواهند شد.[1]

۲۰۴۷). امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمودند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « **یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب** » کسانی که به سبب نسب تحریم (ومحرم) شده اند، با شیر خوردن نیز تحریم (و محرم) می شوند.[2]

۲۰۴۸). ابی صباح کنانی می گوید: از حضرت صادق علیه السلام در مورد شیر خوردن سوال شد؟ فرمودند: همچنان که نسب سبب تحریم (و محرمیت) می شود، شیر خورد نیز سبب تحریم (و محرمیت) خواهد شد.[3]

شرایط شیردادنی که علّت محرم شدن است

۲۰۴۹). زیاد بن سوقه می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا برای شیر دهی حدی است که به آن گرفته شود؟

حضرت فرمودند: شیر دهی کمتر از یک شبانه روز، یا پانزده بار شیر دادن از یک زن پی در

---

[1] کافی،ج۵،ص۲۶۳،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۴۳،ح۱۸۴.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۲،ح۴۶۶۵.

[3] کافی،ج۵،ص۲۶۳،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۴۲،ح۱۸۰.

پی که شیر آن زن حاصله از یک شوهر باشد و همچنین شیر دادن زنی دیگر غیر از او بین آن جدایی و فاصله نیدازد سبب محرمیت و حرمت (ازدواج) نمی شود. پس اگر زنی پسر بچه یا دختر بچه ای را از شیر یک شوهر ده بار شیر دهد و زن دیگری از شیر حاصله از شوهر دیگری ده بار آن دو را شیر دهد، ازدواج آن دو با هم حرام نمی شود.[۱]

۲۰۵۰). زراره گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: ده بار شیر دادن، سبب محرمیت و حرمت (ازدواج) هیچ چیزی نمی شود.[۲]

۲۰۵۱). عبد الله بن بکیر گوید: از حضرت صادق عليه‌السلام شنیدم که می فرمودند: « **عشر رضعات لاتحرم** » ده بار شیر دادن، سبب محرمیت و حرمت (ازدواج) نمی شود.[۳]

۲۰۵۲). ابن رئاب گوید: خدمت امام صادق عليه‌السلام گفتم: « **ما یحرم من الرضاع؟ قال: ما أنبت اللحم وشد العظم، قلت: فتحرم عشر رضعات؟ قال: لا لانها لا تنبت اللحم ولا تشد العظم عشر رضعات** » چه مقدار از شیر باعث حرمت و محرمیت می شود؟ فرمودند: آنچه که باعث رویش گوشت شده و استخوان را محکم کند. گفتم: آیا ده بار شیر دادن باعث محرمیت می شود؟ فرمودند: ده بار گوشت نمی آورد و استخوان را محکم نمی کند.[٤]

۲۰۵۳). عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق شنیدم عليه‌السلام که فرمودند: « **لا یحرم من الرضاع إلا ما أنبت اللحم وشد العظم** » با شیر خوردن حرمت (ازدواج) و محرمیت به وجود نمی آید مگر اینکه (به سبب شیر خوردن) گوشت بروید و استخوان محکم شود.[٥]

۲۰۵۴). همچنین آن حضرت فرمودند: « **لایحرم من الرضاع إلا ما أنبت اللحم والدم** » با

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۷،ح۲۶۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۶،ح۲۵۶.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۶،ح۲۵۷.

[٤] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۶،ح۲۵۵.

[٥] کافی،ج۵،ص۲۶۴،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۵،ح۲۵۰.

شیر خوردن حرمت (ازدواج) و محرمیت به وجود نمی آید مگر اینکه (به سبب شیر خوردن) گوشت و خون بروید.[۱]

۲۰۵۵). ابن ابی یعفور می گوید: از (حضرت صادق علیه السلام) در مورد آنچه از شیردادن ها که موجب حرمت (ازدواج) و محرمیت می شود، سوال کردم؟

فرمودند: در صورتی که (در هر بار چنان) شیر بخورد، تا شکم او پر شود، این مقدار است که گوشت و خون می رویاند، و این است که موجوب محرمیت و حرمت (ازدواج) می شود.[۲]

۲۰۵۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: شیر دادنی که گوشت و خود را برویاند آن است که طفل (در هر بار) چنان شیر بخورد که سیر و پر شود و از شیر خوردن دست بکشد.[۳]

۲۰۵۷). رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امیرالومنین علیه السلام فرمودند: « **لا رضاع بعد فطام، ولا يتم بعد احتلام** » بعد از گرفته شدن از شیر، شیر دادنی نیست، و بعد از بالغ شدن، یتیمی نباشد.[٤]

بیان: یعنی بعد از پایان دوره شیر خوارگی که دو سال کامل است، با شیر خوردن محرمیت حاصل نمی شود. و اگر زنی کودک فرد دیگری را که دوسالش تمام شده است شیر دهد این شیر دادن موجب محرمیت رضاعی نمی شود. و یتیم نیز تا زمانی یتیم محسوب می شود و احکام یتمی بر او بار می گردد که به سن بلوغ نرسیده باشد. وقتی که به سن بلوغ و احتلام رسید دوره یتیمی به سر می آید.

۲۰۵۸). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **لارضاع بعد فطام** » بعد از باز گرفته شده از شیر، شیــر

---

[۱] کافی،ج۵،ص۴۴۲،ح۵. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۵،ح۲۵۱.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۹،ح۲۶۴.

[۳] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۶۹،ح۲۶۳.

[٤] من لایحضره الفقیه،ج۴،ص۲۶۰.

دادنی نیست.[1]

۲۰۵۹). و آن حضرت فرمودند: « **الرضاع قبل الحولين قبل أن يفطم** » شیر دادنی (که سبب محرمیت می شود) پیش از دو سالگی کودک، پیش از باز گرفته شدن از شیر است.[2]

۲۰۶۰). حماد بن عثمان می گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند: بعد از گرفته شدن از شیر، شیر دادنی نیست.

گفتم: فدایتان شوم باز گرفته شده از شیر چیست؟

فرمودند: همان دوسالی که خداوند متعال فرموده است.[3]

۲۰۶۱). یونس بن یعقوب می گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: از پستان زنی بدون اینکه زایمانی کند، شیر جاری شد و آن زن با شیر خود، دختر و پسری را شیر داد، آیا با این شیر بی زایمان، حرمت رضاعی به وجود می آید؟

حضرت فرمودند: نه.[4]

بیان: پس شیر خوردنی سبب محرمیت می شود که شیر دادن حداقل یک شبانه روز یا پانزده بار پی در پی باشد که شیر دادن زن دیگری بین آن جدایی و فاصله نیندازد. و کمتر از آن محرمیت حاصل نمی کند و بچه در هر مرتبه چنان شیر بخورد که شمکش سیر شود و از شیر خوردن دست بکشد، زیرا چنین شیر خوردنی است که موجب رویش گوشت و خون و محکم شدن استخوان می شود. و باید دوسال بچه تمام نشده باشد، و اگر بعد از تمام شدن دوسال او را شیر دهند به کسی محرم نمی شود. و اینکه شیر در نتیجه ولادت حاصل شده و از یک شوهر باشد.

---

[1] کافی،ج۵،ص۲۶۷،ح۱.

[2] کافی،ج۵،ص۲۶۷،ح۲.

[3] کافی،ج۵،ص۲۶۷،ح۳.

[4] کافی،ج۵،ص۲۶۹،ح۱۲. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۴،ح۴۶۸۲.

آدب شیر دادن

۲۰۶۲). رسول خدا ﷺ فرمودند: هر زنی که به قصد صلاح در خانه شوهری چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر نماید، و کسی که خداوند به او نظر نمود عذابش نخواهد کرد.

امّ سلمه گفت: مردان همه خیرها را بُردند، پس براي زنان و مساکین چه می ماند؟

فرمودند: آری، هرگاه زن باردار می شود، به منزله کسی است که روزها روزه است و شبها به عبادت مشغول و با جان و مال خود در راه خدا جهاد می کند، و آنگاه که وضع حمل کند، نمی دانی چقدر اجر و ثواب دارد، بس که ثوابش زیاد است! و هرگاه شیر می دهد، به اِزاي هر دفعه که کودک می مکد، برابر با آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل اَجر دارد، و چون از شیر دادن فارغ شد، فرشته ای به پهلویش می زند و می گوید: از نو به اعمالت بپرداز که (پاک و آمرزیده شدی.[1]

۲۰۶۳). امیرالمومنین علیه‌السلام فرمودند: « **ما من لبن يرضع به الصبي أعظم بركة عليه من لبن امه** » هیچ شیری که نوزاد از آن استفاده کند (نافع تر) و با برکت تر از شیر مادرش نیست.[2]

۲۰۶۴). حضرت امام صادق علیه‌السلام به ام اسحاق دختر سلیمان در حالی که یکی از دو فرزنش محمد یا اسحاق را شیر می داد نظر افکنده و فرمودند: او را تنها از یک پستان شیر مده بلکه از هر دو پستان او را سیر کن زیرا که یکی به منزله طعام و دیگر نوشیدنی است.[3]

۲۰۶۵). سماعه بن مهران گوید: حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: « **الرضاع واحد وعشرون شهرا فما نقص فهو جور على الصبي** » شیر دادن بیست و یکم ماه است، و هرچه از این مقدار

---

[1] امالی شیخ صدوق،ص۳۳۵،ح۷.

[2] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۲،ح۴۶۶۳.

[3] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۲،ح۴۶۶۴.

کمتر شود، بر کودک ستم شده است.[۱]

بیان: یعنی حداقل آن بیست و یک ماه است، چنانچه که خواهد آمد.

۲۰۶۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: « **الفرض في الرضاع احد وعشرون شهرا فما نقص عن احد وعشرين شهرا فقد نقص المرضع، وان اراد ان يتم الرضاع فحولين كاملين** » مقدار واجب در شیر دادن بیست ویک ماه است، پس هرچه از بیست ویک ماه کم شود شیر دهنده (شیر دهی را) ناقص کرده است، و اگر می خواهد شیر دادن را کامل کند، باید دو سال کامل شیر بدهد.[۲]

۲۰۶۷). علی بن جعفر می گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: زنی از راه زنا صاحب فرزندی شده است، آیا صحیح است که به دایگی گرفته شود؟

فرمودند: نه، و همچنین نمی توان دختر او را که از زنا به عمل آمده است، به دایگی گرفت.[۳]

بیان: نهی در این حدیث و احادیث بعد محمول بر کراهت است.

۲۰۶۸). محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: شیر زن یهودی، نصرانی و مجوسی برای دایگی در نزد من محبوب تر است از شیر زنی که ولد الزنا است.[٤]

۲۰۶۹). عبد الله حلبی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: زنی از راه زنا صاحب فرزندی شده است، آیا می توانم او را به دایگی بگیرم؟

فرمودند: نه او را به شیر دهی استخدام کن و نه دخترش را.[٥]

۲۰۷۰). فضیل بن یسار می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: « **رضاع اليهودية**

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۱،ح۴۶۶۱. تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۷۹،ح۳۵۳.

[۲] تهذیب الاحکام،ج۸،ص۱۷۹،ح۳۵۴.

[۳] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۱۱. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۴،ح۴۶۷۸.

[٤] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۵. من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۴،ح۴۶۸۱.

[٥] کافی،ج۶،ص۲۸،ح۱.

والنصرانية خير من رضاع الناصبة » شیر دادن زن یهودی و زن نصرانی بهتر است از شیر دادن زن ناصبی.[1]

۲۰۷۱). امیرالمومنین عليه السلام فرمودند: « **انظروا من ترضع أولادكم فإن الولد يشب عليه** » مراقب باشید که دایۀ مناسبی برای فرزندان خود بیابید که شخصیت کودک با شیر دایه پرورش می یابد.[2]

۲۰۷۲). امیرالمومنین عليه السلام همواره می فرمودند: « **لا تسترضعوا الحمقاء فإن اللبن يغلب الطباع، وقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تسترضعوا الحمقاء، فإن الولد يشب عليه** » زن بی عقل را به دایگی نگیرید، زیرا شیر بر سرشت انسان غلبه می کند. و رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: زن بی عقل را به دایگی نگیرید، زیرا کودک به همان صورت رشد می کند.[3]

۲۰۷۳). محمد بن مروان می گوید: امام باقر عليه السلام به من فرمودند: « **استرضع لولدك بلبن الحسان، وإياك والقباح فإن اللبن قد يعدى** » زنان زیبا رو را به دایگی فرزندت انتخاب کن و بر تو باد دوری از زنان زشت رو، چرا که شیر در سرشت کودک تاثیر می گذارد.[4]

۲۰۷۴). همچنین فرمودند: « **عليكم بالوضاء من الظؤرة فإن اللبن يعدى** » بر شما باد که فرزندان خود را به دایه های پاک و نظیف بسپارید، زیرا شیر دایه در وجود فرزند اثر می گذارد.[5]

مسائل متفرّقۀ شیر دادن

۲۰۷۵). عمار ساباطی می گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: پسری از زنی شیر خورده است،

---

[1] رجال النجاشی،ص۲۱۹.

[2] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۱۰.

[3] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۹.

[4] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۱۲.

[5] کافی،ج۶،ص۲۹،ح۱۳.

آیا می تواند با خواهری که از پدر رضاعی خود دارد، ازدواج کند؟

فرمودند: نه، زیرا هر دو از شیر یک شوهر و از شیر یک زن خورده اند.

پرسیدم: آیا می تواند با خواهری که از مادر رضایش دارد ازدواج کند؟

فرمودند: ایرادی ندارد، زیرا خواهری که به این پسر شیر نداده است، صاحب شیر او مردی غیر از صاحب شیر خواهری است که به این پسر شیر داده است. پس دو صاحب شیر مختلف اند بنابر این ازدواجشان ایرادی ندارد.[۱]

۲۰۷۶). حلبی گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: مردی در کودکی از زنی شیر خورده است، آیا می تواند با خواهری که از مادر رضاعی اش دارد، ازدواج کند؟

فرمودند: اگر این دو زن از یک مادر و شیر یک شوهر ارتزاق کرده اند، جایز نیست.

و اگر آن دو زن از یک مادر و شیر دو شوهر جداگانه شیر خورده باشند، ازدواج ایرادی ندارد.[۲]

۲۰۷۷). عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: شیر پدر، چه شیری است؟

فرمودند: در جایی که همسرت از شیر تو و شیر فرزندت، فرزند زن دیگری را شیر دهد، در این صورت محرم (و ازدواج با او) حرام می شود.[۳]

۲۰۷۸). سماعه گوید: به حضرتش گفتم: شخصی دو همسر دارد و هر یک پسری زاییده است و یکی از دو همسر طلاق می گیرد، سپس دختر بیگانه ای را شیر می دهد، آیا پسر آن مرد می تواند با این دختر ازدواج کند؟

فرمودند: نه، زیرا دختر از شیر همین مرد شیر داده شده است.[٤]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۶۷،ح۱۰. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۴،ح۲۷۸. الاستبصار،ص۵۷۴،ح۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۶۷،ح۱۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۵،ح۲۸۰. الاستبصار،ص۵۷۴،ح۸.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۶۵،ح۱. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۲،ح۲۷۳ . الاستبصار،ص۵۷۳،ح۱.

[٤] کافی،ج۵،ص۲۶۵،ح۲. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۳،ح۲۷۴ . الاستبصار،ص۵۷۳،ح۲.

۲۰۷۹). مالک بن عطیه گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی همسری اختیار کرده و زن از وی حامله گذشته و پسری آورده است، سپس آن زن از شیرش دختری را کامل شیر داده است. آیا پسر مرد صاحب شیر که از همسر دیگر اوست می تواند با آن دختر که زن پدرش او را شیر داده است، ازدواج کند؟

فرمودند: نه، زیرا وی به منزله خواهر رضاعی او می باشد، چون شیر از یک مرد حاصل شده است.[۱]

۲۰۸۰). صفوان بن یحیی می گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مادرم با شیر من، دختر بیگانه ای را شیر داده است؟

حضرت فرمودند: آن دختر، خواهر رضاعی تو خواهد بود.

گفتم: آیا این دختر برای برادر من که (در شکم بعدی زاییده شده) و این دختر با شیر او پرورش نیافته است، حلال است؟

فرمودند: پدر تو و برادرت یکی است؟

گفتم: آری، ما برادر تنی هستیم.

فرمودند: شیر از آن شوهر است، پدر تو، پدر آن دختر است و مادرِ تو، مادر آن دختر خواهد بود، (و برادر تو برادر رضاعی آن دختر).[۲]

۲۰۸۱). عبدالله بن سنان می گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: برای زن جایز نیست که عم و دایی رضایی اش با او ازدواج کنند.[۳]

۲۰۸۲). عثمان بن عیسی می گوید: خدمت امام ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: برادرم با زنی

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۳،ح۴۶۷۱.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۶۴،ح۷. تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۶،ح۲۸۵.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۶۹،ح۱۰.

ازدواج کرده است و او برایش فرزندی بدنیا آورده سپس او را طلاق می دهد. پس او دختر بیگانه ای را شیر می دهد، آیا می توانم با دختری که همسر برادرم شیر داده است ازدواج کنم؟

فرمودند: نه، زیرا که شیر دادن همانند نسب سبب محرمیت (و حرمت ازدواج) می شود.[۱]

۲۰۸۳). محمد بن مسلم می گوید: امام باقر علیه السلام فرمودند: « **لو أن رجلا تزوج جارية رضيعة فأرضعتها امرأته فسد النكاح** » اگر مردی دختر نوزادی را تزویج کند، و آن دخترک را همسر آن مرد شیر دهد نکاح باطل می شود.[۲]

بیان: بلکه نکاح هر دو زنش باطل می شود بدان جهت که پس از شیر دادن، زوجه اش مادر عیالش خواهد شد و دخترک فرزند رضاعی اش گردیده است، که بیان این مطلب در حدیث امام باقر علیه السلام خواهد آمد.

۲۰۸۴). حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر مردی با دختر شیرخواری ازدواج کند، و همسرش او را شیر دهد، ازدواج و نکاح باطل می شود.

حلبی گوید: پرسیدم: همسر مردی دختری را شیر می دهد آیا این دختر برای پسر آن مرد (صاحب شیر ولو اینکه فرزند دیگرش باشد) حلال است؟

فرمودند: نه.

عرض کرد: آیا این دختر به منزله خواهر رضاعی است؟

فرمودند: آری، از جانب پدر.[۳]

۲۰۸۵). عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که با دختر نوزادی ازدواج کند و همسر یا کنیز شخصی او، دختر نوازاد را با شیر خود، شیر دهد. فرمودند: این دختر بـر او

---

[۱] تهذیب الاحکام،ج۷،ص۳۷۸،ح۲۷۹.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۳،ح۴۶۷۰.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۶۴،ح۴.

حرام می شود.[۱]

بیان: اما اگر علم به حصول شیر دادن باشد، ولی ندانند که آن حدی که باعث حرمت می شود شیر خورده است یا نه در این صورت ازدواج جایز است.

۲۰۸۶). ابو یحیی حناط می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: دختر برادرم در دامن کفالت من زندگی می کند، من تصمیم دارم که او را به پسرم تزویج کنم، ولی یکی از همسرانم می گوید: ما این دو را با هم شیر داده ایم.

حضرت فرمودند: تا چه حد با هم شیر خورده اند؟

گفتم: نمی دانم.

فرمودند: حد شیر خواری آنان را مشخص کن تا مدّت آن را (که باعث حرمت ازدواج می شود) بیان نمایم.

گفتم: نمی دانم.

فرمودند: آنان را باهم تزویج کن.[۲]

۲۰۸۷). علی بن مهزیار گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدند: مردی با دختر کوچکی ازدواج کرد، یکی از همسرانش و پس از آن همسر دیگرش به این دختر بچه شیر دادند و ابن شُبرمه در این خصوص حکم نموده که دخترک بر مرد حرام می شود (آیا این فتوای صحیح است؟)

حضرت فرمودند: ابن شبرمه اشتباه کرده است: دخترک و آن زنی که اول به او شیر داد، بر مرد حرام می شوند، اما زنی که بعد از زن اول شیر داد، بر او حرام نمی شود، زیرا که گویی به دختر خود شیر داده است.[۳]

---

[۱] کافی،ج۵،ص۲۶۴،ح۶.

[۲] کافی،ج۵،ص۲۶۴،ح۸.

[۳] کافی،ج۵،ص۲۶۹،ح۱۳.

۲۰۸۸). ایوب بن نوح می گوید: علی بن شعیب به امام کاظمؑ نامه ای نوشت و از حضرتش پرسید: زنی یکی از فرزندان مرا شیر داده است، آیا برای من جایز است که یکی از فرزندان آن زن را به ازدواج در آورم؟

امام در پاسخ نوشتند: « **لایجوز لك ذلك لان ولدها صارت بمنزلة ولدك** » این کار برای تو جایز نیست، زیرا که فرزندان آن زن به منزله فرزندان تو شده اند.[۱]

۲۰۸۹). عبدالله بن جعفر حمیری خدمت امام حسن عسکری ؑ نامه نوشت و از آن حضرت پرسید: زنی بچه های مردی را شیر داده است، آیا برای این مرد حلال است که دختر آن زن شیر دهند را به ازدواج در آورد یا خیر؟

حضرت در جواب نوشتند: « **لا یحل ذلك له** » این کار برای او حلال نیست.[۲]

به فضل خداوند عزوجل جلد دوم کتاب **عمدة الکلام** در بیست و هفتم رمضان سال هزار وچهار صد وچهل دو هجری قمری به پایان رسید، شروع مجلد سوم با احکام طلاق خواهد بود. والحمد لله اولاً و آخراً والصلوة علی سید المرسلین محمد و آله الاطهرین الاقدسین و لعنة الله علی اعدائم اجمعین الی یوم الدین.

---

[۱] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۳،ح۴۶۶۸.

[۲] من لایحضره الفقیه،ج۳،ص۳۱۳،ح۴۶۶۹.